acrshop

میراث زرّین

اولین مرجع و منبع رمزگشایی کامل آثار علائم ، نمادها ، نشانه ها و اسرار نظامی دفینه ها

نمادها

نشانه ها

تپه ها

مقبره ها

تله ها

طلسمات

کارشناسی اشیاء

سند ها ونسخه ها

گردآورنده: ولی صفری

فهرست مطالب

عنوان | صفحه

بخش نخست رمزگشایی انواع علامت و نشانه ها:

Dafayens

روشهای شناخت , شکستن و خنثی سازی انواع تله ها و طلسمات دفینه ها:

طلسمات در دفینه یابی :

رمزگشایی انواع آئین های تدفین , قبرها , تپه ها و تومولوس های باستان :

بخش دایره المعارف مکان های دفن دفینه ها و گنج ها:

راه های کشف , تشخیص اصالت اشیاء و کارشناسی اجناس دنیای باستان بصورت کامل و جامع:

مقدمه:

خداوند بزرگوار و منان را شاکریم که این لطف را دوباره به ما ارزانی داشت تا اولین منبع و مرجع کامل رمزگشایی آثار و نشانه ها رادر برگ تاریخ این مرز و بوم ثبت نماییم و مایه راهنمایی و دلگرمی عزیزان و گنج پژوهان و محققین عزیز ایران زمین باشیم.

اولین کتاب مجموعه رمزگشایی علائم و آثار با نامی کاملا بومی به اسم "میراث زرین" که بیانگر میراث و نشانه های بسیار کهن و تاریخی این مرزو بوم هزار دوران و هزاران رنگ دیده می باشد شدیم و برگ جدیدی از مجموعه نشانه های ایران عزیز را ورق زدیم.

این مجموعه شامل بخش هایی از مبحث علمی رمزگشایی و چگونگی شناخت دفینه , گنجینه ها و دفینه های اسلامی و غیر اسلامی و همچنین مطالب و نکات حائز اهمیت درباره گنج و دفینه یابی و راههای موفقیت در آن بوده و بنده در این کتاب سعی کرده ام تا حتی الامکان ,راه حل ها و رمز گشایی های رابصورت جامع و دقیق ؛ ذکر نمایم.

این مجمومه مرجع علائم باستان شناسی است که در اختیار شما دوستان عزیز قرار داده شده است همانطور که میدانید پدران ما برای حفظ اشیاء و سرمایه های خود از این آثار و علائم به عنوان مکانی امن جهت مخفی سازی اموال خود استفاده میکردند . امروزه برای ما معمایی بزرگ و غیر قابل حدس میباشد که معانی آنها از این نمادها چیست و چه چیزهایی از ما میخواهند. ولی خوشبختانه با پیشرفت علم تاریخ شناسی این اسرار با همت کارشناسان باستان شناس عزیز رمز گشایی شده و اکنون در اختیار شما عزیزان قرار داده شده است .

شایان ذکر است این مجموعه با کمک اساتید بسیار گرامی و عزیز علوم باستان , منابع و نسخه های بسیار کهن ایران زمین , برگرفته از مطالب و استادان این رشته ,کتب و مقالات باستان شناسی و مجموعه اسرار نظامی (مجموعه رموزات و نشانه های دفینه) همراه با تلفیق تجربیات خودمان و منابع و مرجع علوم باستانی با مرارت و رنج های بسیار تهیه و تدوین گردیده است و همینک در دست شما بزرگواران می باشد و حتی الامکان سعی نموده ایم تا شما سروران و گنج پژوهان گرامی را با یک گام دیگر به موفقیت نزدیک تر نماییم.

حال پیشنهاد می کنیم برای درک بهتر این مطالب و یادگیری هر چه بیشتر و بهتر مباحث مربوطه , قبل از هر چیز , پکیج های دفاین که تاکنون منتشر کرده ایم (پکیج یک , تکمیلی , مقبره و تپه ها , سری اول نشانه های کهن و تمدن های کهن)را یکبار بصورت دقیق کامل ودقیق مطالعه نموده و پس از آن , اقدام به خواندن و مطالعه این مجموعه بفرمایید.

این مجموعه را هم مانند مجموعه های قبل خودم تقدیم ایران دوستان می نمایم و امیدوارم با مطالعه این مجموعه بتوانید درک بهتری از علائم و نشانه های مشکوفه داشته و درصورت موفقیت و رسیدن به اهداف خود , برای اینجانی از ایزد یکتا طلب بهروزی و بهزیستی بنمایید و بنده را از دعاهای خیر و پربرکت خودتان دریغ نفرمایید.

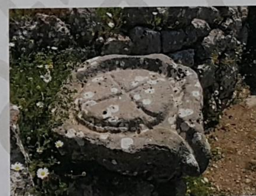
مهر ۱۳۹۲ خورشیدی - ولی

علائم شناسی چیست؟



علم علائم شناسی دفینه یک علم قائم به ذاتی است که در مورد علم آثار و آرکوئولوژی می باشد و برای این علم قواعد و اصول و اسرار مخصوصی می باشد.در آن استدلالی است برای باطن زمین از دفینه ها که آن کشورهایی که دارای تاریخ دیرینی هستند مانند ایران و مصر و چین و...باید تحقیقات و پژوهش های عظیمی به منصه ظهور برسد.

این علائم ها چه از نوع حفر یا کنده شده یا اشکال باشد , چه در صخره ها , چه در سنگ ها و چه در مکانهای بسیاری که دلالت بر دفینه دارند و در اغلب اوقات به مقبره ها یا مزارها اشاره می کند نشانه های بخصوصی هستند که نیاکان ما می خواستند به ما حرفی را برسانندو نوع تفکر حال این تفکر مربوط به نوع آئین های مذهبی آنها , علامت های دفینه یا هر چیزی که بوده باشد را به گوش ما برسانند.



اصولا دو نوع اثار در این علم مطرح اند:

اثار مربوط به نسخه واثار نظامی

اثار مربوط به نسخه در اکثر موارد میشود گفت که بطور قطع راجع به آن نمی شود نظر قطعی داد و از یک قانون خاص تبعیت نمی کنند و همیشه باید از روی خود نسخه تحلیل بشوند.

اما اثار نظامی که اول باید بدانیم این اثار چی هستند.

اثار نظامی که در قدیم توسط فرماندهان جنگی استفاده می شد و برای پنهان کردن غنایم جنگی و خراج و استفاده می شد و همیشه یک اصول کلی دارند و اگر شما بتونید یک اثر نظامی واقعی پیدا کنید میشود گفت خیلی به هدف نزدیک هستید.



حالا باید بدانیم اثر نظامی چیه و اگر اثر نظامی رو خوب تشخیص بدهید راحث میتوانید آن را با اثر نسخه تمیز بدهید.

اما نشانه های اثر نظامی:

۱- حتما حتما باید این اثر نظامی شما کامل باشد یعنی اگر حیوان شتر بود باید حتما پا و دست و دم و گوش و....داشته باشد و اگر دقیق و کامل نباشه اثر نظامی نیست و اینقدر با دقت درست شدند که اگر یک بچه ۱۰ ساله ببینه این اثر را و یک پیرمرد ۹۰ ساله هم ببیند بگوید مثلا این فلان حیوانه.و باید شکل کاملا واضح باشد

۲-حتما باید کنار راه مالرو باشد و حداکثر فاصله اش از راه مالرو به اندازه ای هست که یک اسب سوار وقتی داره از راه رد می شود اونو واضح ببیند.

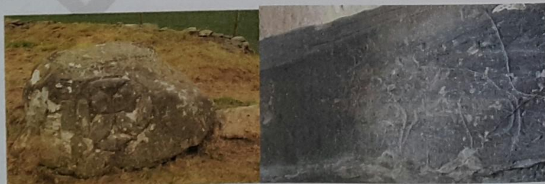
۳-حتما روی خاک قرار دارند و اصلا اثار نظامی زیر خاک قرار ندارند

۴-باید از ۱۰۰ من(۳۰۰ کیلو)بیشتر باشه و نشود حرکتش داد و نوع جنس سنگ و محل قرار گرفتنش طوری تعیین می شود که باد و باران و زلزله هم نتونه تغییرشان بدهد یا جابجایشان کند.

۵-تو تفسیر آثار نظامی باید به آثار دور و بر و نوع سنگ و تفاوتش با سنگ های اون منطقه و عوارض طبیعی (رودخونه و درخت و چشمه و ...) و عوارض ساخت بشر و زبان و فرهنگ اون منطقه توجه کرد.

۶-برای تفسیر اثار نظامی که نزدیک هم یا باهم هستند باید به اسم منطقه و ترکیب تفسیرهای مجموع ان آثار توجه کرد و باید خیلی فکرت رو به کار بندازید تا بتونی تحلیل کنید.

۷-اسم ان محلی که آثار توش قرار گرفته برای تفسیر آثار نظامی مهمه و برای تفسیر و تحلیل نسخه خیلی مهم است.



مهمترین چیزی که تو تفسیر آثار باید توجه داشت منطق هست....که باید بدونیم منطق اون آدمی که اومده و این مال رو دفن کرده چیه:

۱- مال رو طوری دفن می کردند که یک روزی بتوانند در بیاورند.

۲- نشانه ها رو با توجه به نوع عوارض طبیعی اون منطقه و با توجه به حیواناتی که تو اون مناطق زند گی می کردند بدقت انتخاب می کردند تا برای پیدا کردنش دچار مشکل نشوند مثلا نمیومدن حیونی رو انتخاب کنند که مردم اون منطقه نشناسنش و چندین یا چندصد سال بعد برای پیدا کردن اون آثار نتوانند پیداش کنند مثلا اگه تو منطقه ای که یه ظرف یا یه شکل وجود نداشته باشه هیچ کدام از اهالی اون منطقه به اون آثار و مکانی که اون آثار قرار گرفته توجه و اهمیتی نمی دادند و بعد از چند صد سال به فراموشی سپرده می شد و اگر کسی می امد و می گفت که فلان سنگ و یا فلان شکل رو می دونین کجاست کسی نمیتوانست راهنمایشون کنه.....



۳- این منطق اصولی رو دنبال نمیکرده که به سادگی کسی بتواند بار را پیدا کنه....شما باید خودتون رو جای اون شخصی بگذارید که مال رو دفن کرده و با توجه به آثار نظامی و تفسیرش و بقیه نکاتی که باید در نظر بگیرید ببینید بار رو تو چه مکانی پنهان می کردید که به سادگی قابل شناسایی نباشد و البته تو بسیاری از مواقع بار رو جایی میگذاشتند که به فکر کسی نمیرسید که تو همچین جایی بار رو پنهون کردند و باز هم تاکید میکنیم هوش و ذکاوت و تجربه کلید اساسی در تفسیر دقیق آثار هستند....عین یک کارآگاه باید نشانه ها را پیدا و دنبال کنید تا به هدف برسید...

۴- اگه منطقی فکر کنیم و درست تفسیر کنیم جای دقیق دفن گنج رو پیدا می کنیم و این اصل را هم حتما یادتون باشد که اگه جای دقیق رو پیدا کنیم به سادگی میتوانیم مال رو بدست بیاریم و اصلا نیازی به دینامیت و ساروج شکن و کتراک و ...این چیزها نیست...

یادتان باشد همیشه یه دفترچه و یه خودکار و دوربین عکاسی و قطب نما وسایلی اولیه هستش که یک کاوشگر با خودش حمل و استفاده میکنه.

در ابتدا می توان از منطقه مورد نظر با جستجو در ** منقولات** آن منطقه و سرزمین های مجاور آن به اطلاعات ارزنده ای دست پیدا کرد.که این مقوله میتونه شامل افسانه ها وضرب المثل ها و متل ها و داستان ها و خاطرات سالخورده ها و حتی شایعات و... باشند. راستی اسطوره های یک دیار هم بسیار مهم اند.ولی توجه داشته باشید که شما به عنوان یک کاوشگر به

نوعی کار یک محقق را انجام میدهید پس وقتی در حال جمع آوری این اطلاعات می باشید باید به دور از همه ی هیجانات(مخصوصا" مادی) به قضایا گوش داد و تحت تاثیر غلو ها و بسیاری از گزافه گویی ها قرار نگرفته تا در نتیجه و تحلیل و تصمیم دچار اشتباه و صرف وقت و هزینه ی بیمورد نشوید.داشتن یک دفترچه و اختصاص دادن آن در تحقیق در یک منطقه و نکته برداری همه ی شنیده ها و در پای صحبت همه ی بزرگتر ها در آخر بسیار مفید واقع خواهد شد

یک مرحله دیگه که میشه اون رو اجرا کرد بررسی ** محسوسات ** هست که میتونه شامل هر فضا و مکان و امارت ها و بناها و اجسام و ابزار و نقش ها و حتی سکه ها می باشد.

یک قسمت دیگری از بررسی که بررسی** مکتوبات ** هست که بعضی از موارد اون میتونه با * محسوسات مشترک گرفته باشه و یا کسانی یک مورد رو شامل این قسمت بدونن و کسان دیگر اون رو شامل محسوسات و یا بلعکس (که در ادامه مثال خواهیم زد)است.

مثالهای مکتوبات می تواند شامل کتب و روزنامه ها و مجله ها و سفرنامه ها و سندها و قباله ها و نامه ها و کتیبه

حالا نوبت می رسد به ** معقولات ** .به شکل استنتاج و استنباطی که یک محقق و کاوشگر از طریق استدلاال و استناد و یا تخیل (با توهم و خیالپردازی کودکانه و عوامانه ترکیب نشود)برای درک و یا تکمیل و تصحیح اطلاعات دریافت شده از محسوسات و منقولات و مکتوبات معقولات گفته می شود. در ابتدای امر می بایست فرد صلاحییت *علمی و *درکی و *تجربی (هر سه در کنار هم)رو برای خروجی گرفتن از معقولات داشته است.

از دیگر منابعی که یک کاوشگر می تواند در بررسی مکتوبات برای انتخاب و ارزش سنجی یک محل از انها استفاده کند سفرنامه های سیاحان و جهانگردانی که در اعصار گذشته به مناطق مختلف سفر کرده اند و اطلاعات ناب و با ارزشی رو مکتوب کرده اند و حتی بسیاری از منقولات (مثل مثلها و افسانه های محلی) رو تبدیل به مکتوبات کرده اند بسیار حائز اهمیت است.

بیشترین سفرنامه‌ها از ماموران سیاسی و جاسوسان و نمایندگان و سفرای کشورها بر جای مانده است و سپس بازرگانان و تاجران و دانشمندان و یا وابستگان به آنها(مانند همسران) در نگارش و یادداشت برداری آن همت گمارده اند.که شامل دیده‌ها، شنیده‌ها، تجربیات، رخدادها و احساساتشان را درباره آن سرزمین‌ها برای آگاه کردن دیگران و یا گزارش حکومتی(در لوای سفرنامه) در قالب کتابی در آمده است که اتفاقا" در کشور ما با استقبال نسبی چاپ مواجهه است و به وفور و کامل در دسترس است.

لیستی از کتب سفرنامه ای که چند مورخ و باستانشناس رو هم شامل می شوند که بسیاری از اونها ترجمه و منتشر شده است.

در زیر سفرنامه های باستانی را که مربوط به ایران عزیز می باشد را آورده ایم:

سفرنامه ابن بطوطه سفرنامه ابن فضلان- سفرنامه ناصرخسرو قبادیان- سفرنامه حاجی سیاح محلاتی- سفرنامه حاج ایاز خان قشقایی- سفرنامه محمدعلی معین‌السلطنه- سفرنامه میرزا صالح شیرازی- سفرنامه خوزستان رضا پهلوی- سفرنامه برادران امیدوار- سفرنامه ابراهیم‌بیگ- سفرنامه عبداللطیف موسوی شوشتری- سفرنامه علی‌خان امین‌الدوله

کتاب بی نظیر بلاد یا آثار عجم که می توانید با ما تماس گرفته تا برایتان کتب موجود را تهیه کنیم

نشانه های دفینه را بشناسیم؟

قطعا این علائم ها توسط فرد یا افرادی ساخته شده است پس به نسبت علامت ها روی سنگ ها حفر می شدند و نقش می بستند و اما اشاره هایی که بصورت تکی یا تک هستند پس به طرق مختلف و شکل های مختلف صناعت می شدند.



اکثر علائم به صورت شکلی حکاکی یا کنده کاری شده اند , پس هر چیزی رو نباید علایم نامید باید توجه کنید که علایم حکاکی شده حتما فرو رفتگی بیشتر از نیم سانت داشته باشه پس با سنگ نگاره های باستانی نباید اشتباه بگیرید انا فرو رفتگی ندارند پس علامت دفینه نیستند , اشکالی که به صورت یک آدم یا حیوان یا جسم دیگری هم تراشیده میشوند هم باید طوری تراش خورده باشند که واقعا زیبا باشد پس هر چیز روی مثلا نگوییم شبیه شتر هست , یک جسم تراشیده از تمام زاویه ها به همون شکل دیده میشه باید توجه داشت که علائم روی چه چیزی حک میشوند؟ مثلا علائم روی درخت حک نمیشود حکاکی روی نوع سنگ هم بسیار مهمه مثلا روی سنگ آهکی کسی علائم حک نمیکنه اگر سنگ خوبی در اون منطقه نباشد از جای دیگری میاوردند وحک میکردند روی سنگ سیاه اکثرا حک میشد؟ سنگهای سیاه بافت محکمی دارند بله سنگ محکی هست ولی صیقل دادنش خیلی سخت است.

نشانه علم کتیبه به روشی برای رمزگذاری می باشد.رمز گذاری ای که برای حفظ وسایل پنهان شده , از خطرات مفید بوده که بعدا می توان آن را برداشت.



اما از نوع موادی که برای خلق این علائم ها استفاده می کردند پس از مواد مختلفی استفاده می کردند یا از خود سنگ ها یا از صخره ها یا از ذات خودشان یا از رصاص یا شیشه (مواد سیلیس دار) یا از نحاس می باشد.اما از بیشترین موادی که در ساختن این علائم ها شایع است نوعی ماده است که به بطینه حکمت معروف است و آن ماده ای است که از طحن تعدادی از درختان که به آنها ماده اضافی دیگری افزوده می شود ساخته می شود که برای سلامتی و حفاظت از آثار و علائم ها از تخریب استفاده می شد که نه به آن اضافه نه ازبین می رود مگر به فعل فاعل.



از مواردی که در ساخت علائم و اشاره مورد استفاده قرار می گرفت و مکمل عمل بود دقت متناهی در اشکال هندسی آنهاست به حیث آن که شکل حقیقی برای علائم در وضع طبیعی آن قرار می گرفت.

افرادی که از علائم ها و اشاره ها برای دفاین و کنوز استفاده کرده اند یونانیون , رومی ها , بیزانسی ها , عثمانی ها و ایرانی ها بودند

از علائم و اشاره هایی که استفاده می شدند علائم های مخلوقات مانند مار یا علامت عقرب , آهو و انسان یا یکی از اجزاء کائنات یا از علائم های ادورات نظامی مانند شمشیر یا خنجر یا علائم های الاجران (النقور) یا از علائم های کواکب (ماه و ستاره) و یا دیگر علائم ها استفاده می شود

. در ابتدا باید فرق بین آثار و علائم را بدانیم و بعد بفهمیم که در منطقه باید دنبال چه باشیم

مجموعه اشکالی که جهت نمایان سازی مکانهای خاص به کار میرفت آثار نام دارند.مجموعه علائمی که برای نمایان کردن جهت و مسیر به کار میرفت علائم هستند.

خوب پس متوجه شدید که در یک منطقه وسیع اول باید دنبال آثارها بود چون آثارها هستند که ما را به دفینه نزدیک میکنند و استارت کار را میزنند و حالا باید بدانیم که این آثارها در کجا یافت میشوند . در قدیم به علت کمی جمعیت و نبود امکانات اکثر مردم در جاهایی زندگی میکردند که هم به آب دسترسی داشته باشند هم به غذا و هم از نظر موقعیت مکانی در امنیت باشند برای همین به جاهای بلند در کوهستان ها و جنگلها و غارهای بزرگ روی می آوردند و در همانجا به زندگی خود ادامه میدادند و کم کم شروع به گسترش نسل خود میکردند و همین باعث میشد بعد از مدتی به دلیل ازدیاد جمعیت کم کم از منطقه خود خارج شده و به کوههای نزدیک اطراف خود روی بیاورند و در آنجا مستقر شده وحکم رانی کنند . همین دلایل باعث شد که به مرور زمان روستاها و دهکده ها به وجود آید و معمولا در هر روستایی که مردم در آنجا زندگی جدید خود را شروع میکردند قلعه ای برپا میشد که کل روستا در داخل قلعه بنا میشد و مردمی که از دهکده قبلی جدا شده به دهکده جدید کوچ میکردند برای سر زدن به اقوام خود و تبادل اشیاء و خوراک خود با هم در ارتباط بودند و یکدیگر را ملاقات می کردند. در بین این رفت و آمدها به خاطر دوری مسیر از پایگاه هایی استفاده میکردند که در بین راه بتوانند استراحت کنند و همین باعث میشد که راه های مال رو به وجود آید . چون در آن زمان زندگی نسبتا سخت بود و جمعیت هم رو به گسترش بود این مسئله باعث میشد یک سری از مردم به راهزنی و دزدی رو بیاورند و کاروانها هم دیگر از دست آنها در امان نبودند برای همین وقتی از وجود دزدها در مسیر با خبر میشدند مقدار زیادی از اموال خود را در جایی مخفی میکردند و نشانی و یا سنگی را به عنوان نشان محل مخفی سازی در آنجا تعبیه میکردند تا در اسرع وقت که آب از آسیاب افتاد بیایند و اموال خود را ببرند و به راه خود تا دهکده بعدی ادامه دهند و در اکثر مواقع توسط دزدان و راهزنان به قتل رسیده و یا در اثر مریضی در مسیر از بین میرفتند و اموالشان در همانجا باقی میماند . تا اینجا پیش زمینه ای بود که بفهمیم که شروع آثارها از کجا بود و در چه منطقه هایی میشود آثار ها را شناسایی کرد . این یک سری از آثارهایی بود که مختص به کاروانها و مردم بود یک سری دیگر از آثارها در مکانهایی بود که جنگ بین دو قبیله یا کشور رخ میداد و معمولا یا در داخل روستاها رخ میگرفت که بعد از حمله دشمن و نابود کردن روستاها و غارت اموال به بیرون از روستا رفته و در مکانی دور افتاده به دلیل سنگینی و کند شدن حرکتشان آنها را دفن کرده تا بتوانند به روستای بعدی حمله کنند و معمولا اموالی را که یک سپاه به غارت میبرد به دلیل حجم زیاد به صورت تپه ای دفن میکردند چون وقت این را نداشتند که بخواهند آثار تراشی کنند . یا اگر غاری در آن نزدیکی بود اموال را در آنجا گذاشته و درب آن را پلمپ میکردند و یک کله قندی را با ساروج درست میکردند و به عنوان نشان درب غار در آنجا میگذاشتند .

حالا یک سری دیگر از اموال که مختص به دولت بود و برای جاسازی آنها وقت و فکر زیادی را روی آن میگذاشتند و ازعلم دانشمندان آن زمان برای مخفی سازی آن بکار میبردند که معمولا در خود قلعه ها یا در کنار چشمه ها و نوک تپه ها و قله ها جاساز میکردند و برای آنها به عنوان نماد از حیوانات استفاده کرده و جای آنها را مشخص میکردند .

تا اینجا درباره آثارها صحبت کردیم که در چه جاهایی باید دنبال سرنخ باشیم و حالا میپردازیم به علائم که قسمت دوم کار ماست و بعد از پیدا کردن آثار ما را در مسیر پیدا کردن دفینه راهنمایی میکند علائم ها ما را به سمت درست دفینه راهنمایی

میکنند و ما را از وجود خطرات آگاه میسازند مثال : علامت فلش منظور از جهت درست است علامت کله اسکلت در راه زیر زمینی هم همینطور یا علامت ماه و ستاره و... علامت خطر هستند و نشان تله را در راه به ما اخطار میدهند که در چه مسیری باید قدم برداریم و در چه مسیری باید احتیاط کنیم . در چه مسیری راه دو تایی و سه تایی میشود و..... حال فرق بین آثار و علائم را متوجه شدیم.

به همراه تدبیرش , نوعی زبان برای فهماندن می باشد.اینها بصورت حکاکی , برآمدگی و رنگ کردگی به تاریخ امروز رسیده اند.هرشکلی که بر روی تخته سنگ اعمال می شود , حتما یک معنایی دارد.هیچ تلاشی بدون معنا انجام نمی شود.البته هر حکاکی (شکل) برر وی تخته سنگ , به معنای دفینه نمی باشد/به صورت مستقیم دفینه را نشان نمی دهد. این را فراموش نکنیم.

سنگ نگاره ها قطعا یه چیزی به ما می گویند.هدف ساختنش نیز همین است.برای نمنه , حاکی های گرد که دربیشتر تخته سنگ ها دیده می شود ,به معنای مزار می باشد.هدف ساخت این حکاکی:بر روی تخته سنگ کنار مزار اعمال شده ,و بر روی آن روغن ریخته و سوزاندیه می شود , این همانند شمع هایی می باشد که امروزه برای روی مزار روشن می کنیم.حکاکی های مربع و مستطیل نیز به هیچ شکل می باشند.یک تیر برای جهت استفاده شده است .اگر بخواهیم خلاصه کنیم ,هرشکل با ویژگی هایش فراخوانی می شود,اگر بخواهیم مثالی بزنیم , خوشه گندم به معنای برکت می باشد.



برکت را نماد کرده و بصورت مستقیم دفینه را نشان نمی دهد.این امر قطعی است که هرمهر تخته سنگی به منزله دفینه نمی باشد , به همین دلیل ما انها را دسته بندی می کنیم:

۱-نمادهای متعلق به بنیاد دینی و انسانهای دینی .نماد دین و انسانهای دینی می باشد.

۲-نمادهای متعلق به اقوام (قبیله)قوم را نماد می کند.

۳-نمادهای متعلق به اشخاص , شخص را نماد می کند.

۴-هنر تزیین ,فقط بری هنر می باشد

خوب در قدیم اگر کسی مالی یا چیزی پنهون می کرد برای اینکه مالش در اثر گذشت زمان مکانش نامعلوم نشود در جایی که مالش را پنهون می کرد برای آن مکان هم یه اسمی انتخاب می کرد البته براساس بار و خصوصیت باری که پنهان میکرد.
برگزیدن نام برای اون منطقه و نقطه به دو دلیل بود۱- نام برای اینکه سالیان سال میمونه و کمتر جاش رو نام دیگری میگیره به ماندگاری و زودپیداشدن مکان بار برای کسی که سالیان قبل بارش رو در جایی دورتر از محل زندگی خودش پنهان کرده کمک میکنه۲- اگر خود شخص فوت میکرد انسابش با گرفتن سراغ محل به اون اسم راحت میتوانستند مکان بار فامیل مرحومشون را پیدا کنند .

خوب این اسمها رو ممکن بود شفاف بگویند یا نه با معما و چند کلمه کم و زیاد کردن یه اسمی درست کنند نمونه هایی که خودمان میدانیم را برایتان توضیح میدهیم.

۱- جایی بود بنام مزار ساربان که در قدیم کسی مالی اونجا پنهون کرده و برای اینکه کسی شک نکنه عنوان کرده اینجا ساربانی به خاکه خوب طبیعتا انسانهای قدیم تا سی سال پیش هم ساده بودن و تو فکر دفینه نبودن که شک کنند تازه سر مزار تقلبی هم که میرسیدند فاتحه ای نثار دفینه میکردن

تا چند سال پیش که با حفاری سی سانتی بارش رو بردن جای دو خمره که داخل خاک بودند هم در خاکش پیدا بود

دوستان اگر از این موارد و مزارها در اطراف دهات و روستاهاشون دارند هوشیار باشند حالا یه جا مزار ساربانه یه جا مزار کره اسبه

۲-مکانی بود به نام متاری که اون هم بارش رو بردن خوب الان فکر کنید متاری به خودی خود معنایی ندارد ولی اگر رمزگشاییش کنیم خیلی جالب و شیرینه و باید به ذهن سازنده اش احسنت گفت

مطاری=مطاع ری

کلگه=کله گاو

سراخین=سرای خون

دره سار= دره سه سردارکه میشه فهمید در دره مذکور قبر سه سردار وجود دارد و براساس این سنگی هم پیدا شد که عکس سه سرباز روش حک شده بود و دارای نسخه هم بوده و.....

پس دوستان خیلی به اسم مکانها دقت کنند چون خیلی در پیدا کردن اهداف میتواند به ما کمک کنه و گاهی حل کردن معمای نامها میشه خیلی از راه رو برای رسیدن به هدف طی کرد.البته همونطور که گفتیم همه نامها معمایی هم نیستند میتونند

نامهای شفافی هم باشند مثل دره پهلوان – جهنم دره–قیزیل دره – قلعه شیطان – قیز قلعه سی (قلعه دختر –قبله بلاغی (چشمه بلاغ) و...

بدیهات علم علائم شناسی:

۱-لازم است که اشاره و علامت بر روی سنگ ثابت یا صخره ثابت یا کوه یا دیواره تپه و یا کوه باشد و شرطش نیز این است که ثابت باشد اگر متحرک باشد در اینصورت بی فایده خواهد بود , برای اینکه عبارتی اگر سنگ مرسوم بر روی اشاره باشد مقیاس مختلف خواهد بود و نتایج مختلف خواهد بود.

۲-لازم است که دو یا سه عدد از علامت ها مختلف نباشد به این معنی که علامت و اشاره ای که در حقیقت برای آن خصوصیاتی است از آن تخلف و تجاوز نکند (خصوصیت و ویژگی هر حیوان و سنگ نگاره در ظاهر وباطن حقیقت آن برابر باشد)



۳-در بسیاری از موجودات زنده و مارها اشارات متابع بمعناهای متفاوت وجود دارد به این معنی که اشارات ترسناک دیگری بوده و اینچنین تا به هدف برسید.

۴-باید دقت شود که سنگ نگاره ها بر اثر آثاری که در اثر هوازدگی , فرسایش , حوادث طبیعی مثل سیل و زلزله و باران , عوامل انسانی مثل افراد بومی منطقه و... بوجود آمده باشد با علائم و آثار دفینه اشتباه نگرفته شده باشد



نشانه های دفینه وگنج چیست!

چگونه رمزها کشف می شوند آیا آن علم ممنوع است ؟ آیا استنباط است و چه کسی دارای این علم است؟

اشارت ها و علامتهای دفینه و گنجها:



آنها علامت هایی هستند که توسط کسانی که مالی را پنهان نموده اند بصورت منظم بر روی سنگهای قرار داده شده اند تا به آن پنهان شده ها دلیل و راهنما باشند, اگر این علامتها بصورت منظم قرار داده شده باشند به مکان آن دفینه با دقت زیادی رهنمون می شود , ولی اگر بصورت غیر منظم قرار داده شده باشد تنها بوجود یک چیز در یک مکان دلالت می کند که دست یافتن به آن شی در آن مکان می بایست همراه با شرایط و در نظر گرفتن برخی مسائل باشد موضوع, شباهت زیادی به فهرست یک کتاب دارد گاهی این فهرست شامل عنوان و شماره صفحه می شود ولی گاها این فهرست فقط شامل عنوان صفحه میشود و شما برای اینکه آن عنوان را پیدا کنید می بایست صفحات را ورق بزنید در اینجا در نوع دوم شما برای اینکه بتوانید آن دفینه را پیدا کنید باید خاک را اینطرف و آن طرف نمایید که مستلزم خستگی و هدر رفتن مال و زمان می شود این اشارات برای صاحب آن دفینه ها قرار داده شده است تا با مشاهده آن به دفینه خویش رهنمون شود و البته بصورت یک کتاب و نوشته باز و آسان که همه بتوانند از آن استفاده نمایند نیست.

شاید یکی از شما پرسیده است که چه کسی رمز اشارات را باز کرده است؟

چه کسی این نوشته ها را که شما میخوانید وضع و قرار داده است؟

این نوشته ها چگونه رمز گشایند ؟

آنها چگونه به این شناخت رسیده اند با قیاس یا شناخت و یا دلیل و رمز گشایی از ابهامات؟

آیا کسی که این علم را دارد میتواند ادعای مالکیت معنوی کند؟

چرا دانشگاهی ها اصلا به علم اشارات به عنوان یک علم نگاه نمی کنند؟

چرا میزان مقالات و کتابها در این زمینه کم است؟

چرا برخی کارشناسان در مورد علم اشارات به تردید و تشکیک افتاده اند؟



می دانید که هیچ علمی مکتوم نمانده است مگر اینکه در صحیفه هایی ثبت و درج شده است بخاطر اینکه دچار فراموشی و مبتلا به آفات نگردد مثلا ارسطو در مورد این علم یعنی علم علائم ها نوشته ای دارد که به شاگردان خواص خویش و یاران نزدیک خود آن را داده و تعلیم کرده است و کتاب فلاحت نبطیه در این زمینه ها برخی از رمزهای آن را می گشاید از آنجاییکه این کتابها کتابهایی مهم و سری بوده اند و در واقع گنجهایی گرانبها به نظر می رسیده اند , چون گشاینده رمزهایی هستند که مارا به گنج و دفینه ها رهنمون می سازد شاید شما بپرسید آیا اتفاق افتاده است که قومی دفینه ای را پیدا کنند و در آن دفینه کتاب کلید اسرار را بیابند؟ می گویم آری



ایا میتواند بگوید کتاب مال فلان و فلانی از کلدانی و یونانی است؟

آیا میتواند مصدر کتاب را مخفی و خود را نویسنده آن بنامد؟

آیا ترجمه مساوی تملک است؟

آیا تحقیق همان اصل کتاب میشود؟

آیا نوشتن تحقیق جدید برای کتابی که قبلا در باره آن تحقیقی راضی کننده نوشته نشده ممنوع است.

ما باید بواسطه تفکر دلیل محور عقلهای خویش را در راستای نگاهی دوباره به این کتابها و ترجمه ها بکار اندازیم و سخن آن دانشمند را که گفت بسیاری از این کتابها و اشارات و دلالتها نیازمند توجه و ترجمه است را جدی بگیریم و بدانیم که این کتابها و ترجمه های آنها در واقع کتابهای مقدس خدشه نا پذیر نیستند.

مقایسه و جداسازی و تحقیق می تواند رمزهای علائم ها را گشوده و ما را به نتایج بهتری برساند.

می رسیم به مرحله جدیدی از مراحل کشف اشارات در این مرحله ما از مرحله کمین به مرحله ظهور منتقل می شویم و می خواهیم بدانیم حالا که کتیبه ای غیر منظم از زیر خاک در آورده شده علت این غیر منظم بودن آن عجله داشتن در زمان بیرون آوردن بوده و یا اینکه شخص عجله داشته و گو اینکه می خواسته در یک کنفرانس خبری فوری شرکت کند؟

و یا اینکه حرفه ای نبوده است و یا اینکه و مهمتر از همه یک اشارات و نقشه در ست در دست نداشته است تا به آن کتیبه برسد و آن را سالم بیرون بیاورد؟

قواعد و مبحث دفاین:



اول : همانا علائم ها از نوع خود و نفس شکل می باشند و برای آن خصایص و ویژگی هایی از حیث مقایسه بکار می بردند و جنس مورد نظر با شکل دقیقا مربوط بودند , سواء اینکه کنده کاری یا برجسته باشد لکن اختلاف در اختلاف دفن می باشد و شامل موارد زیر است:

الف)علائم های برجسته (نمایان روی صخره ها و سنگها):اینکه دفینه اغلب در صخره ها و یا اطراف آن قسمت ها خواهد بود بوده و بر شکل جوغن ها می باشد , علاوه بر اینکه عمق دفینه عمیق نیست

ب) علائم های کنده کاری (نمایان یا مخفی در صخره ها و سنگ ها):هدف غنی در خاک و یا تپه های خاکی است و از اشکال برجسته عمیق تر است.

برای مثال قیاس علامت شتر در حالت کنده کاری اوصاف آن کامل خواهد بود و به حالت کنده کاری نیز دیده شده است فقط تفاوت آنها در نوع دفن است یا در صخره یا در تل های خاکی خواهد بود.

دوم : متعدد بودن انواع علائم ها می باشد و برای هر علامتی نسبت به محلی که در آن زندگی می کند قرار می گیرد.

برای جوینده گنج در علم علائم شناسی دور از انتظار خواهد بود که ماهی را در منطقه خشک و بی آب و صحرا ببیند باید مکانی را که گاو در آن زندگی می کند باید ببیند زیرا گاو در منطقه آب دار و سرسبز زندگی میکند و وجود دارد و وجود او به زندگی آن بستگی دارد و از غیر ممکن ها خواهد بود که گاو در سفح کوه باشد.

سوم:علائم ها برای آنها دلیل هایی برای صاحب دفینه می باشد برای مثال الثدی آن رمز دفینه علامت زن می باشد و تاج آن رمزش و اشاره دفینه پادشاه می باشد.

چهارم:همانا دلیل مصداقی علامت همان دراز بودن اتقاء آن است چه آنکه علامت بر روی صخره باشد یا زمانی که بصورت شکل منظم هندسی همراه جوغن باشد بصورت منتظم یا دیگری و آن بی دلیل گذارده نشده و بر دفینه یا شیی گران قیمتی دلالت می کند.برای مثال یک شیار همراه جوغن-ماهی و جوغن و...

پنجم:قطعا علامت ها و اشاره ها به اشکال مختلفی بر صخره ها یا سنگ ها قرار می گیرند که رو به جانب و مایل به صخره قرار می گرفتند و آنهایی که در سطح سنگ ها و صخره ها و در سقف غارها و یا دیواره های داخلی آنها قرار می گرفتند و جانب اشاره های دیگری در حد و مرز دفینه ها و طریقه دفن و قیاس استفاده می شدند و آنها اکثرا رو به علائم مادر یا علامت رئیس قرار می گرفت.برای مثال جوغن داخل علامت دیگر با علامی که جوغن بیرون آن قرار دارد متفاوت می باشد .

ششم:نسبت ادوات و واحد مقیاس های ریاضی را در نظر می گرفتند پس در زمان های کهن از ادوات ریاضی مانند متر و سانتی متر استفاده می کردند.

پس در علائم شناسی مقیاس های دقیق برای دلالت بر مسافت بعد از دفن کردن از اشاره ها و وسیله های واحدی دقیق استفاده می کردند و آن مقیاس سانتیمتر و متر است پس هر سانتی متر معادل یک متر است.

ادله های قوی وجود گنج های مخفی:

کنز کلمه ای است که اگر معنایی داشته باشد معنایش معلوم است پنهان کردن ثروتی بزرگ به دور از چشم دیگران در محلی مناسب است , البته کنز معنایی عامتر از امانت و خبیه و دفین دارد ,اولین کنز کنز لعبه است یاقوتی گرانبها که آدم در کعبه پنهان نمود ,کنز بزرگ و کنز کوچک کعبه که بعدها در مورد آنها سخن خواهیم گفت.



کنز مربوط می شود به برخی امور روانی و دینی و تاریخی و سیاسی. از جهت دینی بسیاری معتقدند که بسیاری برای نزدیکی به خدایان اقدام تکنیز می کردند , برخی به همراه مردگان خویش ثروتی را پنهان می نمودند تا ارزش و احترام آن شخص را نشان دهند.اما از جهت سیاسی دلیل عمده دفن و پنهان کردن ثروت و طلا در این موضوع بوده است که مردم از ترس و جنگ اقدام به اینکار می کردند, البته ذکر این مسئله ضروری است که پنهان کردن این ثروت می توانست بعدها به عنوان ذخیره نیز باشد.

از جهت روانی نیز پنهان کردن این ثروت دلیلش این بوده که پنهان کننده به نوعی اطمینان و اعتماد به نفس می رسیده است , می ترسیده که ثروت خود را آشکار سازد از ترس صادره و جنگ و غارت و سرقت . از جهت تاریخی این نیز به عادات بانکی و نوع ذخیره کردن پول نزد پیشینیان مربوط می شود



عادات و آداب پنهان کردن ثروت(تکنیز):

کسی که می خواهد ثروتی را پنهان کند اولین چیزی که به ذهنش می رسد , تعیین یک مکان است و نیز تاکید براین مسئله که کسی او را در این زمان نبیند شاید او با خود خانواده و یا دوست و یا برده خویش را ببرد ولی نهایتان مرگ در انتظار آنها خواهد بود و جنازه ها و جمجمه های از هم پاشیده که بیشتر بر روی چنین دفینه هایی پیدا می شود ,دلیلی بر این ادعاست از آداب تکنیز میتوان به تهیه یک زمینه مناسب برای پنهان کردن مال و ثروت اشاره نمود . خاک مختلف از سرخ و سفید و دریایی و صدفها طین سبز بخاطر زود حل شدن با خاک و از عادات تکنیز(پنهان کردن گنج) می توان به آوردن قربانی و خواندن ورد های نگهدارنده که در بخش رصدها در این زمینه سخن خواهیم گفت , از وسایل تکنیز می توان به یک کشنده سفالی که نقشی نگهدارنده و محافظت کننده از دفین را دارد اشاره کرد , همچنین صندوقهایی که ضعیف ترین آنها صندوقهای معدنی که بیشتر برای ذخیره کردن ثروتهایی که زودتر مورد مراجعه قرار می گیرند و نیز صندوقهای سنگی و گاوصندوقهای غول پیکر و قوی که نشان از عظمت و کمیت ثروت و مال مورد ذخیره می کند

البته وسایل دیگری هم ملتها و قبائل بکار می برده اند که که مهمترین آنها پوست حیوانات مانند گاو وگردن شتر می باشد.

تکنیز و فرهنگ ترمیز:

آنکس که ثروتی را می اندوزد و پنهان می کند هدفش آن است که این ثروت بدست دیگران نیافتدزود پیدا نشود خصوصا از روی تصادف و غیر عمد در معرض و دید و پیدا شدن نباشد همچون آن ثروتی که در زمینی زراعتی پنهان می شود , از این رو فرهنگی به نام فرهنگ ترمیز خلق و ایجاد شده است.

فرهنگ ترمیز عبارت از آن است که در هر جامعه عده ای افراد بوده اند و این افراد می توانسته اند از شخصیتهای سیاسی و دینی و تاریخی و فرهنگی آن جامعه باشند این افراد افراد پاک دست و امین و مومن و رمز دار و کلید دار بوده اند از این افراد و فرهنگ محتاط به این افراد که وظیفه ای در این راستا دارند به نام سیمونولوجی ساین یاد می شود.

روشهای تکنیز در بین ملتهای مختلف:

مردم دارای فرهنگها و عقاید و مرام های یکسانی نیستند و دارای تمایزات فرهنگی و عقیدتی هستند.این تمایز در بین شرق و غرب در لباس و زبان و فکر مشهود است.



در موضوع مورد نظر برخی مال و ثروت خویش را در قبرها پنهان میکردند , لذا موضوع حرام بودن هتک حرمت قبور مطرح شد ولی سارقانی بودند که به این موضوع که این حرمت را پاس نداشتند,از این رو راههای دیگری ایجاد شد برای پنهاد کردن گنج وجواهرات و ثروت. این راهها در ایجاد ممانعت سحر آمیز برای قبور و خلق کردن داستانهای رعب انگیز از این رو تفکر تکنیز بعدی فرهنگی و دینی و راز آلودی پیدا کرد.

فرق بین پنهان کردن و دفن کردن(کنز و دفن):

کنز مال زیادی است که در جایی از زمین پنهان می گردد و صاحب آن برای اینکه دیگران به آن نرسند و توانایی دسترسی به آن را نداشته باشند انواع اقسام موانع ایجاد می کنند که از این موانع میتوان به موانع مکانیکی و روحی و عوارض غیر طبیعی و شیمیایی و حتی فلکی اشاره نمود که خطرناکترین آن موانع , سحر و طلسم است که آن را باز نمی کند مگر ساحر. اشاراتی که به این نوع پنهان شده ها رهنمون می شوند اشاراتی حقیقی هستند و می توانند رهنمون به آن پنهان شده ها شوند و راز و اسرار آنها را بگشایند ولی دفینه اینگونه نیست دفینه شامل مال و یا شی نفیس یا تصویر و یا کتابی متعلق به شخصی معین است که در محلی مشخص و جایگاهی که از آن استفاده میکرده پنهان و دفن می کند یا در کوزه ای قرار می دهد و محکم آن را می بندد و یا در رانی قرار می دهد و علامتی برای رسیدن به آن قرار می دهد و این علامت اشتباه نمی کند این دفینه ها مرصود و محافظت شده نیستند واگر پیدا شوند باز کردنشان زیاد وقت نمی گیرد.

نشانه ها و علائم از توهم تا واقعیت:

خوانندگان عزیز دقت کنید که همه علامت ها به دفینه رهنمون نمی شوند , این توهم است که عده ای تصور می کنند با استفاده از هر اشاره ای به دفینه ای و بدون زحمت و مشقت به ثروت می رسند.

سنگ های کاسه همیشه دلالت به دفینه نمی کند , شاید دلالت بر آبراه و یا یک قبر و... باشد اینگونه نیست که کسی بیاید و طلاهایش را در جایی مخفی کند و یکی بیاید در عرض یک ربع تمامی آن طلاها را پیدا کند.



کشورهای غربی و نمایندگی های آنها با سیستمها و تجهیزات برای جستجوی منطقه می ایند و تو می خواهی در عرض ربع ساعت به نتیجه برسید.

امور بدیهی در علم اشارات و علامت ها:

۱-اشاره می بایست بر روی سنگ و یا صخره و یا کوه و یا دیوار بصورت ثابت حک شده باشد چون اشاره یک مقایس می باشد و اگر در حرکت باشد این مقیاسها و اندازه ها نامعتبر میشوند

۲-نباید در مورد دلالت این اشاره اختلافی بین افراد وجود داشته باشد

۳-باید توجه داشت که هر اشاره ای به همراه خود یک نشانه جهت دهی هم دارد که قابل توجه می باشد مثلا اگر دیدی شتری به عنوان نشانه قرار داده شده و گوش آن به طرف چپ می باشد بدان که آن نشانه است.

۴-برخی اشارات در واقع رساننده انسان به یک نشانه دیگر می باشند و آن نشانه نیز شاید نشانه یک نشانه باشد که در نهایت منجر به هدف می شود.

معانی علامت های مختلف:

۱-نشانه راه

۲-نشانه چاه و ابراه و یا جاییکه در آنجا اب وجود دارد

۳-نشانه ای که دلالت میکند به معبد زرتشتی و یا یهودیان , با توجه به مخفی بودن معبد یهودیان در زمان رومیان و در این معبدها طلاها و جواهراتی وجود دارد.

۴-نشانه هایی که رهنمون می سازد به یک کنیسه که در زمان دوران ابتدایی دیانیت مسیحت مخفی بودن کنیسه یهودیان می باشد.

۵- نشانه برای رسیدن به قبر یک انسان عادی

۶-نشانه هایی که رهنون می سازند به قبور شاهان و وزیران و تاجران ..و که این قبرها مملو از طلا و جواهرات هستند.

۷-نشانه هایی که رهنمون به یک سرداب مخفی برای فرار است.

۸-نشانه هایی که رهنمون به یک صندوق پر از طلا و جواهرات و مخطوطات (نسخ خطی) و سلاح و هدایاست که اینها هم کم است.

۹-نشانه های برای اتاق ها و غارهای زرتشتیان, یهودی و یا مسیحیان (گبریان)

۱۰-نشانه های تعیین مرز بین قبائل و عشائر

۱۱-نشانه هایی که رهنمون به سرداب مسکونی و یا سردابی برای ذخیره غذا و اسلحه باشد.

۱۲-نشانه های دیگر

۱۳-نشانه های گمراه کننده

۱۴-نشانه های فلکی یا نجومی

۱۵-نشانه های مقیاس و طول دهنده و عمق دهنده

آیا همه نشانه ها ارزشمند هستند؟ طبیعتا خیر اما چرا؟ چون چیزی که الان ارزشمند است زمانی ارزشمند نبوده و برعکس مانند آب

آب یکی از ارزشمند ترین نعمات در زمان گذشته بوده است هر جا که آب بوده تمدنی در آنجا شکل گرفته چه تمدنهای بزرگ و چه تمدن های کوچک.چه اب جاری و چه آب مخزنی و قناتی و برکه ای . اب یکی از نشانه های رسیدن به گنج و طلاست هر جا که آب باشد به معنای آن است که در آن منطقه تمدنی بوده است و شما میتوانید در آن منطقه کنده کاری و جستجو کنید.

برخی کاسه ها دلالت بر آب میکنند یا ذاب روان و یا اب داخل چاه

در برخی مکانها که آب از آنجا جاری است میتوانید کاسه ای را بصورت دایره ای و یا مستطیلی بیابید که نشانه رسیدن به آب است.

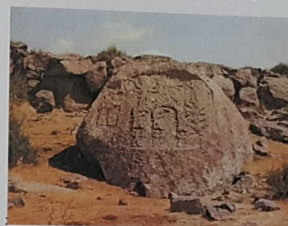
کاسه مخروطی دلالت بر یک چاه اب می کند.



آب بخاطر نایابی در گذشته بسیار ارزشمند بوده و آنان از آب برای سیراب کردن حیوانات و خود و زراعتشان بکار می برده اند.

کشور پترا آب را از یک منبع نزدیک تهیه می نمود بواسطه قنات آن را به مناطق مسکونی خود می آورد بعد از حمله رومیها اب از آنها قطع شد و آنها بواسطه قناتهایی که از زمین فاصله داشتند این آب را یک منبع دیگر تهیه نمودند که یک خائن این موضوع را به رومیان گفت و آنها اب را قطع کردند و در نتیجه مجبور به تسلیم شدند.

چرا نشانه ها معمولا برروی سنگ و صخره ها گذاشته می شوند؟؟؟



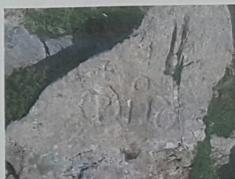
کمی در این مورد سخن می گوییم!!

خواندگان عزیز علامت ها معمولا به دلایل زیر قرار داده می شوند:

نشانه خترات معمولا برای نشان دادن یک راه تجاری یا کاروانسراها قرار داده شده که اکثر این نشانه ها در راه های تاجران مثل مرز جاده ابریشم می باشد البته اکثرا علائم نزدیک کاروانسراها دفینه دارند.

بسیاری از نقاشیها بر روی صخره ها قرار دارد که به آن نشانه روائی گفته می شود , این نشانه ها در راههایی که قافله های تجاری از آنجا رد می شدند قرار داده می شد , این نشانه ها همچون نشان یک شتری که بار دارد و مردمی که او را می برند دلالت بر یک کاروان و یا یک راه تجاری می نمایدکه از آنجا رد می شود که این علائم در راه های کاروانسراهای اکثر مناطق ایران بصورت شتر حکاکی شده به چشم می خورد.

همچنین نشانه هایی برای دلالت برای برخی اماکنه قدیمی وجود دارد , همانگونه که می دانیم از دو هزار سال پیش شاخص هایی برای راهنمایی به برخی امکنه وجود نداشته اند , در اینجا یک راهنما که نشانی از وجود یک تمدن معین و مشخص در یک منطقه دور دست می باشد.



نشانه همچنین برای راهنمایی به محل وجود آب قرار داده می شوند , زیرا آب از گرانبها ترین موجودات سطح زمین به شمار می رود , برای اینکه نشان داده شود منبع آب درنزدیکی قرار دارد نشانه ای در نزدیکی انجا قرار داده میشود.

از جمله این نشانه ها میتوان به موارد ذیل اشاره نمود

کاسه ها با اشکال مختلف آن که بر اساس نوع تمدنها شکل آن متفاوت می باشد.



طاق که نشانه ای وجود گنبدها و سردابها و معبدهایی برای نیایش یا برای اهداف شخصی از جمله محل نگهداری ذخیره و اسلحه و مهمات است , این سردابها گاها به عنوان پناهگاه نیز استفاده می شده اند و برای وارد شدن به آنجا از پله هایی ۷ تا ۸ پله ای استفاده می نمودند که این نیز بر اساس اختلاف فرهنگها مختلف بوده است.



مربع:زمانی شخصی کشته می شد و یا می مرد و اورا دفن میکردند با او وسایل شخصیش از جمله سلاح و شیشه های خمر و ابریشم ... را نیز دفن می نمودند که این مربع علامتی برای راهنمایی بسوی چنین مقبره هایی بوده است و همچنین نشان دهنده قبر سنگی نیز می باشد.



اشارات همچنین برای مکانهایی که به عنوان محل مخفی کردن جواهرات و اشیای قیمتی در زیر زمین بوده نیز بکار برده میشود همانگونه که میدانیم در آن زمان گاو صندوقی نبوده از اینرو مردم از ترس سرقت و نیز شبیخون اشیای قیمتی خود را در زیر زمین پنهان می نمودند تا در امان باشند و بعد مراجعه میکردند و انها را بر میداشتند که این علامتها برای پیدا کردن آنها قرار داده شده است که این علامتها ساده نبوده اند زیرا اگر ساده بودند بسرعت تشخیص داده شده و اموال سرقت می شدند

از این علامتها میتوان به شیر و روباه و شتر و میمون و انگور اشاره نمود.

انواع و محلهای قرار دادن نشانه ها:

از جهت ساختار



علامتهای برجسته:عبارت است از اینکه همه صخره کنده شود تا علامت مورد نظر نمود پیدا کند , این نوع علامت ها آشکار هستند و به هیچ وجه دلالت آنها قابل مناقشه نیست , مثلا زن برای زن و شیر برای شیر و پرنده برای پرنده. بدان که اشارات بیهوده قرار داده نمی شوند خصوصا اشارات جمعی , ولی با این حال عده ای می کنند و می کنند و خندقی درست می کنند و در آخر چیزی پیدا نمی کنند و می گویند دروغ است.

علم تحلیل نیاز است و تجهیزات اینگونه نیست که سوار شوی راه بیافتی!!

آن کسی که طلا را مخفی کرده حریص است که کسی آن را ندزدد بسیاری از این دفینه ها گرفتار سرقت شده اند.

سارقان تنها در این زمان نبوده اند در گذشته نیز وجود داشته اند

علامات برجسته علامتهای قطعی هستند و از اینرو بین آن علامتها و دفینه ۵۰ متر فاصله وجود دارد (البته در بعضی مکانها و تمدنها این عدد متفاوت است) در دفینه شاید کوزه شکسته ای و یا کوزه ای که در آن یک دفینه کوچک قرار داده شده و آن به عنوان طعمه است و دفینه اصلی زیر آن قرار دارد.

نشانه های کنده کاری شده:



این نشانه های کنده کاری شده اگرچه اشاره هستند ولی نوع اشکار بودن انها به اندازه اشارات جمعی نیست.

مثلا ترکها اشارات خود را در عمق نصف سم حفر می نمودند

شاید این نشانه ها و علامات در زمان خودشان مورد دستبرد قرار گرفته شده باشند شاید دو دفینه در کنار هم یکی ترکی و دیگر رومی دفن شده باشند و دفینه ترکی بالای دفینه رومی باشد.

البته بسیاری از نشانه ها اینگونه ای از بین رفته اند و بواسطه دخالت نیروهای مخرب که در مسیرشان قرار گرفته اند تخریب شده اند.

برخی از این راهنماییها بصورت یک علامت نیز بکار برده میشوند مثلا یک اشاره قرار داده شده بعد از بررسی یک حفره به اندازه ۷۵ سم حفر می شود یک صندوق پیدا می شود که خالی است این علامت آن است صندوق واقعی به اندازه ۱۲۵ سم زیر این صندوق قرار دارد.



در یک قبر شخصی را پیدا می کنید که یک گلوله به سرش قرار دارد قبر را می کنید و استخوان و یک جمجمه از هم پاشیده در اثر شلیک گلوله پیدا می کنید , این علامت آن است که این جنازه به علت اینکه آگاه به مکان دفن دفینه بوده

توسط افسر یا افراد حکومتی دربار مربوطه کشته شده و بالای دفینه دفن شده است و در واقع دفینه اصلی زیر این جنازه قرار دارد.

اشارات متتابع:

گاهی مواقع اتفاق می افتد که دفینه ای در یک منطقه ای دفن شده است ولی به علت زیاد بودن صخره ها و تاثیر زمان و حتی وضعیت جغرافیایی بر منطقه و تغییر آن به مرور زمان نشانه ها یی برای رسیدن به آن دفینه قرار داده شده است ولی این نشانه ها به نشانه های دیگری رهنمون می شوند وآن نشانه دومی به دفینه اصلی رهنمون می سازد بساری از جویندگان طلا بواسطه این نشانه اصلی به جواهرات مورد نظر رهنمون می شوند ولی بسیار اتفاق می افتد که نشانه ای به نشانه ای دیگر و حتی نشانه سوم رهنمون می شود و آن جواهرات در جایی است که این نشانی سوم آن را نشان داده است.

مانند پرنده و یا تیر کمان که نشان دهنده نشانه های دور هستند و منجر به نشانه های دیگر می شوند و اگر یکی از این نشانه ها را دیدی دفینه را در اطراف آن مکان جستجو نکن , خصوصا اگر تیر شکسته شده باشد که در این صورت برای یافتن دفینه و یا نشانه دومی می بایست بین دو کوه را بپیمایی.

اشارات متجمع:

اشاراتی هستند که رهنمون به برخی دفینه های بزرگ و اساسی همچون قصر می کند ولی این دفینه ها احتمالا محافظت شده و یا مرصود هستند و می بایست با احتیاط این نشانه ها را دنبال کرد

انواع نشانه ها

نشانه ها به هفت نوع تقسیم میشوند

- نشانه های نامنظم
- نشانه های ارشادی
- نشانه های گمراه کننده
- نشانه های نقشه ای
- نشانه های توجیهی
- نشانه های تکمیلی
- نشانه های تثبیتی

نشانه های نامنظم بیشتر برای اهداف شخصی بر روی برخی صخره ها قرار داده میشود و بسیاری از تمدنها ی گذشته رایج بوده است این نشانه های منجر به دفینه نمی شود و بیشتر برای برخی اهداف شخصی قرار داده میشود

نشانه های ارشادی هم بیشتر بصورت راهنماییهای جهت دار که بیشتر منجر به نشانه های دیگر میشود قرار داده میشوند معمولا حجم بزرگی دارند و نشان دهنده آن است که نشانه های دیگری نیز در این اطراف وجود دارد

نشانه های گمراه کننده هم یکی از خطرناکترین نشانه ها به شمار می روند و موجب گمراه کردن شخص جستجو گر میشوند و مانع رسیدن او به هدف میشوند برخی از این نشانه ها در لحظه ای که چند سانتیمتر هنوز به محل دفینه باقی مانده است جای دیگری را نشلان می دهند که باید دقت

شود تمدنهایی که بیشتر از کاربرد سحر و جادو در حفاظت از دفینه های خویش استفاده نمی کرده اند از این روشها برای محافظت استفاده می نموده اند

نشاره های توجیهی: مسافت و طول هدف تا اشاره با دلایل معین مشخص شده که میتوان به این اسامی اشاره کرد مانند :عقرب , پای حیوانات و انسان و یک جوغن(منظور از جوغن مربع دایره مستطیل و غیره می باشد) , مارمولک , پرندگان و شتر

نشاره های تکمیلی: این اشاره به نوعی وابسته به اشاره های توجیهی هستند و در واقع بعد از مشخص کردن مسافت و متراژ نشاره های توجیهیم می شود و به نشاره های تکمیلی می رسد که برای رفتن به طرف هدف نداشته باشد و در اینجا باید از تجربه و مهارت مشخصی استفاده نمود و اشاره های تکمیلی می توان به این موارد اشاره کرد: جوغن شامل مربع , دایره وغیره , شیار , کله و یا سر , زبان مار , دم عقرب , صلیب و عقرب , یک حرف الفبا در کنار یک عقرب , پای اسب , عکس گوش روی صخره , لاک پشت و مربع های آن

نشاره های تثبیتی:این اشاره ها بر روی صخره نقش بسته می شوند و هدف زیر یا در یکی از کناره های اشاره قرار می گیرند و کلا از سه متر مربع بیشتر دور نیست و معمولا در زیر خاک بصورت اتاق قرار می گیرند و در بعضی اوقات یک سنگ کوچک دیگر بر روی این صخره وجود دارد که از هر طرف به آن نگاه کنید بصورت دایره دیده می شود. از اشاره های تثبیتی می توان به موارد زیر اشاره کرد: مار بدون چشم , حرف ال بر روی صخره عقرب و یک نشانه و یک حرف الفبا , جوغن و یک صورت انسان , صلیب کوچک که ضلع های آن مساوی باشد , سنگ یا صخره روشن تقریبا به قرمز کم رنگ , عکس آهو که سرش رو به پایین است , مرغ همراه با تخم هایش , پا همراه انگشتان بصورت مساوی , جوغن برعکس , شتر پارک شده یا نشسته که سر آن انحنا دارد , زن حامله , شیاری عمیق که طول آن بیشتر از ۷۰ سانت باشد , جوغن هایی که شکل خاصی دارند.

اما آثار و علائم ؛ آثار و علائم رو اولا روی سنگهای خاص که در منطقه غریب هم هستند تعبیه میکردند سنگهای دارای علائم باید خاص باشند نشانگر آن علائم باشند قابل جابجایی نباشند و بیشتر در محل گذر گاههای قدیمی میشه اونها رو پیدا کرد سنگ دارا علامت برای اهل فنش وقتی از دور هم ببینش توی چشم میزنه چند نوع علامت داریم علامت عمیق کنده شده و علامت برجسته و علامت مجسمه ای و علامت رنگ مخصوصی که اول کمی سنگ رو حجاری میکردن و این رنگ مخصوص رو روش میکشیدن حالا این چه رنگیه که طی هزاران سال هم از بین نمیره الله اعلم

معمولا علائم حجاری شده دارای علامت دوم هستند و بیشتر از موارد دیگه بار و اموال دارند

قسمت بعدی اشاره های یهودی و اشاره های بیزانسی هستند:

اشاره های یهودی شامل :مار – ستاره – شمعدان – هلال ماه شعله آتش- شمشیر و خنجر – مثلث – دایره – شیار قوس دار

اشاره های روم و بیزانس بیشتر از رموز حیات استفاده می کردند حیوانات شامل :لاک پشت – مامولک – قورباغه – عنکبوت – سوسمار – شتر – شیر – گوسفند

انواع مارها پرندگان شامل :جغد – شاهین – گنجشک و قناری – بط – کبوتر

اعضا حیوانات – سر شیر – سر گوسفند – سر شتر – نعل اسب – پنجه پرندگان – اعضای انسان – صورت دست – چشم – پا – اعضا تناسلی

رموز دینی – خورشید – صلیب – تاج – خنجر و غلاف – مثلث – دایره – شیار – شیار قوس دار

این روشها برای محافظت استفاده می نموده اند.

اندازه ها:

تغییر و تفسیر اندازه های مورد محاسبه در کل دنیا به مشکلی برای جستجوکنندگان گنج بدل شده است. برای مثال؛ وارا (۸۳-۳۳ سانتیمتر) ، براز (پنج فوت ، ۷ اینچ تا ۱۷۰ سانتی متر) ، استاد و (۵ فوت و ۷ اینچ تا ۱۷۰ سانتی متر)، پاسس (فدم) لیگو (۳/۱۸ – ۳/۲۷ مایل دریایی / ۲/۱۲ – ۱۸-۲ مایل زمینی) و ... اینها شبیه اصطلاحات ساده ای است که در زندگی روزمره از انها استفاده می کنیم . معلومات ذیل، نشان دهنده این تغییرات تاریخی می باشد. « وارا : قبلا بین ۳۵/۹ – ۳۰ تغییر می کرد، این تفاوت در اندازه کشف امانت را دشوار می کرد. با وتجه به اندازه مورد استفاده میان سربازان اسپانولی، « وارا » تقریبا ۳۳ بوده است. این اندازه دردوره های بعدی به عنوان ۳۳ پذیرفته شد. هر علامت تا علامت بعد از خود، مسافت محاسبه شده را نشان می دهد. هر علامت با توجه به فاصله شان با هدف از جاهای خالی همچون ۱۰۰ و ۵۰ و ۱۰ مورد استفاده قرار می گیرد.

« استادو : کم عمق ترین اندازه برای دفن مواد مهم است. برای اسپانیایی ها ، کاتولیک ها و مومنان به عیسی نیز این واحد اندازه گیری معتبر است. این اندازه در ۵ فوت و ۷ اینچ محاسبه شده است. این علامت شبیه علامت « وارا » می باشد. لکن بر عکس مسافت، عمق را نشان می دهد.

برازا هم مثل همان ۵ فوت و ۷ اینچ تعیین شده است. اکثرا دزدان دریایی و دریانوردان اندازه نقشه های خود را بر اساس آن ترسیم می کنند. روی نقشه واحدهای فدم و « وارا » استفاده شده اند.

دو نوع لیگو وجود دارد. زمینی و دریایی . اندازه زمینی آن بین ۲/۱۲ – ۲/۱۸ متغیر است.

واحد دریایی آن بین ۳/۱۸ و ۳/۲۷ متغیر می باشد. اگر در مورد مسافت ها با تردید مواجه شدید، در بین این اندازه به دنبال ان بگردید.

دربین گنج یاب های ایران یک سیستم اندازه گیری معتبر وجود دارد که بسیار رایج است. طول هر نوع علامت و سمبلی را اندازه گیری کرده و هر اندازه که بوده باشد به همان اندازه قدم یا متر محاسبه کرده و در ان جهت پیشروی کنید.

اگر جهت یک فلش و یا خط بوده باشد در آن جهت و در صورتی که شکل یک موجود زنده باشد، مسیر نگاه آن خواهد بود.

همچنانکه مسیر حرکت بر اساس نگاه و خط در اکثر واقع درست از آب در می آید : همیشه محاسبه کردن بر اساس قدم و متر به نتیجه صحیح منتهی نمی شود. واحدهای اندازه گیری طول و وزن مورد استفاده از طرف تمدن های باستانی و افراد دفن کننده گنجینه ها با واحدهای اندازه گیری امروزی بسیار متفاوت می باشد.

واحدهای اندازه گیری طول:

هر اشکوب = یک طبقه

(یک زراع = شش مشت بدون شست کنار هم یعنی از نوک انگشت تا آرنج)

(هر گز = ۲۴ انگشت که معادل یک متر است)

(هر ۱۰ رش – ۷متر) (۱۵ رش= ۱۰.۵ متر)

(۱۰۰ شاه رش = ۱۴۰متر)

(تیر پرتاب = اندازه ای که یک تیر می پیمود و آشکار نیست که برابر با چند متر است)

(هر فرسنگ = ۵.۵ کیلومتر)

(هر من = ۳ کلیو گرم)

(یا من کوچک = ۸۱۰ گرم و من ((پارسی)) برابر ۴۹۷ گرم بود)

(چغا زنبیل = تپه روی هم چیده شده)

هر "ارس" یا "ارش":هرگاه یک دست از پهلو به بدن بچسبد و سپس از آرنج خم شود و به بالا جمع شود و دست دیگر از بدن باز شود و با بدن زاویه ۹۰ درجه ایجاد کند،فاصله بین انگشت میانی از دست بسته شده تا انگشت میانی دست باز شده یک ارس

یا یک ارش نامیده میشود.

*هر گام شتر: برابر با یک متر و نیم بصورت فرض.

زای الرا شیه : این مقیاس توسط عرب ها و هندی ها نیز استفاده می شده است و در زمان صفویان توسط افراد غیر مسلمانان نیز استفاده می شد و مقدار آن ۵۰-۹۲ سانتی متر است.

واحدهای وزن:

۱ درهم	۳/۲ g
۱ عقه	۱/۲۸۲ kg
۱ کانتار	۵۶/۴۰۸ kg
۱بانهان	۷/۶۹۲ kg

جریب ، از واحدهای بسیار کهن برای اندازه‌گیری سطح و گاهی حجم و وزن. در باره اصل واژه جریب آرای متفاوت و گاه متضادی وجود دارد. این واژه چند بار در متون فارسی میانه (از جمله ایاتکار ژاماسپیک، ص ۷۲؛ بیلی ، ص ۵۸۳؛ نیز سنگنوشته شاپور اول در کعبه زردشت: ژینیو ، ص ۵۱؛ بک ، ص ۳۶۷) به‌صورت gryw به کار رفته است (نیز رجوع کنید به مکنزی ، ذیل واژه). بر این اساس، ریشه مفروض آن واژه ایرانی باستان griba دانسته شده است (هوبشمان ، ص ۱۸۱). همچنین سیمز ـ ویلیامز (ج ۱، اصطلاح‌نامه، ص ۱۷۷، ذیل "aypnol")، باتوجه به‌صورت مستعمل این واژه در چند نوشته بلخی، با قید احتمال، اوستایی آن را به صورت griuua (به معنای «گردن») بازسازی نموده که در این صورت با واژه گریو در فارسی میانه (به معنای گردن) مرتبط است (نیز رجوع کنید به مکنزی، همانجا). از دیگر سو، بنا به نظر برخی از زبان‌شناسان، جریب از واژه سریانی گریبا(رجوع کنید به فرانکل ، ص ۱۳۰؛ مشکور، ج ۱، ص ۱۳۵)، که خود باقی‌مانده صورت اکدی kirubu می‌باشد (بروکلمان ، ص ۱۳۰،)، مشتق شده است.

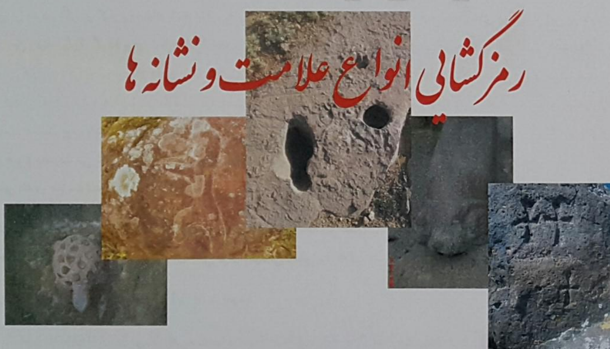
جهت های مورد استفاده برای مخفی کردن دفینه:

یهودیان=شماب شرقی و جنوب شرقی

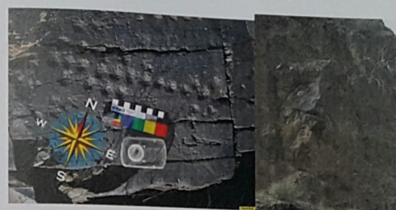
غیر یهودیان = شمال غرب و جنوب غرب

اما در جهت های دیگر نیز استفاده می شده مثلا شمال , جنوب , شرق , غرب و عمدتا بر این منوال بوده :منازل ,عبادتگاه , سد , چاه , حدود بین قبایل و...

بخش نخست:



چگونه نشانه ها را تحلیل کنیم:



همانگونه که قبلا نیز گفتیم اشارات بیهوده قرار داده نمی شوند معنا و مدلولی دارند , از جهت اعتقادی و یا فرهنگی و یا جغرافیایی دارای دلیلی هستند برخی از آنها مارا به نوع زمانی که اشاره به دلالت دارد رهنمون می سازد این نوع اشارات تقریبا از جهت دلالت صد در صد می باشند مثلا الهه فینوس که از قبرها محافظت میکرده در عقیده بیش از ۶۰ درصد یونانیها دلالت بر قبر میکند ولی قیاس و متراژ مشخصی دال براینکه این اشاره در چند متری و یا سانتیمتری این مدفن قرار دارد وجود ندارد یا برخی از سنگ های کاسه بسیار شکیل و زیبا که نشان دهنده قبر یک شخص بلند مرتبه اجتماعی طبقاتی می باشد.

برخی اشارات بر اساس واقع شدن آنها در مکانهای مختلف بر اشیا مختلفی دلالت می کنند مثلا, افعی اگر در بالای کوه باشد اشاره به چیزی دارد , اگر در کنار رودخانه باشد اشاره به چیز دیگر و اگر در کوه پایه باشد اشاره به چیزهای دیگر , از این رو باید دقت ویژه ای در این زمینه مبذول گردد برای تحلیل این نشانه سر افعی و دم افعی مورد بررسی قرار می گیرد , اگر افعی کور باشد دلالت بر صخره تو خالی دارد و اگر چشم و زبان داشته باشد دلالت بر دفینه ای دارد که در سطح زمین دفن شده و در این زمان می بایست به نوع فرهنگ و تمدنی که ان اشاره به آن زمان دلالت دارد دقت گردد ,شاید مثلا آن تمدن دهه ها و سده هایی داشته مثلا تمدن یونانی که حدود هفت قسمت بوده باید بدانیم که این اشاره مربوط به کدام قسمت از آن تمدن است و یا اگر نشانه , نشانه ای یونانی و یا یهودی باشد موضوع متفاوت می شود مثلا اگر ان نشانه مار افعی مربوط به یهودیان باشد حتما دلالت بر طلا و جواهرات نمی کند, چون یهودیان سکه های نقدی طلا نداشته اند.

نشانه هایی به شکل کاسه البته دارای ابهاماتی هستند بخاطر اینکه این اشارات در میان یونانیان و رومیان و یهودیان مشترک بوده است و بخاطر نوع مرور زمان و تغییر شکل آن نمی توان بدرستی زمانی را که این اشاره به آن دلالت دارد را معین نمود.

برای فهمیدن نشانه ها باید به مسائل ذیل دقت نمود:

۱-تمدنی که نشانه به آن بر می گردد

۲-صاحبان آن تمدن چه عقایدی داشته اند

۳-هدف شما که در جستجوی آن هستید چیست؟

۴-نوع نشانه (کنده کاری یا برجسته)

۵-وضعیت نشانه و جهت آن

۶-نشانه هایی که به نشانه ها و علامت های اصلی رهنمون می سازند

۷-شکل زمین و سنگ و صخره ها

۸-نظریه جهت یابی

۹-نظریه اندازه گیری

۱-تمدنی که نشانه به آن بر می گردد:



پژوهشگر عزیز شما می بایست توجه کنید که این اشاره موجود در این منطقه به کدام تمدن بر می گردد تمدن رومی یا عثمانی یا گبری یا اغریقی و یا..

۲-صاحبان آن تمدن چه عقایدی داشته اند:



هر تمدنی دین و اعتقادات خاص خود را دارد به همین شما با فهمیدن نوع اعتقادات آن تمدن می توانید به آسانی آن اشاره را تحلیل کنید.

مثلا نوک عقرب در اعتقادات رومیان به معنای حفاظت شاهانشان بوده است.

سربازان رومی از این نشانه برای حفاظت از شاهانشان استفاده می کرده اند شما اگر از این عقیده اطلاع داشته باشید می توانید به راحتی آنرا تحلیل کنید

۳-هدف شما که در جستجوی آن هستید چیست؟



شما با فهمیدن نوع نشانه و اعتقادات فرهنگ و تمدن آن زمان و هدفی که این اشاره به آن دلالت دارد به راحتی میتوانید آنرا تحلیل کنید مثلا اگر اشاره صلیب را دیدید و ان اشاره می کند به قبر و بارگاه در حای که شما دنبال شیشه و صندوق و... هستید

۴-نوع نشانه (کنده کاری یا برجسته):



تقریبا شکی نیست که نشانه های غیر کنده شده یا برجسته دلالت بر همان اشاره می کند مثلا عقاب به عقاب اشاره دارد ولی نشانه های کنده کاری شده نیازمند , کنده کاری و جستجو در صخره هاست و شاید می بایست کل صخره کنده شود تا شما بتوانید نشانه مورد نظر را پیدا کنید.

۵-وضعیت نشانه و جهت آن:



وقتی شما میدانید دنبال چه هستید باید با دقت در یافته های خود تیز هوشی کنید

مثلا ببینید که چشمها و بالها به کدام سوی اشاره دارد البته اگر بخواهیم این موضوع را شرح دهیم یکصد صفحه باید مطلب نوشت شما باید ۵۰ متر حول و حوش اشاره مورد نظر را جستجو کنید اگر دقت کافی انجام دهید به بند ۶ رهنمون می شوید.

۶-نشانه هایی که به نشانه ها و علامت های اصلی رهنمون می سازند:



اگر بقیه نشانه ها را پیدا کردید و مطلع بودید که این اشاره در فرهنگ آنان چه معنایی داشته است اگر خبره و کارشناس باشید خواهی فهمید که ایا این اشاره اشاره واحد است و یا اینکه این اشاره در واقع شمارا راهنمایی میکند به اشارات و راهنماهای دیگر در این صورت در کمتر از نصف ساعت میتوانید با تحلیل ان اشاره مقصد مورد نظر را پیدا کنید.

۷-شکل زمین و صخره ها:



بعد از اینکه بقیه نشانه ها را پیدا کردی می بایست در شکل صخره ها دقت کنید و نیز خاک آن محل باید ببینید همه صخره ها و نیز خاکها هم رنگ و مشابه هم هستند ایا تفاوتی از جهت شکل و ظاهر در میان صخره ها که ما به شک می اندازد که این نشانه است وجود دارد یا نه آیا چاهی در اطراف وجود دارد یا نه

با یاد گرفتن این آموزشها شما خواهید توانست بخوبی به محل دفینه دست پیدا کنید البته می بایست در این راه تلاش بکنید زیرا این روزی برای شما نوشته نمی شود مگر باذن خداوند

۸-نظریه جهت یابی:



این نظریه می گوید هر نشانه ای که پیدا میشود می بایست به یکی از جهت های ذیل اشارت داشته باشد

شمال شرق و جنوب شرق در اشارات یهودی

شمال غرب و جنوب غرب در اشارات غیر یهودی

هر جهتی بجز جهت های ذکر شده(جنوب و شمال و غرب و شرق نیستند مگر دلیلی بر تمدن یا معبدی یا خانه ای یا سدی و یا چاهی و یا مرز بین قبائل است)

مثلا در کاسه می توانیم این موضوع را اجرا کنیم که بواسطه نوع جهت گیری آن میتوان به زمانی که این کاسه تعلق دارد را مشخص کرد

البته نا گفته نماند که در تمامی ابنیه قدیمی برخی نشانه ها وجود دارند که یا به عنوان زینت و یا به عنوان دلیلی بر طبیعت مکان کاربرد دارند.

۹-نظریه اندازه گیری:



برخی تجارب اثبات کرده اند که حساب فاصله اهداف بر اساس یک آرشین که معادل ۶۸ سانتی متر می باشد و انگشت رومیان که معادل ۱۸.۵۲۵ میلیمتر می باشد محاسبه می شود که در این حالت یک قدم رومی مساوی است با ۰.۷۴۱ متر که همان یک قدم انسان بالغ میشود

اما در اشارات یهودی این یک قدم تبدیل به یک قدم بزرگ میشود یعنی حدود ۹۰ سانتیمتر

اما متر طبیعی کاربردی در این امور ندارد.

در زمان قدیم بخواهیم مردم رو به چند دسته تقسیم کنیم اینطوری میشه ۱- طبقه فقرا ۲- طبقه متوسط (کشاورزان و صنعتگران و دامداران و اصناف و...)۳- طبقه اشراف مثل سرداران ارتش و فرمانداران و داروغه ها و...۴ -طبقه روحانیون ایینی مثل کاهنان و مغان و ۵- طبقه پادشاهان و وزرا و درباریان

خوب در مورد داشتن مال و سرمایه و پنهان کردن سرمایه گروه یک که هیچ و گروه دو اگر خیلی خسیس و بخیل بودن چیزی جمع می شد ولی نه آنقدر که از ترس دزدان بخواهد پنهانش کند . پس نتیجه میگیریم دفینه های کوچک و کمی سنگین برای

طبقه سوم و چهارم و دفینه و گنجهای سنگین از ان طبقه پنجم جامعه می باشد , طبقه اشراف که اگر اموالی داشتن یا در خانه یا اگر در سفر بودند در بیابان دفنش می کردند.

اما طبقه پادشاهان و وزرا و درباریان که اکثر اموال دربار چه به صورت غنیمت و چه به صورت مالیات گرفته شده از ملت و چه اموال امانتی اشراف و مردم طبقه مرفه که در ازای گرفتن مقداری از انها از اموالشون محافظت میکردند دولت و حکومت هر مالی هر جا پنهان کرده یک علامت خاص را برای آن در نظر گرفته و به روی سنگی علامتی برای دست یافتن راحت البته راحت برای خودشان حک می کردند.

۱-اگر دولتی به مکانی حمله می کرد و جابجا کردن غنیمتها به صورت یک جا برایش میسر نبود اموال هر منطقه ای رو در همون منطقه به صورت اتاقکی ساروجی یا درون غارها و ... دفن میکردند و علائم خاصی هم برایشان تعبیه میکردند در این صورت به خاطر اندک بودن وقت زیاد روی تله گذاری برای دفینه فکر نمی کردند ۲-اگر اموالی از مردم به رسم امانت به دولتها داده می شد برای نگهداری از اموال این اموال را یا درون خود دربار یا در بیابانها برای مصون ماندن از گزند دزدان پنهان میکردند و علامتی برای اونها در نظر می گرفتند ۳-اگر دولت و کشوری مورد حمله و هجوم قرار میگرفت اموالشان را در داخل غارها و قلعه ها و ... دفن میکردند وبرای اینکه از گزند دشمنان هم در امان بمانند تله یا تله های سنگینی برای اونها در نظر می گرفتند که دسترسی به انها مقدور نباشد.

اما اثار و علائم اثار و علائم رو اولا روی سنگهای خاص که در منطقه غریب هم هستند تعبیه می کردند سنگهای دارای علائم باید خاص باشند نشانگر ان علائم باشند قابل جابجایی نباشند و بیشتر در محل گذر گاههای قدیمی میشه اونها رو پیدا کرد سنگ دارا علامت برای اهل فنش وقتی از دور هم ببیننش توی چشم میزنه چند نوع علامت داریم علامت عمیق کنده شده و علامت برجسته و علامت مجسمه ای و علامت رنگ مخصوصی که اول کمی سنگ رو حجاری میکردند و این رنگ مخصوص رو روش میکشیدند حالا این چه رنگیه که طی هزاران سال هم از بین نمیره الله اعلم.

معمولا علائم حجاری شده دارای علامت دوم هستند و بیشتر از موارد دیگه بار و اموال دارند.

علائم باید بیانگر مفهوم اون علامت باشند یعنی هرکس اون رو دید حتی بچه هم بگه اون فلان چیزه نه اینکه در تخیلات خودمون اون رو به چیزی تشبیه کنیم.

دوستانی که در طی تماس ها از ما پرسیده اند بار فلان جا چی هست و چقدر باید بکنیم باید عرض کنم از این سوالا نکنید چون هرکسی هر چی داشته پنهان کرده وجنسها متفاوتند .

محققین توجه کنند اکثر بارها یک خونی هم پایشان ریخته شده است , اگر کسی باری با نوکرش پنهان می کرد اخرش برای اینکه جا لو نرود نوکر بخت برگشته را میکشته میگذاشته روی بار که هم علامت باشه روی بار و هم مکانش امن بماند.

راههای استخراج و بیرون آوردن دفینه ها:

اصولا دو راه برای استخراج و بیرون آوردن دفینه ها وجود دارد یکی راههای شرعی و دیگر ی راههای غیر شرعی که ما در اینجا راههای شرعی بیرون اوردن دفینه ها را بیان خواهیم کرد

این راههای مشروع به چند قسمت تقسیم می شوند که ما به برخی از آنها اشاره می کنیم:



۱-نخست از طریق نقشه این نقشه ها شاید برروی کتاب یا پوست و یا ورق و چوب و سنگ کشیده شده باشند این نوع نقشه ها در میان رومیان و عثمانیها و ایرانیان رایج بوده است عثمانیها دو نوع نقشه داشتند نخست نقشه های رسمی امضا دار که توسط شاهان و یا وزیران عثمانی کشیده میشده و امضایی داشته و یا نقشه های عادی که مثلا سرباز عثمانی برای مقاصد خود اقدام به کشیدن نقشه میکرده و اندکی از آنها امضا داشته اند البته اسکندر مقدونی نیز برای دفینه های ان تمدن نقشه های کشیده و رسم کرده بود.در دفینه های ایرانی نوع درباری و شاهی مرسوم بوده که نسخه های شاهی مورد اعتمادتر و وثوق تر از نسخه شاهی هستند و نسخه بعد از مکتوب شدن به مهر دربار ممهور می شد...البته نسخه های سنگی نیز مشهوریت فراوانی نسبت به نسخه های پوستی داشتند که اکثرا در زیر زمین و در حین حفاری ما با آنها مواجه می شویم که ما را به دفینه اصلی رهنمون می سازند.

۲-دوم برای رسیدن به دفینه ها از طریق علائم و نشانه ها می باشد نشانه ها دو نوع هستند که نشانه های کنده شده و نشانه های برجسته نشانه های کنده کاری شده , معمولا بر روی سنگ و سقف و آهن و خیره حفر می شود , ولی نشانه های برجسته, همان نشانه های آشکاری هستند که بر سطح صخره ها و دیواره و بارگاهها نمایان می باشند, نشانه ها از جهت نوع دلالت نیز به دو قسم تقسیم میشود نشانه هایی که دلالت بر وجود دفینه میکنند این نوع نشانه ها معمولا متعلق به تمدن هخامنشی و ساسانی و اسکندر مقدونی هستند و بسیاری از اروپاییان برای پیدا کردن علامتهای ماهی و میمون و زن و تمساح به عنوان علامت برجسته به کشورهای ما مسافرت می کنند این علامتها بر وجود دفینه ها دلالت دارند.



دوم نشانه ها و علامتهای که دلالت بر وجود دفینه های یهودی دارند مانند عقرب و یا بز و آلت مردیه و زنانه یا سر آهو یا میمون و یا مار که از علامتهایی بر وجود دفینه های یهودی هستند

اشاره ها و نشانه های عثمانی یکی از سخت ترین نشانه ها به شمار می روند , چون این نشانه ها اگر فردی باشند و توسط سربازی طراحی شده باشد که بعدا مراجعه کند و به دفینه مورد نظر خود راهنمایی گردد از این رو پیدا کردن آنها و تحلیل آنها کار سختی است این نشانه ها اکثرا نشانه های کنده کاری شده هستند و برروی دیوار و سنگ و آهن قرار داده میشوند مانند هلال و ستاره و تیر و شمشیر

نشانه های مشترک بین رومیان و عثمانیها که دفینه عثمانی در کنار و یادر جایگاه دفین رومی دفن شده است

نشاره ها و راهنما های دفینه های فارسی یا ایرانی که در فصول آتی به طور کامل توضیح داده خواهد شد مانند خوشه انگور که بر مکان وجود جواهر دلالت دارد نه طلا

اینها مجموعه ای از اشاره ها و نشانه هایی هستند که دلالت دارند وجود دفینه و شما اگر نشانه ای را پیدا کردید نابود نکنید یا آنها نشکنید ,زیرا افرادی وجود دارند که میتوانند این نشانه ها را از تو بگیرند البته نوع این معامله شرعیه را بیان خواهم کرد زیرا افرادی وجود دارند که علم نشانه ها را چه در دانشگاه و چه بصورت تجربی اموخته اند و میتوانند از این نشانه ها استفاده نمایند.

تا اینجا توجه داشته باشید که راههای رسیدن به دفینه ها در راه شرعی آن تاکنون به دو راه اشاره کرده ایم نخست نقشه و دوم نشانه ها

۳-راه سوم برای رسیدن به دفینه به کار بردن تجهیزات قدیمی و جدید است



از وسایل جدید میتوان به دستگاه های اشاره نمود که میتواند از زیر زمین فیلم برداری کند البته کاربرد این دستگاه سخت می باشد و مخصوص کسی است که می تواند از این دستگاه استفاده کند , اما دستگاه دیگری است که بر اساس نظریه اندرسون کار میکند , در هنگام کار کردن با آن باید از مناطق صخره ای دور باشی چون در این حالت سنگهای سیاه را به عنوان دفینه به تو نشان میدهد البته دستگاه دیگری هم وجود دارد که بر اساس نظریه اندرسون کار میکند ولی مکانیکی است که بهترین دستگاه میباشد. دستگاه های فلزیابی مورد بحث ما است.

۴-راه چهارم برای رسیدن به دفینه خوابهای صادقه است که البته بسیار نادر است چون بسیاری از خوابها از این قسم معمولا خوابهای شیطانی هستند و ما البته این را به عنوان یکی از راهها بیان کردیم



اما روایت کلامی نیز میتواند یکی از راههای رهنمون شدن به دفینه باشد مثلا کسی از روی نقشه و یا اشاره و یا از طریق رویت بداند که دفینه کجاست و انرا به یکی دیگر بگوید و یا از طریق یک سیستم بیان نماید البته این در مورد دفینه های عثمانی زیاد اتفاق می افتد.

پس راههای شرعی برای پیدا کردن دفینه عبارت شدند از:

۱-نقشه خوانی

۲-پیروی از اشارات

۳-از طریق وسایل و تجهیزات فلزیابی

۴- از طریق رویای صادقه

اینها راه های شرعی هستند البته راههای غیر شرعی هم وجود دارند که چون حرام هستند ما اینجا ذکر نمی کنیم.

انواع نشانه ها:

نشانه ها دو گونه هستند: نشانه های کنده شده و نشانه های برجسته

نشانه های کنده شده نشانه های پوشیده شده هستند ولی نشانه های برجسته نشانه ای هستند که گویا برروی صخره ای و سنگی کنده شده تا باقی بماند

الان در مورد کل اشارات بصورت ابتدایی توضیحاتی ارائه میدهیم

نشانه های خزندگان-نشانه های پرندگان- نشانه های جمادات - نشانه های حیوانات و اجزای آنها - نشانه های انسان و اجزای بدن انسان

نشانه های خزندگان:



خزندگان معمولا به کاسه و یا کوزه دلالت می کنند در تحلیل با هم مشابه هستند

مانند مار مولک , مار ,عقرب و لاک پشت و عنکبوت

البته باید توجه داشت که جهت گیری در اینگونه نشانه ها مهم است

نشانه های پرندگان:



نشانه پرندگان گاهی به محل دفینه است گاهی در خشکی و گاهی در داخل یک بارگاه قابل مشاهده است از پرنده گان میتوان به عقابی که بجایی نگاه میکند , عقابی که بالهایش را گشوده و یا عقابی که با چنگال و یا دهانش از چیزی گرفته. کبوتری که در زمین است و یا در آستانه پرواز و یا در زمانی که چیزی را به دهان گرفته است ,جوجه با تخم و یا یا اردک هر کدام نشانه هایی هستند قابل توجه , جمادات البته زیاد هستند و باید در مورد آنها زیاد صحبت شود با این همه حق مطلب ادا نشود.

نشانه های جامدات:



شمشیر و خنجر , تیر , کاسه , خورشید و ستاره , مثلث و مربع وکوزه و برگ و صندل و تاج و کلید در اینجا تحلیل این نشانه ها سخت است , با این همه می بایست در مورد وضعیت جغرافیایی منطقه و نیز احساس شخص جستجوگر نقش اساسی را بازی میکنند باید توجه داشت که این نشانه ها میتوانند نشانه های توجیهی و منجر به تشابه های دیگر باشند.

حیوانات و اجزای آنها:



حیوانات البته بیشتر هستند و از جهت دلالت هر کدام معنای خاصی دارند مثلا شیر نشانه شاه و سگ نشانه مرد نزدیک به شاه و شاید وزیر باشد از اینجا باید دلالت نشانه را فهمید سپس احساس را در اینجا بکار برد.

شیر و پلنگ ,روباه , سگ و آهو و میمون و گاو و...

در اینجا باید توجه داشت که سر حیوان به کدام طرف است و یا حیوان به کدام طرف می نگرد

انسان و اجزای بدن انسان :



نیز نشانه هایی است که باید مورد اهمیت قرار گیرد تصویر انسان و نقش انسان در طول تاریخ مراحلی را گذرانده تا اینکه به عنوان یک نشانه و یا نشانه هایی از وجود دفینه ها مطرح شده است مردی که ایستاده و بسویی می نگرد زنی که با دستان خود چیزی را حمل میکند زن حامله و یا زن عریان مردی که تاج دارد و در دستش عصاست مرد صلیب بدست

البته اجزای بدن انسان را نباید بیهوده شمرد دست و پا و آلت ذکوریه و اناثیه پا با ساق دست با قدم و دست و کیسه و...

نشانه های عثمانی:

نشانه های ترکی و یا عثمانی به سه گروه تقسیم می شوند:

بخش اول (نمادهای مجسم):

دایره- مثلث- مستطیل- جعبه-کلید-کلاه- بارووه-هفت تیر- قطب نما- ساعت- هلال- ستاره-گلوله

t-w-s-h-r-f-m-b-c-e-k-v-g-p-(l – !!- +-X w- نشانه ها و حروفات

ادریس-کالسکه-خورشید-محراب-عکس درخت- ضربه تبر- صلیب- جعبه باز-کوزه- تاج - نقاله- خنجر- شمشیر-قبضه شمشیر- درب- نعل اسب- شمعدان

١١١-١١٢-١٧٠-١٨٠-١٩١٨-١٩١٦-١١-١٠-٥٠-٥٥-٦٦-٦٩-١٨١-١٦١-١٧١-١٧- شماره های ٩٩

در زبان عربی و انگلیسی ٠٠-٩-٨-٧-٦-٥-۴-٣-٢-١

بخش دوم (نشانه های متحرک و زنده):

-برج عقرب -مار -روباه-شتر-الاغ -سرباز ایستاده-سرباز خوابیده-سرباز تکیه داده به زانو

-سگ-سر سرباز فقط-اسب-بره-پا (پدال) -کف دست (انگشتان دست و یا یکی انگشت) -چشم-لاک پشت-کبوتر و غیره

قسم سوم نمادهای اسمی (رمزهای اسمی):

١-الله , لله , أله , هو , له ٢-محمد ,محمود , أحمد , حمد ٣ علی, حسن ,حسین ,عثمان , عمر

جمعة , رمضان , رجب, شعبان, جبر, کوم , طاش ۴-عبر , سفر ,فارس , نامس, هون, نسر, عسیر, صابر ٥-المغفور له , المرحوم , قبر, مطبخ, درب ,باب , أدم ٦-أنا عسکر , معسکر , رایة , خیم ,ساحة, مصلی , قبلة ٧-مکة , شام شریف ,حجاز, سکة , مرمرأیة الکرسی) - سورة الأخلاص بدون بسملة(٨-٩-یک بیت و یا یک قصیده ....الی آخر

خورشید در بین ملل و مذاهب:

مقدمه ای برای هر آنکس که میخواهد جستجو گر آثار باستانی باشد

اگر وارد معبدی شدی از منفذ ان از درب ورودی ان یا از مخرج آن یا از چشم غربی ان تو باید قسمت مشرق این معبد را اهمیت دهی زیرا در سر این معبد میتوانی طلا و کنز و جواهر پیدا کنی از شرق خورشید بلند میشود زندگی را به جهانیان هدیه میدهد



مقبره ها و مدفنها خورشیدی معمولا از شرق به غرب کشیده میشده اند یعنی از سر به دو پا این موضوع از سومریان تا فینقی ها تا بلاد اغریق و روم و تا دوره های اسلامی رایج بوده است حمورابی ۱۷۹۲ تا ۱۷۵۰ از اولین پایه گذاران خورشید پرستی بوده اند اولبرایت داشمند باستان ناس میگوید در دوره هلوکوس در سال ۱۷۲۸ و ۱۵۵۰ ق م خورشید را خدای خود قلمداد کردند و حضرت ابراهیم نیز در آن زمان می زیسته است

اخناتون در سال ۱۳۷۰ ق م با ملکه اسطوره ای نفر تینی از دواج کرد ملکه ای که این خدا بودن را لغو نمود و مردم را به یکتا پرستی فراخواند آتون و آمون این حقیقت را در نوشته ای مکتوب در تابوت چوبی که بصورت مطلا نوشته شده و در سال ۲۰۰۲ از آلمان به مصر برگردانده شد این حقیقت را نوشته است در بلاد فارس نیز عبادت مظاهر طبیعی لغو و به عبادت اهورا مزدا دعوت گردید خورشید در میان زرتشتیان بواسطه آتنش یکی نیروهای و مظاهر قدرت خداوندی مطرح گردید

خورشید در مشرق زمین سومریها آنرا اتو و نشانه آن یو و اکادیون آن را خورشید و نشانه آنرا دابیلیو و عبریها همچنین بود و نشانه آن است.



اهل اوغاریت یعنی مردم اهل لاذقیه سوریه آنرا شبش می نامیدند مردم جنوب خورشید را ماده و لی سومریها و اکادیونها آنرا مذکر می دانستند

اگر رمز به افرادی که خورشید را مرد و ذکر میدانند برگردد می بایست کندن را از جنوب آغاز کنیم

ولی اگر علامت به گروهی برگردد که خورشید را مونث می دانند در این صورت کندن می بایست از قسمت شما آغاز گردد

خورشید در میان مردمان شبه جزیره عربی و یمن:

خورشید در این سرزمینها به عنوان بت منطقه حجاز معروف شده بود (الالت) حتی یونانیان نیز اتون را از عربها به عاریه گرفته اند

عزی الهه خورشید در میان قبایل شبه جزیره عربستان است

قوم بلقیس در یمن خورشید را می پرستیدند زیرا معتقد بودند این عبادت می تواند سد مارب را حفظ کند چیزی که ایه ۲۲ سوره نمل آنرا تایید می کند

خورشید در میان اهل بلاد رافدین (بغداد):

مجسمه ای که در شهر سیبار شهر الله خورشید از نارام سن نوه سرجون یکتا پرست منطقه شام و عراق نصب شده در سال ۲۱۹۰ ق م در ماه تشرین یعنی ماه هفتم از سال اکادی و دهم از تقویم فعلی این ماه به ماههای اله شمس نسبت داده میشود اما بابل از ماه دوم یعنی ایار در میان بابلیان تا ماهتشرین دوم یا همان ماه هشتم تقویم بابلیان در گرمایی سوزان که حتی در جه رطوبت را نیز تحت تاثی ر قرار میدهد قرار میگیرد خورشید در میان انان باعث مرگ و ویرانی و عذاب برای انسان و حیوان است و در واقع خورشید را بدان خاطر عبادت میکنند که از عذابش در امان باشند حمورابی اولین قانون و شریعت را براساس خورشید پرستی برروی سنگی نگاشت در سال ۳۷۵ ق م

خورشید در میان فنیقیین:

اله مرگ ابن بعل به عنوان تمثال خورشید و برادرش علیان به عنوان تمثال گل شناخته میشد

برای تقدیس این الله فینیقیین مرده گان خویش را در قبرستان های خورشیدی و رو به مشرق دفن میکردند و آنها را در کشنده های سفالین در حالی که سر کشنده بطرف مشرق بود خاک می کردند.

خورشید در میان پارسها:



در قرن ششم قبل از میلاد عبادت ماده در میان پارسها از بین رفت و به عبادت روحانی تبدیل شددر میان این قوم خورشید و اتش و نور که آنرا میترا می نامیدند و رومیان و یونانیان این را از آنان گرفته اند و خدایشان را زیوس و جوبیتر نامیده اند و برروی صخره ها و یا برروی دیوارها از این الله او را با پایی ایستاده بر پشت گاو همان حیوان مقدس است.

از نگاه مردمان باستان، خورشید علاوه بر اینکه عامل انکارناپذیر رشد و رونق کشاورزی و شکل گیری حیات بر روی زمین بود، عامل اصلی شکل‌دهی و ایجاد سامان و نظم در جهان و در زندگی مردم و قراردهای زمانی منبعث از آن بود. تمامی نظام‌های

زمان‌سنجی و چرخه سامان حیات انسانی، جانوری و گیاهی بر روی زمین بر اساس حرکات روزانه و سالانه خورشید تعریف می‌شد و معنا می‌یافت.



از این آثار به عنوان الهه زیبایی هم هم یاد میشد. این آثار معمولا برای قبر زنان زیبا روی دربار هم استفاده میشد و معنی جاودانگی را میداد. این آثار در روی دیوارها , صخره ها , پل های شاه عباسی و ... هم استفاده میشد . اگر این آثار روی دیواری حکاکی شده بود باید به دنبال قبری به صورت دخمه ای باشید البته اگر گوشهای تابش به صورت گل آفتاب گردان بودند ولی اگر به صورت خط تابش را حکاکی کرده بودند معنی روسومی خاص را دارد و باید در روبری آن دنبال آثار دیگر باشید . از این آثار در زمان شاه عباسی هم استفاده میشد بر روی پل ها که معنی جداگانه ای دارد و یا دفینه ای که برای خرج پل بود پشت خورشید و یا روبروی آن قرار میگرفت.

نور خورشید در میان این قوم به اهورا مزدا یعنی حکیم بزرگ نامیده شده است.

در میان هندیان:

در میان هندیان اسمان فارونا و زمین بریتیفی و زندگیشان از خورشید گرفته میشد حتی آتش یا همان اتمنی بزرگترین اللهه در هند بود

خورشید در میان فرعونیان:

اتنیات در میان همه ملتها در اولین مرحله باهم متفرقند ولی در نهایت با هم به توحد میرسند این توحد در حول یک اله بر اساس میل پادشاه یعنی فرعون می باشد اخناتون برای اولین بار عبادت بتها را که در آمون مجسم شده بود لغو کرد و در زمان حضرت یوسف عبادت خدا را قانون نمود فارسها و هندیها همانگونه که بین خورشید و نور ان و اتش ان تفاوت قائل شده اند فرعونیان نیز این تفاوت را بین نور خورشید یعنی آتون و بین خود خورشید و آن رع یا آمون رع قائل شده اندق

قرص با اشکال مختلف خود در تالارها قرار داده میشد در تالارهای محاکمات و بارگاه فرعونیان بخاطر بیان این موضوع که حقیقت چون نوری است که بلخره خواهد درخشید دروغ نگو زیرا اتون تو را خواهد سوزاند و اما رع الله دنیا خالق و وجدان جهان است



اما در میان رومیان خورشید در میانه انها به عنوان خداوند از طریق قوم فارس وارد شد و میترا نامیده شد و در میان یونانیان نیز این خداوندگار ابولون پسر رفس خداوندگار خورشید و موسیقی نیز به عنوان تیری خطا ناپذیر خورشید نامیده گردید

ابولون خدواوند گار خورشید در میان اغریقیان برروی صخره هااینگونه کشیده میشود

چشمانش همچون کاسه هایی در داغیره ای بزرگ زبان بصورت یک کاسه مستطیلی و اگر شما این نشانه ها را در جایی دیدی بدانید که سعادت درب شما را زده است و شما در استانه یکی از معبدهای اغریقیه و در آستانه یکی ثروتمندترین این معابد هستید

این قوم خسوف .و کسوف را نشانه خشم خداوند برانان میدانند جلسات و معاملات خود را تا برطرف شدن کسوف و خسوف به تاخیر می اندازند تا غضب بر طرف شود

اما رومیان هدد را خداوندگار خورشید نامیدند گاهی برای زیوس و گاهی برای ژوپیتر . رومیان شهر بعلبک لبنان را بنام هیلیوبولیس یعنی شهر خورشید که روزگاری مرکز عبادت خورشید بود نامیده اند.

علامت مستطیل:

معمولا جوغنهایی که قطرشون بالاتر از۳۵سانت هستش وبعضی موقعه ها حتی ۲۵سانت هدف یا زیریا از ۳تا۵متر در اطرافشون قرار میگیره که ممکنه مستقیم به هدف برسید ویا وارد تونل بشوید.





این نوع از علامت ها بسیار تفسیر آسان داشته و این علامت به قبر مرسوم به صخره اشاره می کند و ۹۰٪ به قبر سنگی شباهت دارد و بین آنها تفاوت وجود دارد زیرا قبر سنگی با سنگ مجسمه کاری شده و از خود سنگ حک کاری و درست شده است اما شکل فوق فقط حدود قبر را مشخص کرده و ورودی از بالای سخره نیست بلکه از جانب صخره یا از طریق غار جانب صخره است و حفر حفره کوچک جانب صخره تمام می شود و مرده داخل آن قرار می گیرد و درست مثل پله ها همراه با تشدید دال کار می شود و راه ورودی آن در تصویر با شماره ۴ که با علامت A۴ مشخص شده و این نوع از دفن همراهش وسایل مهمی دفن می شده است و برای عدم سرقت از این دفن از سلاح استفاده شده است.

سبب مرز بندی قبر از بالا بوده که ایضا برایش تعدادی اموال مهم است:

۱- برای شناخت مکان قبر و این سبب رسم قبر بر صخره خارجی می باشد.

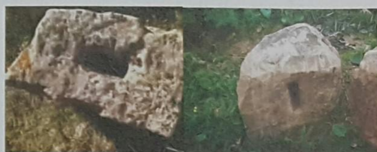
۲- خط مرسوم بر روی صخره و آنکه قبر را تمثیل می کند و ندانسته داخل شدن به سیال مستطیل مرسوم بوده است و این به اعتقادات قدیمی برای ریختن شراب برقبر برای رفاه و آسایش نعمت مرده بوده یا مانند قربانی الهه باتمدن است.
تاکید از این شکل همان قبر موجود جوغن داخل مستطیل است و آن همراه سر مرده می آید و این اعتقاد برای این وقت موجود بوده و همانطوری که ما قبور را ملاحظه می کنیم همراهش با جوغنی می آید که با گذاشتن گل و آب همراه بوده است.

مستطیل قبر بوده و دراینجا ما فقط برای رفتن به قبر از ضلعی که بر روی آن مستطیل است بوده و حضور سنگ در مسافت کمی که همانطور که در تصویر ملاحظه می کنید باید سنگ ها را کنار بزنیم تا صخره را دیده و محتویات قبر را ببینیم و برای اطلاع شما سنگ و صخره باید صاف باشد و شما را به محتویات قبر رهنمون کند و این قبر باز شده است.

این قبر باز شده است:



مستطیل روی سنگ:



این علامت بصورت حفر شده بر سنگها دیده می شود و بشکل مستطیل واضح می باشد و برایش دائما سیالیس خواهد بود. هدف مستطیل قبر بوده و قبر باید در طرف غرب علامتی که می باشد , باشد پس از این تجربه ها نتایج زیر استنتاج می شود:

سیالی که طولش بیش از ۳۰ سانتی متر باشد پس نوعی علامت توجیهی برای علامت دیگر بوده و تثبیتی نیست.سیال تثبیتی لازم نیست که طولش بیشتر از ۱۵ سانتی متر باشد.

هنگانی که مستطیل و سیال کنار هم باشد در طرف سیال سیال دیگری خواهیم یافت که طول آن بیشتر از ۱۵ سم نخواهد بود که این تثبیتی می باشد

سنگ حفره دار(اسکنه خورده):



بصورت حفر شده در صخره های محصور دیده می شود و آن از تعدادی از جوغن منظم تشکیل می شود و در آن جوغنی خارج از مجموعه نیز وجود خواهد داشت

تفسیر علامت: آن قبور دسته جمعی بوده اما بحالت شمسیه بوده یا داخل مدافن قبورهای انفرادی وتراسهایی برای دفن است و این قبور به طبقات فقیر جامعه برمیگرده و سبب آن برای اینکه مجسمه ها در این وقت سنگین بودند و توان آن را نداشتند که برای مجسمه های غیر مردم پولی بگیرند تا از طبقه غنی باشد و علامت برجسته از علامتهای مهم می باشد اما مانند همین علامت ها مانند علامتهای برجسته سنگین نیستند و طریق حل این اشاره بدین صورت است :

این جوغن تک یا منفرد از نوع توجیهی بوده و گفته می شود که قبر غنی در آن است , این گفته از صحت و تجربه بدور بوده و اشتباه است و زمانیکه این جوغن منفرد را یافتید قطعا تپه ای خواهید یافت و نام آن تپه مدفنی می باشد و راه ورودی آن از طریق بئر (رودخانه و آب) می باشد که جدا از تپه می باشد.

قطعا برای این نوع علامت کنارش نیز اگر خط مستقیمی وجود داشت در نزدیکی همان جوغن , قطعا جوغن و برایش سیالی را خواهید یافت که شما را به تپه راهنمایی می کند.

از منقل ها آنچه در جانش بر روی خود صخره حرف H باشد , آن از قبور دارای اهمیت بیشتری صحبت می کند که جایی برای گزافه گویی نیست

اگر حرف (نوشته) را جانب منقل یافتید پس جدا سخن خوبی از منقل ها به میان می آید پس در این حالت هدف جانب صخره ای که بر روی آن منقل بوده می باشد است و آن ورودی صخره ای بز شکل رودخانه یا مربع شکل است.

سنگ چهل تکه:



این سنگ ها به سنگ چهل تکه , ۱۴ تکه و یا هفت تکه و... معروف هستند.نوعی از آنها در زیر زمین یافت شده است و بعضی از آنها در کوه ها یا تپه ها این نوع سنگ نگاره ها که در ایران دیده شده است می خواهد چند معنا را به ما برساند ,اولین مطلب ابن است که این نوع سنگ نگاره ها با چشم قابل مسلح , قابل رویت نیستند و کلید رمز گشایی انها در حالت سه بعدی خلاصه شده است زیرا طراحی سیستم آنها به همان روال است.شما با در دست داشتن یک دوربین سه بعدی با کیفیت پیکسل بالا می توانید از هر جهت آن تصویر یا فیلم تهیه کرده و خواهید دید که تصاویر پنهان شده خود نمایی خواهند کرد والبته بهترین حالت ان تصویر زنده گرفتن از تصویر و چرخاندن سنگ نگاره در جهات مختلف می باشد. این نوع سنگ نگاره ها در مرحله و حالت اول کروکی منطقه متصل را به ما نشان می دهد برای مثال در یک نوع از این سنگ نگاره تصویر آدم , لاک پشت در حین شنا , سنجاب و.. دیده شده است همانطور که فهمیدید این علائم ها به هم مربوط بوده و به ما می خواهد برساند که این آدم در حال نگاه به تپه ای بزرگ اشاره می کند و ان لاک پشت در حین شنا به دریا یا دریاچه قدیمی و ان محوطه ای آب خیز که در اطراف تپه وجود دارد اشاره می کند و سنجاب نیز که نماد درخت می باشد به یک درخت کهنسال در آن منطقه اشاره می کند که سربار آن دفینه اطراف آن درخت دفن شده است .



درحالت دوم این نوع سنگ ها به هر تعدادی که اشکال (یا تصاویر) داشته باشند به آن مقدار نیز به دفینه اشاره می کنند و نوع دفینه هر کدام متفاوت می باشد برای مثال دفینه شکل عقاب ظاهر شده در سنگ با دفینه انسان ظاهر شده در سنگ متفاوت خواهند بود.در حالت سوم این نوع سنگ ها اگراز زیر زمین استخراج شوند به مسیر و جهت اشاره می کنند که باید مسیر دید آن را بررسی کنیم هر چند که این سنگ ها می توانند ما را به مسیر منحرف راهنمایی کنند.در حالت چهارم این سنگ نگاره ها می توانند نیز نماد عقاید و اعتقادات ان

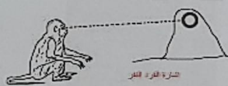
قوم و قبیله بوده باشد و نشان دفینه نباشد و باید به دقت مورد بررسی قرار گیرد و این امر را می توانید از کنکاش و جستجوی در منطقه اطراف این سنگ نگاره به دست بیاورید

میمون:

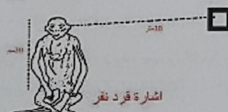


میمون حیوانی بازیگوش بوده و بسیار شلوغ می باشد . باید در دید مسیر این حیوان یک درخت بسیار کهنسال یا درخت موزی وجود داشته باشد. دفینه در اطراف آن است .با توجه به خصوصیات این حیوان می توانید آن را رمزگشایی کنید.

در علامت میمون که به یک صخره نگاه می کند یا آنجا را نشان می دهد باید بالا بروید و جای نشستن میمون را پیدا کنید و جنس در زیر نشستن آنهاست.اگر میمون نشسته باشد و به جلویش نگاه کند باید زیر آن را بکاوید.اگر میمون تنها باشدو راس جانبی آن یک چشم باشد در اینصورت خط قیاس از چشم بسوی هدف خواهد بود.



اگر میمون بصورت سرتا پا باشد دراینصورت قیاس ما اندازه گیری از سر تا پا بوده و هر یک سانت را یک متر درنظر بگیرید و قیاس به اتجای دو چشم باشد هدف را می یابید.

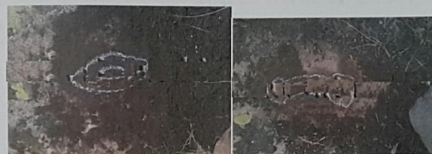




میمون نشسته ودارای دوچشم

میمون رابصورت کامل اندازه
گرفته وهدف در مسیرنگاه
میمون میباشد

علامت آلت زن و آلت مرد:



این دو مورد باید روبروی هم باشد و مکمل هم هستند. دراین حالت سرمال دفینه اصلی آنها ۶۰۰-۶۰ کیلو سکه درست در آلت زنان و آلت مرد در دو نقطه معین پائین ۲ عدد الماس در قبر وجود دارد.

بر قبر مرد و زنش اشاره می کند که که اتاق سنگی بوده و دفینه داخل اتاق دفینه ارزشمندی است.

علامت زیر مورد نظر است:



روش حل آن بدین صورت است:

باید طول آلت را اندازه گرفته و به طرف راس آن حرکت شود و بیضه چپ بزرگ نیاز نیست زیرا آن ممیز نبوده و همه می دانیم که مرد طبیعی بیضه چپش از راست آن بزرگ بوده پس این علامت دارای تمییز نیست.

هنگام رفتن در مسیر سر آن به علامتی ثبیتی که یا جوغن یا مربع یا فرج زن باشد خواهیم رسید
اگر بصورت حفر شده باشد باید به اندازه دو برابر قد انسان که معادل ۳-۴ متر باشد زیر آن را ادامه بدهید و اگر ذکر (آلت) عمق حفر شدن آن عمیقتر باشد در اینصورت باید زیر آن را به اندازه عمق آلت حفر شده که ذکر شده بکاوید به اذن خدای تعالی به در پلمپ شده سرداب خواهید رسید.

نظر دیگر: نشانه قطعی دفینه نمی باشد. برای اینکه نشانه دفینه باشد باید داخل دره باشد .اگر داخل دره نباشد نشانه بار نیست. در داخل و وسط دره ایستاده می شود. باید به بلندترین نقطه آنجا برویم . دفینه آنجاست و در داخل سنگ گذاشته شده است



علامت و نماد ۷ در علوم باستانی:



قدیمی ترین قومی که به عدد هفت توجه کرد , قوم سومر بود.آنها همچنین نخستین قومی بودند که برای نخستین بار متوجه سیارات شدند و آنها را بصورت ارباب انواع و خدایان می پرستیدند.از همان دوران , سومری ها متوجه هفت تایی بودن بعضی عوامل طبیعی مانند سیاره های مکشوف جهان باستان ,همچینی تعداد رنگ های اصلی شدند و آن را موید رجحان و جنبه ماوراءالطبیعی عدد هفت دانستند.

پس از آن نیز عدد هفت در مذاهب، تاریخ جهان و در تصوف و سنن و آداب اهمیت زیاد داشته و شماره بسیاری از امور و عوامل طبیعی «هفت» بوده است..

همچنین در میان اقوام هند و اروپایی تقدس عدد هفت آشکار است و در یونان باستان این عدد مخصوص آپولون،خداوند طبابت، شعر و صنعت است.

نشانه های قداست عدد هفت در ایران●

تاثیر این عدد به ویژه در فرهنگ ایران بسیار چشمگیر بوده است. قداست این عدد در آیین مهری سبب شده است که مدارج رسیدن به کمال در این آیین، همانند تصوف دوره اسلامی و مذهب اسماعیلی، هفت تا باشد . بالاترین درجه آنها «پیر» نامیده شده است. این هفت درجه در ادبیات فارسی نیز بازمانده و «پیر هفت خط» یا «پیر مغان» در دیر مغان بالاترین درجه را میان آنها داراست. در تاریخ ایران و بناهای بازمانده از دوره های تاریخی گوناگون، جا به جا توجه به عدد هفت مشهود است. دور تا دور قلعه همدان (هگمتانه) پایتخت مادها، دارای هفت دیوار بوده است که کنگره هایی به رنگ های مختلف داشته اند.

داریوش با شش تن دیگر از نجبای ایران هفت تنی را تشکیل دادند که دست به دست هم دادند و گئومات مغ که در زمان کمبوجیه پادشاه هخامنشی قیام و سه ماه بر مردم حکومت کرد را از تخت پادشاهی سرنگون کردند.هفت یار در بین راه هفت جفت کرکس دیدند و آنها را به فال نیک گرفتند. در دوره هخامنشی هفت قبیله معروف در فارس می زیستند. قبر کوروش در دشت مرغاب روی یک سکو قرار گرفته که دارای هفت پله است. در نقوش نقش رستم بالای گور داریوش در دو طرف، شش نفر وجود دارند که با خود مجسمه داریوش، هفت نقش را تشکیل داده اند. در دوره ساسانی نیز هفت طایفه از نجبای ایران ممکلت داری را در اختیار داشتند.

همچنین در نوروز روی خوانچه ای، هفت شاخه از درخت های مقدس مثل زیتون، انار، بید و ... می گذاشته اند و در هفت پیاله سکه سفید و نو می انداختند. هفت سین در سفره نوروز بازمانده این رسم کهن است. هفت پیکر، که عبارت است از افسانه هفت زن بهرام گور، در فرهنگ ایران معروف بوده و نظامی آن را به رشته نظم در آورده است.

هفت روز, هفت سین , هفت زمین و آسمان , خلقت هفت روزه زمین و خیلی از اعتقاداتی که ریشه در باستان و آئین های اجداد ماداشته اند که دراینجا بشرح عدد هفت خواهیم پرداخت.
همچنین اسناد تاریخی از برپایی سفره هفت سین به یاد هفت امشاسپندان خبر می دهند؛ طبق این اسناد، هفت امشاسپندان مقدس عبارت بودند از:

اهورامزدا(به معنی سرور دانا)، و هومن (اندیشه نیک) ، اردیبهشت (پاکی وراستی)، شهریور (شهریاری آرزو شده با کشور جاودانی)، سپندارمزد (عشق و پارسایی) ، خرداد (رسایی و کمال) و امرداد (نگهبان گیاهان)(

همچنین این اعتقادات در گنج پزوهی و علوم باستانی ریشه دوانیده و باعث شده است که اجداد و نیاکان ما از این عدد در محاسبات خود استفاده کنند: از هفت خانه در نگهابانی خزانه ها و دیده بانی استفاده می شد,۷ قدم با خزانه بسمت طلوع خورشید قدم بردارید به دفینه می رسید,۷پله بعضی از مکانها به پایین می خورند و در این پله هفتم تله ای جاسازی می کردند , ۷ ارش یا ۷۰۰ ارش بسمت نگاه علامت تپه ای وجود دارد ,فاصله علائم دوم تا علامت نهایی ۷ قدم یا هفت ارش است, ۷ خانه در داخل غارها , هفت خزانه در استان غنی آذربایجان و ...

پس همانطور که ملاحظه کردید عدد هفت از تقدس و پاکی خاصی برخوردار بوده است که ریشه در اعتقادات و آئین های مذهبی و جشن های اسطوره ای ما ریشه دوانیده است که در زندگی و حیات ما و اجداد ما بنوعی نمود و ظاهر پیدا کرده اند.

در شماره ۷ دو حالت وجود دارد , نوک هفت یک قبر یا سنگ یا علامت را نشان می دهد.در حالت دوم وسط دو دره را نشان خواهد داد.

انگور:



این علامت در روی صخره ها بحالت برجسته بوده و بندرت بصورت حفر شده دیده می شود.قطعا خبره های این علم در تحلیل این علامت دارای اختلافند پس بعضی از آنها می گویند که بر جواهرات و سنگهای قیمتی داخل سنگ پلمپ شده دلالت دارد , پس زمانی که باشد به سنگ و جوغن پلمپ شده اشاره دارد وباید در جهت برگ آن ادامه بدهید و بعضی از آنها می گویند که بر تابوت سنگی دلالت می کند و بنده از خلال تجاربم تاکید می کنم که بر تابوت سنگی مهمی اشاره می کند و اما تحلیل اول را نیز نفی نمی کنم.

زیرا این علم , علم اجتهاد است و برای شخصی نفی معلومات شخص دیگری ممکن نیست.
پس زمانی که بشکل عمودی بر روی هر دیواری باشد پس هدف زیر همان علامت خواهد بود و اگر به شکل افقی باشد پس به سمت آسمان اشاره می کند.پس هدف زیر صخره یا حسب برگ آن خواهد بود و تحدید این شی بر حسب علامت طبیعی بوده است وهرکسی بر خوشه انگور تاکید کند بر تابوت دلالت می کند .

دربعضی از تابوت هایی که بنده کشف کردم آثار خوشه انگور بر روی تابوت های سنگی نمایان بود و داخل قصرها رمزی برای خوشه های انگور دیوارها است و در اینصورت هدف زیر جهت خوشه ها می باشد.



پس انگور به وقتش مانند دری می باشد که ادم از خوردن آن سیر نمی شود.

ملک بالدار یا فرشته:



فرشته نماد کلیسا یا نماد آیین های متالوزی یا متافیزیکی بوده است.به گنج و دفینه هیچ ارتباطی ندارد.البته یک تبصره هایی هم دارد بدین حالت که چنین مجسمه هایی اغلب در قبرستان ها بود اند.زیر مجسمه بیشتر از یک خمره وجود دارد و عمق آن بیشتر از دو ارش می باشد.در اینجا اسامی چندی از ملک ها را برایتان می آوریم:آنافیل- آزبوکا- باراکیل -سامائیل -جبرئیل- میکائیل - رازیل و...
برای مثال تزادکینل الهه و ملک عدالت است.

بز کوهی:



نقوش بز کوهی همواره در کنار سرچشمه های آب پیدا می شوند. فرقی نمی کند در کجای ایران به دنبال سنگ نگاره ها بگردید. در هر حال سرچشمه ی رود ها بهترین یاری دهنده برای پیدا کردن نگاره هاست۱. آب نیز خود شروع رویش و باروری است ، آب زهدان همه ی عالم است ، بی دلیل نیست که الهه ی آب آناهید است .دوشیزه ای برومند ، زیبا و ...

پس نقوش بز مسلما به آب و سرچشمه های آن و باروری مرتبط بوده اند. با کمی مطالعه ی سنگ نگاره ها می توان به این امر رسید که عموما سنگ نگاره های اولیه و قدیمی تر تنها به نقش بز محدود می شده اند و در مناطقی که بعدا و در دوره های متاخر تر طرح هایی بر روی سنگ نگاره ها اضافه شده (به مانند تیمره ی خمین) نقوش دیگر مانند انسان و شتر و حتی نوشته هایی به زبان عربی نیز می توان پیدا کرد.۳ با توجه به حروف شبه عیلامی که در بسیاری مناطق بر روی سنگ نگاره دیده میشود قدمت نگاره ها به دوران قبل از آریایی شدن ایران باز میگردد.بسیار پیش تر از زمانی که اسطوره ی آفرینش کیومرث توسط اورمزد بیان شود. ناگفته پیداست که اسطوره های آفرینش توسط اورمزد بیشتر در دوره ی ساسانیان بسط داده شده و رواج یافته (هرچند که بسیار قدیمی تر می نمایند) و در دوره های قبل تر از جمله هخامنشیان نشانی از اسطوره هایی که به گونه ای به دین زرتشت منتهی شوند یافت نمی شود. (به عنوان مثال در هیچ نوشته ی هخامنشی نامی از زرتشت نیامده است) در قبل از ساسانیان به راحتی می توان نشان میترایسم را پیدا کرد. هرچند با فرض این که کسانی که نگاره ها را خلق کرده اند از اسطوره ی کیومرث و ماجرای مشیه و مشیانه هم آگاهی داشته باشند ، چرا بایستی نقش بز را به عنوان نماد سرچشمه های آب در همه جا رسم کنند ؟ شاید رسم کردن نقش گاوی که به همراه کیومرث بوده محتمل تر بوده است!



نکته ی جالب تر نقش زایندگی آب است ، آب همواره نشان زایندگی بوده است.سرچشمه ی زایندگی نیز مادینه است ، مادینه ای مقدس ، همواره در بسیاری از دین ها و اسطوره ها سرچشمه ی زندگی و باروری به صورت موجودی مادینه تصور می شده است. به ویژه در جوامع کشاورزی و مادر سالار که ارتباط بسیار نزدیک به طبیعت داشته اند. (و عموما نوعی از ادیان طبیعت پرستی داشته اند = پگانیسم) به عنوان مثال آناهید که تحت عنوان خدای آب های نیرومند بی آلایش از او یاد می شود.

اما در سنگ نگاره ها عموما ما با طرح "بز کوهی نر" و "کل" و " اندرمیش "مواجهیم. چگونه بز نر می تواند نماد باوری و رویش باشد؟ بزی هایی با شاخ هایی بلند و سرکش ، از روی نگاره ها میتوان دریافت که انگار برای کسانی که این نقوش را می آفریده اند بلندتر بودن شاخ بزها به نوعی برتری داشته و میل بیشتری بوده تا بزهایی با شاخ های بلند تر نقش شوند. آیا مشیه و مشیانه از شیر بز کوهی نر می نوشیده اند؟

نماد سگ:



سگ نشان از گنج حکومتی داره وسگ نماد نگهبان حکومتی هستش ومعمولا هم گنجینه ان در تقاطع رودخانه ها و یا تقاطع ابادی ها میباشد و همچنین نماد و سمبل یونانی ها نیز می باشد.بیشتر بر روی سنگ ها و صخره های روی زمین بصورت نقوش برجسته یا کنده کاری به چشم می خورد.

امادر مورد نمادی اگر سگ نگاهش رو به زمین ودم ان افتاده ویا دست در حال حفاری هستش به معنی اینه که شما باید همان جا رو حفاری کنید حالایا به نشان بعدی ویا به دفینه میرسید , اما اگر نگاهش رو به جلو ویا سمت دیگه ای هستش ویا در نظر گرفتن حالت دم سگ زیرا که درحیوانات برای مسیر یابی از دوخصیصه سر ودم بیشتر استفاده میکنند که دم میتونه بصورت افتاده ویا مستقیم رو به عقب ویا بصورت تاب ویا برگشته رو به بالا طوری که نوک ان رو به کمر قرار بگیریدباشد ,



در کل بعد ازپیدا نمودن جهت به دنبال نشان بعدی بگردید ممکنه نشان بعدی یا روی زمین و یا زیر زمین باشد.

اگر سگی بر روی زمین دراز کشیده باشد مزار در همانجا قرار دارد.تصویر سگی که در حالت آماده باش و نگهبانی به سر می برد نگهبان اشیای پنهانی است.احتمالا اشیای در زیر تصویر سگ یا در یک دو قدمی آن قرار دارد.اینگونه اشیا حتما در زیر خاک پنهان شده اند.در دیدگاهی دیگر دیده شده است که بار زیر عکس می باشد و بار آن سبک و کمتر از دو زرع بوده وبار در صندوق است.اگر سر سگی

که از صخره ها تراشیده شده باشد و در بالای تپه ای باشد نشان از این می دهد که همانطور که وظیفه سگ نگهبانی و پاسبانی می باشد از این سمبل نیز در حفاظت استفاده می کردند .همچنین این علامت بعد از مرگ انسانهای پیر که مورد احترام و مجبوب انسانها بودند استفاده می شده است.





در زیر این سگ هفت اتاق صخره ای که بصورت بسیار زیبا تراشیده شده اند وجود خواهد داشت که توسط پله های بسیار زیبا راه ورود خواهد داشت .



در یکی از این اتاق ها باجه ای برای دیده بانی استفاده شده است.این دیده بانی مسیری برای حفاظت از خزانه ها و همچنین آبادی ها بوده است و به یک تپه ای اشاره می کند که دارای اهمیت قابل توجهی می باشد و دفینه در ان دفن می شده است.



همچنین یکی از اتاق ها برای نگهداری ذخایر غذایی و نظامی می باشد و یکی از اتاق ها دارای جوغن داخل اتاقک می باشد که زیر آن یک چاهی می باشد و داخل چاه نیز یک اتاقک دیگر خواهد بود و دفینه داخل ان است.همچنن درب ورودی این اتاق ها با معماری بسیار زیبا و محکمی طراحی شده است که خیره کننده است.



در بالای این تپه یا کوه قلعه و دژی نظامی محکمی ساخته شده است که در برابر حملات دشمنان و معاندین که از موقعیت استراتژی بالایی برخوردار بود برای حفاظت مورد استفاده قرار می گرفته است.



نماد شمشیر و زره:



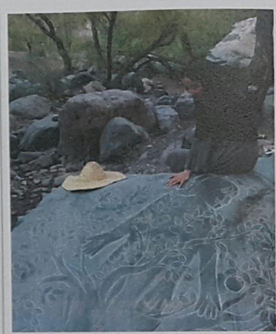
همانطور که می دانید افرادی در ایل ها و قوم ها بودند که در رشادت و شجاعت و پهلوانی معروف بوده اند و در طول حیات زندگیشان از ایل و قوم و تمامی ارضیتشان دفاع کرده و به خدای فداکاری و رشادت و جنگاوری در ایل و قوم و طایفه مشهور بودند.بعد از فوت و مرگ ایشان ایل و قومی برای اینکه یاد آن دلاور و جنگاور از یادشان نرود از تصاویر شمشیر و خنجر و زره در روی سنگ قبر این افراد دلیر استفاده می کردند. همراه این دلاور یا پلوان یا رزم آور وسایل و اشیا مانند خنجر- شمشیر – زره و تمامی اشیایی که یاداور رشادت و پهلوانی او بوده است در قبر همراهش دفن می شدند.

درخت:

هنگامی که به دنبال گنج هستید ممکن است با یک درخت برخورد کنید، درخت چند هزار ساله باشد، در حال حاضر اجازه دهید در یک دنباله درخت نگاه کنید آیا شما هر گونه چاقو، ناخن و به همین ترتیب آیا علائمی می بینید؟؟ به هر چیزی مثل میخ، هر گونه نشانه ای قابل توجه توجه کنید!

ببینید آیا یک طرف درخت نسبت به بخش دیگری از آن پر انبوه یا پرتراکم است؟

درختان کهنسال بلوط بلند مدت، از جمله درختان چنار بسیار مهم هستند.



اگر درخت استفاده شود نشانه های گنج درخت مرکزی تا ۳۰ متر باید بررسی شود. رسم دایره با شعاع گنج در این دایره از ۳-۵ متر بسیار مهم است. به احتمال زیاد عمق بیشتری دارد. تجهیزات فلزیاب و آشکارساز توصیه می شود.

گاهی اوقات عمر این درختان (توت، گردو، گلابی، بلوط) مشخص نیست , نقطه مستقیم می تواند در نظر گرفته شود تا به شما در پیدا کردن علامت اصلی کمک کند.این درختان اکثرا در مناطقی که گنج دفن یا ذخیره شده باشد انتخاب می شده اند.

درختانی که دارای دفینه هستند یا به صورت تک دیده میشوند یا دو تایی , سه تایی و یا ۷ تایی و با قدمت بالا. در آن زمان وقتی دفینه را زیر این درختان دفن میکردند جنازه شخصی را هم در بالای دفینه میگذاشتند به این علت که روحش از دفینه محافظت کند و در آخر درخت را روی آن میکاشتند و جنازه انسان به دلیل داشتن املاح مدنی زیاد مخصوصا منیزیوم , زینک و روی باعث رشد سریع درخت می شد.



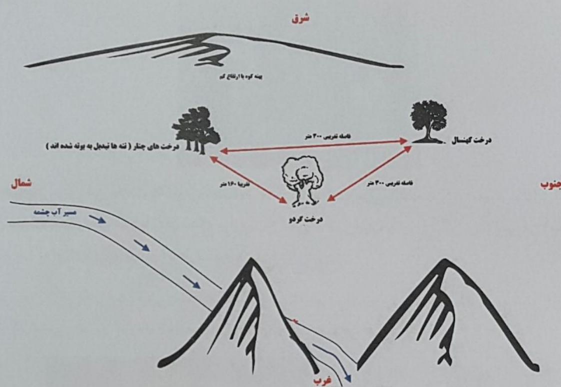
همین باعث میشود شناخت این درختها نسبت به درختهای دیگر راحتر باشد

درخت کاج:



درخت کاج یکی از مهم ترین علامتها در دفینه یابی است , عمق چنگال کاج ضخامت کمتر از سه نفر با هماست.عمر این درخت نیز در ۲۰۰-۲۵۰ سال قبل است و بعد از سال های جنگ یا بیشتر به عنوان یک نقطه قابل بحث است , تعامل این درخت متناسب با آن نقطه درست در زیر درخت کاج از سالها پیش تبدیل شده است .شکاف شکافته شده دنباله در دنباله رو قدیمی و یا در نزدیکی به اندازه یک بشقاب امروزی در عقب یا در پایین آن بصورت نام و رسم خانوادگی ترسیم شده است , معمولا ۷ " نشان دهنده رقم هفت مورد دو V" باشید. "Vتا ۷۰ قدم بوده و یا در اطراف دنبال جستجو یک نشانه از چنگال چون حرف " نقطه، یکی از محل دفن در این نقطه که در آن هدف توسط تجهیزات شناسایی و بررسی می شود و یا زمین باید مشاهده شود.



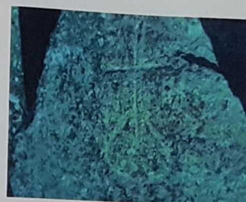


درحالات بالا مشاهده می کنید که دفینه مابین ضلعی قرار خواهد گرفت که اندازه اش با مابقی اضلاع مثلث فرق خواهد کرد یا در مابین وسط مثلث نیز قرار خواهد داشت پس سعی کمید که همیشه بین اشکال و علائم ها را بطه هندسی برقرار کنید

مبحث صلیب ها:



بیشتر ما این علامت را درقبرستان مسیحیان میبینیم و بر روی بعضی مزارها و یا دستگیره های درها نقش بسته است در تفسیری متفاوت , باید به صورت وارونه نیز مورد بررسی قرار گیرد.میگویند که در دوران مسیحیت این علامت استفاده شده حدود ۲۰۰۰ سال پیش اما گاهاجاهایی را ما میبینیم که تا ۳۰۰۰ سال قدمت دارند و علامتی بشکل+ مشاهدهمیشود واین یعنی ...



اما در مکانهای پربار هم این علامت به کار برده شده.در تفسیر این علامت خیلی باید دقت کرد < چون مهم این است تشخیص دهیم این علامت به مال تعلق دارد یا نشان سنگ مزاراست>گاهی به معنی اشاره به جای دیگر است: یعنی هر ۴ ساق صلیب را اندازه بگیر هر کدام که بزرگتر بود به آن طرف برو.

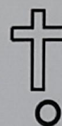
گاهی آن ساق که کوچکتر است مسیر را نشان میدهد.اگر هر ۴ ساق هم اندازه بود به همانجا اشاره دارد.خیلی باید دقت کرد .باید یک کارشناس حتما در کنارتان باشد.صلیبها به شکلهای خیلی متنوعی طراحی شده اند.



در آذربایجان این صلیبها از دوران بیزانس به یادگار مانده اند.صلیبها گاهی درکنارشان علامت دومی هم دارند مثل یک+ یا o که به مامقیاس میدهند.

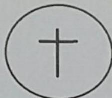
به سر خاچ باید دقت کنید که بسته باشد.اگه خاچ ما تکی بود درست است ۱-۳-۵-۷-۱۱به دنبال مزار باشید.

اگر یک جوغن زیر یک ضلع صلیب باشد بر قبر دلالت می کند و اگر زیر هر ضلعی جوغنی باشد اشاره به ۴ قبر می کند.



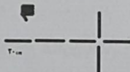
پس اگر جوغن کنار صلیب باشد باید بطرفی که جوغن قرار دارد حرکت کنید به هدف می رسید اما زمانی که صلیب زائد باشد هدف در طرف قسمت زائد قرار خواهد داشت.

صلیب درون دایره:



علامت صلیب داخل دایره نشانگر مزار خانوادگی است.می توان گفت که در ان نزدیکی ها یک قبرستان خانوادگی قرار دارد.چنین علائمی در سکونت گاه های قدیمی زیاد به چشم می خورد.

صلیب و دست:



وجود دارد که این خطوط این تصویر بر روی یک سنگ ۱متر در۲ متراست که روی ان ۶ خط که هر کدام به طول ۳۰ سانت سانت است ودر سمت چپ ان یک علامت دست چپ که باهم تشکیل یک صلیب را میدهند وفاصله انها با یکدیگر حدود ۱۵ بصورت بسته است وجود دارد در توضیح باید بگوییم که در مورد صلیب شما یک دست رو به تصویر کشیدید که شصت آن کنید حداقل تا به بیرون است اگر به همین طریقه شما در روبروی شصت دست دنبال یک نشان دیگر بگردید سعی دست رو ۳۰۰متر رو پوشش بدید

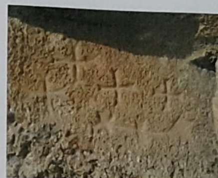
یک خط کنده شده به اندازه در مورد صلیب ما جهت دست رو دنبال کردیم به فاصله هر ۱۰۰ متر یک سنگ است که دارای چهار سنگ می خوریم که بصورت مربع چیده شده اند که هر کدام یک مداد است وقتی این سنگها رو دنبال میکنم در انتها به دارند ولی هیچکدام علامتی ندارند و در این حالت باید دستگاه به کار برد یا هدف در مابین قبور مربع با هم حدود ۵ متر فاصله می باشد.

صلیب حفر شده همراه جوغن:



صلیب:برای آن اشکال متفاوتی است و همراه اشکال مختلف مانند جوغن یا فلش یا....همراه است.

صلیب متساوی الاضلاع:به شکل علامت زائدی علامت طلا می باشد.



صلیب:تحت یکی از ضلع هایش بر قبر دلالت می کند.

صلیب: تحت هر ضلع جوغن بر ۴ قبر دلالت می کند.

چگونه مکان دفینه را زمانی که علامت صلیب باشد کشف کنیم؟؟؟؟؟زمانی که اطراف و کنار آن فلش باشد پس دلیل بر اتاق است و زمانی که همراه جوغن باشد.

اما زمانی که تحت یکی از ضلع ها جوغن باشد و اضلاع متساوی باشد پس زیر خود صخره می باشد.

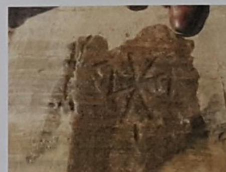
زمانی که اطرافش علامت زایدی باشد پس قطعا به طرف علامت اضافی یا انحراف باشد بر اتاق دلالت می کند راس صلیب از قاعده آن بزرگتر باشد و طرف های آن متساوی باشد طرف بالای اشاره اتاقک می باشد.

صلیب همراه ۴ جوغن:



بر تپه ای که ۴قبر داشته باشد دلالت می کند.مسافت طول ضلع قاعده طولی می باشد و زمانی که علامت حفر شده باشد تمامی چهار اضلاع طولی آن را جمع می کنیم به تفاوت قاعده ضلع تپه ای می یابیم.

صلیب مورب:



نمونه ای از صلیب های مسیحیت می باسد.شکل نیم هلالی همان حالت مورب است .سمبل انتظارات جامعه مسیحی از حضرت عیسی می باشد.

صلیب آنجور:



نماد مسیحیت ابتدایی می باشد.لنگری که دریانوردان در آن کشتی استفاده می کنند شبیه صلیب آنجور است.نماد پنهانی معتقدان به حضرت عیسی در دوران اوایل مسیحیت می باشد.به همین دلیل کلسیاهای ساخته شده در زیر زمین هم می تواند بعدها از آن به عنوان نماد قبر هم استفاده شده است.از طرفی این نماد نام صلیب یا هلال ماه را هم می گیرد.به معنای نجات و امید بوده و به شکل صلیب , دربین مسیحیان یک نشانه پنهان به معنای مخفی کردن یا دفن کردن بوده است.به طور کلی نمادی از مزار و شهر مزار (کتاکامپ) و یا هرچیز پنهان می باشد.

صلیب دو تایی:

صلیب هایی که در کنار هم و به طور برآمده ساخته شده اند در اماکن مسکونی قدیمی در حد وسیع به عنوان علامت و یا سمبل قبر مورد استفاده قرار می گرفتند.به دوره روم تعلق دارد.

سنگ نماینده:



قسمت دایره ای که در پائین به صلیب متصل شده است به قبر می رسد جهت بازدید، نقطه نشان می دهد که دفن در ۴ بخش بهم متصل می شوند. فاصله آن تا هدف و قبر بیشتر از ۱۰ متر نبوده و عمق آن بیش از ۲ متر نیست .وجود دستگاه ضروری بوده و همه دستگاه ها به راحتی می توانید تشخیص بدهند.

acrshop

صلیب PUTU(بت خانواده):



صلیب , نشانه سوگند جمعی خانواده بوده و اشاره می کند، اگر تمام شاخه های آن با هم برابر باشد در زیر سنگ قبری وجود دارد که در آن کفن و دفن شده است، قبر یک خانواده اصیل می باشد. بر خلاف عناصر طبیعی اطراف باید به دنبال نشانه های نشانگر قبر خانوادگی است ,عمدتا در دور دیده PUTUدستی بگردیم. اغلب برای مفهوم خانواده استفاده می شود. صلیب می شود. اطراف سنگ تراشیده شده نشانه های مقبره در زمین وجود دارد.در زمین باید به دنبال محل مرتفع ، سنگ چین و یا چاله شن و یا تپه های دست ساز به طور کامل مورد بررسی قرار بدهید.علائم و نشانه های متعلق به افراد متوفی در شیشه اشک (یک کوزه گرانقیمت که پر اشک می کردند) و چراغ نفتی و یا قندیل (شمع) یافت می شود.



حفره گرد زیر صلیب , نشان دهنده این است که هدف , قبر نبوده , هدف مخفی کردن گنج بوده است , اگر از نوک هایشان دو تا بسته و یک باز باشد جهت حرکت , و نقطه هایشان نیز نشان دهنده مخفی شدن گنج به صورت ۴ تکه را نشان می دهد. از ۱۰ متر دورتر نیست , از ۲ متر عمیق تر نیست , با ابزارهای گنج یابی به راحتی تثبیت شده و همه انها در می آیند.

صلیب اولیه:



نمادی از نشانه های اولیه راز دوران مسیحی بوده و مورد استفاده توسط کسانی که به عیسی مسیح ایمان آورده بودند می باشد. این علامت در معابد زیر زمینی نیز دیده شده است.. این آرامگاه به عنوان نشانه ای از دوره های بعد مورد استفاده قرار گرفت. گاهی اوقات آن نیز به عنوان متقابل هلال نامیده می شود. بنابراین به طور خلاصه به حقیقت حیات و زندگی اشاره دارد.

صلیب کاتولیک:



سمبل مزار تپه قلوه سنگی است.مفهوم تپه قلوه سنگی به یک حلقه نمایش داده می شود.مجاورت صلیب با یک مزار سرپناهی در اینجا چند مورد را تداعی می کند:



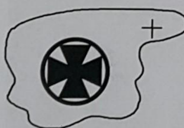
۱-یک فرد احتمالا کشیش یک مذهب باشد

۲-مزار فردی است که در جنگ,قحطی و خشکسالی ویا بیماری واگیر مرده است.

صلیب داخل جوغن:

به دفینه داخل جوغن اشاره می کند و مسافت طول ضلع بزرگ آن خواهد بود

سنگ صلیب:



علامت بر روی تخته سنگ به مانند عمودی علامت + یعنی جنس زیر آن است ولی در این حالت که روی سنگ کشیده شده وبه حالت عمودی یا روبروی علامت جلوی آن یک تخته سنگ بزرگ است و یا یک قبر بزرگ است که جنس ما داخل آن قبر و یا زیر تخته سنگ بزرگ است.

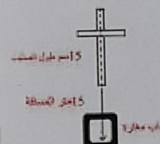
صلیب متساوی در ضلع ها داخل جوغن:

دفینه داخل اتاقک است و مسافت ما طول صلیب باید در عرض آن ضرب شود و به طرف میلان جوغن حرکت شود.

صلیب ضلع طویل:



به قبر داخل کوه یا تپه اشاره می کند.صلیب تنها طویل ضله به قبر گرانبها داخل تپه اشاره می کند(قبر کاهن ویا موبد)



مسافت:مسافت بین ضلع صلیب و جوغن / طول ضلع صلیب

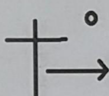
به راس صلیب می رویم قبر را می یابیم.زمانی که علامت حفر شده باشد مسافت بین ضلع صلیب و جوغن خواهد بود و تپه یا قبر شمسی خواهیم یافت.



صلیب کوچک همراه ۳ اضلاع متساوی:

طول اضلاع از ۳ تا ۵ سانتی متر بوده و تفاوت بین ضلع بزرگ و طول یکی از اضلاع کوچک ۲ سانتی متر است در اینصورت دفینه داخل جوغن است اما بالای تپه و کوه بوده یا به جانب قبر شمسی خواهد بود و مسافت ما طول ضلع بزرگ است

علامت صلیب , فلش و نقطه:



اگر با این علامت و یا امثال آن مواجه شدید , اندازه فلش را معین کرده هر میلی متر و یا سانتی متر آن را معادل یک قدم فرض نموده درجهت فلش به پیش روید و بررسی کنید تا به هدف برسید.صلیب موجود نشانه این است که جنس اموال آن از طلا می باشد .نقطه امانت مخفی بوده ,حلقه کنده کاری شده نیز تله فیزیکی می باشد.

صلیب:



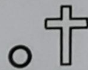
این صلیب روی یک سنگ بزرگ قرار می گیرد و جنس آن دقیقا زیر آن است.

صلیب و مار:



اشاره به قبر کاهن و موبد و مغ دارد و جنس دفینه آن از نوع طلا می باشد طول مار را از صلیب کم کرده و در جهت راس مار حرکت کنید.

صلیب و جوغن:



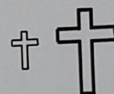
این شکل بر وجود آب یا آبادی یا مکانی سربسته دارد که تمامی اموال و اشیاء در ان محافظت شده اندو مسافت بین صلیب و جوغن را اندازه گرفته و به طرف جوغن حرکت کنید.

صلیب و مرد:



بر مقبره اشاره می کند و ان مربوط به قبر مرد می باشد که این مرد بزرگ خانواده , ایل یا قبیله است بین دو صلیب را اندازه گرفته و به سمت راس صلیب حرکت کنید.

صلیب کوچک و بزرگ:



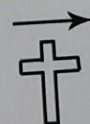
به قبر مهمی اشاره می کند و صاحب ان قبر مربوط به شخص بزرگی مانند شاه است و مسافت بین دو صلیب را اندازه گرفته و به سمت صلیب پایینی حرکت کنید.

صلیب دنباله دار:



مقبره ای وجود دارد و قبر به شکل مستطیل یا مربع است و طول دنباله را اندازه گرفته و تبدیل به متر کرده وبالای دنباله رو حرکت کنید.

صلیب و جهت:



در جهت فلش دنبال یک مقبره باشید.



قسمت پایین آن متراژ را نشان داده و به ازای هر یک سانت , یک متر یا ۱۰ متر یا ۱۰۰ متر جلو می رویم و یک قبر پیدا می شود که ورودی یا دفینه در آنجاست.

صلیب و مستطیل:



بر وجود قبر یک خانم اشاره می کند و فاصله مابین صلیب و مستطیل را اندازه گرفته و به طرف مستطیل حرکت کنید.

صلیب و دایره ای داخل جوغن:



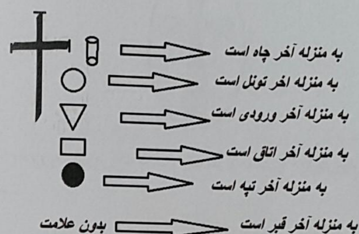
بر وجود اتاقک اشاره می کند و داخل اتاقک اتاقی دیگر وجود دارد و داخل آن اتاقک سردابه ای و یا چاهی خزینه وجود دارد و پایین چاه یک مکان مخفی وجود دارد که داخل آن دفینه و عتیقه می باشد فاصله مابین صلیب و جوغن کوچک را اندازه گرفته و در جهت جوغن کوچک حرکت کنید.

صلیب:





متراژ تعیین شده را به متراژ صلیب جلو آمده و به یک قبری می رسیم که بعد از خاک کردن قبر به یک اتاق خواهیم رسید و جنس در آنجاست.







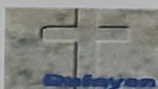
چهار گام به سمت روبرو و جهت نشان داده شده راه برو.



توسط **کلیسا** به خاک سپرده شده است، آرامگاه زیر زمینی وجود دارد. هدف و تله در بدنه اصلی است، توجه ودقت کن.



نوعی از رسوم و علایمی است که در یونانی ها استفاده می شود. دستگیره در جهات مختلف را اندازه گیری کنید و آن جهت دستگیره دیگران متفاوت تر باشد و جهتی که به آن نگاه می کند را بررسی کنید



صلیب مخفف ساده و بسیار معمول است.



صلیب: در مجموع نمادی برای سوگند خانواده است. دفن به احتمال در خود سنگ باشد.ولی اگر همه ساختار بازوها مساوی باشد تحقیق را در همه جهات ادامه دهید ؛درغیر اینصورت اگر ساختار بازویی متفاوت باشد تحقیق را در آن جهت ادامه بدهید.



دستگیره صلیب: موتیف های مذهبی برای دکور خانه یا معابد استفاده می کردند. از محل سکنی یا معبد یافت می شود



کمتر از ۵ سانتی متر در طول و این نشانه را در نظر معتبر دانسته اند. ۵۰ سانتی متر عمق دارد در پشت یا جلوی نقطه پایانی ر بگرد



این دستگیره به کلیسا که در آن کلیسا مقبره مذهبی وجود دارد اشاره دارد.

فیل:



یکی از قویترین وثقیل ترین از نظرجثه حیوانات خشکی زی کره زمین است.در علم گنج یابی, اگر خرطوم آن به زمینه چسبیده باشد زیر آن را باید بکاوید , دفینه در زیر آن قرار دارد.اگر بصورت کنده کاری یا برجسته در دیواره های غار دیده شود باید در اینصورت بدانید که به تمدنهای بسیار کهنسال که عمدتا تمدن هخامنشیان می باشد بر می گردد و در سر در ورودی تونل های یا اتاقک های غار ها پیدا می شود. نماد قدرت و جنگ این حیوان به خاطر قدرت زیاد در جنگها کاربرد اساسی داشت و به خاطر بزرگ بودن این حیوان معمولا ایرانیها در جنگها بر دشمن ضفر میافتند این نماد بیشتر مخصوص پادشاهان بود چون بعد از جنگ کردن و شکست دادن یک قلعه یا دهکده اموال آنها را به غارت برده و در راه در بالای بلندی این نماد را بکار میبردند و اموال را در آنجا دفن میکردند تا برای حمله به قلعه یا دهکده بعدی دستوپاگیر آنها نشود بنابراین اشیاء غارت شده را به درون غارمیبردند یا به صورت تل خاکی آن را مدفون می کردند و نماد فیل را در روبروی غار پلمپ شده یا تل خاکی در آن سوی دره روی شیب دره بنا میکردند به این صورت که اگر خرطوم فیل به سمت پایین دره بود باید در پایین دره به دنبال تل خاکی یا آثار دوم بود و در کنار آن رودخانه یا چشمه ای وجود داشته که آثار دوم نشان دهنده تل یا حتی خود مکان اصلی بود . ولی اگر خرطوم فیل در خاک فرو رفته بود دفینه در زیر آن قرار داشت و اگر خرطوم نداشت و یا کوتاه بود روبروی دید فیل غار پلمپ شده وجود دارد حال اگر خرطوم یا شکم فیل بزرگ بود درون آن مقداری سکه جاساز شده که سربار آن میباشد .





در بعضی علامت ها در مسیر دید فیل یک علامت دوم نیز که علائم حیوانی که عمدتا سنگ ملاغه بصورت ایستاده بوده وجود دارد که دهانه غار زیر زمینی از همانجا می باشد.Xمشاهده می شود , اغلب در مابین این دو علامت سنگی بصورت







آفتاب پرست:

آفتاب پرست همنطور که می دانید حیوان بسیار جالبی است و به حیوان چند رنگ مشهور است و خودش را به هر رنگی تغییر می دهد و بقولی تغییر رنگ می دهد ,



معمولا جایی را آفتاب پرست نگاه می کند تپه های بزرگ و به صورت قلعه های خاکی یا سنگی هستند که در بالای نوک تپه یک سنگ بزرگ میباشد که مرکز شروع حفاری از آنجاست.

انواع سنگ های کاسه و کاربردهای آن:



سنگ های کاسه (جوغن های)اولیه:

که معمولادر خانه های قدیمی و عبادتگاهها و محلهای زندگی مانند غار و جاهایی که در آنجا غذا ذخیره می شود.

البته نوع استفاده از این کوزه ها بر اساس تفاوت موجود در فرهنگهای مختلف دارای تمایزاتی بوده است

جوغنهای اولیه که به انسانهای اولیه و ما قبل تاریخ بر میگردند



انسان اولیه که بدور از وسایل زندگی بوده و خانه و کاشانه را نمی شناخته است با اندکی پیشرفت پای در وادی زراعت گذاشت شکار و بکار بردن ادوات و اسالیب مختلف برای زندگی را به مرور زمان اموخت , زندگی خویش را با موجودات زنده و زراعت می گذرانید و این عقل که خداوند به او داده است او را در ادامه راه به برداشتن قدمهای دیگری در راه پیشرفت رهنمون ساخت , این انسان بعدا دست به نقاشی و کشیدن آنچه در عقل خویش می گذرد برروی صخره ها زد و اندکی بعد در فکر آن افتاد که میتواند بواسطه درست کردن و حفر کردن در صخره ها وسایل و لوازم خود را نگه دارد و از آنها محافظت نماید او حتی از صخره ها وسایلی ساخت تا بتواند بواسطه آن حیوانات را شکار کند و نیز وسایل و طعام خود را در آنجا ذخیره نماید از اینجا بود که کاربرد جوغن متعدد شد آنان در کاربرد صخره ها برای زندگی خویش تا انجا پیش رفتند که حتی بعدها به عبادت صخره ها نیز روی آوردند .

جوغن ها به عنوان علامتی برای مقبره ها و اب راهها و محرابها و معابد شناخته شد هر قومی بواسطه کومه (جوغن) های خود شناخته می شد تا جایی که برخی فرهنگها از فرهنگهای دیگر در این زمینه اقتباساتی کردند از این رو پیدا شدن برخی کومه ها مشابه هم در فرهنگهای یهودی و یونانی و ایرانی و رومی دور از انتظار نیست.

خلاصه موضوع:

جوغن های حکیمانه که در برخی بارگاههای یهودیان و یونانیان یافت می شود:



تاریخچه این کومه ها به زمانی برمی گردد که در یونان باستان حکیمان برای مداوای بیماران و یا فعالیتهای تحقیقاتی خویش نیازمند برپا کردن خانه های مخصوصی بودند. این خانه های مخصوص البته برای ساختن دوا از مواد معین بکار برده می شد این حکیمان در خانه ها نیازمند برخی تاقچه هایی مربع شکل بودند که بتوانند دواها و داروها بصورت جدا گانه در آن مکانها قرار

دهند . این خانه ها از زیباترین خانه هایی است که من طول عمرم دیده ام بخاطر مختلف بودن شکل کومه ها و تاقچه های تعبیه شده در آنها در این بارگه ها دفینه هایی پیدا می شوند که قیمت آنها به هزاران میلیون دلار می رسد.

اما کومه های برجسته یا کنده کاری شده:

این کومه ها راهنمای رسیدن به قبر می باشد و فاصله بین هدف و کومه بسیار اندک است.



کومه های برجسته چند نوع هستند:

دلالت بر ران پلمپ شده و بسته شده دارند.

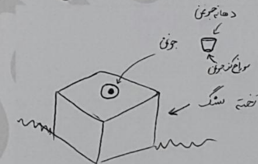
نشانه هستند

شبیه انگشت و اثر انگشت هستند

نشانه قبر هستند

گمراه کننده هستند

در نوع دوم کومه ها, دقت در قطر کومه و عمق آن و طریقه قرار گرفتن آن و نشانه های الحاقی آن مهم است کومه ها انواع مختلفی دارند برخی به آبراه و برخی به قبر و برخی به دفینه و گنج رهنمون می شوند.



متداول ترین و متفق القول ترین نظر در باره ی جوغنی که یک سوراخ در ته آن باشد به صورتی که بتوان به آن حفره ی کوچک گفت این است که اشاره دارد به یک فضای خالی در زیر و یا درون تخته سنگ است.

جوغنها نمونه وانواع فراوانی دارند که بعضی از انها مستقیما مربوط به دفینه ونسخه هستند .بعضی مربوط به ایین ومراسم، بعضی مربوط به مقبره یا ارامگاه ،که واقعا به سادگی نمیشه فرق میان این انواع روتشخیص داد .اما اگر مقداری حرفه ای ویا تجربه باشی ،میشه تشخیص داد. در کل در بعضی از قبرستانها یک هدایا خونه پیدا میشه مثلا در جایی تعداد زیادی جوغن وجود داره که مشخص میکنه ان محل دارای یک قبرستان مهم هستش .که یعنی اینجا میتونه علاوه بر ارامگاهها یک هدیه هم وجود داشته

باشه این هدیه معمولا از یک کوزه به بالا هستش .که بعضی اوقات در زیر یک تخته سنگ یا زیر خاک ویا درون خود جوغن میباشدبعنوان مثال یکی از دوستان من، تا حالاچندبا از درون وکنار همین جوغنهاهدف ، در اورده. نمونه اول، ۷عدد جوعن کنار هم بوده ،که هشتمین جوغن هم وجود داشته، اما بصورت پلمپ.ومیشه گفت اصلا مشخص نبودش. که بار این جوفن یک کوزه سکه بود.

نمونه دوم ۳عدد جوغن به شکل مثلث بوده ،به این طریق که هر جوغن روی یک سنگ جداگانه وجود داشت .ودقیقا وسط این مثلث هدف قرار داده شده بود .واون هدف نیز،یک عدد کوزه پر از سکه بود. پس اگر ۳عدد جوغن که هر کدام جداگانه بر روی یک سنگ وبه شکل مثلث وجود داشت ،مطمین باشید که هدفی در مرکز مثلث خواهدبود.

نمونه سوم جوغنی دیگه وجود داشت که درون ویادر بدنه یا دیواره ان یک دایره کوچک کنده شده بود این دایره علاوه بر اینکه میتونه مسیر هدف یا ارامگاه رو نشون بده ،از جهتی دیگه هم، میتونه نشان یک بار درون خودش باشه .به این صورت که اگر خاکی درون ان هست خالی بشه، وبعداز ان متوجه میشید ،که ته جوغن به وسیله یک ماده ،که میتونه ساروج ویاغیره باشه، پلمپ هستش. که معمولا اگر به با یک وسیله ای، به ته چوغن کوبیده بشه صدای خالی بودن رو متوجه میشید. خلاصه اون جوغن رو شکستند وبار اونو که در ته جوغن وجود داشت ،رو خالی کردند.

نکته ای رو که باید حتما رعایت کنید اینه که هر جوغنی رو دیدید حتما خاک اونو خالی کنید که بیشتر محققین به علت ندانستن این موضوع ،این عمل رو انجام نمیدادند البته این موضوع رو باید بدونید که هر کجا جوغن وجود دارد، نمیشه گفت که حتما به این موارد ذکر شده، برخورد خواهید کرد .اما از طرفی هم ممکنه که برخورد کنید در اینجا تصویر یک جوغن رو براتون گذاشتم که خودم درون اونو خالی کردم. به این صورت که بعد ازاینکه مقداری از خاک اونو ، که در ته جوغن بوده، خالی کردم که انگشتان دستم بصورت کامل در انتها وکناره های جوغن فرو میرفت یعنی انتهای جوغن با خالی کردن خاک ،قطر ان از دهانه، داشت، بزرگتر میشد ، که واقعا جای تعجب داره که جقدر جالب این عمل رو انجام داده اندالبته هنوز خاک، برای خالی کردن داره ومیشه گفت که باید هدفی در زیر این جوغن وجوذ ذاشته باشه که من به علت نداشتن وسایل لازم برای خالی کردن وشکستن اون جوغن، مجبور شدیم کار، اتمام رو به مرحله بعدی بسپاریم.



اما مورد بعدی جوغنهایی بر سر قله یک کوه هستند که فعلا۳عدد مقبره یا گور دخمه هم در کنار این جوغنها نمایان شده ، یک تجربه دیگه که لازمه دوستان بدونند اینه که بازم من تمام خاک این جوغنها رو خالی کردم در بیشتر اونها فقط یا خاک

معمولی یا خاک و زغال بوده البته نه اینکه جوغنها بصورت کامل پر ازخاک باشند، بعضی از انها فقط ته اناه خاک داره بعضی تا نصفه بعضی هم کامل هستند .خوب یکی از جوغنها که دقیقا در بالاو وسط یکی از اتاقکها هستش،بصورت کامل پر از خاک بوده وقتی من خاک این جوغن رو خالی کردم متوجه شدم که خاک ان کاملا قرمز و الک شده بود یعنی بر خلاف بقیه جوغنهایی بودکه خاک،عادی که پودر زغال داشتند،بود. خوب شما جه نتیجه ای میتونید از این موضوع بگیرید، نتیجه وتجربه ای که من کسب کردم اینه که این جوغن با خاک قرمز والکل شده میتونه به شما جا و مکان دقیق مقبره رو نشون بده که یعنی زیر این جوغن مقبره یا گور دخمه وجود داره ویا اینکه درون این مقبره یا زیر این مقبره دفینه وجود داره ویا اصلا درون خود جوغن سنگهای قیمتی یا دفینه میتونه باشه که در این اینجا تصاویری روبرای شما گذاشته ایم



جوغنی که روی اتاقک وجود دارد ودارای خاک قرمز والک شده است







جوغنی که در بدنه ان یک سوراخ کنده کاری شده و وقتی یک مقدار از ته ان، خاک بیرون اورده شده از زیر مانند دهانه بازتر شده بود

در جایی دیگه تعدادی جوغن وجود داشته که از بزرگ به کوجیک ختم میشده اما در کنار کوجکترین جوغن باز یک جوغن بزرگ وجود داشته که دوستان وقتی ته ان رو شکستند باز به هدف رسیدند

نکته وتجربه دیگه که لازمه به اون اشاره کنم اینه که معمولا مکانها مهم میتونه نقشه وکروکی محل رو در کنار خودش داشته باشه مثلا در جایی تعدادی مربع، با فاصله ۵/۴متر دریک راستا وجود داشته. که تصاویر دوتا از مربع ها را واسه شما گذاشته ام خوب این مربع ها در ابتدا کاملا پر از خاک بوذندو فقط ۵سانت از انها خالی بود وقتی ما شروع به خالی کردن این مربع ها نمودیم در یکی از انها یک مهره ابی رنگ وجود داشت. که کل کروکی منطقه واتاقکها ونوع بار وعمق بار رو مشخص کرده بود در یک مربع دیگه بازم مکمل همین مهره وجود داشت ودر مربع بعدی مهره ای بود که اشاره به تله مکانیکی ان داشت من وقتی عمق هدفها رو گرفتم ۵/۴متر بود البته چندین دستگاه مختلف اونجا جواب داد،که من با کمی توجه متوجه شدم که فاصله هر مربع تا مربع بعدی ۵/۴متر هستش یعنی عمق اهداف، با این ترفند،نشان داده شده بودپس اگر شماواقعا توجهات لازم رو به نشانه ها بکنید متونید نکاتی مهم وکلیدی میشوید که واقعا برای شما میتونه مفید باشه

مورد بعدی از جوغنها اینه که بعضی از جوغنها واقعا فقط مربوط به دفینه هستند که با کمی دقت وکنکاش میشه متوجه شد. من در اینجا تصویری رو براتون گذاشته ام که میتونید متوجه نوع کاربردی ، این جوغنها شد همانطور که میبینید این سنگ یک مقدار بزرگ هستش و از جایی دیگه اورده شده ودر شیب این تپه گذاشته شده وزیر این سنگ رو برای مهار ان، سنگ جین کرده اند روی این سنگ هم ۳عدد جوغن وجود داره .یکی بزرگ در وسط ،یک متوسط سمت جنوب غرب ،ویک کوجک سمت شمال شرق خوب تا اینجای کار باید متوجه بشید که معمولا بعضی ازدفینه ها رو توی شیب تپه یا کوهها قرار میدن واینکه برای نصب جوغنها،که مربوط به ارامگاهها هستند بیشتر از سنگهای ثابت استفاده میکنند .اما این مورد کاملا به شما میگه که اینجا فقط دفینه وجود د اره ولی ما باید جطور این ۳عدد جوغن رو تفسیر کنیم به این صورت که جوغن بزرگ دروسط اشاره به همون دفینه داره ،جوغن متوسط که در سمت جنوب غرب بوده اشاره به مسیر هدف ، وجوغن کوجک که در مسیرشمال شرق هستش اشاره به راه ورودی میکنه. که من دقیقا درسمت جوغن متوسط به فاصله تقریبا ۳متری محل هدف رو نقطه کردم .اما میمونه راه ورودی که باید در مسیر جوغن کوجک باشه خلاصه من وقتی عمق هدف رو گرفتم، ۵متر نشون داده شده که اگر کمی دقت کنید میبینید عمق هدف بوسیله تعداد سنگهای مهار، در زیر سنگ بزرگ نشون داده شده است.



در این
جوغن
مهره
مربوط به
کروکی
ونوع بار
پیدا شده



همانطور که میبینیدجوغن
کوچک نسبت به جوغن
متوسط نزدیکی،بیشتری به
جوغن بزرگ داردکه میشه
اینطور تفسیر کرد. راه
ورودی به سنگ نزدیکتر از
محل هدف به سنگ است

تعدادسنگهای
مهارشده=عمق هدف



شما باید همیشه در مورد نمادها تیز بین باشید در واقع باید هر نمادی رو معنی وتعریفی برای اون ،داشته باشیدمثلا اگر یک در کنار یک جوغن علامت دیگری وجود داشت یا باید دنبال همون علامت کناری باشید یا اون علامت رو معنی کنید ویا باید در مسیر اون علامت ،دنبال یک نماد دیگه باشید در کل وقتی یک جوغن در کنار خود جوغنهای دیگه هم دارد، به این معنی نمیباشد که به تعداد جوغنها، ارامگاه و وجود دارد بلکه میتونه معنایی دیگر ویا موارد، باوری واعتقادی باشند به عنوان مثال شما به تصویری که گذاشته شده توجه کنید همونطور که میبینید یک بیضی بزرگ وجود داره که این بیضی میشه هم به عنوان یک جاه محسوب بشه وهم میشه به عنوان یک اتاق یا سالن یا ارامگاهی که بشکل بیضی هستش .اما علامت بعدی که دایره نامنظم هستش ، ما باید جطور تفسیر کنیم این علامت در خیلی از تصاویر که کاربران گذاشته اند دیده شده، در واقع اشکالی تقریبا دایره یا مربع، بصورت نامنظم هستند .که درواقع همجنین اشکالی به یک سنگ اشاره دارند. که یا علامت بعدی درانجاست یا

هدف زیر اون سنگه ویا درب ورودی زیر اون سنگ قرار داره که در این شکل میشه گفت باید درب ورودی وجود داشته باشه .که بنده توی تصاویر توضیح داده ام ویا شکل بعدی که اگر توجه کنید یک دایره نامنظم روی این سنگ کنده شده وجون این دایره در کنار خود نمادی دیگر ندار ما میتونیم خود سنگ رو مورد اشاره قرار دهیم که در کنار یا زیر خود باید موردی وجود داشته باشه واگر توجه کنید تعداد سنگهای ایستاده ۳عدد هستند که اون دوتا باقیمانده در واقع به اون دو عدد سنگ جین دایره اشاره دارد نکته بعدی اینه که اگر در کنار یک نماد ،سنگ جینی وجود د اشت بدونید که حتما موردی وجود داره وبه راحتی از کنار اون سنگ جین نگذرید



به دنبال
یک سنگ

میتونه نشان دهنده
جاه یا شکل
ارامگاه یا سالن
باشد

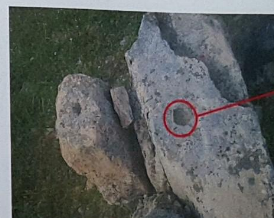


راه پله که
میتونه راه
ورودی زیر
یکی از سنگها
باشد



جوغنها

راه پله



دایره نامنظم که میتونه به خود سنگ اشاره کنه که در پای سنگ یک سنگ جین وجود دارد



جوغن

سنگ جین



همانطور که میبینید ۳ عدد سنگ ایستاده وجود داردکه اون دوتا میتونه به دوعدد سنگ جلو اشاره کنند

همانطور که میبینید یکی از سنگها بازم علامت دارد که میتونه اشاره به خاص بودن یکی از سنگ جین ها بکند



سنگ جین



فنجان نماها Cup Marks:

به گودی های ایجاد شده توسط انسان ها در ادوارکهن فنجان نماها (cup marks) گفته می شود. به تعبیری به گودی های کوچکی که ساخته دست بشرند فنجان نما گفته می شود و آنها از کهن ترین و گسترده ترین آثار موجود در میان سنگ نگاره های ایران و جهانند.



فنجان نماها توسط ابزارهای خاصی (سنگ ، استخوان حیوانات و فلزات) ایجاد شده اند. اندازه (عمق و قطر) آنها از دو تا بیش از سی سانتیمتر متفاوت می باشد. در ایران بزرگترین آنها در تیران (اصفهان) و تیمره (خمین و گلپایگان) کشف شده که قطر دهانه و عمق آنها بیش از سی تا سی وهشت سانتیمتر است.

فنجان نماها در مکان های خاصی برای کاربرد های معتدد حکاکی شده اند. اندازه اولیه آنها اغلب کوچک بوده و براثر گذشت زمان و کارکرد با آنها اندازه ی (قطر و عمق) آنها نیز افزایش یافته است .

کاربری فنجان نماها درایران و جهان بعضاً باهم متفاوت بوده است. البته در ایران علاوه بر بعضی کارکرد های مشابه بادیگر نقاط دنیا ، رازهای خاص خود را نیزداشته است.

اولین و کهن ترین کاربرد آنها گرفتن عصاره گیاهان و خرد کردن ساقه خشک گیاهان ،غلات و حبوبات بوده که این امور شاید بیشتر توسط زنان صورت می گرفته است. حتی محلی برای نگهداری مواد اعم از جامد و مایع نیز بوده اند. ما در کنار زیستگاه های کهن این آثار را با ابعاد و اندازه های مختلف ومتعدد می بینیم. سنگ گردی وجود داشته که آن سنگ گرد را درفنجان نما بر روی گیاه خشگ و تازه می چرخانده یا می کوبیده اند.

فنجان نماها آثار حکاکی و بجامانده از بشرند که عمری طولانی دارند. شاید علت بوجود آمدن آنها تصادف بوده و با استفاده از گودی های طبیعی بر روی سطوح سنگ های صاف آغاز شده باشد.



هرچه از زندگی بشر بر روی کره زمین بیشتر می گذشته، تعداد و تنوع فنجان نماها بیشتر می شده است. علاوه بر تنوع و تفاوت ، کاربری آنها نیز تنوع می یافته تا جایی که کاربری آنها برای رفع نیازهای اولیه به سطوح بالاتری ارتقا می یابد:

۱- کارکردهای گاه شماری.

۲- کارکردهای جهت نمایی.

۳- کارکردهای آیینی .

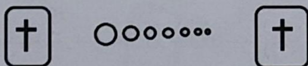
دراین محوطه دو بوم از هم جدا هست که یکی از بوم ها ۲۶ فنجان نما و بر بوم دیگری که کوچکتر است حدود ۹ فنجان نما وجود دارد. به نظر نگارنده این فنجان نما ها به احتمال قوی محلی برای عصاره گیری گیاهان مقدس (هوم، گوکرن،مهرگیاه، مورد، جینسینگ و ریواس) بوده است زیرا در گذشته های دوراز شیره ی گیاهان مقدس بویژه هوم زیاد استفاده می کرده اند و عقیده داشتند که عصاره گیاه هوم دورکننده ی مرگ ونیز بخشنده ی فرزند نیک، آورنده ی توانمندی، تندرستی، فزایندگی، بالندگی، توانایی تن ، اندیشه‌ورزی و آورند ه ی صلح و آشتی و آرامش است. نا گفته نماند که تعدادی ازفنجان نماهااز بین رفته ، ولی خوشبختانه بسیاری از آنها سالم مانده و به راحتی قابل مشاهده اند.

کاسه هفت تایی:

نماد قبر خانوادگی میباشد و یا باید روبروی آن کله قندی باشد و یا تپه ماهوری و حتی در اکثر مواقع دیده شده که لابه لای صخره ها دربی پلمپ شده باز شده و در ته غار در قسمت کفه راهی به صورت چاه وجود دارد و در درون چاه قسمت انتهایی آن راهرویی وجود دارد که به درب دخمه منتهی میشود که اجساد همراه با وسایلشان در آنجا آرامیده اند معمولا کاسه ها از بزرگ به کوچک هستند و کاسه انتهایی که کوچک ترین کاسه به شمار میرود مسیر درست را نمایان می سازد. این قبرها به احتمال زیاد شیمیایی هستند و با بازشدن درب دخمه احتمال شیمیایی شدن زیاد است باید با تجهیزات وارد این جور قبرها بشوید .



علامت ۶ سنگ کاسه:

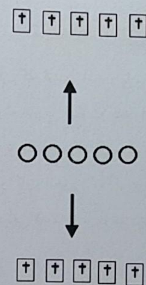


اگر کاسه های ما به این صورت باشد از حالت بزرگ به کوچک همان فلش جنس می باشد و در یکی از طرفین آن به متراژ ورودی قبر یا سنگ بزرگ علامت دار وجود دارد.

علامت سنگ کاسه:

در این حالت جنس درست داخل قبر ⊗ بزرگ قرار دارد.

علامت سنگ کاسه بطرفین:



در این حالت درست در بالا یا پایین علامت باید به تعداد دیبگ ها قبر باشد و در نزدیکی آنهاست و دور نیست.

علامت سنگ کاسه در حالات زیر:

در حالت که سنگ کاسه با یک برآمدگی کوچک وسط آن باشد یعنی در روبرو تپه یا روی تپه قبر ورودی است.

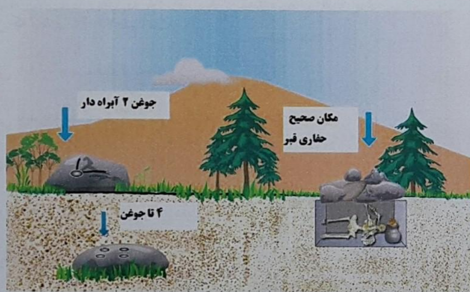
در این علامت که در نزدیکی آن یک قبر است و جنس زیر پای مرده است.

در این حالت که در نزدیکی آن قبر است جنس زیر سر مرده است.

در این حالت علامت قبر پیدا شده و در حالتی دیگر به منزله راه و جاده است.



اگر روی سنگی به صورت دایره تراشیده شده بود که قطر آن زیاد بود و اندازه توپ بود و سرو ته نداشت و سنگ در روی زمین بود که معنی چشمه را در اطراف آن میدهد. ولی اگر سنگ به صورت بزرگ بود و قطر دایره باز هم اندازه توپ بود ولی این بار روی زمین نبود و در جلوی سنگ سوراخ شده بود و زیر هم معلوم بود معنی تنور را میدهد و باز اگر دایره به صورت کاسه بود و ته آن هم صیقلی بود درون کف سنگ یک شیار داشت کف همان کاسه داخل سنگ دفینه وجود دارد ولی اگر دقیقا شبیه به کاسه بود و دور آن هم صیغلی معنی قبر در اطراف را میدهد اگر در وسط سنگ این نماد بود قبر زیر خود سنگ است .



قواعد عمومی:



همه اشاره هایی که بطرف شمال جنوب و یا شرق غرب هستند دلیل بر وجود تمدن دارند نه دفینه بجز در نشانه های ترکی و برخی استثنائات

نشانه های برجسته: دفینه نوع نشانه ها در صخره هاست

نشانه های کنده کاری شده: که دفینه این نوع نشانه ها در خاک است

حرفهای khyt جنائری :که نشان دهنده جهت دفینه می باشد

جوغن کوچک و یا انگشت:اگر به همراه نشانه دیگری باشند به معنای جهت و اگر به تنهایی باشند به معنای تثبیت دفینه است

جوغن مربع :که دلیل بر بودن اتاق زیر خاک و قبر سنگی است.

جوعن مخروطی: که دلیل بر چاه و یا شبیه آن است.

متر رومی :که حدود ۷۴ سم است

متر یهودی: ۱۳۰ سم است

متر قرطاجی: که ۶۲ سم است

متر ایرانی : آرشین که معادل ۶۸-۷۲ سم است.

در نشانه های ترکی باید به جهت قبله توجه نمود.

در نشانه های ایرانی باید به جهت مشرق و مغرب توجه داشته باشید.

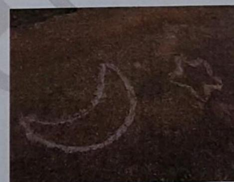
صلیب رومی که دلیل بر وجود مقبره و قبر کشیش و یا کاهن است.

انگشت کوچک و یا دایره کوچک در جوغن دلیل بر جهت دفینه است.

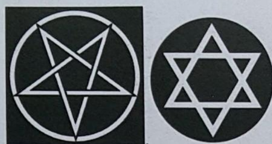
تحلیل جوغن دایره ای و بیضوی مشابه است.

در نشانه های حیوانات و پرنده گان باید به محل نظاره کردن چشم توجه شود.

علامت ماه و ستاره:



ماه نشان دری پلمپ یا غاری است پلمپ که درون این پلمپ تله ای وجود دارد البته خود ماه کامل میتواند کمک کننده و دقیق مکان درب پلمپ را نشان بدهد, ولی ماه هلال غیر مستقیم به هدف اشاره دارد چون طبیعت هلال ماه در شب این است که هرچند در اسمان وجود دارد ولی نمی تواند به خوبی زمین را تحت سیطره نور خود قرار دهد , برخلاف ماه شب چهارده البته ماه نشان معبد دربسته شیطان پرستان و فراماسونرها هم می باشد که دارای هدایای ارزشمندیست.البته باید نگاه کنید که ماه چند شبه است و در همان دهانه باز آن حرکت کنید .اگر ماه دو شبه باشد باید دو قدم بسمت دهانه ماه بردارید تا به قبر یا معبد برسید



ستاره پنج پر نماد در ورودی معابد زردتشت (اتشکده ها) و شیطان پرستان میباشد . ستاره شش پر نماد درب ورود به اتاق اموال آتشکده است و در اکثر اوقات معانی خاص دیگر را هم میدهد به طور مثال اگر در راهرو تونل باشد معنی تله تیغ است و اگر کنار آن یک چشم باشد نماد شیطان پرستی در گذشته است.

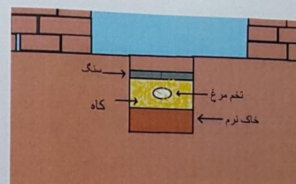
سنگ آینه:

این نوع سنگ ها اکثرا صاف هستند و بر روی سه سنگ ایستاده قرار می کیرند دفینه این نوع سنگها که به سنگ آینه معروف هستند در دو قسمت قرار داده می شد یکی دقیقا جلوی سنگ دیگری نیز در روبروی آن جایی که آینه بازتاب پیدا می کند.

تخم مرغ:



در چنین حالتی جنس در درون تخم مرغ ها خواهد بود.چنین تصور می شود که بایستی مرغ صاحب این تخم مرغ را بیابید که در اطراف آن قرار خواهد داشت.اگر مرغ را می توانید بیابید شما را به هدف اصلی خواهد رساند.در منطقه ای که ۴ برج وجود داشت در ۲ منطفه از این برج ها تخم مرغی یافت شده بود که در زیر زمین بود و بعد از طی کردن ۲ سنگ در میان کاه ها تخم مرغی یافت شد که خالی بود و فاسد شده بود و بطرف مشرق قرار داشت.خوب این تخم مرغ برای ما حرف هایی برای گفتن دارد اول اینکه نوع تفکرات آن قومی را نشان می دهد ثانیا در مسیر مشرق قلعه ای دیگر می باشد که می تواند مسیر دفینه را در ان برج نشان دهد یا مرغی که در آن سمت نقش بسته یا وجود دارد یا مربوط به صاحب آن تخم مرغ است.



درحالت سوم هم زردی تخم مرغ نشان دهنده زردی فلزی است که دفن کرده اند که همان طلا می باشد یا مربوط به مقبره یک زن یا بانویی خواهد بود که در آن اطراف وجود خواهد داشت و یا به ثروت آن زن اشاره کرده است.تخم مرغ هایی که از جنس ساروج می باشند درون خود مژدگانی به همراه دارد.چنین تصورمی شود که بایستی مرغ صاحب این تخم مرغ را که در اطراف قرار دارد , باید بیابید.اگر بتوانیدمرغ را پیدا کنید ,شما را به سمت هدف اصلی خواهد بود .



در داخل تپه ها یا مکانهای دیگر نیز دیده شده است به تعدادهای مختلف که اکثرا یا از ساروج بوده یا از جنس های مختلفی می باشند , این تخم مرغ ها اگر ساروجی باشند درون خودشان مژدگانی دارند و اگر از جنس های دیگری باشند به عنوان نشان دهنده مسیر می باشند.به تعدادهای مختلفی در منطقه های مختلف ایران رویت شده اند که ۳ یا چهار تخم مرغ بحالت دکمه ای و پشت سر هم در فواصل مختلف دیده شده اند که نشانگر مسیر برای رسیدن به هدف بوده اند.

نقش علامت تخم مرغ بر روی دیوار و تونل و غار بدین معناست که شما درون یک مقبره قرار دارید و این نمادهاتله شیمیایی هستند واگر خنثی نشه از گرد سیانور تلفات میدید شما در راستای همین اتاق به اتاق دیگری میرسید که مقبره داخلشه و زیر مقبره اتاق خزانه قرار داره.ضربه نزنید و از لباس وماسک مخصوص استفاده کنید.

رمزگشایی شیرهای سنگی (قوچ های سنگی):



این سنگ ها که در اکثر مناطق ایران دیده می شوند وبعنوان یک ابهام در آمده است بر آن شدیم که تمامی تجاربی و باورهایی که در مناطق مختلف دیدیم را برایتان عنوان کرده و موضوع رمز الود را روشن سازی کنیم.

در ابتدای امر عقاید و باورهایی که بین مردم رایج شده است را عنوان کرده سپاس به بیان حقایق و رمزگشایی آن خواهیم رسید.

قسمت اول :عقاید و باورهای عامیانه:

داستانهای عامیانه آمده که در طول استلای مغولها آنها برای نگهداری از اموالی که به غارت و جنگ از مردمان مختلف سایر کشورهای جهان بدست می آوردند امنایی را تعیین میکردند و به آنها خوب رسیدگی میکردند تا احتمال دزدی را در آنها از بین ببرند و سپس گنجینه ها وخزاین را باحضور آنها در جای امنی دفن کرده وآنها را به نظارت ونگهبانی پنهانی دفاین خود می گماشتند و این مناسب از پدر به فرزند می رسید و ایشان و خانواده هایشان مادام العمر در کنف حمایت مغولان بودند .نسل اندر نسل) وزمانی که یکی از آنها می مرد مسئولیتش به فرزندانش می رسیدکه البته با درایت خواجه نصیرالدین طوسی و متفکران دیگر مدیریت می شدند تا اموال به هدر نرود.



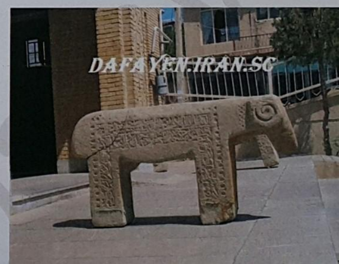
واما قوچهای سنگی نمادی برای برکت بوده اند و به قولی درون آنها جواهرات بسیار پر بها جاسازی میشده ودر سر هر کوی وبرزن قرارداشتند ولی مردم به تبع اعتقاداتی که داشتند: فکر میکردند کسانی قادر به استفاده از آن هستند که کلید اینها را داشته باشند نا گفته نماند که در روی سینه اینها جایی برای داخل کردن کلید بوده ولی کلید آنها نزد اولیاء الله بوده وبس وکسی غیر از آنها ویا کسی بدون اجازه آنها اقدام به گشودن ویا انهدام آنها می کرد دچار نوعی بیماری اعلاج می شد ودرعرض چندروز میمرد و آبرویش می رفت لذا مردم به فکر شکار آن هم نبودند حتی حمایت هم میکردند تا کسی به آنها تعدی نکند واگرهم کسی ادعا میکرد که اذن از معصوم دارد مطمئنا دچار گرفتاریهایی میشد که رسوا می شد وجان خودرا میباخت.

بعضیها هم گفته اند این قوچها توسط کاهنان برجسته قوم مغول (شمنها) نفرین می شدند تا از تعرض دیگران درامان بمانند وفقط کسانی که به رموز جادویی که در آنها بکار رفته بود آگاهی داشتند نمی توانستند آنها را باز کرده از اموال و جواهرات آن استفاده نمایند به هر حال سالها با این حرفها مردم از نزدیک شدن به آنها خودداری کرده بودند ولی معلوم شد که این تلسمات در مردم قرن بیستم اثر نکرده و تعدادی از آنها به غارت رفتند وفقط چند تا (شاید چهار یا پنج عدد) باقی مانده است.



لازم میدانم به اطلاع برسانم که از این مجسمه های قوچ بر سر مزار بزرگان هم بعنوان سنگ قبر استفاده می شده ولی آنها محتوایی نداشته است ومردم از این موضوع هم باخبر بودند.

قسمت دوم:آشکار و شفاف سازی حقایق و رمز گشایی:



حاصل مطالعات و مصاحبه های میدانی را می توان در چند موضوع خلاصه کرد که عبارتند از؛

۱(قدمت قوچ های سنگی به دوران اساطیری ارتباط پیدا می کند و ربطی به آق قویونلوها یا قارا قویونلوها ندارد.

۲(با توجه به اینکه از دوران قدیم قوچ ها توتم و نماد قدرت شمرده می شدند ،وجود آن ها در هر نقطه ای نشان از اهمیت آن محل دارد که نیاز به نیروی مرموزحفاظتی آن ها داشته است

۳(قرار دادن قوچ ها در گورستان ها برای راندن ارواح خبیثه و شیاطین از آن محل ها و حفاظت از ارواح پاک مردگان بوده است

۴ (قوچ ها عمدتا روی به شرق و محل طلوع خورشید داشتند که محتملا با کیش مهر پرستی بی ازتباط نمی باشد.)

۵(در آخرین چهارشنبه ی هر سال مراسمی آیینی در اکثر گورستان ها برگزار می شد که عمدتا برای باروری و در امان ماندن از هر نوع بیماری تا سال بعد سه بار از زیر شکم قوچ رد می شدند و لازم به ذکر است که در این مراسم نیز رد پای احترام به بزرگ ترها را می توان مشاهده کرد .

۶(قوچ نماد قدرت و باروری شمرده می شد که این امر در داستان ها و فولکلور اقوام ترک زبان به وضوح مشهود است به عنوان مثال؛ قوچاق نبی،قوش کور اوغلو یا قوچ ایگید و احتمالا قرار دادن تندیس آن بر روی مزاری،نشان از قدرت بازو و پهلوان بودن شخص صاحب گور می توانست باشد...

۷(قدمت قوچ ها را در سر ستون های تخت جمشید به وضوح می توان دید به این معنی که می باید قدرت مرموز قوچ برای هخامنشیان شناخته شده و قابل باور بوده باشد تا در سر ستون ها از آنها استفاده شده باشد.

۸ (قوچ های سنگی یکی از بی شمار آثار هنری و پیکر تراشی نیاکان ما به حساب تواند آمد که در روزگاران بسیار دور و دراز با دقت و ذوق بسیار تراشیده شده اند و نشان از رشد هنر حجاری در سرزمین باستانی ایران دارد و ...به امید حق تکمله ی مبحث در آینده به اطلاع علاقمندان خواهد رسید.

۹(در ورودی های گورستان و برروی مزارها نیز گذاشته می شده است.

علامت عقاب:

Dafayen.LXB.ir



اگر طعمه در زیر بال عقاب باشد در نوک دید عقاب یک سنگ بزرگ و پهن است و دفینه در زیر آن است.

اگر طعمه در دهان عقاب باشد نوک آن جهت را نشان می دهد و جنس داخل صخره داخل سنگ است .

علائم های رایج علوم باستانی ایران:

- مرد(نمایشی از ساخت در فرش)
- اژدها (قدرت)
- پرنده(اعتماد وباروری)
- اردک وقو(بارور نکاح وجادو)
- طاووس(ابدیت)
- مرغ بهشت (سیمرغ)
- سوسن(آزادی مذهبی)
- لوتوس (تولد مجدد وابدیت)
- شکوفه(جوانی وبهار وتازه عروس)
- لاله (موفقیت)
- شاخ و برگ(احیا بی حد)
- سنبل (باز زایی و احیا)
- بوته (شعله آتش و دنیا)
- شانه (پاکیزگی)
- لوزی (زن وازدواج مرد و زن)
- هراتی(گلدان آب و ماهی)
- شماره ها (نشان دهنده تاریخ و زمان) ١٢٣٢٥٦٧٨٩ 123456789
- شتر (توانگری وموفقیت)
- مرغ/خروس(ضد چشم زخم)
- مار (محافظت وخرد)
- عقاب (قدرت)
- طوطی(گریز از خطر وحفاظت)
- سگ (حفاظت واعتماد ودفاع)
- درخت زندگی(اشاره کننده به زمین یا بهشت)
- زنبق (پاکی و روحانیت)
- گل (قدرت)
- رز (سفیدی وپاکی وهوای نفسانی ورمز
- درخت سرو (آرامش وتولد مجدد)
- درخت انار / انار (حاصلخیزی وباروری
- طلسم (ضد چشم زخم شیطان)
- کوزه /آفتابه (تطهیر)
- صلیب (عقیده)
- دست (قالیچه نماز)
- محراب (راهی برای بهشت)
- ستاره(معنویت و موفق بودن)

شماره	علامت	معنی
32		به طرف قبری که دفینه دارد
33		قبر دور میباشد
34		درب غار مدفون میباشد
35		قبرمردی که دفینه دارد
36		قبرامیرانی که دفینه دارند
37		قبرسربازی که دفینه دارد
38		قبرامیرانی که دفینه دارند
39		قبربازاست
40		دفینه به منطقه دیگرومشابه منتقل شده
41		غاری که دفینه دارد دربش بازاست

ORO: طلا
در صندوق یا تابوت است

چرخ چاه
برخوردگاه شیطان

نشانه ثروت ,همراه
.طلای سفید.شروع/پایان
دنباله

محافظ معدن,زمین
چهار,خورشید
چرخ , کلیسا معلوم

در جای مناسب
محل M/T

نوک قله
معدن
غار

طلای معدن ,
مسیرکوتاه
دور افتاده

گنج اینجاست

180° به پایین بچرخید

صندوق ,تابوت
طاقچه ,دامنه کوه

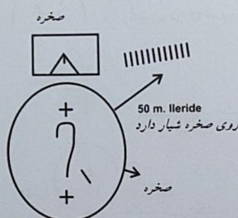
سنگهای
صخره

مکان معدن ,
سنگهای گرانبهای
غنی در پایین است

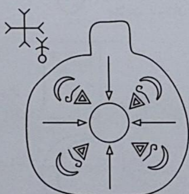
گودال ,گنج
دفن شده

معدن در زیر
ناحیه است

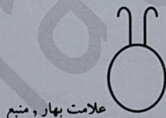
در زیر منطقه
معدن است



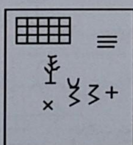
یک مزاربالای روی هم را مشاهده می کنید



این علامت ها روی یک سنگی که از زیر زمین خارج شده است وجود دارد.به معنی راه حل بیشتر است.

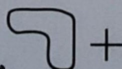


علامت بهار , منبع



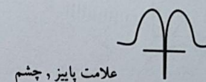
این علامت برای گمراه کردن استفاده شده است (یک رودخانه در کنار خزانه وجود خواهد داشت)

دفینه در ۷ قدمی مقابل آن می باشد

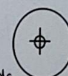


هدف در ۴ قدمی تپانچه می باشد.

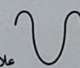
هدف در ۲۴ قدم مقابل می باشد.



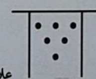
علامت پاییز , چشم



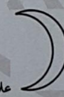
علامت بازار یکشنبه



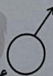
علامت تابستان



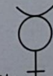
علامت زمستان



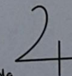
علامت دوشنبه



علامت سه شنبه



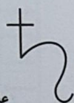
علامت چهارشنبه



علامت پنج شنبه



علامت جمعه



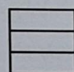
علامت شنبه



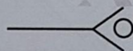
خزانه داخل ۳ درخت است



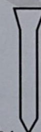
به داخل تونل یا معدن نگاه کنید



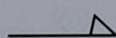
خزانه در مقابل یا در داخل مقبره یا غار است. ۳ صندوق یا ۳جنس است



دفینه در اطراف کوه است , طرف دراز را تعقیب کنید , دلتا



میخ , خزانه در زیر است

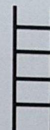


اشارت در روی سنگ های است .فقط در قسمت ساق بمانید



علامت معدن در یا اتاق یا تونل

اتاق باز شونده صخره ای از ۴ طرف



نردبان , به تونل ها نگاه می کند و اتاق یا راهرو های معدن

رگ های معدن

خنجر: دفینه در طرف پایین می باشد.



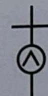
از نزدیک نگاه کن



چشم بینا:دفینه در پایین آن نگه داری شده است , در جهت نگاه چشم تعقیب کنید



سمبل کلیسا:نماد اثرهای آنتیک و خزانه های کلسیا (داخل مزار یا داخل کمر است)



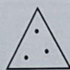
دهان:به زیر نگاه کنید و یا به سمت راست نگاه کنید



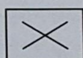
سکه ها یا خزانه است



مشتلوق داخل آن است و یا اینجا ۳ دفینه است



مکان:اینجاست و یا مسافت کوتاهی است



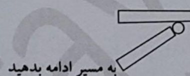
آب وجود دارد: چاه , منبع یا چشمه ,در اطراف یا زیر آب معنی می بخشد



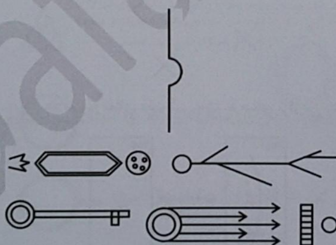
روی پا: علامت زیبایی است , روی آن را تعقیب کنید و به مقابل بروید



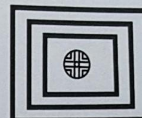
اینجا مکان نگهداری توپ ها یا مکان نقره ها و قلعه است



به مسیر ادامه بدهید



در داخل یک خانه بوده و در داخل باغچه می باشد.دو اشارت سمت راست به معنی دو چاه بوده و دو علامت سمت چپ به معنای دو عدد اتاق قیزلی می باشد.



دایره های تو در تو به معنای مزارهای رو هم قرار گرفته شده است.



در مابین ستاره یک علامت یا صلیب وجود دارد.مالش در داخلش است.

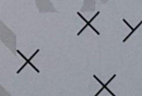


انسانی که نیمه تن پایینی ندارد و در دستش کتاب دارد.نصف دیگر آن را معنی بدان .اینجا طلسم شده است

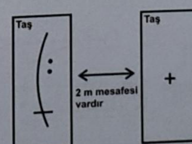




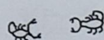
علامت مزار است.در مقابل تیر ,طول تیر را اندازه بگیر و هر سانت را ۶۸ سانت بدان



این علامت به معنای دفینه نمی باشد.به معنای مزار می باشد



در جهت علامت صلیب زیر آن باید کاویده شود.۲ مزار دیگر در سمت دیگر آن در زیر سنگ است.

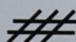




این علامت در یک خانه قدیمی ارمنی دیده شده است.این علامت دفینه نیست.



این یک مکان و سرزمین امنی نیست



اینجا تله کار گذاشته شده , مکان امنیت ندارد و ماندن جایز نیست



اینجا مشفق یا یک آدم بزرگ در حال زندگی است



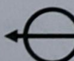
ستاره داوودی و یا ستاره صهیون می تواند باشد.با این وجود از اهمیت ویژه ای در ادیان شناخته شده و دین یهودی را معرفی می کند



به ما هشت نکته را تداعی می کند



سبد,حیات و هدیه دهنده زنان و کودک می باشد.لازم به ذکر است برای مشخص شدن محدوده و محیط اطراف نیز استفاده می شده است.



از این طرف راهی وجود ندارد , راه مسدود است

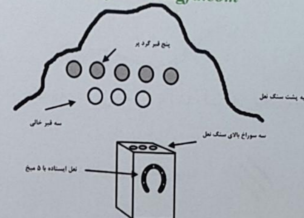


از این طرف بروید , راه باز است



کار را برده اید , به هدف نزدیک شده اید

علامت نعل:



در این حالت طرف بسته نعل یک تپه دارد و روبرو را نشان می دهد و پنج میخ پر نشان ۵ قبر پر از دفینه است و سه سوراخ ۲/۵ سانتی متری ارتباطی به سه قبر دارد.حالت نوک تیز در اندازه و ارتفاع جنس ها را در قبر و زمین نشان می دهد.

علامت جای دو زانو:



جای دو زانو باید رو به قبله و ۲۵ سانتی متر فاصله داشته باشد و برای پیدا کردن دفینه زانوها را در جای زانو گذاشته و سجده می کنیم هر کجا پیشانی به زمین برخورد کرد دفینه آنجاست و یک خمره بزرگ است

قفل:

در زمان توضیح موضوع کلید , گفتیم که این می تواند به عنوان یک عنصر دانایی تفسیر گردد ,قفل و کلید در عنصر نزدیک به هم بوده و در سیستم سمبلیک ما از اهمیت بالایی برخوردارند.

تصویر یک کلید تنها , حاکی از نزدیک هدف بوده , در عین حال سمبل زمان استفاده از قدرت نبوغ و دانایی برای گشت و کاو محیط است.همچنانچه کلید به معنای نزدیدی زیاد هدف به شما و یا حتی قرار داشتن آن دقیقا در محل استقرار شماست , از

طرف دیگر نشان دهنده لزوم دقت بالا و بصیرت نیز می باشد.زیرا اگر بر روی قفل کلیدی نباشد نشان از وجود یک مانع داشته و این برای شما به منزله علامت هشدار است.

هشداری که گفتیم لزوما به منزله وجود یک خطر نیست , فقط قصدمان از هشدار وجود یک مانع بر سر راه مان است.برای مثال , احتمالا دفینه در داخل یک صخره و یا سنگی با شکل متفاوت علامت گذاری شده و نشان دهنده یک امانت داخل یک اتاق است.نقطه مورد نظر با استفاده از ساروج به طور کل از چشمان ما دور نگه داشته می شود.قفل اگر به مفهوم وجود امانتی در داخل یک اتاقک بوده باشد , باید آن را با همان کار گردش در ذهن خود متصور شویم.زیرا مکانیزم کار قفل حرکت با کلید به طرفین راست و چپ عملی می شود.معمولا سمت راست برا ی بستن و سمت چپ برای باز کردن بکار می رود.در این صورت پس از ورود به اتاق باید در طرف چپ به دنبال یک اتاقک و یا در سمت چپ اتاق به دنبال یک محل اختفا گشت.



اگر بر روی قفل کلیدی نباشد , قطعا مانعی در کار است و این به منزله هشداری برای شماست.همچنانچه در علامت پاها بیان شد , بایستی در محل پیدا شدن قفل ایستاده و در اطراف به دنبال یک مدخل بگردید.شکستن سنگ قفل طبق گفته ها و یا جستجو در بالا و پایین آن برای پیدا کردن چیزی به طور کامل خلاف منطق این کار است.قفل در عین حال سمبل گذر از این دنیا به دنیای بعدی است.ر اطراف چنین سمبلی می توان یکی از علامت های را در آن اطراف پیدا کرد.این سمبل را می توان به عنوان توقف و تامل تفسیر کرد.

به نکته ایی در مورد قفل اشاره می کنیم:بر روی سنگی در نزدیک محل کشف ان تصویر نقشه جغرافیایی منطقه توسط کاوشگران گنج کشف شد.چنین برداشت شد که این نقشه باید بعد از پیدا شدن گنج مورد مطالعه قرار بگیرد و حقیقت این امر نیز بعد از تحقیقات انجام شده معلوم شد.این نقشه خبر از یک دست لوازم مخفی می داد.بطور قطع نمی توان گفت که جنس ان از طلا , نقره و... است.شاید دفینه ارامنه و یا راهزنان باشد .در هر دو صورت نیز به معنی یک دفینه مخفی است.البته نوعی از قفل های تاریخی در مناطق باستانی کشف شده است که روی ان با خطوط باستانی مانندخط میخی نوشته شده است و رمزگشایی ان کار هرکسی نیست و باید توسط کارشناس رمز گشایی شود , داخل آن شیی مهم و قیمتی قرار دارد

که به سنگ دومی نگاه میکرد این سنگ به سه صورت پیدا شده ۱ - سنگ اولی با همین شکل درحدود ۲۰*۳۰و با همین نشان تقریبی ۵۰*۱۰۰ که ایم نشان سر این علامت (که شکل قفل نشان دومی ۲۰*۵۰ تقریبی و سنگ سوم زیر سنگ دومی با ابعاد

شکسته و زیر آن را چال کرده نیم متر به سنگ انگار خود کوه رسیده است در کل باید سنگ است بسته بود که این سنگ را کلید را پیدا کنیم.



در نزدیکی مسیر این کلید باید ی مکان علامت دار باشد .کلید عبور از دنیای به دنیای دیگررا تیز زمانی تمثیل و تداعی می کرد.در نزدیکی این مکان ۱ " علامت های وجود دارد آن مکان ها را پیدا کرده و بررسی کنید ، ،مهم هستند.



علامت پستان و آلت زن و نعل:

نوک پستانها تا فاصله ۵۰۰ متری دو عدد تپه را نشان می دهد که باید روی آنها قبر یا سنگ بزرگی باشد.

روی آنها قبر یا سنگ بزرگی باشد و در یکی از پستان ها یک سنگ قیمتی یا مژدگانی است.

در علامت آلت خود آن علامت بوده و به مقدار ۸۰ تا ۲۰ کیلو مژدگانی داخل آن است.



علامت نعل با هفت میخ روبرو تپه ای را نشان می دهد که روی آن به شکل نعل هفت قبر است که جنس و یا ورودی از قبر چهارم شروع می شود.

علامت آلت های مرد و زن:

داخل آلت زن باید آبشار باشد و در داخل آن ۲۰ کیلو مژدگانی همیشه موجود است.

آلت زن و مرد به همراه عقاب:

در آلت زن و آلت مرد دفینه یا زیر پای عقاب یا آنجا که نگاه می کند (از قاعده وسایل دار)و در آنجا که بحالت جهت مسیر دید است در صخره و ساروج می رسیم که دفینه در صخره و ساروج بصورت پلمپ شده قرار دارد.

تاج:



تاج همیشه سمبل قدرت و حاکمیت یک حاکم است.در سیستم جستجوی گنج تاج نیز اهمیتی به سزا دارد.بستگی به موقعیت قرار گیری آن دارد ولی اکثرا این علامت نشان و علامت دفینه و بار نیست و فقط جنبه زینتی دارد مگر در مواردی که در نزدیکی غارها یا قلعه های باستانی دیده شود و اگر یک تاج وجود داشته باشد و هیچ نشانه دیگری در کنار ان نباشد هدف در زیر یا اطراف آن خواهد بود.

تاج به قبر پادشاه دلالت می کند و قطعا تاج به حجم طبیعی بوده و قطعا بزرگ حفر شده آن وجود دارد.

زمانی که به حجم طبیعی باشد پس قطعا از فلش یا جوغن به مکان دفینه واتاقک دلالت می کند زمانی که بزرگ باشد پس تپه یا اتاقک زیر همین صخره است.



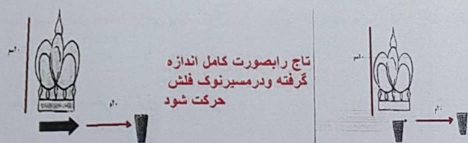
کتاب های قدیمی و حروف بر حسب زمان و لغت قدیمی تفسیر می شود.

زمانی که خود علامت را زیر سنگ یافتید و آنچه ذکر شده را یافتید پس شما بالای دفینه هستید کاوش را ادامه دهید تا زمانی که سنگ بزرگی بیابید پس شما در آن زمان بالای دفینه هستید باذن الله.قطعا این علامت مقابل صلیب یا فلش یا مطمئین شوید که در مقابل شتر یا علامت دیگر است.

در دیدگاهی دیده شده است که اشاره به آرامگاه شاه داشته است و اگر روی صخره یا در اتاقک یا روی درب اتاقک مشاهده شود هدف در زیر یا عقب خواهد بود.



هرگز در یک سنگ قبر معمولی به نقشی از تاج برنمی خوریم.در گورستان های بزرگ تنها یک مورد و آن هم در منطقه ای که بیشتر از جاهای دیگر اهمیت داشته باشد قابل کشف است , در مزارهای تابوت دارد نیز می توان آن را دید.این موضوع نیز اولا بر منصب فرد آرمیده ثانیا بر درجه دینی آن شخص دلالت دارد.اگر توجه کرده باشید , تصاویر تاج در هرکجایی که بوده باشند , زمان حکاکی آن بر روی مزار در بالاترین نقطه به یک حلقه دایره ختم می شود .اگر چنین چیزی وجود داشت , آنجا می تواند به احتمالی یک تل خاکی باشد.افراد زیادی در مراجعات خود این سوال را میپرسند :"فرض کنیم که مفهوم علامت را کامل فهمیدیم , جهت و مسافت آن چگونه معلوم می شود ؟" حال در اینجا با استفاده از شکل تاجی که آورده ایم , جهت و محل امول مربوط به فرد صاحب تاج را نمی توان استنباط کرد.این کار تنها با بررسی هایی که در اراضی اطراف انجام می شود قابل فهم است ,یا اینکه می توان با لوازم و دستگاه های فلزیاب آن را کشف کند.



علاوه بر این اگر در کنار این علامت , علامت دومی نیز بوده باشد , باید توسط یک فرد خبره مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. اینگونه سمبل های حاشیه ای از عناصر تعیین کننده جهت و مسافت در عمیلات جستجو هستند.

سنگ صندلی:

اگر جنس سنگ صندلی از نوع ساروج باشد در این صورت دفینه داخل صندلی جاسازی شده است.در بیشتر موارد هر سنگی را سنگ صندلی نمی گویند.سنگ ها را در گذشته برای خانه سازی استفاده می کردند , در این میان بعضی از سنگ ها بطور اتفاقی به شکل صندلی در می آمدند.



نماد صندلی چه بصورت حفر شده و چه بصورت برجسته بر روی سنگ و صخره دلالت بر دفینه دارد.

اگر وقتی روی صندلی نشستید اگر در دو طرف صندلی جای دست یا دسته وجود داشت شما به روبرو نگاه کنید یک بلندی یا صخره ای بزرگ را میبینید که دفینه درون صخره یا تل بصورت پلمپ شده می باشد



اگر روی صندلی نشستید و فقط دسته سمت چپ وجود داشت شما به سمت چپ نگاه کنید تعدادی سنگ یا صخره ک بصورت منظم بهم وصل هستند را می بینید که زیر این سنگ های بهم وصل شده یک درب وجود دارد که به یک اتاق ختم می شود

بصورت حفر شده در صخره یا تراشیده شده وجود دارد و برای آن شروطی لازم است:

۱-اینکه روبه مشرق باشد

۲-اینکه در مکانهای مرتفع و در وادی ها باشد.

لازم است که در مقابلش چیز پوشش دهنده ای بر روی آن باشد.

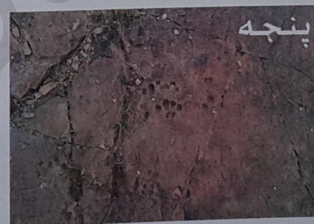
پس زمانی که روی ان نشستید و مقابلتان را دیدید وادی یا کوه (تپه) کوچکی را خواهید دید حال اینکه اطراف آن هر چیز نقصی باشد.

هدف صندلی در کوه حک شده است و ان شامل اموال مخصوص پادشاه می باشد.

تحلیل برای سنگ صندلی تمام نمی شود مگرزمانیکه در اطراف آن تصویری برای صندلی باشد.پس هر صندلی با هر نوع دیگری فرق می کند اختلاف کامل از غیرش دارد مانند تصویر عقرب و این گفته با صندلی تراشیده شده منطبق است و اما در این صورت هدف مختلف خواهد بود.
در کنار آن قبری وجود خواهد داشت زمانی که در مکان صندلی جوغنی باشد یا تعداد زیادی قبر همراه اموالش خواهد بود.

دفینه یهودیان فراماسونر:

در این تصاویر که می بینید در طی مناطق بدست آمده است و بدین شرح می باشد.



شواهد و آثارها این آثارها بر میگردد به آیین شیطان پرستی و یا فراماسون که چشم چپ که نماد شیطان است .



عکس بز که نماد قربانی کردن است و در سم و نماد مثلث و یا همان حرم شیطان پرستی که زیر آن دایره ای به کار رفته این آثارها مفهوم این را میرساند.



قدمت دفینه مدفون شده به بالای ۳۰۰۰ هزار سال می رسد و اجسام دفن شده مجسمه وسکه های درشت است مدالیون که باید در قسمت جلوی سم یک سنگ بدقواره باشد که زیز آن جسد و در مسیر پای جسد بار دفن شده می باشد

اگر بخواهیم بدانیم که منطقه ما جزو نمادهای معابد فراماسونری است یا نه , باید علائم های زیر در منطقه ما وجود داشته باشد: آثار تک چشم چپ . ستاره پنج پر. مثلث بزرگ یا حجاری شده . عکس کله شاخدار . زن لخت . دایره با رنگ قرمز

علائم های در حین حفاری و زیر خاک:



در این قسمت به کلیه علائم هایی که در حین حفاری با آنجا مواجه می شویم اشاره خواهیم کرد .سعی کرده ایم که مطالب و اطلاعات ارائه شده کامل و بسیار دقیق باشد.دقت کنیم که این علائم ها از ۷۰ سانت و یک متر به بعد از لایه های خاک ظاهر شده بیرون خواهد آمد. نشانه های موجود در مسیر حفاری، معمولا بعد از عبور از خاک سطح زمین (حدودا بعد از ۶۰ سانتیمتر اولیه) کم کم و به تدریج نمایان شده و تا رسیدن به هدف نهایی و دفینه، ادامه می یابند و همانطور که قبلا هم اشاره کردم، عدم

دقت حفار یا دیگر افراد تیم کاوش، باعث گمراهی و سردرگمی کل گروه و حتی کارشناسان شده و نهایتا منجر به دلسردی و دست کشیدن از ادامه کار و حفاری می گردد و گاهی همین بی توجه ای، به ظاهر ساده، غیر قابل جبران بوده و نه تنها منجربه عدم دستیابی به دفینه می گردد، بلکه باعث از بین رفتن پول و وقت و انگیزه همه گروه خواهد شد.نکته قابل تامل در علائم در حین حفاری این است که متراز در علائم زیر زمین نسبت به علائم روی زمین نصف یا مضاعف خواه شد.



دیگر نشانه ها از این قبیل است که در عمق یک الی یک و نیم متری آثار خودشو کم کم نشون بده مثلا سنگ چین . جسد انسان . سفال و کوزه های شکسته . زغال چوب و با سنگ که در قدیم جهت عایق از عبور آب برای محافظت از اموال استفاده می کردند . اما وجود زغال چوب یا سنگ هم از دلایل وجود بار نیست . چون در گذشته امکان داشته چوپانی و یا فردی در آن مکان آتشی روشن کرده جهت رفاه و رفع نیاز . تاوید زغال چوب در آن مکان وقتی تائید می شود که دیگر نشانه ها وجود داشته باشد و صرف تنها زغال چوب کافیست نیست . از دیگر نشانه ها سنگ چین یا وجود سنگ های بزرگ طبیعی و هم غیر طبیعی در عمق های یک و نیم به بالا است . با رنگ و شکل های مختلف از قبیل سیاه . سفید و سبز رنگ و یا دیگر رنگ ها که اغلب این چند رنگ به وفور مشاهده و یافت می شود و دیگر نشانه ها آجر و خشت های خام و به صورت مربع و یا مستطیل است که به صورت پله کانی یا منظم و بی دلیل چیده شده باشد که درصد اینکه این مکان مسکونی بوده رو تائید نکند . و دیگر نشانه ها وجود آهک و یا گل آهک است که اغلب جهت مقاومت و جلوگیری از نشست خاک بدین منظور استفاده می شده است.

کومش یا همان حفار خوب و موفق کسی است که اولا لایه های خاک را کاملا بشناسد و هر تغییری در رنگ ظاهری و نوع خاک را به دقت و با حوصله بررسی نموده و کوچک ترین آثار یا علائمی که می یابد را ، قبل از تغییر مکان بررسی و حتی الامکان ثبت نماید (گرفتن عکس بسیار کمک کننده خواهد بود) و باید توجه داشته باشد که برای مقبره های مهم و دفینه های بزرگ ، آداب و رسوم و روشهایی وجود داشته و بدون تفکر و از روی عجله نمی توانید به خواسته خود برسید.

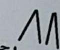


یادمان باشد که در قدیم برای رطوبت گیری و وسایل , یا روی وسایل بخاطر نفوذ نکردند رطوبت همیشه ذغال می ریختند که بعدها متوجه شدندن که بهجز زغال از ماده تقریبا سفید شیری رنگ بصورت پودر استفاده می کردند که مانع نفوذ نم و رطوبت به پایین میشد که هم اکنون آن را نشادر می گویند.بطور یک لایه کلفت یک پودر زرد رنگ یا پودری مانند بنام نشادر بر روی جنس می ریزند.بطوری که رطوبت یا نم را میگید و از ورودش جلوگیری می کند و یک سری آهک بخاطر زنگ زدگی و سباه آن بر روی جنس یک لایه قرار می دادند.

محلی که دفینه در آن گذاشته میشود به این صورت است که مثال : برای مخفی کردن یک خمره کوچک فضایی را حدود ۵متر در ۵ متر زیر سازی میکردند و لایه چینی میکردند . تمام دفینه هایی که دفن شده یا در کنار راه مال رو بوده یا نزدیک محل زندگی پس باید اولین آثاری را که پیدا مکنید سفال تیکه باشد وبعد آثارهای دیگر و وقتی که آثارها شما را به محل دفینه نزدیک کرد باید خاک قسمتی که آثار به نزدیک آن اشاره دارد دستی باشد و بکر نباشد و در نیم الی یک متری لایه کوزه شکسته یا سنگ چین و یا آجرچین داشته باشد البته همه سنگچین هاو آجر چین ها دلیل بر بودن دفینه نیستند به شرطی میتوان گفت محل دفینه که در بالا آثاری شما را به آن منطقه کشانده باشد . در حفاری موفقیت اولین شرط پیدا کردن آثار درخاک است که آیا خاک راه میدهد یا خیر مثال اگر شما در نیم متری سفال تیکه پیدا کردید باید حتما سنگچین و یا آجر هم باشد و باز هم این کافی نیست باید در حین حفاری به علائم هم بر بخورید که نشان دهد این سنگچین ها مربوط به دفینه است مانند فلش یا سنگ نوشته و... که صحت بودن دفینه را تایید میکند . یکی دیگر از آثارهای دفینه زغال است که نباید به صورت پخشی باشد باید به صورت لایه باشد و کلفتی این لایه یا ۷ سانت یا ۱۰ سانت باشد زغال و خاک پخته برای جلوگیری از رطوبت بکار میرفت این لایه چینی ها چندبار ایجاد میشد تا به مرحله آخر یعنی ساروج برسد ساروج آخرین مرحله از کار است در مورد ساروج باید بگم که معمولا به صورت اتاقی میباشد و باید سطح آن صیغلی باشد و وقتی دور آن را خالی کردید باید مثل اتاق باشد نه درهم چون کسانی که این دفینه ها را گذاشته بودند وقت زیادی را صرف درست کردن استحکام آن کرده اند و جوری درست نکرده اند که هرکس بتواند به راحتی به آن دست یابد.



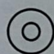
بطور مثال در ساخت مقبره ها از خاکهای گوناگونی استفاده می شده است و لایه های روی اتاق اصلی تماما خاکها و سنگچین هایی می باشد که به دقت و با محاسبه انتخاب و قرار گرفته اند و طوری ساخته می شده اند که هم مسائل دینی و مذهبی را در بر داشته و هم استحکام لازم را دارا باشند.



وجود سه عدد سنگ نوک تیز در مسیر تونل ها که مسیرشان رو به بالای و در جهت سقف می باشد به این معنی است که ما در مسیر به تله شمشیر و نیزه و چیز تیزی برخورد خواهیم کرد.مواظب باید بود.اگر از بزرگ به کوچک باشند میتواند سنگینی و سبک بودن تله و همچنین باریک و یا گشاد بودن مسیر و راه ما را نشان دهد.



سنگ بیضی نصف شده معنی درب را می دهد. یعنی به محل درب ورود نزدیک شده اید که وقتی به این سنگ برخورد کردید ۲ متر زیرش راه مشخص میشود البته معنی دیگر آن راه رو هم میشود . سنگ بیضی نصف شده از وسط که طرف صاف نصف شده آن پایین بوده و قوس آن رو به بالا باشد، معنی وجود یک درپوش یا درب بسته ای یا وجود یک اتاقک یا اتاقی با سقفی قوس دار و گنبدی شکل را داشته و به مفهوم نزدیک شدن به محل ورودی اصلی یا خود اتاقک و ... میباشد و وقتی به این سنگ برخورد کردید، سه یا ۱۰ برابر کلفتی (ارتفاع آن) به سمت زیر سنگ بروید تا نشانه آخر یا خود اتاقک را بیابید.



این علامت در حین حفاری بدست می آید یعنی زیر آن را بکاوید و ادامه بدهید.



این علامت یعنی دفینه و جنس دقیقا زیر آن قرار دارد.



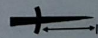
سنگ دایره در حفاری به این معنی است که فضای زیر آن بعد یک الی ۲ متر به صورت گنبدی میشود البته باید به صورت تک وسط در وسط قرار گرفته باشد .



به معنی حفره , اتاقک و سرداب را میدهد که زیر همان علامت پنهان است.



متراژ نشان داده شده را به جلو می رویم.



متراژ نشان داده شده را به جلو می رویم.



خمره روبه پایین یا کوزه سر وته نشان دهنده این است که قبر و جنس دقیقا زیر آن قرار دارد.

عاشق گاو یعنی سه متر و پای گوسفند یعنی دو متر باید به جلو بروید و ادامه بدهید. به این معنی است که باید به سمت زیر آن بروید مسیر در قسمت زیر آن درست است.

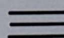


متراژ نشان داده شده جهت را نشان می دهد. اگر این آثار در زیر زمین روی تکه سنگی بود معنی مسیر به سمت جلو را میدهد البته با این تفاصیل که در روی زمین مسافت زیاد است ولی زیر زمین نصف و یا حتی یک سوم راه در بالاست باید به جلو رفت تا آثار بعدی یا حتی فلش های بعدی را یافت تا به مقصد اصلی برسید



اگر سنگ کلید در حین حفاری بر روی سنگی دیده شود یا سنگی یافتید ک همچون ال انگلیسی تراشیده شده باشد, اولا سنگ را تا آخر حفاری نگهدارید , چرا که آن سنگ کلید نهایی برای خنثی نمودن آخرین تله و گشودن درب دفینه بوده و بدون آن با مشکل روبرو می شوید.سپس به اندازه ۳یا۱۰ برابر طول آن به سمت بازوی کوچک یا همان دندانه کلید حفاری را ادامه داده تا به پهلوی یک تونل یا اتاقی برسید.

توجه داشته باشید که این دفینه نیز دارای تله بوده و احتمالا تونل یا راهروی مذکور نیز پرشده از سنگهای بسیار بزرگ و تراش خورده بوده ودر کل پلمپ شده است.



سه عدد خط روی سنگ در حین حفاری یا سه عدد چوب درخت همگی نشان دهنده تله در حین حفاری خواهند بود و حال تله ریزشی یا انواع تله ها خواه بود.بسیار مواظب باشید.



علامت کوزه , از کوزه ها برای نشان دادن و علامت گذاری مسیر دفینه هم استفاده می شد . روش علامتگذاری اینگونه بود که معمولا سه کوزه را به صورت خالی در بالا قرار میدادند که برای گمراه کردن دیگران بود و یک کوزه به صورت وارونه نشاندهنده ی راه درست است . حدود ۲ الی ۳ متر پایین تر باز کوزه را به صورت شکسته پراکنده قرار

می دادند و اگر مورد تپه باشد ۳ عدد کوزه که هر یک به اندازه قد یک انسان بود را پر از نقره کرده و در قسمت جلویی تپه که رو به مسیر مال رو بود در متراژ ۳ الی ۵ متری قرار می دادند.



کوزه شکسته در اکثر مکانها از اولین آثاری که برای شروع کار از آن استفاده می شد کوزه شکسته بود این لایه نشان دهنده درست بودن راه و شروع کار ماست از کوزه هم به عنوان علامت هم به عنوان استحکام خاک استفاده میشد و باعث میشد که خاک را به هم گره بزند و کار کردن و حفاری در آن قسمت سخت بشود این لایه تا ۲ متر اول خودش را نشان میدهد البته در ۵۰ سانت دوم مخلوط سنگ هم با آن است که کاملا استحکام را بالا میبرد.البته دفت کنید اکثرا خمره در قبرها نیز دیده میشود حدودا در یک متری پس آن را با علائم حفاری اشتباه نگیرید.



اسکلت مجسمه انسان در حین حفاری و لایه های زیر زمین به وجود تله در مسیر اشاره می کند و یقین بدانید که ۱۰۰٪ این دفینه دارای تله و یا طلسم می باشد.در تجارب بدست آمده ۱۴ عدد اسکلت سر انسان به فواصل مرتب از زیر هم در لایه های زیر زمین بافت شده بوده و این نشاند می دهد که دفینه نبوده و خزانه است با این تفاوت که در مسیر جلویی به تله های بسیار شدیدی برخورد خواهید کرد و وجود جمجمه کله سر در حین حفاری نیز می تواند این مورد را اشاره کند که این دفینه یا خزانه طلسم شده است و قربانی خواهید داد.پس هر لحظه باید مواظب باشید در آن زمان وقتی دفینه را زیر این درختان دفن میکردند جنازه شخصی را هم در بالای دفینه میگذاشتند به این علت که روحش از دفینه محافظت کند و در آخر درخت را روی آن میکاشتند و جنازه انسان به دلیل داشتن املاح مدنی زیاد مخصوصا منیزیوم , زینک و روی باعث رشد سریع درخت میشد .



این علامت اغلب در علائم حفاری بصورت سنگ بزرگ کله انسان که از سنگ می باشد دیده شده است که بسیار کوچک بوده یا بسیار بزرگ می باشد که باید در جهت راستای دید آن بدنبال علامت باشیم و مسیر را ادامه بدهیم.این نوعی سنگ

کروکی هم می باشد و کتیبه مسیر را برایمان مشخص می کند.نوع قرار گرفتت چشم ها و باز و بسته بودن آنها همچنین سه خط که نشان تله می باشد همگی مهم و دارای اهمیت هستند.



علامت پوسته تخم مرغ به این معنی می باشد که در نزدیکی مکان یا اطراف مکان حفاری حال یا تونل یا مسیر ساروج کار کرده اند و از تخم مرغ نیز برای استحکام استفاده کرده اند.



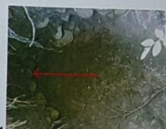
کاربرد این سنگ بیشتر در زیر خاک است اگر زیر خاک به این آثار برخورد کردید تقریبا میشود گفت به بار رسیده اید دفینه در زیر آن قرار دارد که این سنگ کار مسدود کردن روی خمره یا دیگ را انجام می دهد.



علامت کشتی در حین حفاری به از نظر آیین معنی جهان آخرت و مرگ را میدهد که نماد قبرستان میشود که در قسمت نوک کشتی به مسیر قبر مهمی اشاره دارد که معمولا روی تل خاکی کوچکی نمایان شده است یا در زیر آن یک خزانه وجود خواهد داشت.



کتیبه های سنگی زیر زمین که اغلب مربوط به نسخه های پوستی هستند و بعنوان نشانه مهم محسوب می شوند.افراد با خواندن نسخه پوستی و محل دقیق بعد از حفاری به سنگ رنگی یا سفید یا سیاه یا سبز رنگ میرسند که روی آن تصاویری عجیبی حکاکی شده است و بسیار متعجب می شوند که چرا این؟مگر دفینه را نسخه پوستی ننوشته بود.در اینجا باید عرض کنیم که نسخه اصلی ما این سنگ خواهد بود و باید رمزگشایی شود.از آنجایی که کتیبه های منطقه ای یا محلی متفاوت و در نتیجه رمزگشایی متفاوت خواهد بود و دقت بسیار زیادی می طلبد و اعتبار نسخه های وکتیبه های سنگی نسب به پوستی بیشتر خواهد بود.



سنگ چین این لایه برای استحکام و جلوگیری از ریزش خاک سطح بالایی به زیر کار بود که اصل بنا روی آن سوار بود و اگر متراژ بار زیاد باشد به صورت هر ۳ متر یک یا دو ردیف سنگ چین وجود دارد



آهک از رسوب تشکیل شده و معمولا آهک به صورت سفیده سفید نیست و مایل به رنگ نخودی است که در زیر زغال استفاده می شد و از نشست بنا تا حدی جلوگیری می کرد و هم کاربرد این را داشت که تا حدی مثل ساروج از لایه زیری محافظت کنه و درسته که شکوندنش مثل ساروج سخت نبود ولی به هر حال یک مانع به حساب می آمد



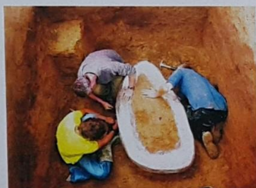
ساروج یکی از مهم ترین لایه ها به شمار می امد و معمولا در پایان کار از آن استفاده می شد و برای مهروموم کردن در دالان یا ساخت اتاقک های ساروجی در ابعاد های مختلف بکار می رفت و یا دفینه را دردرون اتاقک می گذاشتند و با ساروج پلمپ می کردند یا جلوی در ورودی را با آن پلمپ می کردند البته در بعضی مکانها بعد از آهک باز یک لایه کلفت که شاید به کلفتی ۴۰ سانت هم می رسید از خاک استفاده می کردند و بعد ساروج می کردند که این روش در ایران زیاد یافت می شود.



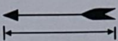
این نوع سنگ معمولا در حفاری ها در بین لایه هایی پیدا می شود که برای دفینه استفاده می شود . این سنگ مسیر به سمت پایین را نشان میدهد ولی با احتیاط این سنگ معمولا به رنگ کرمی است که با ساروج درست شده است . این نوع سنگ برای دفینه های بزرگ بکار میرود و در بعضی از مکانها این سنگ به صورت سنگ رودخانه ای هم یافت می شود ولی خیلی کم است.ممکن است در انواع حالات به صورت مورب , صاف در بین لایه های حفاری دیده شود اگر بصورت مورب دیده شود بدین معنی می باشد که باید ادامه حفاری شما بصورت مورب باشد و بعداز حفر موربی شکل به درب پلمپ شده خواید رسد که باید مواظب تله مسیر نیز باشید.



علامت خشت یا همان آجر در حفاری در خاک و یا چاه ها این علامت اگر به صورت درسته باشد و در وسط به صورت تک قرار گرفته باشد یعنی زیر آن کامل راه میدهد مثال اگر در چاه دیده شود یعنی زیر چاه کامل راه می دهد. معمولا بعد از سنگ چین آجر چین شروع می شود البته در بعضی مکانها بعد از سنگ چین آثار خود را به شکل کوزه خالی نشان می دهد.



خشت پخته یا همان آجر و همچنین هر سنگ چهار تراش کاملا مسطح و صاف مربع شکل خوابیده به موازات افق زمین، که معمولا در زمان حفاری زمینهای شیبدار و یا برجسته (تل خاکی) و علی الخصوص، داخل چاه های قدیمی بسته شده یا پر شده از خاک، دیده و کشف می گردد به معنی وجود اتاق یا اتاقک یا راهرو یا دخمه ای در پایین تر از آن بوده و به شما می گوید کمی پایین تر (تقریبا ۱۰ برابر کلفتی آن) به یکباره به یک خاک و گل سفت و فشرده ای که انگار پخته شده و به سختی مهر نماز می باشد و با هر ضربه فقط سر کلنگ درونش فرو می رودا حداکثر این نوع ملات و گل دست ساز بین ۶۰ سانت تا یک متر بیشتر ادامه نمی یابد و سپس به اندازه ای نرم می گردد که میتوانید با خاک انداز ، خاک را جابجا نمایید!! سپس کار را ادامه داده تا اینکه به نشانه بعدی برسید. البته گاهی اوقات ، دیده شده که خطوط یا نگاره هایی بر این نشانه وجود دارند که خود به تنهایی به مانند یک نسخه کامل و بکر بر روی این خشت یا سنگ مربع شکل، می باشد. این نوع نشانه ها هم در زمان اشکانی و هخامنشی مورد استفاده قرار گرفته و هم در دوران اسلامی،خصوصا در زمان غزنویان، سلجوقیان، ایلخانان و نهایتا صفویه مورد استفاده قرار گرفته است.



متراژ نشان داده شده را باید به جلو برویم.



سفالهای جزو از تاریخ و تمدن هر منطقه می باشد.اگر شما در حین حفاری به تکه هاس سفال رسیدید یقین بدانید که به دفینه هنوز نرسیده اید.باید لایه زیرین آن را بررسی کنید اگر لایه ها بصورت چیدمانی بود جای امیدواری است در غیر اینصورت این تیکه های سفال فقط نشان دهنده دورهای زیست افرا مختلف در ان منطقه می باشد.

نماد ظرف نازک و دراز این نماد در زیر زمین یافت می شود و معمولا در ۲متری نمایان میشود این نماد لوازمی هستند که در درون قبرها وجود دارد و جزء آثار به شمار نمی رود و در اکثر امامزاده ها در قسمت کفش کن دیده شده که داخلش مایعی وجود دارد که سر آن با ساروج و چربی حیوانی وقیرپلمپ شده که درون آن اکسیر است که قیمت بالایی هم دارد و به هیچ وجه نباید درب آن را باز کرد چون بلافاصله فاسد می شود و روش خاصی دارد که میتوان درب را باز کرد که معمولا این اکسیرها در دوشیشه نازک پوست پیازی با هم هستند و نروماده هستند وهمراه با یک کوزه که داخلش پوستی است که طریقه مصرف اکسیر و خاصیت آن را شرح داده است.



استخوان قرمز خیلی مهم است .زیرا ارتعاشات طلا , یعنی کسانی که با طلا کار می کنند استخوانها را کاملا سرخ می کند که نشان می دهد دفینه و بار در زیر قرار دارد.



خشت نیمه یا شکسته در حفاری علامت این است که نصف راه به سمت پایین راه میدهد اگر در چاه دیده شود یعنی نیم دایره چاه را به سمتی که خشت وجود دارد را باید پایین بروید البته باز هم اگر به صورت تک دیده شود. خشت یا سنگ مربع نصف شده در حفاری اگر به تنهایی و نیز بدون هرگونه علامت یا سوراخ کوچک (اثر انگشت) بر روی آن، یافت شود، به این معناست که باید ابتدا به اندازه قطر(کلفتی آن) یا عرض آن (سه یا ده برابر) ابتدا به سمت پایین و زیر آن ادامه دهیم و توجه داشته باشید که با کمی تجربه و دقت کافی در لایه های خاک نیز، میتوانید مسیر صحیح را دنبال نمایید. سپس حتی اگر به نشانه ای هم نرسیدید (که معمولا حتما به نشانه ای هرچند کوچک بر می خورید) کافی است به سمت درازای طول خشت نیمه یا سنگ مربع شکسته (مستطیل شکل) که به ما نشان داده است (معمولا غرب یا جنوب غربی می باشد)، تغییر مسیر داده و تا رسیدن نشانه بعدی یا رسیدن به هدف نهایی، کار را ادامه دهید.

نکته قابل ذکر و بسیار مهم در این قسمت، رعایت احتیاط و بررسی کامل وجب به وجب مسیر حفاری می باشد، زیرا معمولا اگر در حین حفاری افقی (بصورت تونل) به راهرویی تنگ و باریک برخوردید که یا کاملا خالی و یا بصورت نیمه پر (اصطلاحا مانند گربه رو) یا مانند هواکش و لوله بخاری، بر بخوریم، احتمال وجود تله بیش از ۹۵ درصد خواهد بود و بهتر این است که با دقت و هوشیاری، کار را ادامه دهیم.



لایه خاکستر چون مرگ و پایان زندگی را تداعی می کند در بالای لایه قبری یک لایه مانده با قبرهای دارای تمدن باستان دیده می شود که این لایه حکایت از مرگ و پایان زندگی فرد ارمیده و خفته در دل خاک دارد.



این نماد خطر است اغلب در ورودی غارها و لایه های خاک مشاهده می شد.باید تجهیزات ایمنی به همراه خود داشته باشید.



علامت تبر در حین حفاری به معنای ادامه دادن مسیر حفاری می باشد با این تفاوت که باید خیلی مواظب باشید و جوانب لازم رو احتیاط کنید و در پایین به اتاق یا تونل خواهید رسید.



پی سوز در حفاری بسیار دیده می شود.در این علامت پی سوز متراز نشان داده شده به متراژ معین تعیین جهت می کند.خیلی مهم می باشد. این علامت مسیر به سمت جلو را نشان میدهد نوک پیسوز را دنبال کنید و باید روشنایی ایجاد کنید. این علامت مسیر حرکت به سمت جلو و نیز وجود اتاقی در نزدیکی را نشان میدهد و به شما می گوید به سمت امتداد نوک پیسوز به اندازه ۱۰ برابر طول آن به جلو رفته تا دیواره اتاقی را سوراخ نموده و وارد آن شوید. نکته قابل ذکر در این بخش این است که اولا شما از دیواره کناری یک اتاق ولی نزدیک به سقف وارد اتاقی می شوید و امکان دارد درون اتاق خالی باشد و باید به دنبال راهی بسته شده در کف یا کناره های پایین اتاق باشید. اگر در عمق ۲متری به پایین به صورت تک بود معنی جهت را میدهد و نوک پیسوز مسیر درست را نشان میدهد ولی اگر نوک آن کوتاه بود و یا اصلا نوک نداشت در آن زمان قضیه فرق میکند و به این معنی است که وقتی پیسوز روشن میشود بیشترین شعله ای که به آن قسمت که پیسوز قرار گرفته برخورد میکند محل مورد نظر و مکان وجود دفینه است .



ذغال بعد از آجر یا زیر کوزه ها قرار میگرفت تا رطوبت را به صورت کامل به خود جذب کند و معمولا کلفتی این لایه از ۷ تا ۱۰ سانت است ولی این نکته نباید فراموش بشود اگر این لایه به صورت پخشی وعمودی باشد نشان دفینه نیست و احتمال داره کوره زغال پزی و .... باشد ولی اگر به صورت افقی و به کلفتی اندازه مورد نظر باشد میشه روی آن حساب کرد . خیلی از دوستان این لایه را با لایه ریشه درختان اشتباه میگیرند دوستان ریشه درختان هم بعد از مدتی به شکل سیاه و شبیه به زغال میشود ولی با این تفاوت که زغال درشت و لایه ای کلفت را تشکیل میدهد و خشک است ولی ریشه به

صورت پراکنده و نم دار است پس خیلی دقت کنید دوستان زیادی به این مشکل خوردن و به اشتباه زمین را به مقدار زیادی حفر کردن به این امید که زغال دیدن ولی به هیچ چیز دست نیافتند و دست از پا دراز تر راهی خانه شدن



تخم مرغ این نماد اکثرا به عنوان آثار در زیر زمین استفاده می شود, یا در زیر برجک های قلعه یا اگر در ابعاد های بزرگ بودند که داخلش جسد انسان دفن است که در این صورت به خاطر عقاید مردم در گذشته که جنین انسان از رحم مادر متولد شده باید دوباره شرایطش محیا شود و دوباره به رحم باز گردد برای همین جسد را در سنگهایی به شکل تخم مرغ شکل یا خمره می گذاشتند .ولی اگر تخم مرغ ها کوچک بودند و از جنس ساروج و ساروج آن به رنگ سفید بود داخلش الماس هفت پر وجود دارد .و اگر خود تخم مرغ بود که جهت را به سمت پایین نشان میدهد . البته باید چیده شده باشد اگر درهم بود برای ساختن ساروج های خاص از تخم مرغ هم استفاده میشده که در همان مکان ملاتش آماده میشده که این تخم مرغ ها مربوط به همان ملات بودند که خوب هم نخوردند و سالم باقی ماندند.وجود چیزی شبیه هسته هلو در مسیر راه به ما این مغنی را می رساند که لایه خاک بعدی رنگی کرمی رنگ و دارای خاصیت هسته هلو خواهد بود یا سفت خواهد بود و یا دارای خصویات دیکر خواهد بود.

در این قسمت علائم های خطر که در بین حفاری دیده می شوند را مشاهده می کنید:



دام و تله وجود دارد.



از اینجا وارد شوید، تحت مراقبت خوب است وبدقت به زیرش نگاه کن.



نشانه خطر است



توجه ؛ خطر است.



مواد شیمیایی ریخت و باز می شود. (ترسناک)



خطر وجود دارد تجهیزات ایمنی داشته باشید



دقت کن خطر وجود دارد.



توجه ،خطر است.

خرگوش:



خرگوش از فاصله ۳۶۰ متری و درجه قدرت و توانایی مشاهده را دارا بوده و توانایی فوق العاده ادراکی را داراست، در زمانهای قدیم باستان، به عنوان نمادی از انرژی شناخته شده است، به طور دقیق، این علامت نشانگر تونل های زیر زمینی و کانال های مخفی شده می باشد که از راه تونل ها به کانال و از آنجا به اتاقک ختم خواهد شد.گاهی اوقات به ورودی قلعه ها و یا راه های خروجی اضطراری و محل دفینه ها اشاره می کند.اگر در انتها و اطراف این علامت آبراهی یافت شود نشانگر یک آرامگاه یا مقبره در منطقه می باشد که به اعتقاد قدما طلسم شده است و دارای تله می باشد که منجر به قطع پاهای فرد محقق خواهد گردید.



خرگوشی که بصورت نشسته باشد در مسیر روبرو زیر آن شما باید دنبال یک راه مخفی بگردید که از آنجا به دفینه خواهید رسید یا زیر آن رابکاویر به یک در پوش یا قبر مهمی یا حتی سنگ چین خواهید رسید که دفینه ۷۰ سانت زیر پا یا زیر سر آن خواهد بود.البته این علامت اکثرا در نوک تپه ها دیده می شود.

میخ:

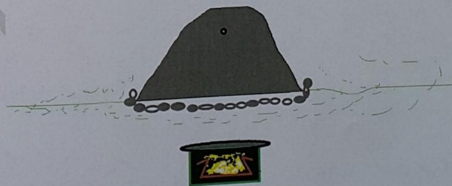
این علامت نشان می دهد که یک ارش زیر علامت دهانه ای است که شما را به اتاقکی راهنمایی می کند.کاویدن زیر این علامت کمی مشکل خواهد بود , چون به ساروج یا تخته سنگ برخورد خواهید کرد که دفینه دقیقا زیر آن خواهد بود.



نشان میخ که برای نشان ددن این هدف در زیر یا چند متر درسمت جنوب بکار می رفته است به این صورت که یک میخ را در سنگ فرو می کردند. میخ هم یکی از نمادها به حساب میاید ودوره عثمانی از این نماد استفاده میشد یعنی میخ رو به صورت کامل توی سنگ یا سخره فرو میبردند وبه عنوان نشان اخر محسوب میشد که یعنی هدف در زیر است بعضی مواقع هم هدف با چند متر اختلاف از میخ در قسمت جنوب قرار می گرفت.

علامت سنگ نشان:

اگر سنگی یافتید که سوراخی روی ان باشد به طوری که از طرفی نگاه کنیم طرف دیگر سنگ پیدا باشد این سنگ سنگ نشان است . سوراخی که روی ان است اندازه یک توپ تنیس بیشتر نمیباشد . دوستان توجه کنند این علامت را با علامت دوربین اشتباه نگیرند سنگ دوربین سوراخ بزرگی دارد که از ان میشود به راحتی طرف دیگر سنگ را مشاهده کرد ولی سنگ سوراخ دار نشان بایک چشم بیشتر نمیشود طرف دیگر ان را مشاهده کرد. در کنار سنگ نشان سنگهای دورچین هم هست ولی سنگ دوربین چنین خصوصیتی ندارد .مرکز این سنگهای دورچین دور سنگ نشان یا همان زیر سنگ نشان محل حفاری نمودن ما میباشد . بار سنگ نشان زیر ان میباشد که در حفاری ابتدا خاک و سپس سنگهای رودخانه ای قلوه ای شکل ظاهر خواهد شد که به راحتی و بدون احتیاج به کلنگ قابل برداشت میباشند عمق هدف حداکثر هشتاد سانت میباشد که تنوری است که درب ان را با سنگی پوشانده اند . دفینه این علامت سکه در داخل دیگ مسی میباشد.



سنگ فلش دار :

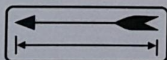


این نوع سنگ ها معمولا مربع یا مستطیل شکل هستند . این نوع فلش ها نشان مسیر به جلو نیستند بلکه نشان دهنده قبر یهودیان هستند .در جایی که این نوع سنگ وجود دارد یک قبرستان گبری یا یهودی می باشد که محل قبور با سنگ چین های دایره ای معلوم شده است. یهودیان از این نوع سنگ ها برای سنگ قبر خود استفاده می کردند . امروزه بعضی ها با دیدن این نوع سنگ ها به اشتباه فکر میکنند که مسیر جلو را نشان می دهد و شروع به حفاری های اشتباه می کنند . ولی باید بدانند که مسیر راهی را که می روند اشتباه است و این نوع فلش ها علامت قبر است .

وضعیت زمین همیشه تعیین کننده می تواند نقش مهم باشد.به همین دلیل , جستجوی زمین و درک خوب می تواند نقش مهمی را بازی کند.

دیدگاه دیگر:درجهت تیر و یا مخالف آن باید ۲۰ قدم بروید (تقریبا ۱۴ متر و ۴۰ سانت) تیرها می تواند از هر دوره ای مانده باشد و جهت می دهد.

در علامت پیکان (تیر):

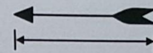


که اکثرا بصورت کتیبه می باشد ۲ علامت و ۲ متراژ را نشان می دهد ,اول باید بدانیم که کروکی نقشه از اینجاست و یا خود علامت جنس است , چس علامت اگر داخل مربع نبود پس مشخصه خود جنس و متراژ معین به متراژ نشان داده شده اندازه می گیریم که باز به یک قبر و یا نقطه مشخصی می رسیم که وجود دفینه است.

حال اگر علامت داخل کادر باشد پس به یک اتاق می رسید که درست هنگام اندازه گیری باید دقت کنیم که در این متراژ و متراژ معین به یک نقطه مشخصی می رسیم روبه آفتاب که یا قبر یا چشمه یا کلک یا سنگ بزرگ یا قبری که از سنگ تراشیده

یا چشمه ای که از سنگ تراشیده باشند واز آن نقطه متوجه ورودی دفینه می شویم , این علائم در کف چشمه خیلی ریز و مهم است ,چون با کمی اشتباه جنس را از دست می دهیم.

علامت تیر:



در علامت تیر یا پیکان متراژ معین همان متراژ * است که معمولا شاخص دوم است که اکثرا یا قبر یا کلک یا معمولا زیاد چشمه را نشان می دهد که باید از آن شاخص دوم مکان دفینه را فهمید.

جفت کبوتر همراه تاج:



کبوتر حیوانی است که در علم باستان شناسی به دفینه اشاره می کند. و اکثرا در بالای صخره ها یا کوه ها اکثرا بصورت تراشیده و برجسته یافت می شود.دو کبوتری که در کنار هم می باشند می تواند به معنی قبر زن و شوهر یا اتاقی پلمپ شده و مخفی می باشد که در آن زن و شوهر سلطنتی دفن شده اند و قبری سلطنتی می باشد که تاج نیز نشان دهنده نوع دفینه ما که از نوع سلطانی جواهرات و سنگهای قیمتی است می باشد.

دفینه در دو مسیر می تواند باشد در مسیر نگاه کردن و محل پرواز روبرو یا نوک کبوتر ها و بصورت مکان پلمپ شده در میان صخره ها یا کوپه سنگ خواهد بود یا در مکانی بین حفره های مخفی پشت آبشار خواهد بود که باید بدقت بررسی کنید/.

سم اسب:



در مورد علامت سم اسب یا مکانهایی که به اصطلاح به آنهاسم دل دل میگویند یکی از علامت گنج می باشد. در این مورد به تعداد هر عدد سم که روی سنگ حجاری شده یک عددخمره پر از سکه طلا وجود دارد, اگر تعداد سم ها به سه عدد برسد علاوه بر سه خمره تعدادی ظروف طلا هم در آنجا قرار می دادند, پیداکردن جای دقیق آن هم کارچندان مشکلی نیست ,جنس درفاصله ۳ تا ۵ متری سم قرار دارد که دربعضی موارد به صورت برجستگی مشخص شده است عمق بار هم به ۳مترنمی رسد (معمولا۲.۵متر).البته نکته ای را یاد آوری می کنیم و آن اینکه سم اسب در همه جا نشانه خمره نیست و درکل نشان هدف می باشد و هنگامی که تنها باشد اینگونه تعبیر می شود .اگر به دنبال علایم دیگر به کاربرده بشود نشانه اخر محسوب شده و به منظور رسیدن به هدف نهایی می باشد حال چه قبرباشد چه خزانه

سم روی صخره معنی حفره یا ورودی پلمپ شده را می دهد و سم قلب هم معنی تله فیزیکی را می دهد.



به تعداد سم های حک شده روی سنگ زیر آن سنگ را بکاوید , مقلا اگر پنج سم داشت باید زیر آن را پنج ارش بکاوید , بار آن سکه می باشد و در داخل خمره است.

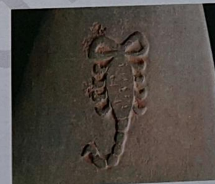


اگر سم روی زمین روی سنگ حکاکی بود باید زیرش را بکاوید سم اگر روی تخته سنگی در روی زمین باشد در آن موقع باید به سمتی که نوک سم است تل کوچکی باشد و اگر نبود زیر خود سنگ میشود و معمولا بار موجود سم هم سکه است هم جواهرات و عمق زیادی ندارد و معمولا در ۲.۵ متری جواب می گیرید .



در بعضی از مناطق ایران مکانهایی با علامتهای سم دلدل (اسب حضرت علی) یا سم اسب حضرت امام حسین معروف شده اند که تصاویر بالا مربوط به سم دلدل می باشد.

عقرب:



عقرب یکی از خطرناک ترین و سمی ترین حیوانات موجود در روی کرده زمین است.در زمینه گنج یابی برای ورود به برج عقرب است واقعا کاری سخت و طاقت فرسا می باشدد، نشانه ای از تجربه هایی که به دست آمده است به این اذعان مکرر دارد که دفینه مربوط به عقرب بسیار به سختی به دست می آید و شایعات در مورد گنجی که روی آن سم پاشیده شده است یا تله سمی یا گازی زهر آگین دارد اشاره می کند.

عقرب بصورت برجسته یا حفر شده اشاره به دفینه دارد.عقرب عمدتا غنی تر از مار می باشد.بعضی از عقرب ها داری ۵ وبعضی دارای ۳ دفینه می باشند.عقرب نشانگر راه حل بوده تا در ادامه کار , بهترین راه را انتخاب نماییم , برای حل علامت عقرب باید خصوصیات آن راخوب بدانید , یکی از خصوصیات عقرب زهردار بودن و سمی بودن آن است.

به همین خاطر دفینه ای را که می خواهید پیدا کنید رویش زهر می ریختند یا تله فیزیکی دارد.در این نوع حفاری باید بسیار مراقب بود,دفینه ایی که با دشواری و زحمت زیاد می توانید آن را پیدا کنید.دفینه عقرب در استخر , چاه های آب و یا در انبارهای زیر زمینی نزدیک علامت است.



اگر عقرب داخل غار است , در این صورت گنجینه اش در انتهایی ترین قسمت غار است.عقرب اشاره به قبری دارای دفینه و یا جوغنی پلمپ که دارای معمولا بار طلا است و یا اتاقکی در زیر زمین دارد.

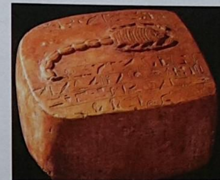
یکی از ویژگی های عقرب، سمی و خطرناک بودن آن است، به همین دلیل در جایی که این علامت باشد، به تله فیزیکی و یا شیمیایی بسیار مهلک برخواهیم خورد که در حفاری باید بسیار مراقب بود. موفقیت در چنین مکانی بسیار دشوار است، ولی می توان با دقت و یک برنامه حساب شده و حرفه ای ، به گنجینه ای عظیم و ارزشمند، دست یافت.

این گنجینه معمولا در نزدیکی برکه ها، چاه های آب ، قنوات و یا در انبار شراب یافت می شود.

توجه داشته باشید که در آن محل غار یا تونلی زیرزمینی باید وجود داشته باشد و حکاکی تصویر عقرب در کف زمین آن بر روی صخره یا سنگی می باشد که احتمالا در زیر خاک مدفون شده است. عقرب با دم یا چنگکهای خود به گنج اشاره می نماید. در قسمتی که به آن اشاره دارد، باید سنگی بزرگ باشد که قسمتی از آن در زیر زمین دفن شده است و در نهایت بعد از حفاری به اتاقی زیرزمینی بر می خوریم که پر از دفینه خواهد بود.

تجارب شخصی:

دم عقرب به عنوان یک شاخصه مهم بوده و در آن جهت یک قبر بودکه در ۱۸ متری دم عقاب وجود خواهد داشت که صخره ای که روی ان جوغن کوچکی می باشد خواهید یافت یک سنگ بزرگ و صاف بود و در آن آرامگاه بود که ران سنگی می باشد



جوغن کوچک آن شما را به سمت هدف رئیسی عقرب هدایت می کند و بین مسافت ۱۸۰ متر سنگ ایستاده ای که جوغنی بر روی ان قرار دارد خواهید یافت که به حجم فنجان قهوه می باشد.شما را به کاویدن زیر این سنگ هدایت می کنم که نقطه حفر را وسیع کرده و به اندازه دو برابر قامت انسان که برابر ۳-۴ متر می باشد ادامه بدهید و بعد به اذن خدای تعالی سنگ مستطیلی شکلی را که به ابعاد ۱۰۰*۱۰۰ سانتی متر می باشد خواهید یافت آن را به دقت بشکنید و به مکان دفینه وارد شوید.

در اینجا متذکر می شویم که باید کوچکترین تغییرات بر روی خود علامت و نیز در طول کار، مورد بررسی و دقت قرار گیرد.

و اینکه، معمولا در آسیابهای خاص، غارها، چاه ها، و راهروهای زیرزمینی، با این علامت روبرو می شویم.

عقرب به تنهایی نشان خطر و گنج است و در مکانهای مختلف معانی دیگری هم دارد و در همه جا نشانگر دفینه نمی باشد.

ماهی:



این نماد معنی پول و ثروت را می دهد و بیشتر در کنار نهر آب و چشمه ها و باتلاق ها بکار می رود در قسمت دم ماهی باید دنبال قبر باشید در قسمت دهان ماهی باید دنبال آثار دوم باشید اگر ماهی دارای پولک بود و شکم آن بزرگ در داخل یا

زیر ماهی باید دنبال سنگ قیمتی بود که معمولا در قسمت تخمدان ماهی قسمتی از آن ساروجی است که دقیقا با ضربه کوچک به آن قسمت بزنید سنگ قیمتی نمایان میشود البته این در صورتی است که ماهی شکمش پر باشد.

در صورتی که بالای سر یا زیر دم ماهی یک کاسه هم بود باید در اطراف ماهی دنبال سنگ بزرگ باشید که زیر سنگ بزرگ سردابه یا اتاقک موجود است که دفینه در آن مدفون است . ولی اگر دو ماهی بر روی سنگی در روبروی هم قرار گرفته باشند باید زیر سنگ را بکاوید که منتهی میشود به پله و اتاق که دفینه ارزشمندی در آن جای داده شده . اگر ماهی مانند عکس بالا باشد که به تل اشاره دارد .

ماهی برای قرن ها به عنوان یک نماد جنسی و الهه بزرگ نماد و سمبلی از اندام های تناسلی دیده می شد، و در این راه به تصویر کشیده شده است. در دوران باستان ماهی شناخته شده است، کشورهای غیر مسیحی هنوز هم به عنوان طلسم برای کمک به ناباروری و تمایلات جنسی از آن استفاده می کنند. این وضعیت در کشورهای مسیحی جریان دارد.

برخی از حلقه های ماهی "برای شیطان حامل جذابیت جنسی است که می توانید آنها را با لذت نشان دهند" آنها می گویند. در مواقع احتیاج ماهی در باور ما , قدرت جنسی را افزایش می دهد به عنوان یک درمان استفاده می شود.

امروزه، حتی حلقه های ماهی، بخشی از کشورهای شمال آفریقا را به شانس و شیاطین، درو کردن ارواح شیطانی و نصب آن در مقابل مغازه باور دارند ..

همانطور که شما می توانید در تصویر زیر با صلیب و ماهی به تصویر کشیده است. طلسم شده توسط روحانیون قدرتمند قطعا بارزترین نشانه تابوت طلسم شده است.



دفینه های نامعلوم:

در تصاویر زیر علائم و نشانه هایی که بطور کامل حل نشده است را برایتان آورده ایم .



لنگر کشتی



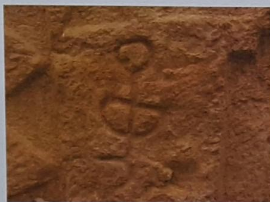
تیر و حلقه



نشانه ناشناخته



کلنگ و علامت دیگر



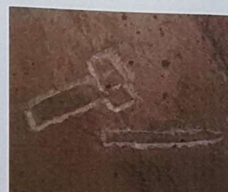
حلقه و صلیب



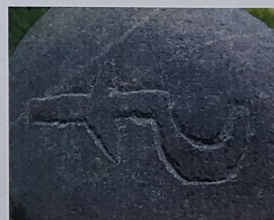
نوشته

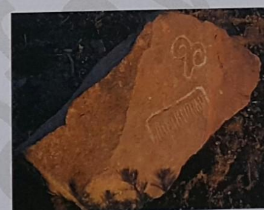


پیچک

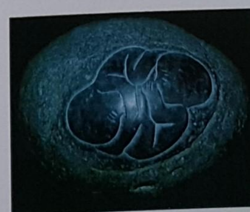


قلم و چکش





شانه و پیچک



دو نفر بچه



بچه تکی

در تصاویر زیر سمبل ها و نمادها که به اشتباه جزو علائم های دفینه محسوب می شوند را مشاهده می کنید که در پایین هر تصویر سمبل و نمادش توضیح داده شده است.



کاهن یا جادوگر : رابط ارتباط با دنیای ارواح



نماد خورشید , خوش بختی



رقاص های تشریفاتی



شاخ /شیپور :محل ارتباط با عالم و دنیای ارواح



لاک پشت -درازی عمر,پایداری,حفاظت



گوزن , نماد برکت و فراوانی



گرگ و بز صحرایی

مارمولک , رابط ارتباط دنیای ارواح



منشور اتحاد ملل ها



اسب - ثروت , قدرت , آزادی , سفر



امضای تشریفاتی یا نماد عبادت



نماد زندگی , کوچ , قدرت , رشدو بالندگی

مار : نماد باران ,آب و برکت ,خرد



بز کوهی و نماد مقدس: رد پایی از خدا. گوسفند شاخ بزرگ - باران - شمارش

اژدها:



اغلب به عنوان نشانه ای از دفن استفاده می شود. به عنوان یک تمدن پرستش خدا در تاریخ، نماد مرگ مورد استفاده قرار گرفت .در برخی از فرهنگ ها و تمدن اژدها دکوراسیون دیوار غار مورد استفاده قرار گرفته است.



اغلب به عنوان نشانه ای از نشانگر دفن است.اژدها موجودی بسیار قوی و حیوانی خطرناک است، دفن بزرگ است، این کار بسیار دشوار است، و شامل خطراتی می باشد. نظرسنجی در مناطقی که در آن از علامت اژدها استفاده شده است ، در جستجوی مکانهای دربسته و پلمپ شده در محیط تونل باریک، غارها باشید. علائم اژدها می تواند به چندین تونل نیز اشاره کند.

قیچی:



جاده ها یا راه های متقاطع و یا عبور از تقاطع آب معنی آن می باشد، بدان معنی است که اگر شما در اطراف جاده متقاطع یا رودخانه هستی ، در اطراف این بررسی باید انجام شود، به خصوص در مناطق متقابل برش متقابل لطفا به دو عدد تپه ریخته شده که وجود خواهد داشت توجه داشته باشید .



اگر این علامت را در نسخه یا سندی دیدید , بطور قطع و یقین بدانید که آن نسخه تقلبی بوده و کار اصلی نمی باشد.

اختراع اصلی قیچی توسط مصری ها در ۱۵۰۰ سال پیش ازمیلاد بوده البته نه به این شکلی که ما استفاده می کنیم ولی در سال ۲ مه ۱۵۱۸ توسط لئوناردوداوینچی به شکل کنونی اختراع شد . از آن پس در تمام کشورها بخصوص در ایران استفاده از آن رواج یافت و در دوره شیخ بهایی از آن به عنوان آثار دفینه و مسیر راه به کار رفت قیچی اگر در روی سنگی حجاری شده باشد و آن سنگ سرراه مال رو باشد نشان از مسیر راه است که نوک قیچی مسیر درست را نشان میدهد ولی اگر روی سنگی بزرگ در وسط جنگل باشد قسمتی که دسته قیچی در روی آن برجسته سازی شده زیرش سنگ قیمتی یا الماس جاسازی شده البته در دوره صفوی و قاجاری در روی سنگ قبر خیاط ها هم از نگاره قیچی به عنوان نماد شغل فرد فوت شده استفاده می کردند

نشانه های مربوط به نشانه خنجر:

خنجر یکی از ادوات نظامی بوده.در علم باستان شناسی به قبر اشاره می کند باید دسته آن را اندازه گرفته و به طرف نوک خنجر حرکت کنید. به قبر خواهید رسید که سرمالی داخل آن بوده و در آن یا یک تندیس یا نقشه راه اصلی به شما نشان داده خواهد شد.





گرگ:



علامت گرگ در وهله اول یادآور بنیانگذاران رومولوس و رموسو رمان به ما یادآوری می کند. گرگ گاهی اوقات به قبر افراد مسن و مقبره مردم شریف و پیشرو سالمندان اشاره می کند.



گرگ یک حیوان باهوش، درنده خویی و وفاداری است.در نزدیکی طاق ورودی غار گذاشته دیده می شود یا در جهت نگاه یا طرف پشت دم آن یک اتاق یا یک غار موجود خواهد بود ، گرگ موظف به حفظ ورودی ها می باشد.

گرگ حیوانی درنده خو بوده و بسیار شکاری و وحشی می باشد و برای گیج کردن طعمه خود به صورت طعمه برف می پاشد تا آن را غافلگیر کند.



در علم دفینه یابی در پشت دم گرگ آن یک قبر است یا یکی از گوشهای آن دراز است و نشان دهنده محل دفینه است یا گرگ همیشه به طعمه نگاه می کند تا او را شکار کند .

پس محل نگاه کردن گرگ باید یک سنگ بزرگ و یا یک کلک بزرگ باشد که دفینه آنجاست و خیلی با ارزش است.

نشانه های شتر:



نشانه هایی که شتر بر آنها دلالت دارد بیشتر است که در این میان به برخی از آنها اشاره میشود

نشانه های شتر تراشیده شده:



به دو گونه است برخی بر دفینه دلالت دارد و برخی ندارد

قسم اول در مناطق صحرایی و منطقه هایی که شتر در آنها زندگی میکند یافت میشود و در منطقه سر سبز یافت نمی شود.

این علامتها از دور به شکل یک شتر حقیقی دیده میشوند ولی زمانی که به نزدیکی آنها میرسی مجموعه ای از سنگها را می بینی که بصورت شتر چینش شده اند .

اگر شتر کوچک باشد بطرف سمت نگاه کردن چشم شتر توجه شود که حتما یک محل دفینه در کوه روبروی ی که شتر به آنجا نگاه میکند وجود دارد اما اگر شتر عظیم الجثه باشند دفینه در زیر محل قرار گرفتن مجسمه شتر قرار گرفته است.

شتر مجسمه معمولا از فلزهای قیمتی مانند طلا و نقره و مجسمه ها و گاها خکی و شنی است اما قسم یگر این نشانه ها دلالت بر دفینه نمی کنند.



این نوع نشانه ها اگر چه بصورت یک مجسمه از دور دیده میشوند ولی زمانی که نزدیک میشوی کلی از مجسمه های شتر را میبینی در منطقه صحرایی که در گذشته ها تمدنها ی گذشته این مجسمه ها را برای ترساندن غارتگران و در جهت حمایت قافله ها از غارت قرار داده بودند.



چنانچه در کنار و پهلوی کوه یا تپه ای و به موازات آن نشانه شتر نشسته ای را یافتید که سر آن کمی متمایل به پایین قرار داشت، باید در مسیر نگاه شتر کمی جلوتر از خود نشانه، سنگی را بیابید که بر روی آن آبراهه ای کج یا کانالی حکاکی شده باشد. سنگ را برداشته و زیر آن را بکاوید تا پله هایی نمایان گردد و در مسیر پله ها به پایین ادامه دهید تا به هدف برسید.

توجه داشته باشید که این نوع دفینه ها معمولا دارای تله و نیز سر باری (سر مال) بوده و باید به علائمی که در عمق ۵/۱ تا ۵/۲ متری به آنها برخورد می نمایید، کاملا دقت کنید تا اسیر تله نگردید یا اینکه از سربار آن عبور ننمایید (سربار و خود دفینه شتر در عمق حدود ۴ الی ۵/۴ متری قرار دارد) و اینکه دفینه شتر فقط طلا می باشد!برخی از این مجسمه ها به عنوان نشانه راه می باشند برخی از مجسمه ها که سرشان بریده شده دلیل بر سیطره اسلام بر آن منطقه و بریدن سر مجسمه ها دلالت دارد.

شتر های برجسته بر روی صخره ها و سنگ ها:



در برخی مواقع دفینه در زیر چنین کنده کاریهایی در فاصله حداکثر چند متری دیده میشود منتها از طرف سر باید این فاصله رعایت گردد و علامت و نشانه نباید شکسته شود البته این در موارد دفن دفینه در سرداب و یا غیر آن متفاوت است .

اگر شتر ایستاده باشد در این صورت هدف در مقابل او در اندازه حدود ۲۰ تا ۲۰۰ متری در جهت مسیر قرار دارد این نوع نشانه ها معمولا در لبه کوه قرار می گیرند.

شتر با نفقش خفیف :

که نشان از علامت بودن آن در تمدنهای قدیم است اینگونه کنده کاریها به عنوان علامت و نشان راه استفاده میشده اند در تمدنهای چون ثمودیان و بر خی تمدنها ناشناخته. این علامتها نشان از امن بودن راه و... بوده و نشان از دفینه ندارند و لی این علامتها در میان باستان شناسان دارای اهمیت ویژه ای هستند.

نشانه های شتر کنده کاری شده:



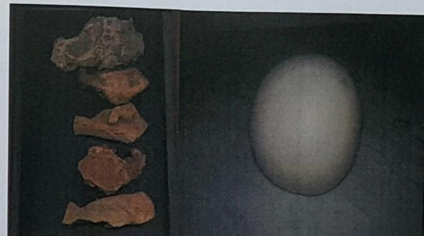
این نوع نشانه ها در کنار برخی گذر گاهها و محلهای سکونت بصورت حفری یافت میشود این حفر ها در بالای سنک و صخره قرار داده میشوند و نشانه حفر معمولا به اندازه ۲ تا سه سانتیمتر در فاصله ۴۰ متری در کوه روبرویی بسوی هدفی است.

سم شتر:



معمولا بر رروی صخره ها قرار می گیرند و در برخی وادیها یک نشانه سیال از داخل کفش به بیرون به عنوان علامت خارج میشود که جهت آن بسیار مهم و اساسی است و در جهت آن نشانه در حدود ۵۰ متر میتوانی یک سنگ اندازه را ببینی که با بلند . بر طرف کردن آن میتوانید به سردابی وارد شوید که آن دفینه که شامل طلا و سایر ممتلکات است داخل آن قرار دارد.

طینت حکمت (خاک یا گل حکمت) :



خاک حکمت یا همان ساروج از موادی تشکیل شده شبیه سیمان و بتون که برای محافظت از دفینه ها ساخته می شدند و در دفینه ها را در قالب اتاقک ها یا ران و یا جوغن ها بواسطه آن محکم می کردند.

برای اینکه بدانیم خاک حکمت کجاست بهتر است یک لوله پلاستیکی دو لیتری درست کرده و داخل آن نصف آب و نصف بنزین بریزیم و بعد از مخلوط کردن بر درب اتاقک بریزیم و یا در صخره ای که به نظر می رسد داخل آنها کوزه هایی قرار دارد پاشیده میشود, اگر رنگ غیر طبیعی دیده شد معلوم می شود که درب بواسطه خاک حکمت بسته شده است , از این رو برای باز کردن ان درب می بایست با اتش و هیزم آن درب گشوده شود و آتش تنها راه گشودن آن می باشد , زمانی که اتش روشن شد از ان فاصله بگیر و زمانی که صدای انفجار شنیدید متوجه باشید که درب باز شده است بعد از باز شدن دربواسطه علمک های اهنی درب را تکان بده و حدود دو ساعت انجا را ترک کنید تا تهویه هوا صورت پذیرد.

ساروج انواع مختلف دارد که محکمترین آن به ترتیب از ساروج سیاه شروع میشود و بعد از آن ساروج سفید و ساروج طوسی و ساروج کرم است. بعضی از ساروجها با موادی بنام سیلکس و بعضی با سرب و مس ذوب شده درست می شدند. اینها استقامت ساروج و محکمی آن را بالا میبرد.

در ساروجهایی که برای جلوگیری از نفوذ آب ساخته میشد از پشم شتر و موی بز استفاده میشد که ساروج را برای جلوگیری از نفوذ آب مستحکم میکرد.



تا چند سال پیش شصدو دو نوع ساروج شناخته شده است که از این تعداد پنجاه و یک نوع آن بدون اموال (زیر خاکی) میباشد و از باقیمانده انواع ساروج همه دارای طلا نمیباشد. در حفاریهای انجام شده اکثرا از سه نوع ساروج بار طلا بیرون آمده است و الباقی دارای نقره و مفرق و اجناس دیگر بوده اند.

کلیه ساروجها از مواد اصلی زیر درست شده اند.

شن و ماسه ، آهک و سفیده تخم مرغ و...

ما بیش از ۹۹ نوع ساروج داریم که سه نوع آن پخته هستند و هر کدام روش خاصی برای شکستن و حل کردن آن دارند.بویژه از مواد کتراک ایتالیایی , سرد و گرم کردن آنی با حرارات , روش الکل , وارد کردن ضربه به رگه حساس آن , نیتروژن مایع و خیلی از روشهای متفاوتی وجود دارند در ذیل به یکی از روشهای قدیمی و سنتی شکستن ساروج بسنده می کنیم.



فضله گاو را بصورت کرمه روی ساروج چیده و آن را روشن می کنیم , پس از مدتی سوخته و اسیدی از آن خارج و داخل ساروج می شود وپشت سر آن باید سریعا باید یک سطل آب بسیار شور را روی آن بریزیم این عمل باعث خرد شدن آنی ساروج ما خواهد شود و نوع دیگر آن با اسید است..

در قدیم چون از ساروج برای بناهایی همانند پل , آتشگاه , راها و اتاقک ها استفاده میشد در اکثر مواقع برای جابجایی و یا ترمیم به شکستن آن هم نیاز بود برای همین روشی هم برای تخریب آن درست کردند که به راحتی آن را تخریب کنند چون در آن زمان امکانات امروزی نبود از روش های قدیمی خود برای شکستن ساروج استفاده میکردند . آنها درختانی تنومند را در زیر ساروج میریختند و آتش میزدند و میگذاشتند که ساروج خوب سرخ شود و وقتی دمای ساروج بالا میرفت و سرخ میشد روی آن اب میریختند و این شوک باعث میشد که در یک آن ساروج منفجر و پوک شود و به راحتی کنده شود این یک روش کارساز قدیمی بود که از آن به عنوان خورد کردن ساروج استفاده میشد البته روش های دیگر هم موجود بود ولی برای هر ساروجی استفاده نمیشد چون ما ۹۹ نوع ساروج داریم که مواد تشکیل دهند آنها کمو بیش باهم متفاوتند ولی روش آتش برای همه نوع ساروج جوابگو بود .

پس متوجه شدید که هر جا ساروج دیدید دلیل به بودن صد در صد دفینه نمیشه . ما ۹۹ نوع ساروج داریم که هر کدام نوع ساختشان با هم متفاوته مثال: ساروج سیاه – ساروج کرمی – ساروج سفید با دون دون های کرمی . این نوع ساروج ها در مخفی کردن دفینه به کار میرفت

در قدیم از ساروج سفید برای پلمپ کردن الماس و سنگ های قیمتی بکار میرفت و الماس را در نمد میگذاشتند و دور آن را با ساروج سفید به شکل گرد یا تخم مرغی درست میکردند.

از ساروج سیاه برای لایه گذاری برای دفینه استفاده می کردند.

از ساروج کرمی برای ساخت اتاقک و راهرو ها و پلمپ دیواره استفاده می کردند البته در لایه گذاری هم استفاده میشد ولی ساروج سیاه استحکامش از همه زیادتره و اگر با کلنگ به آن ضربه بزنید کلنگ داخلش نفوذ میکنه ولی کنده نمیشه و حتی باعث داغ شدن سر کلنگ میشه که از این ساروج برای دفینه هایی با ارزش استفاده میشد . از انواع دیگر ساروج ها در ساختمان سازی و .... استفاده میشد

ملات ساروج گرم:

ساروجهای گرم در واقع نوعی ملات آهک آبی هستند که از پختن و آسیاب کردن سنگهای آهکی رس‌دار به دست می‌آیند و این نوع ملاتها در جنوب ایران در کناره شمالی خلیج فارس به کار می‌رفته و پس از گذشت سالها در ساختمانهای دریایی پابرجا مانده‌اند. مشهورترین ساروج از این نوع متعلق به بندر خمیر می‌باشد. ۷۲ نوع ساروج داریم و ۳ نوع ساروج پخته وجود دارد.

ملات ساروج سرد:

ماده چسباننده این ملات از اختلاط آهک، خاکستر و آب حاصل می‌شود، برای قوام و چسبندگی به آن خاک رس می‌افزایند و ماسه بادی نیز در آن نقش پرکنندگی و استخوان‌بندی دارد، برای جلوگیری از ترک‌خوردگی به ساروج، لوئی (پنبه جگن) یا موی بز می‌زدند. خاکستر دارای مقدار زیادی سیلیس غیر بلوری است که به هنگام اختلاط با دوغاب آهک با آن ترکیب شده و سیلیکات کلسیم به وجود می‌آید، ولی این عمل به کندی پیش می‌رود و از این جهت ملات ساروج، کندگیر است.

ملات ساروج از اختلاط ۱۰ پیمانه گرد آهک شفکته، ۷ پیمانه خاکستر الک شده، یک پیمانه خاک رس، یک پیمانه ماسه بادی، ۳۰ تا ۵۰ کیلوگرم لوئی (برای هر مترمکعب ملات)، آب به قدر کافی و ورز دادن آنها به دست می‌آید.

ساروج نرم یا خمیری وجود نداره بلکه منظور از ساروج از این نوع ساروجی است که از منطقه شهرستان خمیر به دست میاد .

مردم در گذشته شروع ساخت وسازشان با گل و خشت و سنگ بود که با حوادث طبیعی که رخ می داد باعث تخریب و خرابی پناهگاه آنها میشد آنها به این فکر افتادن که ماده ای رو درست کنند تا در مقاومت با حوادث طبیعی استحکام بیشتری داشته باشه که با مخلوط کردن یک سریع از املاح زمین با هم شروع به ساخت ساروج را کردند ساروج مخلوطی است ازآهک وخاکستر و یا روث حیوان که با گل و آب مخلوط می کنند و بعد از اینکه خشک شد آن را در کوره آتشین می‌سوزانند تا اینکه به ساروج تبدیل شود، وبعداً آن را نرم می کنند یا کوبیدن پتک و یا با سنگ آسیاب بروی آن می‌چرخانند که نرم شود، وخاکستر که در آب بمرور جذب ایندرید کربنیک کند و آهکش بصورت سنگ آهک که محکم وپایدار است در می آید در دروان گذشته ساروج از اهمیت خاصی برخوردار بوده و جهت ساختن حوض، آب انبار، برکه گرمابه و بنای خانه و سد کاربرد داشته است.

ساروج در آن زمان یکی از محکم ترین ملاتها در ساخت و ساز به شمار میرفت و از آن به بعد اکثر سازه ها با ساروج ساخته میشد ولی به دلیل کم یاب بودن یک سریع از مواد ساروج همه چیز را با آن درست نمیکردند و فقط مختص به چیزهای مهم ساخت اتاقک های مربع و راهروهای مخفی برای مدفون کردن دفینه در - بود مانند پل - حمام - قلعه ها با سنگ و ساروج وپلمپ کردن دیواره ها و ورودی غار ها بکار میرفت

کیفیت باز کردن جوغن های پلمپ شده:

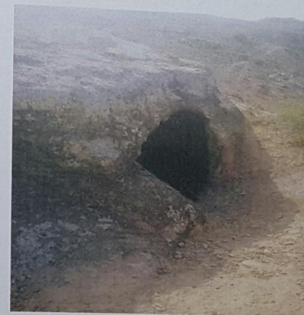


کاسه های درب بسته: که به اندازه حجم دفین موجود درداخل آن جمع آن نیز متفاوت است و در داخل یک صخره قرار داده شده است .برای پیدا کردن منفذ ورورودی و باز کردن درب این کاسه سر بسته که بواسطه خاک حکمت محافظت می شود , می توانید آب را برروی آن کاسه بریزید , اگر دیدید نقطه بسرعت خشک شد بدان که ورودی آن کاسه آن نقطه است و آنجا را بواسطه یک میله ای باز کن بدان که در داخل این کاسه ها موجود زنده قرار می دادند قبل از بستن دربشان تا هوا را مصرف کند و داخل انجا بدون هوا باشد , از این رو نمی توان بدون پیدا کردن آن نقطه درب این کاسه ها را باز کرد.

ران: نیز یک محفور (حفره) در صخره است که همان دخمه سنگی یا صخره ای می باشد که بواسطه نوع دفینه پنهان شده در آن حجم آن نیز متفاوت است .



ران با کاسه از چه شکل تفاوت دارد؟ ران معمولا بصورت مربع و یا مستطیل می باشد و حجم ان بزرگ است در حالی که کاسه بصورت دایره ای و حجم دفینه موجود در ان کوچک است , در داخل هر کدام از کاسه و ران هوا وجود ندارد بخاطر انکه موجود زنده در داخل انها قرار داده شده اند و این نقطه تشابه انهاست.



گشودن ران:



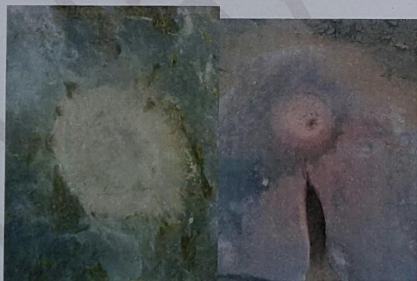
برای باز کردن ران می توانید اتش بزنید انرا تا سرخ شود و سپس در این حالت آب بریزید تا ران شکسته شود به اذن خداوند بزرگ پلمپ شوده می شود.

سنگ دفینه ها:



سنگ دفینه همان چیزی است که برروی آن یک مایعی روغن مانند ریخته می شود و درخشندگی خاصی دارد , سنگ معدنی بازلت نوعی خصوصیت دارد که هر چه از زمانش می گذرد بر اساس مرور زمان درخشندگی ان نیز افزایش می یابد, رومیان ساختن این سنگ را می دانستند و کسی که در این زمینه ها پژوهشگر است می بایست دقت زیادی در شناخت این سنگها بعمل آورد زیر این شناخت می تواند سنگ قبر را تشخیص دهد و در نتیجه قبر را بشناسد و در پی آن دفینه موجود در ان قبر را نیز دست یابد و نیز باید توجه داشت که برخی دفینه ها در داخل صخره ها قرار گرفته اند که بر روی این صخره ها نیز روغنی ریخته شده که درخشندگی خاصی حتی بعد از سالها به آن می دهد.

در تصویر زیر قسمتی از سنگ ها را مشاهده می کنید که درونش سربار دارد .قسمتی از سنگ اگر دقت کنید پلمپ شده است.



البته پیدا کردن اشاراتی که ما را به دفینه ها رهنمون سازد , نیازمند فراست و تجربه شخص جستجو گر است اما باید توجه داشت وجود پارچه های چرمین و نیز سنگهای درخشنده بهترین دلیل وجود برخی دفینه ها در آن اطراف باشد.در اغلب دفینه های مربوط به ایران , اغلب اوقات سنگ ها و جواهرات قیمتی مثل در و مروارید را داخل یا در قسمتی از سنگ ها پنهان می کردند که به این سنگها , سنگهای دفینه نیز می گوییم.بهترین حالت در این زمان این است که سنگ شکسته نشود , بلکه با استفاده از تجهیزات پیشرفته از ان بلو ری یا سی تی اسکن یا با اشعه ایکس تصاویری واسکنی تهیه کنید که اگر داخل سنگ جواهر آلاتی باشد معلوم باشد .

نمونه ان را در بالا آورده ایم.در تجاربی که هم که داشته ایم در سنگ ماهی که داخل آن جواهرات و سنگهای قیمتی بود با بی اطلاعی دوستان داخل سنگ که جواهرات قیمتی قرمز رنگی بود شکسته شده و پودر شده بود و از بین رفته بود.پس هر سنگی را بدون اطلاع تخریب نکنید.

کافی است از اهالی محل باشید و سنگ قبر را از سنگهای دیگر تشخیص دهید.

سنگی که داخل آن دفینه ای پنهان باشد رنگش متمایل به سرخی است.البته نوعی درخشندگی نیز در این سنگها قابل مشاهده است , این سنگها شبیه حیوانهای از هم پاشیده است و مهمترین چیز در این زمینه این است که عقاید قومی که در آن منطقه بوده اند را بشناسیم و اگر نشانه ای پیدا کردیم ببینیم این نشانه به کدامین دوره تاریخی بر میگردد و در میان آنان این نشان چه معنایی داشته است.

علامت مرد و گرگ:

بعد از ۱۵ قدم به مال می رسید

هرگاه این علامت را دیدید , هدف در نزدیکی صخره هاست

علامتی که به نزدیکی صخره ها دلالت می کند , جهت آن گنج در زیر آن است

مسافت ها:

مسافت های نزدیکی دفینه

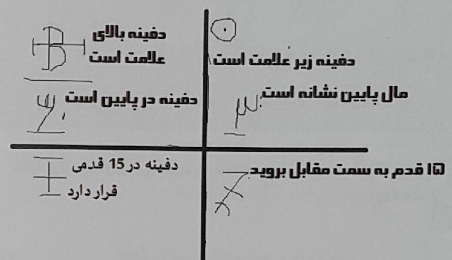
۸ قدم	۳ قدم	۲قدم	۷قدم
۹ قدم	یک قدم	یک قدم	۷ قدم
۲ قدم	۱قدم	۷قدم	

نشانه های جهت:

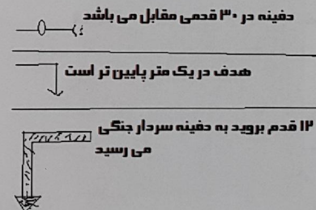
فاصله انگشت میانی رارفته و به متر تبدیل کرده و مسیر خلاف جهت بودن و مکان کاوش داخل صخره هاست

فاصله بین کفه ها را مقایسه کرده بسوی کفه فرود آمده حرکت کن

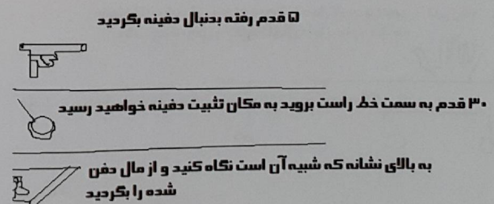
اشاره های توجیهی راهنما:



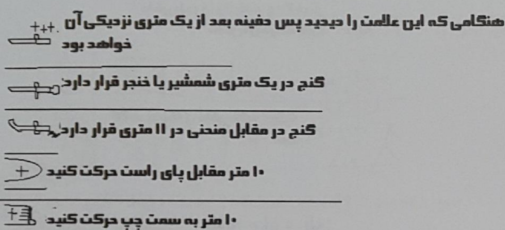
نشانه های توجیهی ظاهر:



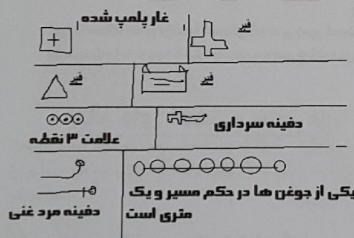
نشانه های توضیحی



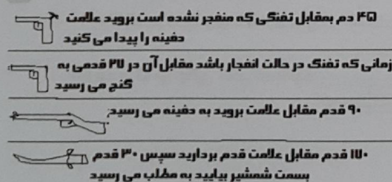
نشانه های توجیهی تفنگ و قدم ها:



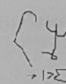
نشانه های متنوع:



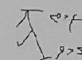
نشانه های سلاح :



نشانه های مقیاس ها و فلش ها:

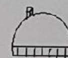


فلش را در نظر گرفته و ۳۰ قدم مقابل آن حرکت کنید



۲۴ قدم مقابل فلش غالبه حرکت کنید

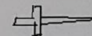
نشانه چاه و تله:



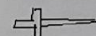
زمانی که علامت بر بالای تپه ای اعلی باشد و چاهی یا رودی عمیق در آنجا باشد پس شما باید در آن لحظه خیلی مواظب باشید

زیرا با سنگ ها و برگها استتار شده و جدی است و در قاعده تله است وبه اندازه قدم به قدم ها تبدیل کنید

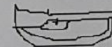
نشانه های شمشیر و خنجرها:



گنج در ۷ قدمی علامت قرار دارد

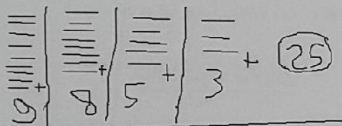


۴۰ قدم تا دفینه فاصله دارید.



۵۰ قدم تا نزدیکی گنج هستید.

نشانه های تشکر و مژدگانی:



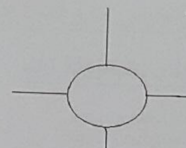
عددها را قدربدان اول 9 قدم رفته دومی را یافته 8 قدم رفته وسومی 5 قدم و چهارمی 3 قدم سپس 25 قدم از اشاره اخیر قدم بردارید

نشانه تله تومولوس:



جهت از طرف شرق بسوی شمال است در آنجا سنگی صحن مانند مانند شکل بالا خواهی یافت که بالای تله آن متفذی را جستجو کن

اشاره سایه:



سایه علامت هرکجا بیفتد آن مکان را بگردید و کاوش کنید

نشانه شتر و ساربان:



اگر علامت شتر در سنگ یا صخره باشد به بار شتر نگاه کنید به علامت دوم یا دیگری خواهید رسید

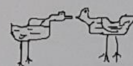
جایی که علف در دهان شتر است را بررسی کنید
شتری که بار دارد دفینه در بار آن است
شتری که نشسته است دفینه درزیر آن قرار دارد
وسایل و دفینه آن قیمتی بوده و به صخره های مقابل نیز بررسی کنید

نشانه شتر:



شتری که در صخره هاست باید بخوبی بررسی کنید
1-شتر در حال راه ، دفینه آن 10 قدم در مقابل آن قرار دارد
2-شتری که نشسته است دفینه درزیر یا در 21 قدمی آن است
3-شتری که بجایی نگاه می کند دفینه آن در 10 قدمی نگاه آن است

نشانه مرغ و جوجه:



خزانه مابین دو پرنده یا در زیر آنها قرار دارد



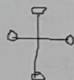
از مسمار تثبیتی برای دفین که در نزدیکی مرغ قرار دارد با مسافت 675 متری آن را بررسی کنید دفینه آن 90 قطیره طلا بوده و داخل جوغن های تو در تو است

نشانه های اضافه بار و تپانچه:



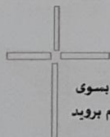
4 قدم بسمت علامت صلیب بروید

نشانه های صلیب تاج دار:



31 قدم بسمت ضلعی که طویل است بروید به علامت تثبیتی خواهید رسید

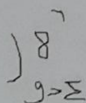
نشانه صلیب منقطع:



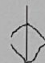
اگر صلیب بصورت منفصل باشد بسوی ضلعی که قطع شده است 9 قدم بروید

نشانه علامت های پنج:

گنج در 5 قدمی نشانه و علامت قرار دارد



نشانه های مسافت ها:



محل انطلاق را مشخص و 15 قدم بردارید

مسافت نزدیک و دشوار

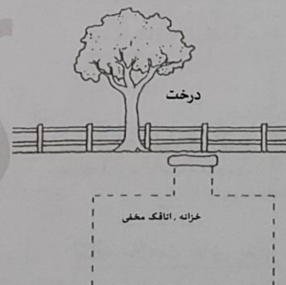
مسافت دور و طولانی

نشانه تله اتاقک:



علامت خطیر جدی بر در اتاق یا غار قرار داده می شود , با آن سطح زمین را مقایسه کنید و با مقایسه در صخره و سنگ روبروی اتاقک نگاه کنید در آنجا سنگی که تله است تمثیل آن است قرار دارد آن را بیاندازید از کار افتاده و خنثی می شود

نشانه نهانگاه:

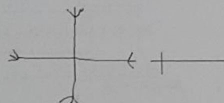


نشانه های مقیاسی:

علامات مقیاسی و تاریخی مسافت

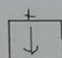
5 گام	4 گام	3 قدم
یک گام	5گام	2 گام
یک گام	5گام	2 گام
7 قدم	8 قدم	2 گام

صلیب شعبه دار:

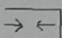


10 گام بسمت شکسته شده بروید به صلیب شعبه دار خواهید رسید

نشانه های تمویهی:



از علامت تثبیتی 7 متر بسمت پایین و زیر آن راکار کنید



علامت گمراه کننده , اگر این نوشته و کتیبه را دیدید ! زیر آن را بکاوید

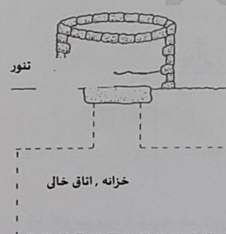
نشانه های توضیحی:

تعدادی گنج ,10 مترسمت بالا بروید،

مکان ورودی صخره, بازکنید

در مسیر بدنبال علامت جوغن زاویه دار بگردید

تنور و مخفی گاه:

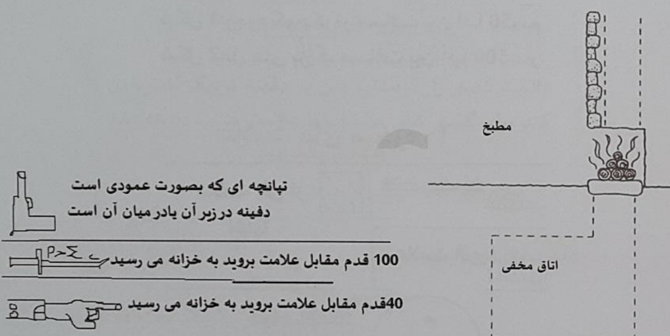


مدفن تومولوس:

این مدفن کبیر است , دربالای آن تلی است مانند اینکه عادی و مزروعی است.درآن دفینه و طلای گرانبهایی است وآثاردرجهت غربی می باشد.ازخاک مکان ورودی اطراف اتاقک برحذرباشید

ورودی

اتاق تابوت دار

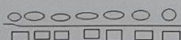


تپانچه ای که بصورت عمودی است دفینه درزیر آن یادرمیان آن است

100 قدم مقابل علامت بروید به خزانه می رسید

40قدم مقابل علامت بروید به خزانه می رسید

ازعلامت مقابل این جوغن های هفتگانه رابررسی کنید وتمامی علامتها به مناطق مقبره ها اشاره می کنند و متصل هستند







علامت های رجوم و تل ها

شکل 1:رجوم کوچک تر مسافت بین آنها 50سم

شکل 2:تل های بزرگ مسافت بین آنها 500 متر

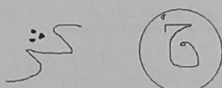
علامت های صخره ها

علامت یکی از اغنیا

علامات شخص نبیل

علامت امیر

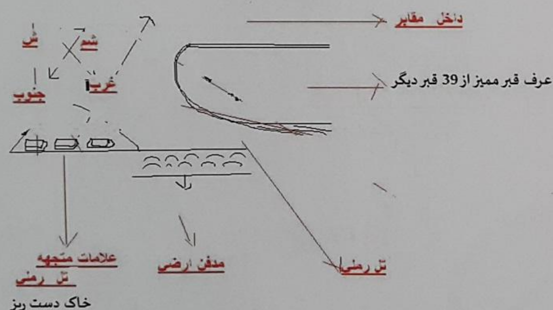




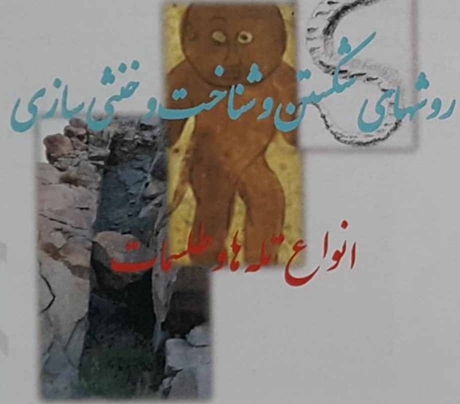
به دورترین مکان چپ علامت تثبیت نگاه کنید
سنگ نفیسی وجود دارد



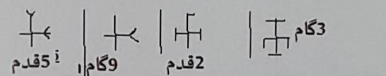
علامت کشتی را اگریافتید پس به دفینه نزدیک اشاره می کند برای کشتی های مختلف یا علامت قریب دفینه فتح شده را بگشایید



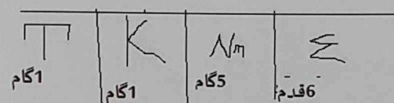
acrshop

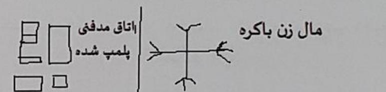


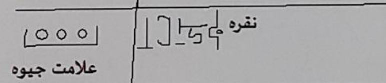
این علامت های بارز تجسم قبور و تحدد مسافت هاست



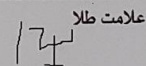
این علامت های قبور غنی و جهت و نشانه های آنهاست







علامت طلا



Dafayens.ir

تله گذاری:

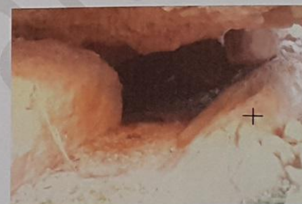
این تله ها معمولا در مکانهایی همچون داخل سردابهایی که دفینه در آنجا دفن شده است قرار داده می شود و زمانی که شما وارد سرداب می شوید بدون آنکه شکی کنید و آن چیزی را که میخواهی دفینه را از آن بیرون بیاورید می کشی سنگی می افتد از این رو باید مواظب باشید.

همچنین برخی از این تله ها تله های چاه مانندی هستند که روی آنها بواسطه چیز های هم رنگ زمین اطراف پوشیده شده و زمانی که تو از آنجا رد می شوی بر حسب نوع وزن تو آن تله فعال میشود و داخل گودالی در حدود ۲۰ متر می افتید.

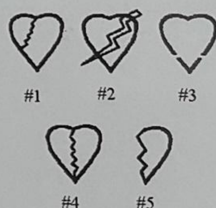
برخی تله ها تلهای سمی هستند و زمانی که دفینه باز میشود ان تله و نوع ماده قرار داده شده در انجا که به هوا حساس است شروع به فعالیت میکند و ماده سمی در فضا منتشر می شود.

باید توجه شود که هر قبری داخل آن اشیای قیمتی وجود ندارد شاید داخل یک قبر کوزه ای هم پیدا بشود و ان کوزه پر از جو و گندم باشد این بدان معناست که انان اعتقاد داشتند حیات دیگری بعد از مرگ وجود دارد و انان میتوانند از این گندمها در ان دنیا استفاده نمایند

یکی از وظایف کارشناس شناسایی تله قبل از عمل کردن می باشد. نوع دوم تله که دراین نوع تونلها به کار برده می شود تله شیمیایی هست که خاک تونل را توسط برخی قارچها و گیاهان سمی مسموم می کردند که خطرناکترین نمونه سم بکاررفته دراین نوع تله ها, گازی تولید می کند که نه رنگ و نه بو دارد و به این صورت می باشد که حفار به محض استشمام این گاز از قسمت کف پاشروع به حالتی بحالت مور مور شدن می کند که این حالت با استشمام گاز بیشتر ادامه پیدا می کند تا به حد کمر برسد. افرادی که بدن ضعیفی دارند در همان مرحله اول دچارسکته شده و می میرند .



در ابتدا یکی از سمبل های خطر که از گذشتگان به ما ارث مانده و در آن پدران ما خطر ها را به ما گوش زد کرده اند در اینجا می آوریم.



قلب یا دل سمبل دل در بعضی ار تعابیر به معنای طلا آمده قلب به صورت کامل و یا به صورت مختلف شکسته آمده است که در زیرانواع شکل و تعابیر آن آمده است.

دلی که کوشه ای از آن ترک برداشته می تواند برای ما پیغام های مختلفی داشته باشد یکی از آن ها به معنی مرگ آمده که اگر به آن توجه نشود می تواند برای ما مخاطره انگیز باشد.

قلبی که شکل رعد بر روی آن باشد در سمتی که رعد اشاره می کند برای ما خطر وجود دارد و در هنگام کار در آن نقطه باید مواظب باشیم.

قلبی که قسمت پایین آن جدا شده . مفهوم آن این است که سمتی که نوک قلب برای ما نشان می دهد خطری وجود دارد که این خطربرای ما به شکل محسوس و قابل دیدن است.



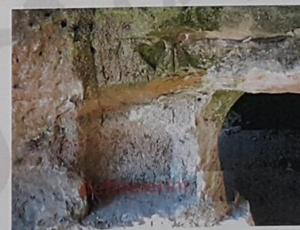
قلبی که از وسط نصف شده . وجود خطر در فاصله ی نزدیک را برای ما نشان می دهد فقط مسیر آن را مشخص نمی کند..در مجموع این خطرات می تواند افتادن از جای بلند –افتادن سنگ و صخره بر روی شما –سمی بودن هوا و آب –مار و عقرب سمی –و پاشیدن زهر بر روی زیر خاکی می تواند باشد.

تصویر اول(درپایین) که در ورودی تونل ها زده می شود ومعمولا در ورودی این مدل تونل ها سمبل های خطر نیز دیده می شود این مدل تله ها به در ورودی بسته شده و در هنگام ورود به آن سنگ هایی که در بالای قرار داردکار کلید را انجام می

دهند ازجای خود تکان می خورند وپشت سر آن سنگ بالایی و شنی که در بالای آن قرار دارد بر ورودی تونل می ریزد و راه را سد می کند. قلب نماد بار دزدان و تله میباشد.



این قلب ها در آن واحد می توانند روی نقشه ها نشان داده شوند , هنگام نزدیک شدن به آن به آن , به فردی که نقشه را می خواند , تله هایی که منتظر آنهاست را نشان می دهد.تله ها در دایره ایی به اندازه ۲۰۰ قدمی اطراف ورودی پنهان شده می تواند پیدا شود. قلب: شکلی است که از گذشته های خیلی دور به امروز رسیده است. در هر جامعه ای نشان محبت و احترام میباشد. در مسیحیت روی سنگ قبرها مشاهده میشود. از نظر بعضی تعابیر دفینه یابی به معنی طلا میباشد. و در اشکال متفاوت معنی تله را میدهد. اما معنی و مفهوم این تصویر به این صورت است که: یک قدم در سمت راست و البته کمی پایین تر ورودی یک قبر مهم میباشد. توجه داشته باشید به احتمال زیاد تله دارد. در بیشتر دوره های تاریخی از علامت قلب استفاده شده است . در یکی از نمونه های کشف شده در قسمت ورودی یک قبر به همراه ۳ عدد سکه طلا (ساسانی) وجود داشته است.



قلبی که در بالا مشاهده می کنید در بالای ورودی غار نصب شده است که نوع تله را برای ما مشخص کرده است.



در مسیرهای منتهی به خزانه بزرگ ترین تهدیدها و تله ها است. گنجینه های بزرگ بسیاری زمانی که به ۱۵ متر می رسد بسیار بیشتر است و تجربه تله گذاری وجود دارد. تونل ها به دور است. این تونل به عنوان تله ساخته شده است. به عنوان مثال، سنگ ممکن است سنگ از سقف کند ، راه پله مارپیچی اتفاق می افتد، شما ضربه دخمه عمیق سقوط به زمین است.



خطرناک ترین تله فلش ویا نیزه است . بدون اینکه از تونل عبور کنید تاریک، فشار بر آن بیفتد در راه و فعال شود. این نیزه ها شاید مدت ۱۰۰۰، شاید ۱۵۰۰ سال پیش، با روغن و روغن خوک روغن کاری شده باشند که بسیار سمی است. خوک اثر روغن کاری خود را از دست نمی دهد. این سم سریعا وارد جریان خون شده و تمامی مردم را در کمتر از نیم ساعت می کشد.
یکی دیگر از خطر ها گاز هیدروژن پراکسید در غارها است. این گاز کشنده است.
گاهی اوقات سموم پاشیده شده بر طلا باشد و باید در برابر آن بسیار مراقب باشید.

acrshop

موضوع دیگری در مورد تله مرگ, به هیچ وجه اطلاعاتی را که از تله های یافت شده به دست آورده اید, پنهان نکنید. با تمام جزییاتش با دوستان خود در میان بگذارید. انتقال نظرات درست در مورد تله و جزییات آن مهم می باشد.باید به تمام دوستانتان یاد بدهید که چگونه می شود آنها را پیدا کرده و غیرفعال کرد.

تله شن و ماسه:

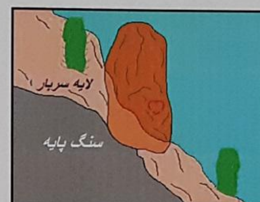
این تله با فشرده شدن شن و ماسه در زیر صخره ی ایستاده ی بلند صورت می گیرد.این مدل تله ها در صورت ظاهر به تله شباهت ندارد و در دید نخست صخره ای ایستاده است که در جلو آن یک در و یا صندقی گذاشته شده است هر موقع دسته ی این صندوق بر گردانده شود شن و ماسه ی که در پشت صندوق فشرده شده شروع به ریزش به داخل ویا فضای خالی ایجاد شده

در پشت صندوق می کند و زیر صخره بزرگ خالی می شود و می ریزد. حال این سوال پیش می آید اگر شما به این مدل صندوق در موقع جستجو کردن برخورد کردید آن را جستجو می کنید و یا بی خیال می شوید و از کنار ان می گذرید . در اکثر مواقع در اثر هیجان مستقیما به طرف صندوق رفته و شروع به جستجوی آن می کنند . و به تله بودن آن بی تفاوت می شوند

باید اولین کاری که کنید از خود بپرسید که؟آیا برای جستجوی داخل صندوق باید در آن را باز کرد ؟ آن کسانی که این دفینه را می خواستند مخفی کنند آیا آن را در زیر این صخره در یک صندوق به راحتی ول می کردند؟آیا تله ی که پیدا کرده ایم به صورت دست نخورده رها کنیم ؟تا یکی که فرد دیگری که به این تله ها وارد نیست در آن گرفتار شود ؟

تله های زمینی

چگونگی کار کردن این تله بسیار ساده است و با فشار بر یک طرف تله ی زمینی تعادل آن به هم می خورد و می ریزد معمولا این تله با وزن بالای ۴۵ کیلویی به کار می افتد.معمولا سمبل های که دلیل بر وجود این تله است در روی دیوار می توان پیدا کرد و این سمبل ها در نزدیکی تله دیده می شود .تله های زمینی جوری مستور می شوند که قابل دیدن نباشند و شیارهای بینابینی فقط در صورتی آشکار می شود که با دقت به آن نگاه شود.این مدل تله ها در تمام دنیا دیده شده است.





دید مقابل



دید کناری

ورودی اینچنین تونلها از نمادهایی که توضیح دادیم می باشد . معمولا تله مستقیما به در وصل می شود.هنگامی که در شکسته می شود وصله هایی که وظیفه کلید کناری را دارند از جایش در آمده و همانطور که در تصویر می بینید تخته سنگی متعلق به غار می باشد.



پس از آن شن انباشته ورودی تونل و همچنین شما را زیر می گیرد.

علامت رعدوبرق:



رعد و برق گنج را نشان می دهد اطلاعات با ارزشی را در اختیار ما قرار می دهد ,نشانه طلا، نقره ذخیره شده است یک نشانه است که بسیاری از گنجینه های دیگر را نشان می دهد .دام مرگ در مواجهه با خطرات در طول راه را نشان می دهد.یکی از نمادهای خانم به دام این تضمین گرفتار شده است.

نمادی از تله مرگ داده شده بر روی صخره ها، است. شما دائما مراقب باشد. اگر شما نمی دانید چه پس از آن رخ خواهد داد که هر چیز و مکان لمس را تغییر می دهند. آنها توسط افرادی که می دانند این کار آماده شده است، انجا می شود .

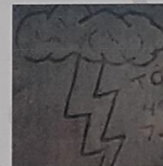
بیشتر مواقع روی سنگ ها به عنوان نماد تله مرگ امده است. برای این نیز باشد که دفینه یاب را از محل دفینه دور کرده و نظرش ره به جای دیگر جلب کند.شما باید همیشه مواظب باشید , اگر نمی دانید که متعاقبا چه اتفاقی خواهد افتاد , نباید به چیزی دست یابید و جایش را نباید تغییر بدهید.اینها از طرف افرادی که کار بلد بوده اند آمدا شده است, و آنها می دانسته اند که جستجوگران ممکن است بی دقت باشند, ولی دفینه یابانی که از فکر خود استفاده کرده اند و با افکار زیرکانه خود می توانند تله های آنها را غیرفعال کنند.با توجه به تفکرات آنها خواسته آن را از بین می برند.

اولین کار که نسبت به این تله ها باید انجام دهیم این است که باید ابعاد این تله را با توجه به نشانه ها با دوستان خود مورد بررسی قرار دهند تله های بزرگ در ورودی های مخفی غار , در دایره ای به قطر ۲۰۰ فوت شاهده می شوند, این تله ها معمولا در شیب تپه ها جاگذاری شده است. یکی از علامتهای نادر بوده و به معنی وجود تله مرگبار می باشد.

تخته سنگی ۳۰ الی ۴۰ تنی می باشد که با یک طرح و نقشه خاصی حرکت می کند.این بر روی تخته سنگها مستقیما, بصورت نماد قلب شکافته شده ویا تکه ایی که از قلب جدا شده می تواند باشد

این تله ممکن است گمراه کننده باشد.خیلی ها به شکل قلب و روی آن دفت نکرده و با فکر اینکه طلا می باشد, اطراف و یا زیر تخته سنگ را حفر کرده و این کار می تواند باعث حرکت تخته سنگ شده و بر رویمان معلق شود.حتی اگر این تخته سنگ را نشکند باعث می شود که شما دیگر قادر به ادامه دادن جستجوهایتان نباشید

یکی دیگر از هشدارهای ساده رعد وبرق , تله مرگ موجود در ورودی تونل و بر روی دیوار می باشد.(نشان به هیچ وجه دربالای ورودی نمی باشد) نشانه در ۱,۲ و یا ۲ جا کنار ورودی حکاکی و یا حفر و یا بریده شده می باشد.اینگونه ورودی ها بسته شده اند. ورودی متناسب با مکانش درست شده و با بلوک یا تخته سنگ بسته شده است



قبل از هر چیز, اگر رعد به چپ نگاه کند تله در سمت چپ می باشد.اما فقط به شرط اینکه ورودی واقعی باشد, نشان تله ایی که در ورودی های دیگر ساخته شده است در هر طرف نشان تله می تواند باشد. یعنی در دنبال کردن نشان تله اشتباهی کرده اید به همین دلیل , دنبال کردن نشان ها مهم می باشد.اگر گذرگاه اصلی طولانی باشد , در سمت راست گذرگاه حرکت کنید.اگر گذرگاه به شکل از هم جدا شود , باید در طرف راست حرکت کنید. حتی اگر در سمت چپ قوطی و یا هرچیز جالب توجه دیگری دیدید تابه امروز راه درست هموراه سمت راست بوده است

آن چیزی که توجه شما را جلب کرده ممکن است تله باشد.اگر بر روی دیواره سمت راست , علامت صلیبی کشیده شده باشد, حرکت از گذرگاه کنار صلیب, دارای امنیت بالاتری می باشد.

دومی:به جهت نوک رعد نگاه کنید

۱- اگر به پایین جهت داشته باشد , بلافاصله بعد از ورودی , در کف زمین , یک تله پیدا خواهید کرد

۲-اگر جهت به طرف ورودی اصلی باشد, تله روی خود ورودی می باشد. هنگام شکستن ورودی , تله فعال خواهد شد و یا ممکن است دری که شکسته می شود , یک خاکریز را فعال کند و یا تخته سنگهای بالای سرتان , مستقیما بر رویتان

بریزد.ممکن است خطرناک به نظر نرسد.ولی خیلی از دفینه یابان به این تله ها دچار شده , از خیلی از آنها بر اثر این تله ها مرده اند

۳-اگر جهتی که رعد نشان می دهد , به سمت بالا باشد , تله بلافاصله بعد از ورودی در بالای سرتان می تواند باشد, به خود ورودی متعلق نمی باشد

۴- اگر یک قلبی ببینید که از وسط نصف شده باشد و یک طرفش کنده شده باشد, در این صورت نیز باید مواظب باشید مکان تله های مربوط به این گونه نمادها مشخص نمی شد. یعنی ممکن است تله از پایین , راست , چپ , یا مستقیما از روبرو بیاید

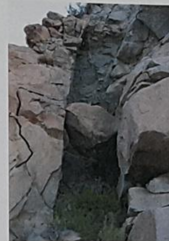
۵-یکی دیگر از هشدارهای تله , سه صلیب می باشد. دو تا کنارهم, یک صلیب بزرگ در زیر هر دو می باشد.این پیام سه صلیب حضرت عیسی یعنی به چهار میخ کشیده شدنش را نماد می کند.اگر زیر یک صلیب بزرگ , دو کله خشکیده(اسکلت سر) باشد به ما می گوید که در مسیر وسطی و مستقیم باید حرکت کرد. اگر کله های خشک , در سمت چپ و راست صلیب بشد نباید از تونل های کناری استفاده کنید

۶-:نسبت به نشانه هایی که یادآور مرگ هستند که در بالا به آنها اشاره شد , قت داشته باشید اینگونه نشانه ها مربوط به مرگ هستند.با اینکه فهم برخی از آنها سخت می باشد ولی بیشتر آنها قابل درک هستند . درگذشته نامه هایی وجود داشتند که پادشاهان قوانین و اوامری را تعیین می کردند و پادشاهان می خواستند که دفینه هایشان را با توجه به قوانین مشخصی و با نشانه های خاصی پنهان شوند.اشخاصی که هم دفینه را پنهان می کردند , به این قوانین و نمادها مطلع بودند.هر نشانه به تنهایی مهم نبوده و به نشانه های دیگر دفینه نیز مربوط می شوند.دفینه "نقشه + نشانه ها + کاوش دقیق, البته هشدارها را نیز باید جدی گرفت .اولین موردی که جستجوها باید به آن دقت کرد شن وماسه انباشته در روی تله است

تله ترقوه ای :



تصویر بالا تخته سنگ باقی مانده از تله مرگ متشکل از دوقسمت است. تخته سنگ دیگری در حال حاضر پایین است. دام (تله) بالاتر از یک برش در یک سمت کوه درست جایی که در آن یک تونل کوچک بود، راه اندازی شده است .تخته سنگ دیگر (که قطر آن در حدود ۴ متر است)، در حال حاضر بریده شده و پایین افتاده بود و از گوه خود بریده شده است



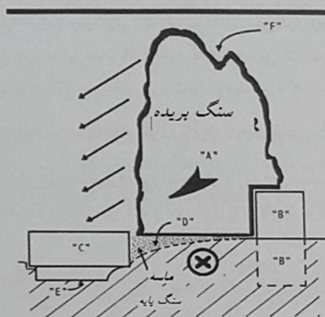
این تخته سنگ در راه ورودی تونل پنهان شده است.بنده اعتقاد دارم که مقداری از چوب ها بودند که برش داده شده بود که از مکانیسم لغزش خود چوب ها استفاده می شود (هر چند برای برخی از موارد نمی توان گفت)



بعد از وارد شدن به غار , به سقف غار و یا دیوارها و تیره، روشن، و برش سنگ آنهاباید به دقت مورد بررسی قرار گیرد. برش از طریق سنگ برداشته شده از غار نشان می دهد که چیزی ممکن است. با این حال، لازم است به بررسی یک تله خوب انجام دهید این غار به احتمال زیاد با سنگ زیاد پر شود. با این حال، در نظر داشته باشید که نسبت بسیار بالایی از خطر وجود دارد. دنباله ، نشانه ها و نمادها باید وجود داشته باشد.



حالا می رویم پیش خود دفینه یعنی هنگامی که شما همه موانع را رد کردید و وارداتاق پرازجنس شدید درخیلی از دفینه ها یکی از مجسمه ها که ازجنس طلا بوده وخیلی هم جلب توجه می کند تله هست وبه محض برداشتن باعث ریزش سقف روی سر شما می شود که شناسایی وخنثی کردن این نوع تله هم از وظایف کارشناس می باشد.



چند مورد از این مجسمه ها را برایتان مثال می زنیم:مجسمه اسکلت انسان,مجسمه مرد اسب سوار درحالی که دو پای جلوی اسب بالا بوده وانگارسوار دارد می افتد ,مجسمه مردی که چهارزانو نشسته وسرش را در گریبانش کرده است.

طلسم یا تله مار:



اگر داخل دالان شدید و مار را مشاهده کردید و با چوب به آن ضربه زدید و چوب از آن گذشت طلسم است ولی اگر مار زخمی شد طلسم نمی باشد. در قدیم به این موضوع پی بردند که دفینه موجود بعد از گذشت زمان از خود گرما تولید میکند. برای همین چند جفت از مارها را درون این دالان ها می گذاشتند تا در همانجا تکثیر شوند و کسی نتواند به آن جا نفوذ کند و چون مار به گرما علاقه دارد در همانجا به راحتی تکثیر می شد و پس از گذشت سالها باز هم در آنجا پر از مار بود.

در زمان های دور وقتی گنجینه ای از طلا را در عمقی از خاک دفن می کردند و به مرور زمان که از دفن آن میگذشت این گنجینه گاز سمی از خود تولید می کرد که هر جانداری در آن نزدیکی بود را از بین می برد اما مار که آن سم را در بدن خود

دارد (سیانور) و آن گاز هیچ تاثیری بر بدن مار ندارد و از طرفی آن گاز در اطراف گنجینه حاله ای از گرما را ایجاد می کند که مار را به سمت خود می کشد .مار که یک منبع گرمایی خوبی پیدا کرده در آنجا ساکن میشود و در آن منطقه تولید مثل میکند و به مرور زمان بر تعداد آنها افزوده می شود. با نزدیک شدن حفار به منطقه گنجینه تعدادی از مارها برای حفاظت از لانه به حفار حمله می کنند و تعدادی دیگر در لانه باقی می مانند.البته این مارها اگر طلسم نبودند تله به حساب می آمدند و اگر این مارها از بین روند به راحتی به دفینه خواهید رسید. ولی باید دانست که باید سعی شود هیچگاه در درون دالانهایی که دفینه در آن پنهان است آتش روشن نکنید چون در این مدت طلا از خود گازی تولید می کند که وقتی آتش بگیرد باعث انفجار خواهد شد. بعد از کشتن تمام مارها وقتی به ته دالان رسیدید به بن بست بر خواهید خورد که در پشت این دیواره اتاقی قرار دارد.

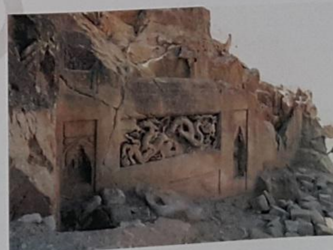
مساله ی که باید کاملا مراقب آن باشید این است که این موضوع در زمستان شایع تر و شدیدتر است.

یک راه حلی که من در بسیاری از این موارد بکار برده ام و تمامی مار ها را فراری میدهد این است که بستگی به تعداد مارها مقدار زیادی ریحان و پونه را له کرده و در آب حل کنید و آن محلول را در لانه مار بریزید و در چند ساعت دیگر تمام مارها از آنجا میروند.

تله یا طلسم جابجایی:

در علم طلسمات و موکل ها و محافظان دفینه , که در بخش طلسمات به آن اشاره شده است خواهید دانست که دفینه هایی که دارای موکل هستند و دارای محافظانی از ارواح یا اجنه از آن حمایت و حفاظت می کنند بعضی از اوقات با تداخل ما انسان ها، با عمل احضار و بعضی ادعیه ها و بعضی مناسبت ها واوراد در بعضی حالت های ناشیانه که توسط افراد درویش نما و متقلب اجرا می شود باعث می شود که دفینه موجود از جای خود جابجا شده یا حتی عمیق تر شود.برای خنثی کردن این طلسم باید به افرادی که واقعا در علم اوراد و طلسمات و علوم غریبه متبحر و زبده هستند مراجعه کنید و از آنان کمک بخواهید تا با اجرای دقیق نجومی و عمل صحیح احضار یا موارد دیگر سبب مانع شدن این عمل عظیم شود.از مواردی که موجب عدم جابجایی می باشد نیز ایجاد حصار و حصن حصین محکمی می باشد که همان مندل قوی می باشد.

تله اژدها:

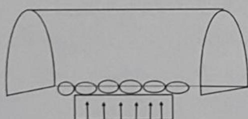


اگر اژدها را درون راهرو و یا تونل دیدید بدانید که تله ای خطرناک در انتظار شماست و گاهی هم این نماد در زیر تونل ها طوری طراحی میشد که از دهان آن آتش یا تیر پرتاپ میشد پس حواستان کاملا جمع باشد که با چه چیز روبرو هستید ساختار این تله ها به این صورت است که اهرمی در مسیر راه به صورت سنگ فرش در مسیر کف راهرو کار گذاشته شده که با فشار آمدن پای شما روی آن فعال شده و از دهان اژدها شروع میکند به پرتاپ تیر و یاآتش باید مسیر حرکت خود در تونلها را به دقت بررسی کنید.

تله فشاری:

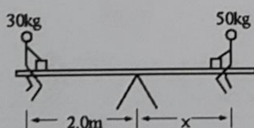
اکثر این نوع تله ها داخل اتاقک ها بکار برده می شدند.وقتی فرد داخل اتاق شود و می خواهد برگردد در اتاقک یا غار یا تونل خودبه خود بسته می شود.اهرم این نوع تله ها داخل ورودی اتاقک مخفی می شده است با منهدم و خراب کردن آن می توان تله را غیر فعال کرد یا در سر در ورودی در بالا یا راست یا چپ می گذاشتند که با فرو بردن مقداری چوب می شود از بسته شدن در ممانعت کرد.

تله تیغ های شمشیر در تونل:



اگر باز ندانسته پای را بر روی خاص یا نقطه سوم مثلث بگذاریم این تله عمل کرده و از پایین صدها تیغ یک دفعه بالا آمده , پاهایمان را قطع می کند به خاطر همین اول از ۱۲ کنده درخت استفاده کرد یا یک حیوان دیگری را داخل می فرستیم.

تله های الاکلنگی:



این نوع تله ها اغلب در غارها بکار می رفته اند بطوریکه از ورودی غار چند پله پایین می خورد و تعداد پله ها بصورت فرد می باشد .یعنی تعداد آنها یا ۳ یا ۵ یا بیشتر که از اعداد فرد بود استفاده می شد.از آن قسمتی که پله ها تمام می شود یک قسمت سراشیبی به اندازه چند متر وجود دارد.در پا گرد پله آخر قسمتی مخفی بوده که اتصال موقت می بوده است تعبیه می شده است

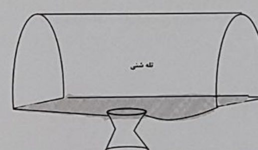
تله مکانیکی یا سنگی:

در ورودی این نوع غارها در قسمت بالای سقف سنگ بزرگی را قرار می دادند که با ورود شخص به دالان و با باز کردن در اتاق دفینه اهرم نگهدارنده سنگ بالا رفته و سنگ راه ورود را مسدود کرده و شخص درون دالان زنده بگور می شد.

تله له کننده:

این نوع تله به این صورت است که وقتی به روی سنگ مخفی فشار می آید , اهرم زیر سنگ از جای خود در رفته و سنگ به درون دالان رفته و هر چیزی جلوی آن باشد را له می کند.

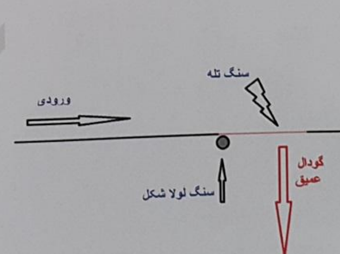
تله شن ریز و گودال و شمشیرهای زهر دار:



حال وقتی وارد تونل یا غار می شویم باید مراقب زیر پای باشیم چون اگر باز پاهایمان را از راس مثلث بگذاریم تله عمل کرده و دهانه چاه باز شده و داخل می افتیم که زیر آن چند تیغ خیلی تیز است که وارد بدن شده و کارمان را خراب می کند به همین خاطر باید از کنده درخت استفاده کرد , این تله بعد از عمل کردن باز به حالت اول بر می گردد.

تله نیزه یا چاه:

این نوع تله در غارها و دالان ها یافت می شد.ساده ترین نوع تله است که در ورودی راه , این تله کار گذاشته می شده است که روی چاه که زیر آن نیزه بود را بصورت سنگ چین به صورت موقت می چیدند.



هر کس که وارد دالان می شد و روی آنها قدم می گذاشت سنگ ها نشست کرده و شخص درون چاه سقوط کرده و درون نیزه ها تلف می شود.

تله گیوتینی:



تله ای که در غار یا دالان ها یافت می شود.از بالای سقف غار راهی بحالت دالان حفر می شده است و در انتهای آن گیوتین تعبیه می شده است . درست در جلوی دالان مخفی شده در قسمت کف غار , سنگی مخفی شده وجود داشت .

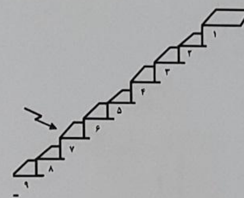
سنگی که با فشار در روی آن اهرم از بست آزاد شده و گیوتین در شیب رها شده و با سرعت به سمت جلو پرتاب می شده است و باعث مرگ فرد می شده است.علامت هلال ماه در راه ورود نشانه گیوتین است.

تله های زهر دار:



تله های بی شماری وجود دارد که بعد از رد کردن تمامی تله ها , در اتاقک ها تعبیه می شده است . از معروفترین آنها آزاد شدن گاز سمی در فضای محیط اتاق که نه رنگ ونه بوی خاصی دارد , پاشیده شدن زهر بسیار سمی و در بسیاری از حالات استفاده از سنگ های تشعشعات دار و رادیو اکتیو مثل اورانیوم بوده است که در همان چند ثانیه اول باعث خفگی , فلج شدن , از کار افتادن سیستم عصبی مرکزی و محیطی کل بدن , سرطانی شدن سلول های بدن و بسیاری از حالت های شدیدی می شدند. در چنین مکانهایی استفاده از لباس ها و ماسک های ش.م.ر ضروری و واجب است .پس باید بسیار مراقب باشید.در چنین حفاری هایی کمترین کاری که می توانید برای عدم پیشروی بیماری شد خوراندن هر چه سریعتر سرکه و شیر به بیمار , تزریق آمپول دکاپریول به بیمار می باشد و باید هر چه سریعتر بیمار به بیمارستان منتقل شود.

تله مکانیکی پله های ورودی یا قلعه:



در هنگام قدم گذاشتن روی پله ها باید دقت کرد از پله شماره ۳ تا شماره ۷ که در روی پله شماره ۳ یک علامت مژدگانی جنس است و پله شماره ۷ تله مکانیکی از قانون گریز از مرکز استفاده می کند و حالت خیلی سریع دوران به مشخص می دهد و او را از بالا به پایین پرتاب می کند که در این حالت باید با دقت زیاد عمل کرد و خود را با طناب بست و پایین آمد.

تله ترازو:



این نماد معمولا در اتاق های ساروجی در کنار سکه ها دیده شده که معنی تله فیزیکی را میدهد و اگر شما به سکه ها یا ... دست بزنید تله فعال شده و درب خروجی بسته میشود و یا داخل اتاق پر شن میشود و شما در آنجا گیر میافتید پس اگر این نماد در اتاق دیدید باید احتیاط کنید و یا اول در اطراف آثار دنبال یک سوراخ باشید که چوبی را درون آن فرو کنید تا تله از کار بیافتد یا به اندازه دقیق آن اجناس سنگ جای آن بگذارید که این کار ریسکش زیاد است

تله سنگ:



یکی از انواع تله ها که در غارها استفاده می شود تله سنگ است. سنگ بزرگی که تراشیده شده و به صورت گرد در آورده و در بالای راه رو قرار می گرفت و اهرمی را هم در این مسیر یا در کنار دری که در امتداد این مسیر قرار داشت می گذاشتند .



وقتی کسی در مسیر حرکت کرد این اهرم به حرکت در آید و ضامنی که باعث می شود سنگ در بالا به صورت ثابت باشد را کنار زده و سنگ از جای خود حرکت کرده و مسیر دالان را که شخص در آن است را ببندد و فرد در آنجا زنده به گور گردد یا این اهرم را در پشت در قرار می دادند تا وقتی در باز شد این اهرم حرکت کند .

تله فلش:

اگر این آثار روی دیواره راهروی زیرزمینی بود هم احتمال دارد به اهرم تله اشاره کند هم مسیر درست باید بررسی شود تا مطمئن شوید . اگر در مسیربه دوراهی رسیدید و روی دیواره فلشی بود و مسیر را به شما نشان میداد به آن سمت نروید که تله وجود دارد دقیقا باید در مسیر مخالف آن بروید .

تله های گودالی:

آن سنگ های تله با کمی شیب به سمت وسط گودال هستند و زیر آن سنگ گرد و بزرگ چند عدد سنگ شبیه سرنیزه مانند جک زیر آن می گذاشتند و آن سنگهای بیضی مانند که در تصویر اشاره شده است زیرشان ماسه بوده و آن سنگ زرده اشاره شده در تصویر در واقع سنگ نشانه است که به وسط و زیر سنگها ادم را راهنمایی میکند.



کمی که زیر سنگها خالی بشود هر سه عدد آن سنگها می لغزند و به وسط حرکت کرده و به همدیگر می چسبند , وزن سنگ گرد و بزرگ تقریبآ ۵۰۰ کیلو و سنگهای بیضی شکل هم تقریبا ۲۰۰ کیلویی می شوند.

تله مثبت یا صلیب:

اگر این علامت در زیر دالان دیده شود که مکان بر میگردد به دوران اسلامی و معنی تله را میدهد و باید با حروف ابجد با توجه به عدادی که در زیر مثبت قید مشود محاسبه گردد و در مسیر بلندترین خط آن به سمت جلو حرکت کرد و تله را خنثی کرد.

علامتهای تله ها:

برای هر تله ای علامتی می گذاشتند برای علامت تله تیرکمان در راه ورودی غار به صورت دایره روی تخته سنگی مشخص می شود.علامت تله چاه که داخلش پر از نیزه می باشد سنگ چین می باشد به صورت موقت می چیدند .علامت هلال ماه در راه ورودی غار یا تونل یا دالان نشانه تله گیوتین است. علامت کله اسکلت در راه زیر زمینی هم همینطور یا علامت ماه و ستاره و... علامت خطر هستند و نشان تله را در راه به ما اخطار میدهند که در چه مسیری باید قدم برداریم و در چه مسیری باید احتیاط کنیم.علامت شیر در ورودی غار نشان دهنده تله های پر پیچ و خم می باشد.پنجه حیوانات روی حیوانات نشان دهنده تله می باشد و ولی در همان شروع کار که وارد دالان میشود تله دارد باید مواظب باشید و خوب روی دیواره و کف دالان را بررسی کنید تا اهرم تله فعال نشود .علامت مثبت یا صلیب نیز نشان دهنده تله است. پیرمرد کشکول بدست در درون اطاق هایی که دفینه در آن وجود داشت هم به عنوان رمز استفاده می شده البته با تله های فروان یا اگر داخل اتاق بود اشاره به نوعی تله داردو راه حل آن اندیشیدن است.علامت ترازو نشان تله فیزیکی است.علامت اژدها نیز نشانه تله می باشد.علامت قلب یا یک سرباز با یک نیزه در دالان ها و غارها به ترتیب به تله فیزیکی و مکانیکی اشاره دارد.علامت رعد و برق نیز می تواند نشانه تله باشد.علامت گل هم نشان دهنده تله شیمیایی می باشد.دایره های تو در تو معنی خطر و تله را می دهد که در حین حفر باید مراقب باشید.

در زیر علامتهای دیگر تله ها و نمادهای خطر را که در حین حفاری یا در دیواره تونل ها یا زاغه ها]-دالان ها -غارها و ...دیده می شود را مشاهده می کنید پس مواظب باشید.

دام و تله وجود دارد.

از اینجا وارد شوید، تحت مراقبت خوب است وبدقت به زیرش نگاه کن.

نشانه خطر است

توجه ؛ خطر است.

مواد شیمیایی ریخت و باز می شود. (ترسناک)

خطر وجود دارد تجهیزات ایمنی داشته باشید

دقت کن خطر وجود دارد.

توجه ،خطر است.

مفهوم نشانه ها			
[illegible]	جهت	خطر	مفاهیم مجرد
[illegible]		زیر علامت را بکاوید	
خارج		[illegible]	
داخل		[illegible]	
[illegible]	اطلاعات مفید	تله	هشدار و راهنمایی
[illegible]		خطر	
		تجهیزات ایمنی داشته باشید	
		[illegible]	

تله آب یا تله مخفی تونل:

فقط یه تله ساده هست که شما به آب برخورد میکنید.در تله آب سفره آب زیرزمینی را از روی بار عبور میدادند.

در یک سراشیبی زمین که سفره آب زیرزمینی بالاست به طوری که اگر چاهی حفر شود عمق رسیدن به آب تقریبا دو تا سه متر است گودال بزرگی به قطر تقریبا بیست متر و عمق تقریبی ۶ مترحفر میکردند و آب را از سراشیبی زمین به بیرون راهنمایی میکردند.وسط گودال اتاقکی حفر میکردند و توسط یک تونل به یک مکان در حدود صد متری راهی ایجاد میکردند.تمام مسیر از ساروج است.راه آبی که از سراشیبی به بیرون میرفت را می بستند و آب روی اتاقک قرار می گرفت و روی اتاق را سنگچین میکنند تا آب در حرکت باشد و روی سنگچین خاک میریزند.پس تنها راه ورودی به اتاقک تونل میاشد.گاهی هم اتفاق افتاده که تونل ساخته نشده و بار در یک اتاقک در وسط آب قرار گرفته و تنها راه نفوذ به اتاقک حفر چند چاه در پایین سراشیبی و خروج آب سطحی میباشد.اگر بعد از بیرون آمدن از چاله بدن شما مثل این باشد که اصلا رطوبت و تر نباشد آن یقینا طلسم می باشد. جهت دفع طلسم آب:آورده اند که هرگاه در دفینه طلسم آب باشد نام یا قابض را به لوح سرب بنویسد با وفق مذکور در جائکه طلسم آب است بیندازد همان اسم را به عدد خود اسم بخواند باطل شود وفق اینست:

ض	ب	ا	ق
ق	ا	ب	ض
ب	ض	قي	ا
ا	ق	ض	ب



قبرهای فقیران نشانه هایشان کاسه است و اما قبرها انسانهای غنی نشانه های جدا گانه ای دارند

طاووس نشان از قبر شاهان عقاب نشان از قبر شاه داخل یک بارگاه صلیب نشان از قبر یک کاهن و وجود کنیسه ای در آن منطقه و لاک پشت نشان از قبر شاهان و خانواده آن که در یک ساختمان سه طبقه قرار گرفته در آن منطقه و فرج که نشان از وجود قبر یک زن و شوهرش که داخل یک اتاق داخل زمین می باشد.

سرداب ها:

برای ورود به سردابه ها توصیه می شود از یک ماشین کنترل از راه دور و نیز و بیل و دوربین استفاده نمایید.

در تمدنهای قدیم سردابها به طرف مشرق ساخته می شدند و معتقد بودند که آن طرف طرف زندگی و اغاز زندگی است.

البته قبرها از جهت غربی, یعنی طرف غروب خورشید ساخته می شدند و معتقد بودن که آن طرف طرفی است که می شود زندگی را در آنجا به امانت گذاشت.

علم حروف:



علم حرف در واقع علمی است که توسط آن تشخیص داده می شود که منظور اصلی جمله ای که متشکل از این حروف شده چیست.

این جملات طلسم و یا اسمایی نامفهوم نیستند بلکه عباراتی هستند که باید از آنها حروف ضعیفه کسر و حروف قویه معنی و استبدال گردد تا معنای جمله مشخص گردد.

مثلا این جمله که میگوید العقل فی راس

حروف ضعیفه این جمله اگر کسر گردد حروف قوی این جمله س ف ق می باشد می باشد و حروف ضعیف این جمله نیز ا ل غ ل ی ال ر ا می باشد اگر حروف ضعیفه کسر گردد و حروف قویه این جمله با هم ترکیب شود مشخص می شود که کلمه "سقف" ایجاد میگردد.

که نشان دهنده آن است که جواهر و طلای مد نظر در سقف بارگاه قرار داده شده است.

در بسیاری از طلسمات و نسخه های مربوط به دفینه از ابجد و رموزات ابجدی و استنطاق (به نطق در آوردن) که زیر نظر اساتید علوم غریبه کار شده باشد استفاده می کردند.

توجه شما را به این جدول معروف ابجدی جلب می نماییم.

ی	ط	ح	ز	و	ه	د	ج	ب	ا
1	2	3	4	5	6	7	8	9	10
	ص	ف	ع	س	ن	م	ل	ک	
	90	80	70	60	50	40	30	20	
غ	ظ	ض	ذ	خ	ث	ت	ش	ر	ق
1000	900	800	700	600	500	400	300	200	100

طلسمات در دفینه و گنج یابی:



آیا درست است که برخی جن را احضار میکنند تا دفینه و یا جواهر برایشان پیدا کند جواهر هایی که از زمان گذشته باقی مانده؟

این سخن درست نیست , دنیای جن و دنیای انسان جداست و تداخل این دو دنیا حتی در حد شرک به خداوند بزرگ است.در ثانی, اگر این درست بود اکثر افرادی که سحر میدانستد و احضار جن بلد بودند زیر خط فقر نبودند حضرت رسول بر دست کار گر بوسه زد و به هیچ وجه صحیح نیست که انسان از غیر مجاری طبیعی اقدام به کسب رزق و روزی نماید.

شیخ محمد بن صالح این طلسم ها و احضارها را در حد شرک به خدا می داند و انرا جایز نمی شمارد.

این افراد معمولا افراد کلاه برداری هستند که نباید به آنان اعتماد کرد اگر به سویشان بروید و تصادفا کاری انجام شود میگویند گفتیم و شد و کردیم ولی اگر کاری انجام نشود ادعا میکنند که فلان موضوع کار ما را ناتمام گذاشت.

توصیه من به این افرادی دوری از شرک و ترس از عذاب خداوند و ایمان به روز جزاست.

توصیه من به این افرادی دوری از شرک و ترس از عذاب خداوند و ایمان به روز جزاست.

همه از این موضوع سخن میگویند

و ما به آن بصورت کامل خواهیم پرداخت

در ابتدا در مورد موضوع رصد که اهمیت ویزه ای دارد سخن میگوییم

رصد را را بسیاری از افراد انکار میکنند و میگویند حقیقت ندارد و امکان ندارد که دفینه ها در معرض رصد باشند ما البته این سخن را قبول نداشته و در این مورد سخن خواهیم گفت ابتدا باید بدانیم رصد یعنی چه؟

در علم طلسم ها عده ای عقیده دارند که طلسم ساخته ذهن ماست و مابابد از مغزمان استفاده کنیم.در حقیقت باید نوع کار را بشناسیم .با پیشرفت علم و تکنولوژی , توجه به اهداف و شکار گنج اهمیت پیدا می کند.در اینصورت پایه اصلی علم باستان شناسی , مبتنی بر علم و دور از خرافه پرستی و قوانین روش های علمی در شروع و پایان این علم می باشد.در غیراینصورت زمان، مالی، نیروی کار، از دست دادن و تخریب بسیاری از اسناد به فراتر از طبیعت نیز میتواند مربوط بوده باشد.

در اسلام , به شدت از سحر و طلسم کردن و کارهای ساحرانه مذموم شده است. باز هم، در حال توسعه داده های علمی، جامعه علمی هنوز حقیقت در نظر گرفته نشده است، ربطی به جدیت موضوع مهم شدت وجود ندارد.

اجازه دهید در منابع مبتنی بر مسئله نگاهی بکنیم:

در ابتدای مقاله از زنان آناتولی از طلسم برای (دفع چشم بد) استفاده می کردند که فلز زینتی نامیده می شود. حرز مورد استفاده ، مردم، بد، دروغ، و ارواح شیطانی هستند که برای محافظت از آن استفاده می کردند.حلقه های نقره، طلا و مانند آن از فلزات گرانبها ساخته شده بود و از جواهرات و صدفهای دریایی نیز استفاده می کردند در فولکلور اناتولی , طلسم معمولا به این معنی است که اثر طلسم در چیزهای مخفی و دور نگاه داشتن از ارواح شرور و دیوان بوده است.همچنین اعتقاد به بیمار بودن و عفونت های حیوانات و انسان ها به شر طلسم مربوط می شود و باید برای جلوگیری از شر طلسم نباید بترسید.

افسون، برای محافظت مردم طبیعی یا انسان ساخته شده است، و یا اعتقاد بر این است به ارمغان می آورد، فرصت خوبی است که شامل تمام اشیاء می باشد. مردم آنها را به عنوان طلسم خود , زمین در نظر گرفته شده موثر باشد.آنها همچنین می توانددر مکان ذخیره کنند. طلسم توسط بشر ساخته شده است، مدل های کوچک، بسیاری از حیوانات و یا اشیاء،حتی بر روی کاغذ نوشته شده است شامل مدال با مقالات مذهبی.در استفاده از برخی فلزات مورد استفاده برای طلسم نیز عملی کاملا رایج است.

با توجه به این باور تاثیر طلسم ، برخی از نیروهای طبیعت هستند، وبه ایجاد رابطه بستگی دارد. به عنوان مثال فرخنده در مراسم مذهبی، معابد روم و یونان باستان نشان می دهدکه امید می رود برای کمک از یک تخته سنگ طلسم برای بازگشت به دوران قدیمی است. در مصر باستان، بررسی اوراق پاپیروس نشان داد که بیش از ۷۵ طلسم مکتوب ثبت شده است. در مصر باستان،طلسم "افزایش خورشید" به رستاخیز و نگهداری بعد از مرگ اعتقاد داشتند. با این حال، مردگان در مصر باستان " با طلسم" منات به خاک سپرده می شده اند، مرده به عنوان مطلق تحت حمایت الهی در نظر گرفته می شده است.

استفاده از طلسم به شکل های مختلف در مسیحیت در جهان نیز شناخته شده است. این استفاده از روحانیت، به رغم مبارزه در قرن هنوز هم به طور کامل اجتناب نمی شود. طلسم از نظر تعدادی از مردم در باور مسیحی در خرافات، سحر و جادو، بزرگ و تغذیه خلاصه می شود.

بیش از مسیحیت، یهودیت است که بسیار شایع تر از انواع تعویذ اعمال می شود. دلیل این علامت در اواخر دوره نشان می دهد که علاقه به طلسم کابالاها می باشد. در این میان، آماده سازی طلسم از وظایف خاخام بود. در واقع، به منظور حفاظت از اتاق لهوسایا و عدم آسیب به آن است واعتقاد بر این است که آیتم های جادویی حلق آویز، هنوز هم در جوامع یهودی به عنوان یک سنت وجود داشته است.

اگر چه برخی از اشکال طلسم مختلف تقریبا در هر جامعه ای می باشد. بابل باستان، آشور و ایران به عنوان یک روش اعمال طلسم و مراسم و مناسک مذهبی برای همه ادیان غیر اسلام نیز وجود داشت، دروغ و تحریف همیشه ممکن است برای پیدا کردن یک طلسم وجود داشته باشد. به نظر بسیاری از مورخان و جامعه شناسان با جذابیت، مغالطه آمیز شده است و به عنوان بخشی از ادیان تحریف شده درمان می شود. اگر چه اطلاعات از دست رفته مرصع در اطلاعات اوراق پاپیروسی ماقبل تاریخ، یونان و مصر کاملا رضایت بخش است.

در جوامع اسلامی، طلسم و قدمت آن به قبل از اسلام می رسد. اسلام و پس از آن فارس، بین النهرین و مصر طلسم های باستانی، کمی تحت نفوذ فرهنگ باقی مانده است. فال دوره اعراب , فلش جهل، دوختن سنگ پرتاب ، به دنبال ستاره مانا به حذف تعدادی از حروف یا اعداد و گذاشتن در مربع به نوشتار طلسم کاملا روش معمول این بود.

در اسلام از ساحر به عنوان کسی که به رستگاری نمی رسد بیان شده است و طلسم کاملا در اسلام مذموم و ممنوع می باشد.طلسم در انظار کافران و مشرکان بعنوان یک معجزه در نظر گرفته می شود.با توجه به اطلاعات مکتوب اسلام , تکیه بر دروغ و غرور و نفرت و مس شیطان و کار با آنان و استفاده از طلسم و سحر و جادو کاری بسیار زشت بوده و از آن در قرآن کریم که به پیامبر عظیم الشان حضرت محمد (ص) وحی شده است سخن به میان آمده است.

پیامبر (ص)، برای اولین بار طلسم کردن را از هفت گناه بزرگ دانسته که خدا اعلام کرد با باید در مقابل آن مبارزه کرد. خداوند در قرآن و حدیث، فرموده است که هیچ دستور و هیچ امری انجام نمیشود مگر از اراده خدا.

منظور از رصد که به اصطلاحی در بین جوینده گان دفینه ها تبدیل شده است آن است که تمامی دفینه ها و اموال پنهان شده توسط اجنه ای مورد محافظت قرار میگیرند من در اینجا سخن بسیار پر اهمیتی را که از دید بسیاری پنهان مانده عرض میکنم.



طلسم نوشته‌ای از کلمات و اشکال و ارقام و جداول است. زمان ماندگاری طلسم بسته به تعیین عامل و ارجاعات او به مبادی انرژی‌های غریبه است. تفاوت مهم میان دعا و طلسم، نحوه فعال سازی آنها است]. که دعا را به زبان مرسوم و کامل می‌نویسند، ولی در طلسم کلماتی از دعا را با حروف مرموز می‌نویسند. به همین دلیل فهم نوشته‌های روی آن برای همه ممکن نیست.

واژه طلسم از یونانی (τέλεσμα) به عربی (طِلَسم و جمعش طلاسم) و بعضی را اعتقاد بر آن است که کلمه طلسم مقلوب مسلط است و اصل آن عربی است و در اموری که تسلط یافتن مدّ نظر باشد کاربرد دارد و به همین صورت به فارسی و سپس به زبان‌های اروپایی مانند انگلیسی (talisman) راه یافته‌است.

تاثیر طلسم در نتیجه کانونی یا متفرق کردن انرژی‌های موجود در مسیر واقعه‌ای است که دارندگان این علوم انجام می‌دهند.

مشهورترین طلسمات ایرانی عبارتند از: نظرقربانی، ببین و بترک، زبان ماهی، مازو، طلسم وان یکاد، هفت مهره، دندان ببر، تربت‌دان، سم آهو، ناخن گرگ، گوز غلاغ، قاپ گرگ و دعای ام‌الصبیان

طلسم به دو قسمت کلی تقسیم میشود:

۱-طلسمات قبل از اسلام

۲-طلسمات بعد از اسلام

طلسمات قبل از اسلام مانند:

طلسم آتش ، طلسم باد ، طلسم آب ، طلسم رعد و برق ، طلسم اژدها و طلسم شیطان که طلسم شیطان از سخترین طلسمات است و هر کسی نمیتواند به راحتی بر آن غالب شود. طلسمات بعد از اسلام که طلسم مورچه و طلسم رتیل ، طلسم عقرب ، طلسم مار ، طلسم جن تعدادی از آنها هست. بغیر از طلسم شیطان و طلسم اژدها راه گشایی در بقیه طلسمات بسیار ساده است و فقط این دو طلسم خیلی سنگین هست و طلسم شیطان بسیار خطرناک.

کلیه طلسمات شرایطی دارد که با آنها باطل میشود و با دانستن این شرایط کار بسیار آسان میشود.

طلسمهای قبل از اسلام را میتوان با مسائل بعد از اسلام نیز باطل کرد.
بطور مثال بسیاری از طلسمات با ده قاف یا چهل کاف یا شصد قاف باطل میشود

هر دفینه ای نمی تواند خارج از این احتمالات باشد!!

علم حروف ، کلمه ، زیبایی و جذابیت دعاهای مقید ، خبر دادن از غیب و یا اثر بخشی مربوط به قدرت روحی است.

در نسل های ماقبل این علم بعنوان یک علم مابعد الطبیعه شناخته شده بود.علمی که به حس اثربخشی و قدرت بخشی کلمات معروف است.

علمای اسلامی ، برای اثبات وجود خدا دراشکال مختلف و در شکلی که به حکمت مخلوقات و اسرار الهی پی ببرند کوشش ها و تلاش های بسیاری کرده اند.برای هر حواسی توصیفات و تفاسیری گفته اند ، علم خواص و کشف اسرار آن بعنوان یک سیستم در جامعه شناخته شده است.

ابن ندیم علوم مخفی عزائم ، سحر ،شعبده ، کیمیا و طلسم و... را از یکدیگر متمایز کرده است برای این دلیل قسمتی از انها بشرح ذیل است:

الف) بعنوان عزایم و سحر ، یا علم شناخت و درک اجنه ها نامید

ب) بعنوان طلسم ، شعبده ، یا علم شناخت نجوم و کارهای خارق العاده نامید

برای هر شاخه ای اقسامی تعریف کرده ، یا نحوه اجرا و صورت و تحریر نوشته ها را تعریف کرده است.

برای دست یافتن به این علوم ، انسانهای دین دار باید خدا را بشناسد ، گرویدن به عبادت وریاضت ها برای دست یافتن به این الماس گرانبها لازم و ضروری می باشد.

این علم از سوی خدای تعالی به حضرت محمد (ص) اعطا شده بود. یکی از شاخه های آن علم خواص علم اسماء الحسنی است که در آن تجلی تمامی اسماء الهی بوده و دارای فواید مادی و معنوی است. برای رسیدن به این امور ریاضت نفس برای دور شدن از ظواهر مادی دنیا نیاز است که از تجلی نفس (سمر) یا علم نجوم (دعوت کواکب) ویا قدرت های زمینی (طلسم) استفاده می شود.

این علوم شامل:

۱ –علم الخواص (خواندن–به صورت ادای کلمات یا حروفات)

۲- علم کتابت (نوشتن- بصورتی که در روی کاغذ کتابت شود)

۳- رقعه (بصورت حرز یا نوشته همراه است)

۴- عزایم (علم استفاده از روح های بدون کالبد است)

۵- علم استحضار(استفاده از روح های بانفوذ و باقدرت کالبد دار است)

یکی از مردان صاحب کلام در این علم ، عالم جلبی است . این عالم بزرگوار برای علم خواص شاخه ها و تقسیم بندی هایی بشرح زیر انجام داده است:

علم حروف قواعدی در نظر گرفته که درون آن اسامی وجود دارد و این اسامی دارای حروفاتی است.

علم افسون یا آیت های دعایی است

علم نجوم یا فلک و ستاره ها می باشد

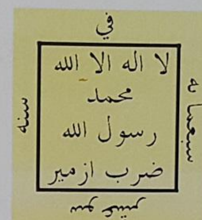
علم شهرت ها و ستاره ها می باشد

در این اثناء ، علما و فیلسوف های بزرگی درباره حروفات ، کلمات ، اسماء ، دعاها و علم نجوم و شناخت این رشته ها کتابهای کثیری به رشته تحرید در اورده اند و خبرهایی داده اند که برای حکومت هانیز مفید واقع شده است و سبب درازی طول عمر آنها شده است. خبر دار شدن از دفینه و خزانه های طلا ، ایجاد کردن عشق و نفرت مابین انسانها ، شفا و دوای بیماران ار جمله کاربردهای این علوم بوده است.

در این میان پادشاهان و درباریان از افرادی که از این علوم آگاه بودند استفاده می کردند.طلسم دار کردن دفینه و خزانه ها با استفاده از اوفاق (طلسمات) و اشکال های مختلف که با قلم های مختلفی نوشته می شد از نسخه های شاهی استفاده می شد.

افلاطون این حکیم عالم از این علوم استفاده می کرده است و به دو شاخه جدول تقسیم می کرده است. یکی از این گرو ها را در روی کاغذ (قرطاس) نوشته می شده و بعد آن را در ظرف آبی می گذاشتند و آن آب را به دو فرد خورانده است و مابین آنها عشق ایجاد شده و اگر آن حروفات را به شکل دیگری می نوشت مابین آنها نفرت و دشمنی حاصل می شد این نقلی از داستات افلاطون بود.

در میان این کتب ، کتاب احمد بن علی بونی که به (شمس المعارف کبری) معروف است که چکیده اسرار ۴ کتب حروفات است ، طالع و منزل ستاره ها و کواکب ، بسمله ،اسماء الحسنی ، اسم اعظم ، خواص سوره ها و دعاها ، وفق ، جفر و طلسم های پر خواص ، راه های دور کردن حشرات ، نفوذ به دشمن و... است.



خواص القرآن ، اسماء الحسنی اسم هایی هستند که دارای سوره ها و خواص آیه ها می باشد که هر کدام تعبیر و تفسیر مختلفی دارد.

خواص قرآن ، کلمه های ترکیبی قرآن چیدمان های ترتیبی آیات ، کلمه ها و سوره هاست که ان بصورت نوشتار ، نیت و مقصدی را در نظر گرفته و برای آن تاثیری بود که نمود پیدا می کند.

مفسران قرآنی از روی ظاهر قرآن (شکل خواندنی و تلفظی قرآن) به خواص و معانی آنها پی می برند ، از لحاظ مفهوم ظاهری به باطن پی می برند. حروفات اول سوره ها که به حروف مقطعه مشهورند فقط سمبل صدا نیستند بلکه دارای باطنی هستند . از این رو حروفات و حساب ابجد قران کریم دارای خواص و باطنی هستند که دارای تفاسیر احتیاج به آنهاست.

ابن خلدون ، علم حروف را مقدمه مسلمانان دانسته و بیشتری از علماء ، علم تصرف را دارا بودند. آثار شناخته شده مکتوب شده ، این آثار رموزات علم حروف و اسماء الحسنی را که به تصرف در عالم طبیعت قادر بودند مدعا شده بودند گفته شده است. مفسران قرآن کریم با توجه به خواص آیات آن ادعای شفادار بودن آن را اثبات کرده اند احادیثی که به شفا دار بودن قرآن کریم اشاره و اذعان دارد:

سه آیه اول سوره مومنون و آیت الکرسی برای هر فردی که می خواند یک روز از صبح تا عصر از شر شیطان و آفات در امان می ماند.

پس اولین فنون نظم بسط و تکسیر بوده بطوریکه در آن تمامی اعمال جمع شده است و از آن طلاسم (طلسم ها) دائمی است تا روز نشور و برانگیخته شدن و تاثیری است که منکر آن نمیشوم و سری که بی تلاش باقی نمی ماند.



ارسطوطالیس برای اسکندر بود و حکیم فاضل و فیلسوف ماهری بود که طلاسم و احکم اشیاء را قرار داد ، و آن به مدد خدای تعالی است با آن دون ملوك زمانش و با آن برای ارسطوطالیس خوانده می باشد

از این رو ، خواص صحت و شفای قرآن که در روایات آمده کثیر بوده ، بسیاری از مولفان نیز برای خواص قرآن طبق خواص فلک نجوم و کواکب تاثیری قائل شده اند ، خواصی که برای پیدا کردن و فهمیدن دفینه جستجو کردند و برای آن موجود می دانند. از این رو انها برای طلسمات دفینه ها و جنیان ، دعاها و اوفاق موثری پیدا کرده و به انها نسبت داده اند.

در زمینه پیدا کردن گنج درنظر گرفتن ۲ مسئله مهم است .یکی از این ها ابزار آلات مانند پیدا کننده ها و چوب ها می باشد و دیگری در نظر مسائل دینی است .در بعضی از اراضی آنقدر روایت وجود دارد که انسان را دچار سرگردانی می کند.

گنج یابان در مورد مسائل معنوی موجود روی گنج ها خیلی قوی فکر می کنند بطور مثال اگر در پیدا کردن یک گنج با تمام مسائل موفق نشوند در پایان عنوان می کنند که حتما این گنج نگهابان دارد و در اینصورت چه می تواند کرد.مشکلات معنوی که در سر راه گنج یابان قرار می گیرد بیشتر از هر چیزی ذهن این افراد را مشغول می کند بطوریکه این افراد باید راه فرار از این مشکلات معنوی را به خوبی یاد بگیرند.بر روی گنجها اسامی مانند "نگهبان" یا "موکل" گذاشته اند که از گنج حافظت می کند و می گویند که برای رهائی از آن باید به سراغ "درورایش " رفت.

مسلمانان نیز از "طلسم" تحقیقات واستفاده های زیادی کرده بودند ، هر حرف از کلمه الله تک تک انها دارای خواصی است.برای مثال "الف" اول کلمه الله است . " ب" اول کلمه باکو است . به هریک از این حروفات یک عدد خاص ابجدی داده می شود که موید و دارای صفات الهی بوده است. در سیستم اورنگی ابجد به الف عدد یک داده می شود . در این میان عدد ابجد کلمه الله ۶۶ بوده است.

گذاشتن موکل محافظ دفینه به وسیله اوراد خاص است.

این موکل ها می گویند بصورت مار- افعی- گربه- موش سفید و.....نمایان میشوند. و جلوی حفاران را می گیرند.

بعضی حفاران و قدیمی ها که بیشتر دنبال این مسائل بودند می گویند بدنبال دفینه رفتند و همه چیز راست بوده و تمام موارد طبق سند اصلی(وزیری) بوده اما بعد از حفاری چیزی نیافتند.

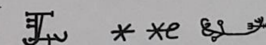
آنان معتقدند که مال یا همان دفینه شیء جابجا شده و باز معتقدند موکل صاحب سند این کار را انجام داده.و باز اعتقاد است که موکل جن قدرت جابجایی دفبه زیر زمین را دارد.به همین منظور از کارشناسانی استفاده می کنند که بتواند حرکت موکل را خنثی کند. تا دفینه جابجا نشود.نوع دیگری نیز موجود است بنام:تله برای دفینه بعضی ها تله می گذاشتند که مثلا با حفاری راه دیگری باز شود . دفینه جابجا شود.بعضی ها در اطراف دفینه از ساروج(بتون آرمه قدیمیها) انرا محکم می کردند

بعضی ها از ترکیبات سیانید کربن استفاده می کردند که می تواند حفاران را با اثرات تنفسی سیانور مسموم کند.

گنج بخاک سپرده در غارها و زیر زمین برای اینکه از دزدین جان بدر ببرد طلسم شده هستند یا نفرین می شدند.برای این کار از ذبح قربانی مثل اسب – گاو – گوسفند-بز-مرغ سیاه و سفید -خوک و حیوانات و حتی اعضای انسان ها استفاده می کردند.در این میان استفاده از جن و روح و حتی دیو و ترس و رعب شایع تر بوده است.هر طلسم برای خود یک مهر و موم و یک علامتی دارد که باید آن نشانه را بیابید .از انواع تله های بیولوژیکی , تعدادی از سموم شیمیایی , بیماری طاعون و کشنده , مکانیسم مهر و موم و تله فیزیکی است که گاهی اوقات از یک قطعه بزرگ سنگ در هر غارتگری دستگاه گیوتین سبک با مکانیزم ماشه برای شکارچیان گنج بوده که طلسم هم نامیده می شده است.

تصاویر زیر برای طلسم توسط کارشناسان ثابت ساخته شده است. اگر علائم مشابه به شکل شما در پیدا کردن و جمع آوری اطلاعات کافی در مورد علائم نشانگر سحر و جادو است که نشان می دهد که شما در هر منطقه کار نمی کند و مربوط به علائم دفینه نیست.









اگر این علامتها را در مناطق خود یافتید , بدانید که آن منطقه و آن دفینه طلسم و محافظت شده است.این علائم ها برای کارشناسان این حرفه بسیار شناخته شده و معتبر است.لطفا بدون اطلاع از این مکانها در این موارد حفاری یا کاری اقدامی انجام ندهید

تصویر اول:



تصویر دوم:



تصویر سوم:



تصویر چهارم:



در فصول آتی در مورد تعبیر نگهبان و ارباب و افرادی که توسط قدرت های مافوق تصور درویش نامیهد می شوند و اینکه این افراد چگونه ادم هایی هستند وچه چیزهایی می خواهند بطور کامل بحث خواهیم کرد

نخست: اینکه توسط یک جنی محافظت می شود و آن دو حال دارد.

انسانی انجام می گیرد یعنی جن و یا شیطان بدستور یک انسان در حال حفاظت از آن مال است.

در این حال که جن بواسطه دستور و توکیل انسانی در حال حفاظت از مال است بدین صورت می باشد که جن در مواقع لزوم به موکل خویش هشدار می دهد و او را آگاه میساز د در این احوال معمولا جن نگهبان دفینه و یا حبس شده به همراه دفینه است مانند دفینه های روم و یهودیان و دفینه های تمدن اسکندر مقدونی

در حالت دوم :این نگهبانی به فعل انسانی نیست بلکه این جن است که بر دفینه تسلط یافته است.

در این حالت چون جن می بیند این مال صاحبی ندارد دستش را بر روی آن مال گذاشته و شروع به دفاع کردن از آن می کند.

احتمال دوم ان است که این مال حفاظت نشده باشد مانند دفینه های دوران حکومت عثمانیها

چون افراد حکومت مسلمان بوده اند و به همراه دفینه های خویش نگهبانی یافت نشده است مگر اینکه این دفینه ها بهمراه اموال یهودیان و رومیان دفن شده باشند که در این حالت امکان دارد نگهبانانی از اجنه داشته باشند.

در احتمال سوم این موضوع مطرح است که دفینه مرصود نباشد ولی طلسم شده باشد و این طلسم یک طلسم معین و مشخص باشد و توسط حارس و نگهبانی از جن انجان نگرفته باشد.

در احتمال چهارم این موضوع مطرح است که دفینه توسط طلسمهای جادویی محافظت شده باشد.

این طلسمها معمولا وابسته به صورتهای فلکی هستند و باز نمی شوند , مگر در برخی ازمنه و باز کردن آنها کار بسیار سختی است تا جایی که حضرت رسول فرمود هر کس علم نجوم را بیاموزد در واقع شعبه از سحر و جادو را یاد گرفته است.

حالت پنج حالتی است که در آن این دفینه به دلایلی غیر از رصد و سحر در حال محافظت شدن می باشند

در این نوع طلسم ها موانعی مانند موانع معادلات ریاضی و فیزیکی بر اشیائی که در موقعیتهای خاص افعال خاصی انجام میدهند

از آنچه که گفته شد نتیجه می گیریم که رصد حقیقت دارد.

آن عبارت است از جنی که بواسطه اهل شرک و کفر به تسخیر در آمده باشد برای این سخن ما دلایل زیادی از احادیث و آیات قران موجود است که ابلیس به انسان خدمت نمیکند مگر در برابر عملی که موجبات آتش و دوزخ باشد مانند آنچه که در آیه ۶۴ سوره اسرا آمده است.

این البته تفسیر آینه نیست بلکه نشان دهنده عمق فعالیت شیطان برای وارد کردن انسان به دوزخ است که در این صورت اگر انسان به شرط دخول در آتش امری را به شیطان سپارد او نیز حتما قبول نماید از طرف سربازان فرمان بردار و غیر فرمان بردار خویش از اجنه.

اولین اشخاصی که اقدام به استفاده از اجنه برای مقاصد خویش کردند سامری های زمان فرعون بودند که با قربانی کردن انسان و حیوان در برابر غیر خدا از آنان خواستند که به یاریشان بشتابند

یهودیان برای محافظت از جواهرات خویش اجنه را تسخیر می کنند تا این جواهرات را تا روز قیامت حفاظت کنند و از آنجاییکه آنان در کتابهای خویش خوانده اند که قیامت در سرزمین شام خواهد بود از این رو آنها اموال بسیاری را در آن سرزمین دفن کرده اند.

حتی برخی از آنها از غرب به شام آمده اند تا جواهرات خویش را در این سرزمین دفن کنند تا در روز قیامت بتوانند از آن استفاده کنند.

طلسمات مربوط به کلیسا:آئین هایی که در کلیسا بوده و دوام داشته است و بعضی از آنها نیز ماهیتی دارند که برای پژوهشگران قابل جستجو هستند ، افراد درباری یا افراد دیگر اداره ها برای خود سهمی داشتند ، کاهنان و کاتبان دربار کتب متعددی برای آن به رشته تحریر در اورده اند ، به احتمال زیاد این پول ها در سالن هایی که در آن آئین برگزار می کردند زیر مکانی که کشیش در آن بود وجود داشتند.

یهودیان برای حفاظت از اموال خویش اقدام به رصد و سحر میکردند و این حفاظت از طرف اجنه بصورت توارثی پدر از جد و ادامه می یافت.....البته برای طلسم عناوین زیادی نیز میشود گفت , که از این راه ها یکی نرسیدن کافی اکسیژن به مغز بوده و برای همین ما حتما حتما سفارش می کنیم اگر در تونل های بالای عمق ۳ متری کار می کنید حتما ماسک هوا کنارتان باشد تا توهم سراغتان نیاید

.در غیر اینصورت علائمی که از وجود یک مکان طلسم دار حاکی است دارای شرایط زیر است:

اولا :دیده شدن دیگی از طلا در وقت معلوم و خاصی از ماه در حد اتمام و کمال ماه بدر که همان شب چهاردهم می باشد

ثانیا :اسبی از طلا ظاهر شود که توسط با دیگ یا چیزی از طلا پر شده است و توسط فرد یا افرادی حمل می شود

ثالثا: شنیدن اصوات غریبه در نصف شب مانند خنده و گریه

رابعا :زمین خیلی باردار یا قطعا باشد به حیث آنکه از باقی اراضی مجاور خودش متفاوت بوده باشد زمانیکه این مکان فوق منزل باشد که شما تغییر و تحولاتی در منزل خواهید دید و مثل یک دریایی که به سرداب متصل می شود زمانیکه این اشیاء یا بعضی از آن ها در مکان ظاهر شود پس بدانید که مکان گنج است.

منطقه هدف شروع به حفر باد بسیار قوی می شود و شروع به ضربه می کند. این را می توان حتی در صورتی از طوفان دیده شود.

در کاوش های منطقه هدف بارش باران آغاز شده است. باران شدید ممکن است سیل ایجاد کند (اما از آن خواهد شد باران طولانی نیست).

دارایی های طبیعی از زمین مانند یک مجسمه در حالت حرکت و در حال زندگی بنظر می رسد قادر به حرکت است. این معمولا هیجان، ترس و خستگی ادغام شود و ممکن است در واقعیت باشد.

از طریق چشم مجسمه از زمین، خون می تواند از دهان جریان یابد و یا سر دیده شود.

جریان خون از دهان شروع می شود و سر مجسمه از زمین سربر می آورد. چشمان او باز و بسته است.

مار درحفاری ممکن است رخ دهد. این وضعیت به طور طبیعی در نظر گرفته می شود. اما برخی از آنها ممکن است طبیعی نباشد.

صدای ناله از قبر ها, گفتگوهایی شنیده می شود. این وضعیت معمولا در غارها و کاوش در گورستان رخ می دهد.

کاوش های باستان از پا، دست و یا اثر انگشت می تواند ناخن حیوان خانگی وجود داشته باشد، شما ممکن است خواسته به چیزی به شکارچیان گنج گفته می شود. رویدادهای تجدید نظر، به دقت در نظر گرفته شود و تجزیه و تحلیل شود..

ناگهان درویش ریش بلند و سفید یا یک کشیش در منطقه حفاری دیده می شود، توهم رخ دهد. در چنین مواردی، آخرین تحویل از حفاری از نظر روانی و از نظر مزایای سلامت باید بررسی شود.

یک مکعب پر از خاکستر در منطقه حفر شده در زمین ممکن است دیده شود. باز در طول روز برای مطالعه و تحقیق، انجام مکعب چیز خوبی است.

در موقع حفاری انفجار و آتش رخ می دهد.

اگر شما روانی آماده ندارید و به وحشت می افتید، و شما به راحتی می توانید اشتباه کنید وحشت استفاده می شود برای ایجاد چنین شرایطی شد. حفاری از همه چیز شناخته می شود به بالا بروید. ۹۰٪ از این وقایع را به افرادی که در حال حفاری هستند صدمه نمی زند. با این حال، مواردی که مضر هستند وجود دارد.

مردم خسته هستند، محروم از خواب باشد در حفاری مشکل پیش خواهد آمد، حفاری در تاریکی از چنین شرایطی صورت می گیرد.دقت - دروغ، حقیقت - کذب بستگی دارد شکارچیان گنج و افراد دیگر ببینند.

داشتن ذهن و روانی سالم و استراحت کردن کلید موفقیت در حفاری ها است و این موفقیت شما را تاد حد زیادی بالا می برد.

مهم ترین عامل در غلبه بر این مشکل، از طرف دیگر برای انجام این کار با اجازه از حفاری به صورت قانونی انجام شود.

با توجه به تاریکی شب، حوادث بسیار بسیار کوچک خواهد بود. چنین رویدادهایی می تواند اشاره کند

حالا در ادامه نوشته سعی خواهیم کرد در مورد نحوه باز کرد رصد و آزاد گذاشتن مال صحبت کنیم.

اول راه های شرعی برای فک رصد را بازگو میکنیم:

این یک روش واحدی بوده و همان کلام الله تعالی و آنچه از سنت مطهره و جمیع فقهای امت و علما بر آن تاکید کرده اند می باشد

اذان دادن در مکان ۲-تلاوت قرآن بشرط اینکه بر مقبره نباشد ۳-وضو ۴-اذکار صبح و شام ۵-قرائت قرآن بر روی آب و پاشیدن آن بر مکان

۶- استخدام برگ سدر همراه آب قرائت شده بر آن سپس پاشیدن بر مکان

همین حال طرق غیر شرعیه ای که بعضی از مردم با خطرات و بدون درایت به ان دست میزنند را برایتان شرح خواهیم داد:

۱-استخدام مندل برای کشف گنج و آن حرام شرعی می باشد زیرا در تعامل با جن می باشد و در آن خطری برای دین احضار کننده می باشد و همچنین ایضا بر نفسش (مندل همان کشف شیطانی است و نمی گویم روحانی زیرا شیطانی در آن جنی برای هدف انسان تلبیس می کند و با زبانش سخن می گوید و از برخی امور خبر می دهد و اما باید بدانید که جن هاجدا کذاب هستند) واین در گروه شرکیات به خدا می باشد

۲- استخدام گندم و دانه جات و آن همان قرائت عزائم بر روی بذرجات می باشد سپس بر زمین پاشیده میشود پس زمانی که در مکانی جمع می شوند شما مکان گنج و دفینه را می دانید و این حرام شرعی می باشد زیرا در آن از طلاسم و طلسمات شرکیه استخدام می شود و از گروهی از جنیان طلب می گیرید و از پادشاهانشان برای مساعدت و کمک در کشف منطقه و این به خود داستان برمی گردد و آن شرک و کفر به خدای متعال می باشد

۳-برداشتن خاک از جایی که اعتقاد به داشتن آن مکان می باشد و سپس تلاوت آیات قرآنی سپس طلسم های غیر مفهومی می باشد و کل آنها طبعا از شرکیات به خدا هستند و نائم مکان گنج را می بیند و این از بازی دادن افکار انسان توسط جن می باشد و در احلامش پس دین انسان دچار خسران می شود و چیزی به دست نمی یاد عیاذ بالله

۴- استنطاق جن و طلب مساعدت و مباشرت از آنها و این در واقع طلب دیگ از صاحب گنج می باشد و این شرک بخداست ای برادر , سپس دیگ در زمین دفن می شود سپس بعضی از طلسمات شرکیه تلاوت می شود و اعوذ بالله در این حالت جنی با شکل و هیئتی دیگر ظاهر می شود پس این قطعا بصورت پرنده یا قطه خواهد بود که بر منطقه ای در زمین می نشیند پس صاحب دفینه اعتقاد پیدا می کند که این مکان گنج می باشد و قطعا آن را استخراج می کند اما به چه قیمتی ؟؟پروردگار و دینش را دچار خسران می کند

۵-فک رصد ایضا اینکه صاحب کنز به معصیت بزرگی دست می زند که در مقابل استخوان یا تکه های استخوان مثل (تلاوت طلسمات شرکیه و در آن تعظیم ملوک جنیان که کفر به خداست -عیاذ بالله از لغتی که صاحب هدف آن را درک و فهم نمیکند -اطاعت اوامر جنی مثل ذبح و روزه و ذکر و ..است عیاذ بالله

در کل به یک معادله صحیحه می رسیم:

کفر به خدا و شرک آن = مساعدت و کمک خواستن از جن و ارشاد آنها بسوی آتش و هلاکت

پس کدامین راه بهتر است اینکه راه سعادت و خدا را می خواهید یا راه تاریکی و پستی و راه شیطان لعین را؟؟؟

آگاه باش که برای از بین بردن رصد سه راه وجود دارد:

اولین راه راه شرعی که مخالف شریعت و احکام الهی نباشد

در راه نخست که روشهای مختلفی برای رسیدن به آن وجود دارد اصل در آن اعتقاد و ایمان به خدواند بزرگ می باشد و از بهترین و قویترین روشها می باشد:

آماده کردن ظرف آب به گنجایش ۲۰ تا ۴۰ لیتر

یک کاسه آب پر+یک کاسه آب نمکی+یک شیشه آب گل+یک شیشه زعفران قرمز +مخلوط سدر و آب +مخلوط مسک سیاه با اب+شیشیه کوچکی از نعناع بهمراه آب همه اینها را با هم مخلوط کن و و محکم بچرخان و سپس سوره بقره را بصورت کامل قرائت کن و رقیه شرعیه را نیز قرائت کن و سپس بطرف محلی که دفینه در آنجا مدفون است حرکت کن و وقتی به آنجا رسیدی قبل از هر کاری اذانی تلاوت نما

یک مربع مانند در محل دفینه رسم نمایید بدینگونه که اگر نقطه صفر یک متر باشد شما اضلاع مربع را دو متر در دو متر قرار دهید سپس آبی را که در آ ن سوره های مورد نظر را خوانده اید در آن بریزید

یکی از افراد مسن و در عین حال عالم مجموعه می بایست نسبت به تحصین مجموعه اقدام کند با خواند آیات و دعاهای مخصوص و در ضمن روغنی کردن جسد به روغن زیتون پیشنهاد میگردد

در آغاز کندن مکان یکی از افراد مجموعه سوره بقره را بخواند و شخص دیگر آب را در آن مکان بریزد

به امید خداوند رصد از بین میرود و طلسم باز میگردد سهم ما یادتان نروذ

روش دوم:

استفاده از نمک درشت . وریختن آن در مکان دفینه بهتر آن است که هنگام ریختن آن سوره بقره نیز خوانده شود

در خط کشی محلهای دفن دفینه فوائد زیادی ذکر شده است

اولی آن عدم داخل شدن جن داخل آن خطوط است

دومین سود آن عدم خارج شدن دفینه از انجاست

دلیل این سخن آن است که در لیله الجن حضرت رسول خطی برای ابن مسعود کشید و فرمود این مکان امن گردید و کسی نمی تواند از آنجا خارج و و یا به آن داخل شود

بیهقی در کتاب الدلائل خود این موضوع را شرح داده است:

این خط که در واقع خطی است بر مکان دفینه موجب آن میشود که جن نتواند وارد آن شود و نیز دفینه نمی تواند از آنجا خارج شود مگر در یک حالت و آن این است که جن به اسفل نزول کند که در این صورت نمی توان با او کاری کرد

در اطراف خط چهار سنگ گذاشته می شود و با آب پوشیده می شود و سپس شروع به کنده کاری میگردد.

روشی دیگر برای پیدا کردن و کشف محل دفینه را برایتان ذکر می کنیم.

برای معلوم شدن مکان دفن شدن دفینه از درخت آجیل (فندق) یا زیتون یک شاخه آن را ببرید .بر یک گوشه آن:

سُبْحَانَ الَّذِی أَسْرَی بِعَبْدِهِ لَيْلاً مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَی الْمَسْجِدِ الْأَقْصَی الَّذِی بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّـهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ*

بر گوشه دوم:

وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِـنْ دَابَّةٍ وَهُوَ عَلَی جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ

بر گوشه سوم آن:

وَتَرَی الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّـحَابِ صُنْعَ اللهِ الَّذِی أَتْقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ*

بر گوشه چهارم:

وَإِنْ كُلٌّ لَمَّا جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ* وَآيَةٌ لَـهُمُ الْأَرْضُ الْمَيْتَةُ* أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ*

آیات کریمه نوشته می شود.بر رویش برای بار دوم ۲۱ بار بروی پوست آن نوشته "قسم الاملاک الفلکیه" خوانده می شود.شاخه درخت با این دستورالعمل بعد از اینکه حاضر شد در مواقعی که لازم خواهد شد و مورد استفاده قرار گیرد باید نگهداری شود .درطول بررسی مکان دفینه این شاخه چوب بصورت مورب نگه داشته می شود و بطور مداوم توی دستتان باشد و "قسم املاک الفلکیه " خوانده می شود تا اینکه در آن حالتی که در دستتان بوده و چسبیده است تا زمانی که شما به دستتان گرفته اید شما را به سمت مکان دفینه هدایت خواهد کرد.

حروف طلسمات غریبه این است:

الف ب ج د ه و ز ح ط ی ک ل

م ن س ع ف ص ق ر ش ت ث

خ ذ ض ظ غ

برای دیدن مکان دفینه در خواب:

باید از هر کسی وتنها در مکانی برای خودتان انتخاب کنید به مدت سه روز در زمانهای خواب به استثنای روزه و ریاضت آیات که در زیر نوشته شده است خوانده شود و از زمان به زمان روزانه پیشرفت می کنید و حقیقت روشنتر می شود.درخت عود همراهتان باشد وبخور کنید در طول مراحل پایانی اعتکاف در شب سوم در رویایتان که نباید مطلقا به هیچ کس بگویید و مکان یک دفینه نشان داده می شود یا در رحمت ثروتی باز می شود .

اسماء و آیاتی که باید خوانده شود:

اَللّٰهُمَّ یَا کَرِیمُ یَا وَهَّابُ یَا ذَا الطَّوْلِ یَا غَنِیُّ یَا مُغْنِی یَــا مُنْعِمُ یَا کَافِی* اَللّٰهُمَّ رَبَّنَا اَنْزِلْ عَلَیْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّــمَاءِ تَکُونُ لَنَا عِیدًا لِاَوَّلِنَا وَآخِرِنَا وَآیَةً مِنْكَ وَارْزُقْنَا وَاَنْــتَ خَیْرُ الرَّازِقِینَ*

باب شکستن انواع طلسمات:

من باب طلسمات دفاین آورده اند که این اسماء موکلان دفاین زمین می باشد و انجا که گمان دفینه رود این اسما را بخواند و بعد شروع به کار کند:

هو هذا الاسماء :بسم الله الرحمن الرحیم یا عمطائیل یا عمقاطیل یا مصطلاطیل یا عطفائیل یا طوحرئیل یا امرصیل افحسبتم انما خلقناکم عبثا و انکم الینا لا ترجعون

من باب طلسم دفاین آورده اند که هرگاه طلسم آب باشد ۷۰ مرتبه این آیه را بر مشتی از خاک موضع بردارد و بخوانند و بر آن موضع بپاشند طلسم برطرف گردد: یا ارض ابلعی تا ظالمین

هرگاه طلسم آتش باشد بر مشتی از خاک موضع ۷۰ بار این آیه را بخواند :ان قلنا یا نار کونی بردا و سلاما علی ابراهیم و ارادوا به کیدا فجعلناهم الاخسرین

هرگاه طلسم رعد و برق باشد ۷۰ مرتبه این آیه را بر خاک موضع بخواند:سبحانه و یسبح الرعد بحمده و الملائکه من خیفته ی

هرگاه طلسم مار باشد ۷۰ مرتبه این آیه را برخاک موضع بخواند :فالقئها فاذا هی حیه تسعی قال خذها و لا تخف سنعیدها سیرتها الاولی

هرگاه طلسم ماهی باشد این آیه را ۷۰ مرتبه برخاک موضع بخواند:قال ارایت اذ اوینا الی الصخره فانی نسیت الحوت و ما انسانیه الا الشیطان ان اذکره و اتخذ سبیله فی البحر عجبا

قبل از تمامی اعمال بالا این عمل را انجام دهد وبعد اقدام به برطرف نمودن طلسم کند.

اول اینکه یک مشت از خاک موضع بردارد و سوره حمد ۷ مرتبه برخاک خواند و بعد از آن ۷ مرتبه بخواند : فلما تجلی ربه للجبل جعله دکا و خر موسی صعقا اخرج مما تکون لک ان تبکی فیها فاخرج انک من الصاغرین قال موسی ما جئتم به السحر ان الله سیبطله ان الله لا یصلح عمل المفسدین

بعد آیت الکرسی و سوره زلزال و سوره ایلاف قریش و اخلاص و فلق و ناس را ۷ مرتبه بر آن خاک خواند و به آن مکان بپاشد بعد اقدام به برطرف نمودن طلسم کند.

روشهای شکستن هرگونه سحر و طلسم دفینه دار:

در مکانی که دارای دفینه است و بر شنی که حرکت می کند و آن شن نیز برای هلاک کردن تو اگر بالا بیاید ,این تصویر را بر یک لوح یا صفحه شیشه ای رویش بنویس:

و	ج	م
س	ن	ع
ه	ی	ن

شیشه را با کالسونیه و لادن بخور بدهید .دیگر بعدا بر آن مکانی که شن امده لوح شیشه ای را میگذارید , به قدرت و قوت الهی شن باطل می شود.

به مکانی که حفاری شده است یک ستاره ۷ گوشه بخراشید و در میان بزرگترین اثنای حفاری بمانید و اجنه های موکل را بدانید

روشی دیگر:۷ عدد سدر سبز رنگ که در مابین دو تا سنگ باید بکوبید.بر آبی ۲ لیتری قرار داده و ۷ بار آیت الکرسی , سوره های کافرون , اخلاص , فلق و ناس خوانده می شود وبه مکان طلسم شده باید پاشیده شود

آیه ۸۱-۸۲ سوره یونس , سوره طه آیه ۱۱۸-۱۲۲ را بر آب بزرگی بخوان و اگر بر آن مکان پاشیده شود طلسم شکسته خواهد شد.

سوره یاسین را ۲۱ بار برمکان دفینه خواندن موجب شکست طلسم میشود.

یک پیشنهاد بزرگ:سوره فاتحه الکتاب , آیت الکرسی ,اخلاص , فلق و سوره نصر را ۷۰ بار بر مکان دفینه خوانده شود.

یک دستور العمل قوی: سوره فاتحه الکتاب ۳۳ بار بر مکان طلسم شده خوانده شود

دستورالعمل مهم:سوره بینه را بر یک تشت آب خوانده شده و بر مکان طلسم بپاشید.

یک عمل قوی: برگ لورل را بخور داده و ۷ مرتبه سوره اخلاص را بخوانید

اگر مکانتان دارای طلسم خیلی سنگین باشد برای پاکسازی منطقه از موکل ها و اجنه ها , ۷۸۹ بار بسم الله الرحمن الرحیم , ۷۰ مرتبه سوره فاتحه , ۴۱ بار سوره یاسین , ۲۲۰۰بار سوره فلق و ناس , ۴۱ بار سوره جن و یکبار سوره فتح و یک بار سوره طه را بخوانید.

برای دانستن مکان دفینه:

یک مشت خردل بردارید ۱۰۰ بار آیت کریمه را که در ذیل نوشته شده است بخوانید اینست:

وَعِندَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لاَ يَعْلَمُهَا إِلاَّ هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِن وَرَقَةٍ إِلاَّ يَعْلَمُهَا وَلاَ حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الأَرْضِ وَلاَ رَطْبٍ وَلاَ يَابِسٍ إِلاَّ فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ

در پایان هر آیه (کلمه مبین)۱۰۲ بار تکرار می شود .بعد از خوانده شدن خردل ها به مکانی که گمان دفینه می رود پاشیده می شود .فردایش برگردید خردل ها هرکجا جمع شده باشند دفینه آنجاست

اما در مورد راههای غیر شرعی از بین بردن طلسم و رصد این سخن قابل تذکر است که این طریق بر سحر و جادو است وار است و نمی توان وسیله ای را که در آن سحر و جادو وارد شده را بکار برد از این راهها عبارتند از

استفاده از ساحری که با اجنه سر و کار دارد . معلوم است که ساحر به جن نزدیک میشود تا او را در بیرون آوردن دفینه یاری کند و او اینکار را انجان نمیدهد مگر در حالتی که در مخاطب ایجاد کفر و شرک نماید از اینرو اکیدا توصیه میگردد تا به اینگونه ساحران نزدیک نشوید ریرا اگر آنها راستگو باشند در این صورت تورا فریب داده و دفینه را از تو میگیرند و و نیز امکان دارد موضع دفن دفینه غیر محروسه باشد و او اقدام به رصد آنجا کند که در نهایت به برداشتن دفینه منجر خواهد شد در هر صورت نزدیک نشدن به این جماعت ساحر کافر به صلاح است

دومین راه برای فک رصد از دفینه انجام عمل غیر شرعی همچون زناست مانند همان کاری که قوم لوط انجام دادند برای این سخن البته آیات زیادی دلالت دارد و هر کس این کار را بکند در واقع خود فاعل کار به شمار میرود و گنه کار و معصیت کار است

باید بدانیم که وقتی به سراغ کسی رفتیم و از او خواستیم که فک رصئ کند از مال محروصه ای و او از ما خواست که زن و مردی آماده کنیم و از آنان بخواهیم که مانند قوم لوط عمل زنا انجام دهند باید آگاه باشیم که مقصر در این میان ما هستیم و فاعل آن کار ما هستیم و ما باید از شر آنها رهایی یافته و شرشان را بخودشان برگردانیم

از جمله راههای دیک فک رصد خونریزی در محل دفینه است که البته تو به اینکار رضایت نمیدهی که بواسطه آن وارد آتش شوی

از راههای دیگر این کار سربریدن حیوان سیاه رنگ در محل دفینه است تو در برابر اینکار راضی مشو و اینکار در واقع قربانی کردن برای شیطان است

راه دیگر که البته باطلب است قرائت آیه الکرسی و ریختن آب در محل دفینه و ظاهرشدن سنگ به صورت طلاست که البته این راه نیز راه درستی نیست و باطل است و اهل آن کافر و زیانکاراند

اگر کسی امد و گفت این کلمات را بخوان تا طلسم باز شود تو آنها را مخوان چون آن کلمات در واقع یاری جستن از شیطان می باشند

آتش زدن کاغذ در محل دفینه به هدف دور کردن جن نیز یکی دیگر از راههاست که تو آن را انجام مده

ایجاد تبخیر در مکان دفینه بواسطه بخور گسترده راه دیگری است که به هدف دور کردن جن از مکان دفینه انجام میگیرد این آتش در واقع آتشی است برای نزدیکی به شیطان و تو آن را انجام مده

این افراد که از راههای غیر شرعی برای دور کردن جن از مکان دفینه استفاده میکنند دارای علامتهایی هستند که ما به بخشی از آنها اشاره میکنیم

نشانه ها عبارتند از:

از تو تقاضای بخور کند- از تو تقاضای مردی را کند که کشف میکند-میگوید من طلا بیرون میاورم-سخنهای نامفهومی بگوید

چیزی را در محل دفینه آتش زند-ابهای غیر مالوفی را ردر محل دفینه بریزد- از شما بخواهد که او را تنها بگذارید-میگوید در این مکان دفینه ای پنهان است-دستش را باز کند و سخن نامفهوم بگوئید و زمانی که قران بیاورند نیز اینگونه کند-این نشانه های آنهاست

دفینه ها معمولا سه شق دارند:

دفینه عقایدی که همراه مرده گان برحسب عادات و تمدنها و سنتها دفن شده اند

اینگونه قبور از یک متر تا ۲ متر تجاوز نمیکنند

قبر هایی که بدون در نظر داشتن قانون و قواعد بنا شده اند و تنها انسانی در یک شرایط زمانی مشخص و معین مجبور شده است بصورت عجله ای مال خویش را در سوراخی دفن نماید این شخص این مال را برای خود و به تنهایی دفن کرده است نه زن و نه فرزند در کنار او نبوده اند او برای مدت کوتاهی از چشمها ناپدید و پس از دفن دفینه به خانه برگشته است

برخی دفینه ها بصورت محصون و محکم دفن شده اند در این حالات دفینه در یک بسته های سنگی محکم و خالی از هوا گذاشته میشود مانند کاسه سربسته این گونه کاسه ها با دفین یافت میشوند و چیزهایی مانند استخوان حیوانات نیز که در آنجا یافت میشود برای خالی کردن هوا بکار برده میشوند

برخی شایعات در مورد اینکه دفینه هایی توسط رصد کننده گان زنده ای در حال نگهداری هستند از انسانها همانگونه که گفتیم اینها شایعات هستند و و صحتی ندارند ما به جن اعتقاد داریم حضرت فرمود زمانی که به خانه ای متروک و یا غاری دور افتاده راهتان افتاد بسم الله بگویید برای سلامت وارد شدن به آنجا و اذن دخول اما انچه که از موانع برای اموال گذاشته شده و طلسم نامیده میشوند ضرری ندارد و چیزی نمی گیرد (مال سحر شده----------------

رصد بین وهم و حقیقت:

از گنجهای دفن شده به چهار شکل حمایت می شود:

۱-حمایت خداوندی به اراده باریتعالی

۲-حمایت توسط یهود

۳-حمایت توسط جن از دست کفار و اه کتاب

۴-گنجهای بدون حمایت ولی وجودشان در جایی که محل سکونت اجنه است

حمایت ربانی از برخی گنجها:

خداوند متعال فرمود: وَ أَمَّا الجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَمَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِی الْمَدِينَةِ وَ كَانَ تَحْتَهُ كَنزٌ لَهُمَا وَ كَانَ أَبُوهُمَا صلِحاً فَأَرَادَ رَبُّکَ أن يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَ يَستَخْرِجَا كَنزَهُمَا رَحْمَةً مِّن رَّبِّکَ وَ مَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِی ذَلِکَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسطِع عَّلَيْهِ صبرا

و اما آن دیوار متعلق به دو نوجوان یتیم در آن شهر بود، و زیر آن گنجی متعلق به آنها وجود داشت و پدرشان مرد صالحی بود، پروردگار تو می خواست آنها به حد بلوغ برسند، و گنجشان را استخراج کنند، این رحمتی از پروردگارت بود، من به دستور خود این کار را نکردم ، و این بود سر کارهائی که توانائی شکیبائی در برابر آنها نداشتی !ً

امر غیر قابل انکار است بوده اند گنجهایی هیچ کس از محل وجودشان مطلع نبود و توسط خداوند حمایت می شده و این رزق خداوند به بنده گان خاصه خویش است.

اما گنج هایی که توسط یهود محافظت می شوند:

یهود که خداوند لعنتشان کند, سحر را در حفاظت از دفینه های خویش بکار برده اند آنان جن را سحر خویش در آورده اند تا از دفینه های خود در برابر دیگران محافظت نماید . این بدانگونه است که این جن مسحور از مکان دفینه حمایت می کند و حتی اگر بیند کسی به آن نزدیک می شود جای دفینه را عوض میکند ,نوع دیگر محافظت , محافظت تخیلی است بدانگونه که کسی که به دفینه نزدیک می شود جن با تنویه به او جای دیگری را نشان می دهد و تصور می کند این نه همان جایی است که دنبالش بوده است در جریان موسی و سحر ساحران این موضوع بخوبی قابل رویت است چیزی به غیر از طبیعت آن چیز و بزرگی آن به نظر میرسد ,چاره این نوع سحرها البته کلام الله مجید و قرائت قران همراه با وضو و اخلاص است و البته این یک راه قانونی و شرعی است

گنج رصد شده توسط اجنه اهل کتاب و کفار:

در این نوع رصد اجنه از این گنج محافظت می کنند در برابر ورود و پیدا شدن آن توسط مسلمانان و این اجنه از اهل کفر و یا اهل کتاب و از امت و ملل فاسده هستند . زمانی که به دفینه ای میرسید چندین بار سعی می کنید انرا کنده و بیرون بیاورید مواجه میشوید با برخی کارها از جمله شکستن وسایل و غیره که موجب نا امیدی شما میشود این از همان نوع رصد هاست .البته این نوع رصد فقط برای مسلمانان کاربرد دارد و اگر یهودی جماعت بخواهد آن دفینه را بیرون بیاورد ,آن جن به هیچ وجه با اوکاری ندارد زیر ا هر دو اهل یک مسلک و مرامند در ضمن حل این رصد نیز با کتاب خدا و اذان گفتن و وضو و اخلاص است باذن الله

گنجهای غیر حفاظت شده ولی در مکانی نزدیک سکونت اجنه قرار دارند:

این از ساده ترین طلسم ها است باذن خداوند

همه ما میدانیم که اجنه محل زندگیشان خرابه ها و مکانهایی که جای زندگی انسان نیست گاهی مواقع دفینه هایی نیز در این مکانها دفن شده اند و تو زمانی که به آنجا میروی برخی صداه همچون صدای بهم خورد سنگ و... میشنوی این به معنای آن است که آنها نمی خواهند تو وارد انجا شوی و این ربطی به دفینه ندارد راه حل این قضیه تلاوت قران و دعا و اخلاص و وضو و نماز و اذان است

حفاظت (رصد) فلکی:



که سخت ترین حفاظتهاست و انواع مختلف دارد

حفاظت فلکی ساده و کوچک:

دفینه توسط یکی از سیاره های فلکی در حال حفاظت شدن است و در واقع طلسمی وجود دارد در آن معدن که از آن موانعی از جنس آن سیاره ایجاد می شود ,ضعف این طلسم با غروب سیاره و شدت آن در طلوع دوباره آن است

رصد فلکی میانه:

این نوع رصد در واقع رصدی است توسط یکی از سیاره های نحس مانند زحل از این سیاره برخی موانع همچون مارهای سرگردان و برده های شمشیر بدست صادر می شود تا از دفینه حفاظت کنند.

رصد و حفاظت بزرگ:

که قویترین رصدهاست و به رصد سلیمانی معروف است این نوع رصد در واقع رصد به انواع فلکها و سیاره ها و.... می باشد و باطل نمی شود و بدست نمی آید مگر در روز ظهور و جنگ بین دجال و مهدی منتظر

بسیاری از رصدهای ساده و کوچک و میانه بواسطه فعالیتهای طبیعی همچون زلزله و سیل و آتش فشان باطل و دفینه ها بیرون آمده اند و گاهی بواسطه انسانهای زاهد این سحرها باطل شده است اما در مورد رصد کبیر باید گفت که که باز کردن آن تقریبا غیر ممکن و سخت است و بسیاری جان خود را در آن راه از دست داده اند

در زیر از یکی از کتب و نسخه های کهن که در تعاریف و شناخت اجنه ها آوره است مطلبی را می آوریم ...امیدوارم که در شناخت نوع طلسم و حل آن مشکل شما را کمک کند.



رامی برسید وبند میکرد فصل فی امور عجیبت نعلق العفاریت

لسلیمان علیه السلام جن را ملکی هست نام او قیطوس کویند که
مسکن او بساتین سلیمان بود و مرده را او مسخر کردی و او را
برادری است نام او قفطیش و او را الجین غرب و شرق در دست بود
تا سال دیگر و از برای سلیمان علیه السلام عجیب کردند
و تا ذکران سلیمان را گفتند بارض مغرب شهریست و آن شهر را
ملکی است ملوک بسیار قصد او کردند کس او را غلبه نتوانست
کردن از برای قوت ملک سلیمان علیه السلام قفطیش را
بخواند و از حال مدینه از او برسید قفطش گفت یا نبی الله آن



یا قاتل الله هذا السعلات عمرو بن یربوع شرار ومنها العذار
وهو نوع اخر من المتشیط آنرا بارض یمن یابند وبتهامه و مصر نیز
از مردم با ایشان مجامعت کند و هر کرا دریابد او را کوبید او منکوح
او مدعور اگر منکوح باشد از او نومید شوند زیرا که قضیب او چون قرن ثور است
و چون درسوزد هلاک کند
و اگر مدعور بود و سهل باشد
زیرا که ترسنده باشد چون
ترس او ساکن کردد شجاعت
بروی غالب آید بغایتی که مردم
از دیدن او بنجو دشوند و اگر مرد شجاع بود با آن دیو التفات نکند
ومنها الدلهاث وهو نوع اخر من المتشیط در جزایر بحر بود
و او بر صورت انسانی است بر اشتر مرغی نشسته گوشت حیوانات
خورد که غریق شده باشد و بحر
اشتر را با کنار انداز دو گویند
که یکبار کی قصد مرکبی کرد اصحاب
مرکب با او حرب کردند با یکی
بکرد چنانکه جمله بیفتادند و آن
که منحواست بر میگرفت
ومنها الشق وهو نوع اخر من المتشیط صورت انسان بود

این زن و جن می آورد تا من بر کرامات خود حمل کنم و از روز اول
دانستم که این شیطانست چون این سخن گفت در حال اسراج
منطفی شد و خوان ناپدید گشت فصل فی تسخیر الجن
لسلیمان علیه السلام در اخبار آورده اند که در آن زمان
که باری تعالی جن را مسخر عزم کرد جبرئیل عزم ندا داد ایها
الجن والشیاطین اجیبوا باذن الله تعالی لنبیه سلیمان بن
داود همه از کوهها و غارها و وادیها و صحراها و بیشهها بیرون
آمدند تا آنجا که سلیمان علیه السلام بود بخدمت می ایستادند سلیمان
در ایشان نگاه میکرد و از صورت اشکال و عجیب می ماند بعضی را لون
سرخ و بعضی را زرد و بعضی را سپید و بعضی را سیاه اللهم البنی



رمزگشایی انواع

آیین های تدفین و قبرها و تپه های باستان





روش صحیح حفاری قبر:



در گذشته ما گورستانهای دسته جمعی نیز داریم که متعلق به افراد مریض است. در جاهائی که وبا یا طاعون میآمده جنازه افراد را به صورت دسته جمعی دفن میکردند. در همینجا یک مطلب بسیار مهم را برایتان بگویم و آن اینکه کسانی که قبری را میشکافند خیلی باید مواظب باشند و بفهمنه که جنازه مریض هست یا نیست و حتماً باید استخوان شناس باشند و یا بتوانند استخوان اشخاص مریض را از استخوان افراد سالم تشخیص دهند تا با مشکلی مواجه نشوند.

همیشه وقتی میخواهید قبری را باز کنید حتماً از دستکش و ماسک حسابی استفاده کنید.همیشه در حفاری تپه ها مکان ها را بصورت دایره وار حفاری نکنید بصورت مربع یا مستطیل خواهد بود و در صورتی که بخواهید به اعماق بیشتر نیز حفاری کنید این حالت دایره واری و گرد در حکم تله برای شما عمل خواهد کرد و روی سرتان فرو خواهد ریخت پس بصورت مربع یا مستطیل اصول کاری درست حفاری می باشد.

جنازه هایی که در غارها و ذاغه ها میباشد و جنازه هایی که در صحرا میباشد و جنازه هایی که در کوهستانها میباشد از نظر ماهیت کاملاً با هم متفاوت است.

هر قبرستان و هر کوری دارای اموال نمیباشد. چون بسیری از مردم فقیر بوده اند و بدون اموال دفن میشدند.

در هر قبرستان تعدادی قبر سلطانی وجود دارد که دارای اموال میباشند که باید بتوانید آنها را تشخیص دهید و از روی بعضی شواهد تشخیص آنها امکان پذیر است.

اکثر گورستانها در سینه کشی ها و کنار رودخانه ها میباشد. در بسیاری از قبرستانها یک چهارطاقی نیز میباشد که نشان میدهد در میان آن چهار طاقی شخص مهمی فوت کرده است و اکثرا دارای اموال میباشند

در حین حفاری قبرستان،معمولا با توجه به نقطه ثابت حفاری ممکن است چشم انداز بالاترین قبر را جدیدتر و یا پایین ترین را قدیمی تر فرض کنیم، این مساله بسیار گمراه کننده است،چرا که ممکن است قبرستان در زمان حیات خود بصورت یک برجستگی تپه مانند بوده و قبور در دامنه ها یا شیب های متفاوت از هم کنده شده و جدید ترین قبرها

ممکن است در بالاترین نقطه آن کنده شده , که در زمان حفاری بر اثر فرسایش خاک و پرشد اطراف تپه , به حالت هم سطح در امده باشد

.در برخی از قبرستانها که از قدمت زیادی برخوردارند, برخا بعضی قبور در بالای قبور دیگر کنده شده و حکایت از قدیمی بودن قبور تحتانی و گذشت زمان نسبتا طولانی دارد.هرچند این مساله کمتر اتفاق می افتد

هر داده ای که از قبر پایینی بدست بیاید ,نسبت به قبور بالتر قدیمی تر است و بایستی اشیای داخل قبور و ساختار قبور و ویژگی های تدفینی بطور دقیق ثبت و گونه شناسی شود

در حفاری دقیق و هوشمند قبرستان می توان داده های باستان شناسی پراکنده و هم سطح با لبه قبرها و بعضا کمی بالاتر را مشاهده نمود که شامل بیشتر قطعات سفالین و بعضا ظروف سالم نیز است.چنسن لایه های استقراری می تواند بهترین موقعیت فرصت برای شناخت گاهنگاری قبرستان باشد چرا که با کمی دقت , تغییرات سفال در بیرون قبور را بیشتر از داخل قبور خواهید یافت و چنین تغیراتی بدلیل قدمت زیاد قبرستان از بخشی به بخش دیگر نیز متفاوت خواهد بود

در شمال غرب ایران در عصر آهن نیز قبور دارای سازه های خشتی ,سنکی و ساده هستند ویا بعضا تدفین در داخل خمره بصورت خاکستردان مردگان است.از طرف دیگر بایستی هنگام طبقه بندی قبور, محتویات داخل آن را با توجه به سازه آن نیزمورد توجه قرار داد

برای اینکه مورفولوژی اویه تپه قبرستان های چند دوره ای و یا سایت های شهر ما رادچار مشکل نسازد و بالا وپایین بودن قبور و لایه های استقراری احتمالی آنها را تجزیه و تحلیل کنیم به دونکته بیشتر توجه کنیم:

اولا لایه های طبیعی قبرستان را به کمک متخصصین باستان زمین شناس در سرسر محوطه پیگیری و در یک برش عمودی این لایه ها وارتباط آن با لایه های فرهنگی را تعریف نماییم.

ثانیا ارتفاع قبور را در تمام طول کاوش از نقطه ثابت اندازه گیری کرده و در پایان هر فصل توپو گرافی نقشه محوطه را با ذکر ارتفاع ترسیم نماییم.

در هنگام حفاری هیچوقت حوزه حفاری داخل قبر را بحالت بسته درنیاورید , به این صورت که بعلت هیجان خاص ایجاد شده ,مستقیم زیر آثار یا اسکلت را بحالت گودالی خالی ننمایید , بلکه با حفظ تراز خود در سطح کل ترانشه , به محض آشکار شدن اولین شی یا عضو حدود سانتی متر از ان فاصله گرفت و در لایه ای به عمق حدود ۲ یا ۳سانی متری بطرف شی نزدیک شوید در اینصورت اشیا دیکر آشکار خواهد شد.

مهم ترین و ساده ترین اعضای تعیین جنسیت در اسکلت های باغ در صورت سالم بودن , جمجمه لگن خاصرا تسا بطور کلی لگن حاصره زنان پهن تر از مردان است ، فرم استخوانبندی لگن بصورت یوی انگلیسی و مردان بصورت وی انگلیسی دیده می شود.

همیشه خاک داخل قبور را الک کنید در اینصورت بقایای بسیار ریزتری را شاهد خواهید بود بخصوص مهره ها و سایر تزیینات ریز می تواند بدین صورت بدست آید

در دوره نوسنگی قبل از سفال لوانت , جمجمه را برداشته و آن را با گچ پر نموده و مقدس می شمارند.

در داخل گور وجود رنگهای متفاوت یا توده های سفید و غیره ممکن است از بقایای مواد آلی مثل لباس یا مو و یا هر عنصرزود فاسد شدنی باشد بایستی با رعایت اصول آزماشگاهی نمونه برداری شود

هیچ وقت به اسم قبرستان , برش عمودی را از دست ندهید.دربرش عمودی لایه های استقرار دائمی , گذارا وجود قبر بالای یکدیگر وقفه های لایه نگاری و ارتباط لایه های فرهنگی و طبیعی در ارتباط با قبور را خواهید دانشت

با عنایت به اینکه در زمان گشودن قبر ها برخی میکروبها در فضا منتشر میشود لذا ضروری است که مسائل ذیل مورد رعایت قرار گیرد.

در زمان گشوده شدن قبر فورا از آنجا بدون اینکه نفس بکشید دور شوید

یک و یا دوساعت بگذارید تهویه قبر انجام گیرد

با آن دستی که قبر گشوده شده اصلا غذا را لمس نکنید

از وسایل شیشه ای شکستنی جدا پرهیز کنید که زود می شکنند.

قبرهای فقیران نشانه هایشان کاسه است و اما قبرها انسانهای غنی نشانه های جدا گانه ای دارند

طاووس نشان از قبر شاهان عقاب نشان از قبر شاه داخل یک بارگاه صلیب نشان از قبر یک کاهن و وجود کنیسه ای در آن منطقه و لاک پشت نشان از قبر شاهان و خانواده آن که در یک ساختمان سه طبقه قرار گرفته در آن منطقه و فرج که نشان از وجود قبر یک زن و شوهرش که داخل یک اتاق داخل زمین می باشد.

سرداب ها:

برای ورود به سردابه ها توصیه می شود از یک ماشین کنترل از راه دور و نیز و بیل و دوربین استفاده نمایید.

در تمدنهای قدیم سردابها به طرف مشرق ساخته می شدند و معتقد بودند که آن طرف طرف زندگی و اغاز زندگی است.

البته قبرها از جهت غربی, یعنی طرف غروب خورشید ساخته می شدند و معتقد بودن که آن طرف طرفی است که می شود زندگی را در آنجا به امانت گذاشت

بارگاهها خطرناکتر از قبر هستند چون میکروبها در آنجا به شدت انتشار یافته اند بهتر است ۴ ساعت جهت تهویه آن مکان زمان صرف شود از آتش افروزی داخل آنجا پرهیز شود چون احتمال دارد داخل آنجا مواد کبریتی وجود داشته باشد و به محض اتش زدنن موجب انفجار مکان گردد.

در قبرهایی که بصورت اتاقی و تدفینی هستند باید همیشه مواظب گاز گرفتگی باشید.برای این کار ماسک شیمیایی را پیشنهاد می کنیم.در ذیل روش ساخت ماسک شیمیایی را بصورت سنتی یادواری می کنیم .

روش درست کردن ماسک:زغال سنگ + بیکرنات سدیم (جوش شیرین) + زاج سبز (زی)

وسایل حفاری:



۱-برای کندن و حتی پیدا کردن دفینه ها برخی وسایل وجود دارند که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۲-دوربین دیجتالی بهمراه باطریهای جدید

۳-دفتر و قلم و مداد

۴-دوشاخه برای تعیین جهت

۵-مجموعه از طی ها با سر کوچک و بزرک

۶-کیسه های نایلون کوچک و بزرگ

۷-دهان گیر

۸-دستکش نایلونی یا پلاستیکی

۹-خط کش

۱۰-بطری حاوی بنزین و آب برای پیدا کردن خاک حکمت

۱۱-چکش و انبر

۱۲-پنس آهنی

۱۳-در صورتیکه مورد یافت شده مربوط به قبر بارگاه و عبادتکده باشددر این صورت این وسایل مورد نیازند:

۱-سیخ اهنی ۱۲ مم و یا ۱۰ مم دارای دهانه محکم بطول دو نیم متر برای پیدا کردن قبر در زمین خاکی و شنی

۲-عتله که نجارهای بتنی در باز کردن چوب از آن بهره می گیرند, این شما را برای باز کردن سنگهای کوچک و متوسط خصوصا در مکانهایی که تنگ هستند کمک می کند.

۳-اهرم برای بلند کردن سنگها و وزنه های بزرگ

۴-سطل و طناب که شما را در آبراهها و سردابها و اماکن تنگ کمک می کند.

۵-آب و چراغ قوه و کلاه قرمز نشان دار

۶- یک شیشه سرکه و شیر که در صورت گازگرفتگی زودتر به افراد خورانده شود و حالت خنثی کنندگی دارد و زودتر باید به بیمارستان انتقال داده شوند

قبر سردارها:



در کوه هایی که سنگی هستند قبرها به این صورت هستند که ابتدا سنگ را تراشیده و در داخل قبر اتاقک یا تونلی که . به اتاقک ختم می شود را حفر می کردند.این نوع قبور مخصوص سرداران در قرون گذشته بوده و بار آن نمیه سنگین

است ودر آوردن آن زحمت چندانی ندارد.فقط کافیست به علامت هایی که نشان قبر دارند توجه کنید , معمولا قبر سردارها به صورت فرد باشد.یعنی سه یا پنج یا هفت و در برخی موارد نه یا یازده هم دیده شده.نفر وسطی همان سردار هستش و مابقی سربازها هستند.در قبر سردار شما تمام ادوات جنگی متعلق به آن سردار را میتوانید بیابید.مثل شمشیر و کلاه خود و زره این زمانی هست که کشته شدگان جان خود را در جنگ از دست داده باشند .در مناطقی که سردار ها دفن می شدند سنگ هایی را با همین شکل به صورت گرد و یا سوراخ حکاکی می کردند.همانطور که در تصویر بالا می بینید هفت نقطه به هفت قبر سردار اشاره می کند که از قبر هفتم به دیگر قبور راه مخفی و زیر زمینی وجود دارد. قبر سرداری یا در ارتفاعات بلند به صورت سنگ های انباشته روی هم یا در دیواره ها به صورت دخمه پلمپ شده یا به صورت تل خاکی میباشد.

در تحقیق مناطقی که پی رو بوده و به قبر سردار اشاره می کند بدین قرار بوده در دامنه کوهی به ارتفاع ۳۰ متر بر روی تخته سنگی به قد یک انسان بصورت برجسته تصویر یک اسب با اسب سوار وجود دارد، دو اسب دیگر به ترتیب جلوتر هستند که فقط سرهای آنان پیداست. همگی پایین پای خود را در فاصله خیلی نزدیک نگاه میکنند. در جلوی آنان سه برآمدگی به ارتفاع یک تا یک و نیم متر قرار داشت که بلندی اول متشکل از سنگهای نیمه درشت و یک تکه سنگ به مساحت ۱/۵در ۲/۵ است و تخته سنگی مثل یک کیس کامپیوتر یا یک تابلو ، مثل سنگ قبر هم روی آن قرار دارد یک تکه سنگ به شکل مکعب مستطیل به اندازه صندوق عقب یک خودروی سواری هم روی آن قرار دارد. از جهتی هم انگار غاری بوده که آنرا اینچنین بسته اند. دومین برآمدگی بشکل اولی است اما کوچکتر است . و سومین برآمدگی هم همچنین. هرسه مانند قبرند با سنگ قبر به شکل عمود روی آن. زیر سنگ با نقش اسب واسب سوار تخته سنگی است سه تیکه سر هم که روی آن بشکل یک موجود شبیه خوک است که جهت مخالف را مینگرد و قسمتی دیگر انگار عقاب است که به قبر اول یا بقبرها نگاه میکند , اینها در حقیقت قبر هستند و مربوط به سردارهای جنگی میباشند که دارای لوازم جنگی و ۶۰ سانت زیر سر هم یک یا دو خمره سکه معمولا است.

قبرهای سرداری دوره های خاصی دارد و در هر دوره به یک شیوه خاصی دفن میشدند ولی آثار و شواهد آنها در بالای قبر یکی بوده نماد قبرهای سرداری سنگ کاسه و جوغان است که در مکانهایی مانند منطقه جنگی , اراضی و نوک تپه های قلعه حساب وجود دارد که به وفور هم دیده میشود ولی یک سری از این سنگ کاسه ها متعلق به زمان اسلامی هستند که داخل قبرها چیزی به جز یک شمشیر یا تسبیح بیشتر دیده نمیشود مگر اینکه بعد از جنگ به دلیل کمبود وقت آن را با تمام تجهیزاتش دفن کنند و حتی پیش آمده که قبر کاملا خالی بوده البته این قضیه برای زمان اسلامی صدق میکند و در زمان قبل از اسلام داخل این قبرها کلی اشیاء زینتی میتوانید پیدا کنید این قبرها در اکثر مواقع در روی خود سنگی که کاسه حجاری شده وجود دارد به این شرط که در کنار کاسه یک حجاری مربع هم وجود داشته باشد در این صورت روی خود سنگ بزرگ را باید با دقت بررسی کنید.



در مورد قبور سرداری موردی داشتیم که سه سرباز بود و دوتاشون سر داشتند یکیشون سر نداشت شمشیر سرش رو بریده بود و سه قطره خون هم ازش میچکید و یک ابراه دور تا دور سنگ بود تا جلوی سربازها در قبور سرداری بیشتر جسد سردارها در سردابها قرار دارند به همراه غنیمتها و عمقشون هم زیاده البته اگر راهرویی که به اتاق تدفین و سرداب میرسه اگر پیدابشه کار راحته روی این مکانها زیاد روی دستگاه نمیشه حساب کرد چون عمق زیادی دارند و هیچ دستگاهی نمیگیره اینا رو ولی من در تحقیقات که طی دو سال و اندی در منطقه انجام دادم تقریبا جاش رو پیدا کردم مکانی کنار چشمه جایی که هم اب میرسه هم اب نمیرسه سه عدد تل سنگی پخش شده در کنار چشمه هست که یکی با دیگری فرق داره که امکان راه ورودی در اینجا میره که دقیقا روی این مکان کشته هم داشته است.

قبرهای ساسانیان و هخامنشیان:

در قبرهای گرد که دونوع است.قبرساسانیان که متراژ دفن آنها در ۳/۵ الی ۳ متری است و حتما باید خاک اونا رو الک کرد و جنس های کوچک از جمله در و مروارید پیدا خواهد شد و همیشه در اطراف چشمه به فاصله ۱۵۰ تا ۱۵ متری مشاهده می شود که نور آفتاب مستقیما به آنجا می تابد و طبق شرایط بالا متراژ هخامنشیان نیز طوری است که متراژ دفن آنها ۸۰-۹۰ سانتی متر است

acrshop

قبرهای گبری:



یک نوع قبر دیگر هم هست که در همه جا می شود مشاهده کرد و به قبر گبری معروف هستند.بستگی به شانس شما هست که چیزی داخلش باشه یا نه.

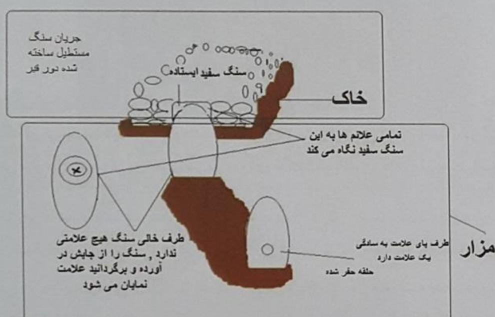
قبرهای گبری دارای سنگ چین است و اکثر آنها در بالای سر آنها سنگی کاشته شده و بیشتر روی تل و یا تپه های بلند در بالای دره هاست و بعضی از آنها هم در یک متری حفره ای باز میشود و پله میخورد و دخمه ای پدیدار می شود که در دو طرف دخمه طاق دارد و یک سری خمره خالی در کنارشان است که مال غذا و آب بوده است.

شناسایی قبر های گبر که در اکثر نقاط کشور به شکل یکسان است مثال : نقاطی بلند که اکثرا رو به دره و طلوع خورشید به آنجا به صورت مستقیم می تابد یا در سینه کش ها



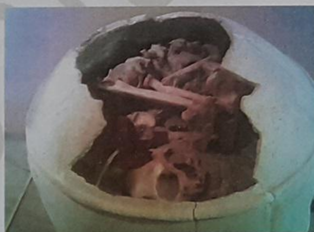
ببینید این قبرها اصولا بار ندارند و آنهایی که دارند چند مورد هستند . مثلا قبرهای معمولی که اگر مرد باشد در یک طرف غذا و آب و طرف دیگه سلاح یا ابزار و زنه ا یکطرف آب و غذا (همون کوزه های خالی) و طرف دیگه زینت آلات قرا می دادند.

قبرهای انسانهای مرفع در بالای سر یک حفره درست میکردند و مجسمه و لوازمی که طرف بهش اعتقاد داشت را میگذاشتند و پلمپ میکردند . (پس یادتون نره بالای سرش هم دیوار رو چک کنید)



)

قبر های خمره ای:



قبرهای خمره ای که قبلا توضیح دادیم اول جسد رو در بلندی روی تخته سنگ صاف میگذاشتند و بعد از اینکه گوشت و پوست رو حیوانات خورد و از بین رفت استخوانها را درون کوزه میگذاشتند و دفن میکردند که چند خمره بود یکی استخوان و بقیه وسایل و ... و اینکه یک نمونه دیگه که اشرف زاده بودند برایشان تومولوس درست می کردند اما اموالشان را باهاش دفن نمیکردند البته از ۱۰ تا شاید یکی رو پیدا کنید که با اموال باشد.

پهلوان:

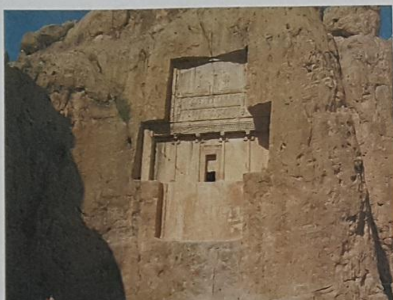


نشان قدرت و مردانگی است .دو ارش زیر آن بار وجود دارد.این بار جدید می باشد.البته بستگی دارد که در کجا نیز ترسیم شده باشد اگر روی سنگ قبر ترسیم شده باشد نشان دهنده مردانگی و قدرت پهلوان می باشد و احتمال در کنار آن شمشیر و زره و خنجر آن را کنارش قرار می دادند.اگر در جلوی سر در ورودی حک شده باشد در داخل آن معبد یا محل وجود دفینه نیز ممکن می باشد/

قبر پادشاه:

ساختار قبر پادشاهی به دو شیوه بود قبل از اسلام و بعد از اسلام در قبل از اسلام به صورت دخمه بوده بیشتر آرامگاههای صخرهای پادشاهان هخامنشی در نقش رستم قرار داشته و نخستین نمونه آن آرامگاه داریوش است که در زمان های بعد ، در ساختن سایر گور دخمه ها ی هخامنشی از آن تقلید کرده اند . سقف اتاق آرامگاهها بصورت شیروانی تراشیده شده که از لحاظ روش معماری ، پوشش آرامگاه کوروش و آرامگاه گور دختر و پوشش قبر های تپه سیلک را به خاطر آورده و قابل مقایسه با آنها می باشد.Bگورستان

نقش رستم به فاصله چند کیلومتر از نقش رجب واقع شده و در قسمت با لای دامنه کوه حسین ، آرامگاههای پادشاهان هخامنشی در دل سنگ کنده شده است . که آرامگاههای فوق مربوط به داریوش اول (۴۸۵-۵۲۱ق م) خشایارشای اول (۴۶۵-۴۸۵ ق م) اردشیر اول (۴۲۴-۴۶۵ ق .م)و داریوش دوم (۴۰۵-۴۲۴ ق.م) بوده و تمام این دخمه ها از روی یک نمونه ساخته شده اند.

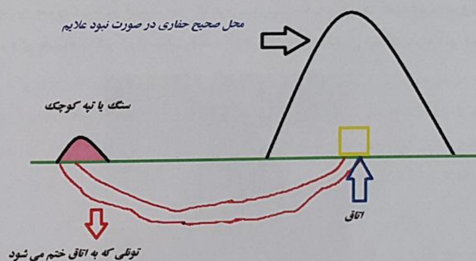


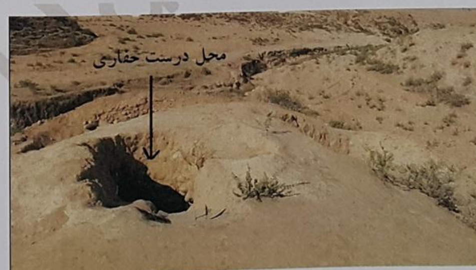
و نمونه های دیگر قبرهای پادشاهی به صورت تل های خاکی است که هم قبل از اسلام کاربرد داشت هم بعد از اسلام در قبل از اسلام این تل ها برای قبر ملکه ها و خاندان سلطنتی استفاده میشد ولی بعد از اسلام برای پادشاهان و سرداران بزرگ استفاده میشد و ساختارشان به این صورت بود در قسمت طلوع یا غروب درب را تعبیه میکردند که به دخمه درون تپه راه داشت . در زمان اسلامی نوع قبرهای پادشاهان کم کم از حالت دخمه ای در آمد و به بنا تبدیل شد که نمونه آنها همان بقعه ها هستند .



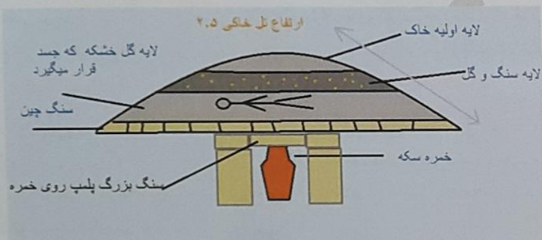
تل ها و تپه های دست ساز:

در این مبحث به یکی از نشانه هایی میپردازیم که بیشترین نشانه رو در سراسر فلات ایران زمین قرار داره.در جاهایی که نمیتوانستد مال را محافظت کنند یعنی منطقه کفی بوده از تپه برای مخفی نگه داشتن بار استفاده میکردند.البته این برای تپه هایی است که دارای بار میباشند.بهتون توصیه میکنم بدون نسخه سمت تپه ها نروید.تپه ها بسیار ساده به نظر میرسند اما بسیار سخت است کارکردن در تپه ها.همه تپه ها بار ندارند یعنی شاید زیر آن ستایشگاه(مثل معبد آناهیتا)یا مکان مهم(مثل تپه سیلک کاشان) ویا شهری در زیر تپه است.تپه های بزرگ حتما سربار دارند جوری که باید در اطرف تپه دنبال تپه کوچک یا سنگ و یا چاه آب وجود دارند که میتواند را ورود به داخل تپه اصلی نیز باشند.بیشتر تپه ها دارای اتاقک هستند و بار در داخل اتاق هست.جنس بیشتر اتاقها از ساروج است.کمتر پیش میاید که جنس اتاقک از خشت باشد. تپه های کوچک نشانهای ساده ای دارند مثل سنگ یا سنگچین.کافی است کمتر از دو ارش زیر آن را بکاوید تا به هدف برسید.وسط تپه بهترین مکان برای حفاری است.در صورت حفاری حتما نکات ایمنی را رعایت کنید چون خاک دستی است امکان ریزش وجود دارد.نمونه ای از این نوع تپه ها و نیز طریقه حفاری را به صورت عکس در ذیل می بینید



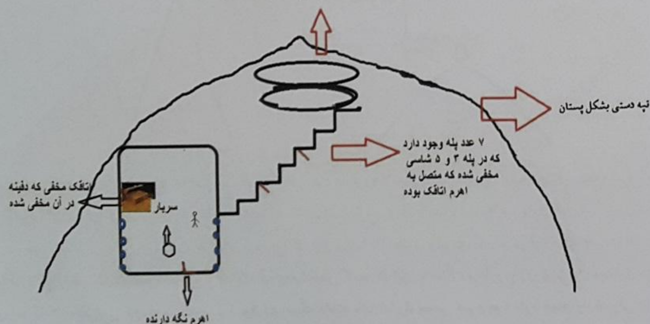






تپه دستی بشکل پستان زن:

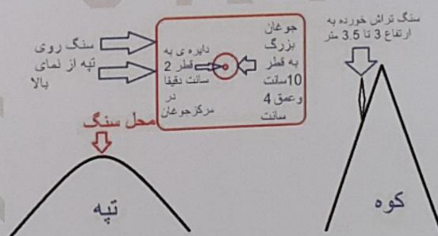
دو عدد سنگ صاف و دستی به اندازه۱،۵۰ متر



همانطور که در تصویر ملاحظه می کنید تپه ای دست ساز بشکل پستان زن بوده و بالای تپه ۲ عدد سنگ صاف و ضخیم می باشد که نوعی ساروج بوده و پایین ساروج ۷ عدد پله وجود دارد که در پله های ۵ و ۷ نوعی شاسی متصل به اهرم وجود دارد و موقعی که با کلنگ زده می شود می لرزد. بعد از پله هفتم سالن یا راهرویی وجود دارد که بطول تقریبی ۱۵ متر و عرض ۲ متر می بوده است که در وسط سالن سرباری که بشکل حیوان می بوده و از جنس طلا بود وجود داشت و فرد با دیدن سربار بدون اینکه به تله فکر کند مستقیما بسوی سربار می دویده غافل از اینکه به تله فکر کند , موقع برداشتن سربار اهرمی که متصل به تله بوده است فعال می شده و در دیواره های سالن سوراخ هایی وجود می داشته است که موقع فعال شدن تله , شن و ماسه با فشار که همراه با آزاد شدن گاز سمی بوده است در عرض چند ثانیه کل سالن را پر می کرده است . شن از نوع شن های شیشه ای یا اولترا بوده است که طرف عرض چند ثانیه گرفتار شنهای شیشه ای می شده است که در عرضی اندک موجب خفه شدن در شن می شد.اتاقی مخفی در جهت نگاه سربار و در بعضی از حالات در اطراف یا زیر سربار وجود داشت که هدف داخل اتاق مخفی شده است.موقع باز شدن اتاق مواظب گاز سمی باشید.در بعضی از چنین دست تپه هایی بغیر از یک تله , چند تله دیگر وجود داشت که باید مواظب باشید. در اکثرا موارد اتاق مخفی یا سالن در وسط تپه قرار داشتند .

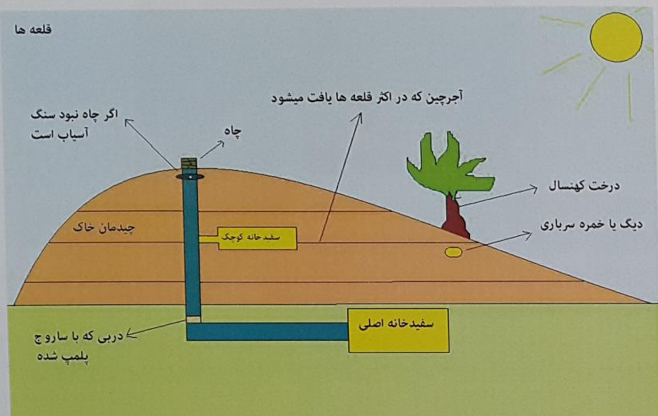
اکثر علامت برای این نوع تپه ها , سنگ صندلی ها می باشد که در یک کیلومتری یا مسافت های متفاوت که از سنگ صندلی فاصله دارند و علامت نهایی که در کنار تپه حدود ۱۰-۲۰ متری این تپه وجود دارد علامت صلیب یا علامت ضربدر است و علامت نهایی بوده که یکی از شاخک های آن بزرگ بوده و در زیر یا بالای آن شاخک یک علامت گرد بوده که به همان اتاقک و همان تپه و هدف اشاره می کند.

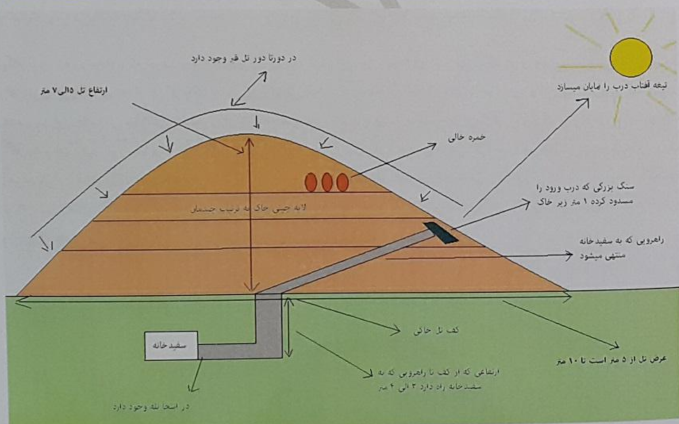
تپه جوغن دار:



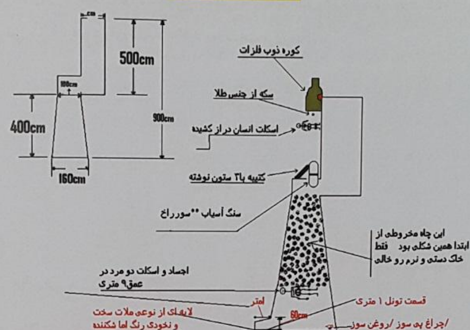
درهمچین مواردی معمولا تا شعاع ۵۰۰متری یک چشمه وجود دارد وعلایم اولیه یا نمادهای اولیه از کنار چشمه شروع میشود واین مقبره های تپه ای که عموما دارای نسخه هستند عمقشان از ۱۱ارنج به بالا است ومعمولا هم دارای دوراه ورودی هستند یکی در قسمت شرق ویکی در قسمت غرب , بصورتی که این تونلها یا راههای ورودی که در شرق وغرب هستند در پایین تپه یا سنگ وگچ پلمپ شده وشما باید از زیر خاک انها را مشخص کنید که این با سنگ وساروج وروی زمین هستند ودرب تونلها بصورت کاملا مخفی می دوراه ممکنه پر ویا مواردی دیگه داشته باشه اما راه سومی هم وجود دارد همان راه اصولی واصلی که

باشد وآن را باید با مهارت وتجربه بدست اورد همچین جوغنی اشاره به هدف در خود تپه دارد, البته اگر سوراخ کوچک درون بزرگ باشد وخود جوغن بزرگ هم دارای نشانک باشد محاسبات فرق میکند.





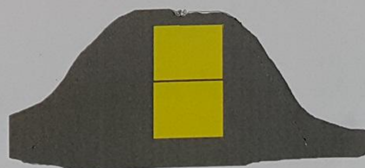
تپه دستی کوره ای:

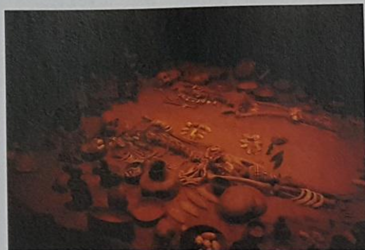


همانطور که این تپه را مشاهده میکنید تپه ای به عمق ۱۲متر می باشد و کل مکانیسم آن روی تصویر توضیح داده شده است در پایین تپه یک پی سوز که به رنگ آبی و از جنس سفال می باشد و علامت اخر و نهایی که اشاره به نزدیکی دفینه می کند دارد و در اواسط کار به تخم مرغ می رسید که خبر از بودن ساروج می دهد و در جلوی آن یک تونلی می باشد که با لایه ملاتی نخودی رنگی و خاک دستی پر شده بود بعد از آن ساروج و بعد از آن هدف می باشد.

تپه تنوره ای :

اینجا یک مورد تپه رو میذارم که خودم چند و چونش رو رویت کردم این جور تپه ها در کنار چشمه ها در ورودی و خروجی دره های مالرو قرار دارند که تقریبا کوچک هستند ار تل کوچکترند در روی اینطور تپه ها که معمولا یک چاله اتش وجود دارد و این هم از رندی گذشتگان بوده که روی هدف رو این چاله اتش میذاشتن یا دقیق روی بار باشه شاید باور نکنید با بیست سانت حفاری در تنور اول که دور تا دور ساروجه باز میشه یعنی اگه جارو هم بکنید تنور پیدا میشه البته تنور کامل یه پوسته ساروج داره که با چکش راحت خرد میشه در بدنه این تنور به شکلی زیبا اندازه و شکل هر جنسی رو در میاوردن مثل طاقچه و جنس رو در طاقچه همشکل خودش قرار میدادن خیلی زیبا ولی این خودش فریبنده است چون هرکس این تنورو خالی میکنه فکر میکنه تموم شده در حالی که تنور و بار اصلی در زیر این تنوره مکانی که برای این مورد گفتم فراموش نکنید اول و اخر دره های مالرو و مهم کنار چشمه ها است.





گورهای طولانی و آنهایی که دسته بلند دارند به دروغ یا در حقیقت , در یک باور قدیمی در اشاره به درجه خود، شأن و منزلت معنوی داشت.

علاوه بر مقبره های قدیمی ترکی، این مقبره، گورهای دسته، به خصوص در فرم برخی از ساختارهای بلند طولانی در قبرهای یونانی نیز دیده می شود .پول، سلاح و ...در جوامع های مختلف در مقبره مشابه ساخته شده برای ذخیره سازی کالا در مقبر ها دیده می شود،به ویژه توسط راهزنان نیز ساخته شده است.

با توجه به پناهگاه، گاهی اوقات قطعاتی از گور بلند وجود دارد.

این نوع از گورهای دسته برای دیگران هستند، در اوج , آنچه به نظر می رسد به عنوان یک سنگ سنگین، و می تواند به یک حلقه آهن یا مستی تعبیه شده باشد.

ساختار قبرهای هخامنشی

اماساختار قبرهای هخامنشی . مردم عادی آنها را در گورهائی که در زمین حفر شده بود و روی آن‌ها را به صورت شیروانی و از گور های مردم عادی در دروان هخامنشی تنها نمونه تدفین .خرپشته توسط سنگ های بزرگ پرداخته بودند دفن می کردند در خاک که تاکنون شناخته شده، در شوش می باشد، که توسط هیئت باستان شناسان فرانسوی کشف گردیده است. جسد مربوط به بانوی ثروتمندی بود که در تابوتی مفرغی جای داده شده و با زینت آلات زرین و لوازم زندگی از قبیل بشقاب سیمین و ظروف ساخته شده از مرمر به خاک سپرده شده بود.



:به طور کلی در تدفین شاهان در زمان هخامنشی به دو نوع گور برخورد می‌کنیم

۱- .گور دخمه‌ها که در دل کوه کنده‌شده‌اند

۲- .مقابر سنگی ساخته شده در فضای باز

:نوع دوم نیز به دو گروه تقسیم می شوند

.الف- آن هایی که ماهیت قبر بودن آن ها قطعی است، مثل آرامگاه کوروش و گور دختر

ب- بناهائی که کاربرد آن‌ها به عنوان گور حتمی نبوده و مورد تردید می باشند. این بناها اغلب به شکل بنای چهارگوش با سقف مسطح ساخته شده اند و عمل و کاربرد آن ها به عنوان یک مکان عبادی بیشتر است، مانند: کعبه زرتشت و تخت گوهر [تخت گوهر که به نام تخت سلیمان نیز مشهور است از سوی برخی از محققین به عنوان گور "کمبوجیه" عنوان شده است.] در نقش رستم و بالاخره زندان سلیمان در پاسارگاد، که چون ماهیت آن‌ها به عنوان آرامگاه محرز نشده از ذکر آن ها به نام گور هخامنشی خودداری می‌کنیم.





تدفین در دوره اشکانیان :



با توجه به طرز تدفین و آداب و مراسم گوناگون و تنوع آرامگاههای پارتی که در نقاط مختلف مشاهده شده است ، چنین استنباط می شود:

الف)پارتیان اجساد خود را به طرف صورت دفن می کردند و همراه جسد نیز اشیائی هدیه می شد.

ب) اجساد خود را هم به صورت منفرد و هم به صورت خانوادگی به خاک می سپردند .

ج)برای دفن اجساد خود جهت خاصی را مراعات نمی کردند .

د)اشیائی که همراه جسد به خاک سپرده شده بیشتر متعلق به زندگی روزمره و یا حرفه ای متوفی بوده است.

ه)اشیای هدیه شده به جسد اکثراً خارج از تابوت قرار داده می شد.

و)پارتیان اجساد را هم در درون تابوت و هم در درون خاک و هم در گور های سنگی دفن می کردند.

ز)اجساد پارتیان هم به صورت کشیده و هم به صورت جمع شده و هم بصورت طاقباز دفن شده اند.



انواع تدفین مربوط به دوره اشکانی:

تا کنون در تنگ بلاغی چهار نوع از این قبور شناسایی شده که در مورد هریک مختصری توضیح داده خواهد شد.

قبور توده سنگی(خرف خانه ها):

به صورت حرمی شکل و به وسیله سنگ خشکه چین با قطر ۱/۵ متر الی ۱۲متر به ارتفاع ۱ تا۲/۵متر دیده می شود. در ساخت این قبور ابتدا سنگچینی دایرهای در روی زمین چیده شده و حفره گور را به صورت دایره ای کوچک یا بیضی شکل به ابعاد ۱تا۱/۵متر به صورت تو خالی ساخته اند و اطراف آن را با سنگ خشکه چینی کرده اند و بعد از آنکه به اندازه دلخواه بالا آمد جسد را در داخل آن به صورت جنینی دفن کرده (بر اساس شواهد موجود احتمالاً در این گورها از خاک برای پوشاندن اموات استفاده نشده است) و بعد از گذاشتن هدایا در آن، روی آن را با تخته سنگ پوشانده اند. این قبور برای اولین بار توسط استروناخ معرفی شده است و متاسفانه بیش از۹۵ درصد از این قبور حفاری غیر مجاز شده است.

قبور صخره ای:

.این قبور با استفاده از حفره های طبیعی (غارهای کوچک) ساخته شده است به این صورت که احتمالاً جسد را به صورت دست و پا جمع (با توجه به ابعاد حفره ها) یا جنینی در داخل حفره گذاشته و در کنار وی اشیاء تزیینی شامل سکه، مهره و سفال گذاشته و روی آن را با خاک پوشانده اند.. در کنار یکی از این قبور سکه ای از فرمانروایان فارس کشف شد که در روی آن نقش پادشاه اشکانی (احتمالاً ارد اول) و در پشت آن یک حکمران محلی نا شناخته قرار دارد.

قبور خرسنگی:

قبور خرسنگی است که هنوز به طور قطع قدمت آن مشخص نشده این قبور از دوره فرا هخامنشی تا دوره ساسانی قدمت دارند و احتمالاً در دوره اشکانی نیز ساختن چنین قبور برای دفن اموات وجود داشته است.



در ساخت این قبور ابتدا چاله ای به عمق نیم متر تا یک متر در خاک کنده شده و سپس جسد را به صورت دست و پا جمع به همراه هدایا در داخل آن قرار داده و روی آن را با خاک پوشانده و در اطراف آن سنگچینی که به صورت دایره ای یا مربع و یا چند ضلعی نامنظم به مساحت ۲ تا۱۰متر ساخته اند. در ساخت سنگچین از سنگ‌های بزرگ به ابعاد بیش از یک متر مربع یا کمتر استفاده شده است و به همین خاطر از این قبور بنام قبور خرسنگی نام برده شده است.

تدفین در دوره سا سا نیان :

در دوره ساسانی دین رسمی ، زرتشتی بوده و در گذشتگان و مردگان خود را برابر با آیین زردشتی در کمر کوه در آرامگاه های صخرهای بنام «استودان » دفن می کردند . در گذشتگان زردشتی را نه می توانند بسوزانند و نه به خاک بسپارند و نه به آب افکنند ،زیرا تماس با آب و آتش و زمین ، که به عنوان عناصر مقدس تلقی می شوند ، باعث آلودگی آنها می شوند.

از همان ابتدا اجساد درگذشتگان را درون گودالهایی در محل های مناسب ،یا بر بالاترین و دورترین جاها قرار می دادند . (این مکانها ی مرتفع و مخصوص جایگاه مردگان برجهای خاموشان نیز نامیده می شد که هنوز هم نظائر آنها در کرمان ،و یزد و حتی در جنوب تهران (کوه بی بی شهر بانو) دیده می شود.)

این اجساد را در برابر پرندگان لاشخور و سگهای گوشتخوار به عبارت بهتر در معرض هوای آزاد قرار می دادند. پس از اینکه گوشتها از استخوانها جدا شد ، استخوانها را که زیر آفتاب خشک شده بود جمع می کردند ،تا در پنا هگاههایی بنام «استودان »که در جدار کوه بود، بگذارند . البته قرار دادن اجساد در دخمه ها یا در برج های خاموشی مربوط به دوره بسیار جدیدتر است.

هخامنشیان معتقد بودند که باید مردگان خود را دفن کنند ، اما آنها سعی می کردند که بدن آنها را از عناصر طبیعی دور نگاه دارند ، بنابراین مراسم خاکسپاری خو د را در کوه ها و صخره ها انجام می دادند یا اینکه قبرهای خود را با استفاده از تکه ها یا بلوک های سنگی و مواد دیگری محافظت می کردند.به نظر نمی رسد که مردم عادی ، سنت مغ ها را که بدن های مردگان را بی حفاظ می گذاشتند تا خوراک پرنده ها شود را دنبال می کردند. در مراسم خاکسپاری سلطنتی نیز ، اجساد با موم پوشیده می شدند و در داخل تابوت های فلزی گذاشته می شدند و در بناهای سنگی به خاک سپرده می شدند.مراسم خاکسپاری شامل قرابنی کردن و نذر کردن نیز می شد.

در دوره ساسانیان با رسمی شدن آیین زرتشت به عنوان دین رسمی ایران، برخلاف دوران دیگر، تدفین به روش آیین زرتشتی به صورت یک آیین محترم شمرده میشد از این رو گورستانهای زرتشتی را اغلب به شکل مجموعه ای از استودانها می بینیم و تاکنون هم بنای آرامگاه معتبری را که بر گور شاهان ساسانی ساخته شده باشد سراغ نداریم.

آداب مربوط به تدفین اموات در آیین زرتشتی پیوندی آشکار با اسطوره دارد. باید توجه داشت که در دین زرتشت مرگ کار اهریمن و به مفهوم پیروزی وی بر آفرینش نیک است و به این دلیل جسد جای « دیوان» است. در این مسیر هر چه روان فرد درگذشته نیکو کارتر بوده پیروزی اهریمن بر وی دشوارتر و به نیروی اهریمنی بیشتری برای رسوخ کردن به جسد مرده نیاز بوده است و به همین دلیل جسد فرد نیکو کار منشاء بزرگتری برای آلودگی است ، تا کالبد مرد بد کاری که دست یافتن به مرگ او آسانتر است.

بسیاری از آداب مربوط به مردگان با تطهیر از آلودگی ، پیوند دارد. از آنجا که تن مرده منشاء آلودگی است ، تدفین او در خاک روا نیست چرا که زمین را که عنصری مقدس نزد زرتشتیان است را آلوده میساخته و سوزانیدن جسد نیز جایز نیست ، زیرا آتش را آلوده میکرده است این ایده و عقیده و احترام زرتشتیان به این عناصر باعث تدفین اموات در برج های خاموشی (دخمه)و استودانهای سنگی شده است.

زرتشتیان در گذشته ، دور از آبادی ، شهر و مکان مسکونی بر روی کوههای نه چندان مرتفع فضایی را با رعایت آداب و رسوم مخصوص دینی در نظر گرفته و شالوده ریزی می کردند و حصاری به دور آن بالا می بردند. این حصار ، دیوار مدور ضخیمی به شکل برج است که از مصالحی نسبتا محکم و با دوام ساخته شده و به وسیله پلکانی ازسطح زمین هموار به درب دخمه ها متصل می شود.

این دخمه ها دارای چندین اتاق و احتمالا ۲ طبقه و یکی از این اتاقها ، ویژه آتش سوزها و فاصله دخمه از اتاق آتش سوزها حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ متر بوده است. کار آتش سوزها که معمولا ۲ نفر بودند عبارت از این بود که از روزی که تن در گذشته را به‌داخل دخمه می سپردند شب‌ها تا ۳ شب در آن اتاق که یک پنجره مستقیما رو به دخمه داشت از سر شب تا بامداد آتش بسوزانند.

این آیین از آنجا سرچشمه میگیرد که چون بنا بر باور زرتشتیان روان فرد در گذشته تا ۳ شبانه روز در اطراف و بالای سر کالبد فرد در گذشته در پرواز است تا پس از شب سوم به آسمان پرواز کند در مدت این ۳ شب آتش روشن میکنند تا روح پس از مرگ از تاریکی و تنهایی نترسد.

سطح داخلی دخمه به صورت پهنه ی گردی است که تمام آن با تخته سنگهای بزرگ مفروش شده و به طور کلی به چهار قسمت تقسیم بندی می شود. نوار دایره ی انتهایی متصل به دیوار پیرامون دخمه مخصوص مردها و نوار دایره ی میانی بعد از قسمت مردها مخصوص زنها ونوار دایره ی داخلی بعد از زنها نیز مخصوص کودکان است.

در مرکز دایره ، چاه استودان یا استخوان دان است که با سنگ مفروش شده است . وقتی اجساد به وسیله ی مرغان لاشه خور از گوشت و پوست تهی و تحت تاثیر آفتاب کاملا خشک می شد ، استخوانها را در آن چاه می ریختند تا تبدیل به خاک شود و اینجا بود که توانگر و درویش به هنگام مرگ در ته این چاه یکسان می شدند.

طرح و نقشه این دخمه ها کلا یکسان و در و دیوار و سطح دخمه مشخصات و اندازه های معینی ندارند بلکه بر حسب نیاز و جمعیت شهرها و روستاهای زرتشتی نشین بنا می شدند .

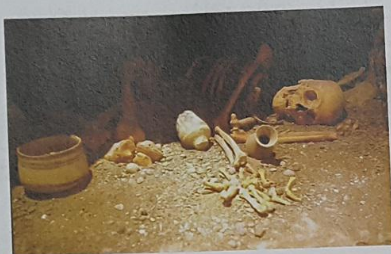


تدفین در دوره زرتشتیان:



انسان در طول تاریخ به اشکال گوناگون امواتش را دفن کرده است. شکل‌هایی از تدفین وجود دارد که با هنجارهای فرهنگ ایرانی و اسلامی ما ناهمخوان است. با این حال نباید فراموش کرد که ملت‌هایی هم هستند که فرهنگ تدفین ما را نمی‌پسندند.در این میان اما مرگ بی‌پرواترین و صریح‌ترین سویه‌ی زندگی و یک واقعیتِ مسلم است. به این جهت یکی از مشکلات انسان‌ها همواره این بوده است که مردگان خود را چگونه و کجا دفن کنند.

تدفین در ایران باستان از دیر باز به گونه های مختلف بوده است. ساده ترین نوع تدفین در ایران، تدفین گودالی است. یعنی به طور بسیار ابتدایی گودالی کنده و با توجه به فضای گودال، جسد را به حالت جنینی در درون آن قرار می دادند. این نوع تدفین مربوط به دوران آغاز نوسنگی (۶۰۰۰ سال پیش از میلاد) است. با کامل شدن استقرار و ساخت اولین روستاها در ایران، تدفین نیز با معماری و ضرورت های آن هماهنگ شد و با مصالح خشتی و گلی، تدفین هایی را ترتیب دادند. در برخی مناطق نیز همواره در یکی از گوشه های اتاق، فضایی را برای نگهداری استخوان های مردگان در نظر می گرفته اند. این استخوانها به صورت تدفین ثانویه یعنی تدفینی که جسد قبلاً در محوطه دیگری از گوشت و بافت ماهیچه ها پاک شده و فقط اسکلت باقی می ماند ، صورت می گرفته است. از دوره آغاز شهرنشینی به بعد به خصوص در دوران تاریخی ایران پیش از اسلام، اولین قبرستان به صورت منظم به چشم می خورد که نشانگر وجود سازمانهای اجتماعی در امر تدفین است. در دوره هخامنشی نیز به طور کلی در تدفین شاهان به دو نوع تدفین به صورت گور دخمه‌های که در دل کوه کنده‌شده‌اند و مقابر سنگی ساخته شده در فضای باز بر میخوریم. برخی از تدفین ها نیز به صورت تابوتی است و این تابوت ها سفالی (به شکل قایق یا وان حمام) بوده و یا تدفین در خمره های بزرگ سفالی صورت می گرفته که این سنت بیشتر در دوره پارت مرسوم بوده است. با بررسی تابوتهای سفالی پارت و پیشینه تابوتهای سفالی در ایران به این نکته می توان پی برد که تدفین تابوتی در دوران پارت(تابوتهای وانی) ادامه سنتهای پیشین و به خصوص دوره ایلام است.





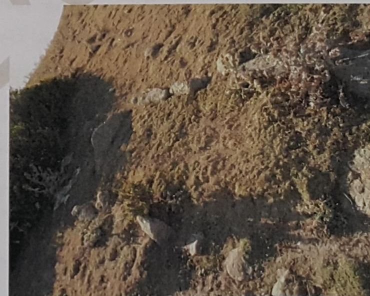
ساختار قبرهای عیلامی:

قبرهای عیلامی خیلی کم دیده میشوند چون از تاریخ آنها زمان بسیاری گذشته و کاملا تخریب و یا به زیر خاک فرو رفته اند ولی ساختار این قبرها به این صورت است که سنگ استوانه ای در قسمت سر وجود دارد که نشان قبر است و در قسمت انتهای آن سنگ هایی بزرگ وجود دارد و طول این قبرها حتی به ۳ الی ۴ متر هم میرسد و عمق قبرها به ۳ متر هم میرسد و بعضی هم در ۶۰ سانتی از زمین هستند. در بعضی از سنگ قبرها به خط میخی آشوری حکاکی شده که نام فرد فوت شده است و دفینه در قسمت پهلو و سر گذاشته میشده و جسد هم به صورت جمع شده و سر آنها به سمت شمال قرار گرفته شده اند . اشیائی که همراه آنان دفن میشده طلا و نقره و مفرغ بوده و در قبر ازنها هم نقره و مفرغ وسنگ های قیمتی که در درون ناف و روی چشم آنها قرار میگرفته است.

تدفین در زمان زرتشتیان:

در زمان زرتشتیان به علت اینکه آتش و آفتاب را مظهر پاکی می دانستند بنابراین بعد از فوتشان آنها را در بلند ترین نقطه از کوه روبه طلوع آفتاب دفن میکردند که اکثر این قبرها روی تپه هایی در بلند ترین نقطه کوهها هستند و طلوع و غروب خورشید یکسره به آن قسمت می تابد . هر شخص از نظر مقام و منزلتی که در آن دوره داشت در این تپه ها دفن می شد و افرادی که وضع مالی پایینی داشتند در پایین تپه دفن می شدند و همراه آنها فقط یک کوزه آب یا یک کوزه غذا در کنارش دفن میکردند چون آنها عقیده داشتند که روزی دوباره زنده می شوند برای همین حداقل کاری که می توانستند بکنند گذاشتن آب و غذا بود و قشر دوم افرادی با وضعیت مالی متوسط بودند که در وسط تپه به خاک سپرده می شدند این افراد به خاطر برخوداری از وضعیتی بهتر نسبت به قشر فقیر و بی بضاعت در کنار آنها علاوه بر کوزه آب و غذا مقدار کمی از اموال آنها در کنارشان دفن میشد تا در موقعی که خودشان زنده شدند ثروتی برای زندگی مجدد خود داشته باشند . ودر آخرقشر سرمایه دار بودند که که در قسمت بالایی تپه به خاک سپرده می شدند این افراد در موقع مرگشان هم طمع داشتند و حتی درکنار بعضی از این قبرها کنیزان و خادمانشان بعد از مرگ اربابشان زنده بگورمیشدند تا در موقعی که فرد به زندگی برگشت به آنها سخت نگذرد و تمام اموال شخص همراه با او دفن می شد البته این مختص به سرمایه داران آن زمان بود و برای شاهزاده ها و پادشاهان پس از مرگشان برا ی آنها مقبره درست می کردند که معمولا مقبره اشراف زادگان را در کنار آتشکده ها بنا می کردند تا مردم هر روز برای آنها سر مزارشان هدایا تقدیم کنند

برای این قبرها سنگی را به صورت ایستاده در بالای سر قبر قرار میدادند که با گذشت زمان و به خاطر نشست گردو خاک بر روی آنها تقریبا غیر قابل شناسایی هستند و باید دقت کرد که هر جا سنگ هایی به صورت ممتد و پشت در پشت هم قرار دارند قبرستان گبری ها می باشد .



ساختار قبرهای اسلامی

پس از ورود دین اسلام به ایران دیگر آیین هایی که مربوط به زندگی پس از مرگ میشد از بین رفت و دیگر همراه مرده نه خمره ای دفن میشد و نه اشیاء فلزی مگر در جنگ های بین عرب ها و ایرانیان که بعد از مرگ به دلایل شرایط بد جنگی جنازه را در همان قسمت با تجهیزات خود دفن میکردند . و بعد پیروزی اسلام و رواج پیدا کردن دین اسلام میان ایرانیان بعد از مرگ همراه مرده فقط تسبیح و مهر و یک یا چند انگشتر نگین دار دفن میشد و مرده را به سمت قبله دفن میکردند البته یک سری از این قبرها جهتش با قبله امروزی متفاوت است و همه آنها را با قبر زردتشتی یا همان گبری به اشتباه میگیرند و بعد از کاوش داخل آن چیزی پیدا نمیکنند این قبرها همان قبرهای مسلمانی است ولی به دلیل نبود مکه در آن زمان جسد را به سمت قبله قدیم یعنی بیت المقدس دفن میکردند .



آداب و رسوم کفن و دفن در دوره هخامنشی

یافته های فراوانی حکایت دارد که ایرانیان عصر هخامنشی مردگان خود را دفن می کردند . دفن مردگان تنها دلیل قابل استفاده علیه این برداشت است که هخامنشیان زرتشتی بوده اند . اما در عین حال اشاره های زیادی نیز در سنگ نبشته های تخت جمشید ثابت می کند که دین زرتشت از اعتبار زیادی برخوردار بوده و شاه به آن گرایش داشته است . باید توجه داشت که در ابتدا رسم زرتشتیان نیز دفن مردگان بوده است و رها کردن مردگان در دخمه های مرگ که هنوز هم معمول است پدیده ای است ثانوی که تحت نفوذ مغانمعمول شده است . استرابون هم در سده های اول میلادی گزارش می دهد :

« ایرانی ها پیش از دفن مردگان آن ها را با موم می پو شانند ، اما مغان چنین کاری نمی کنند بل مردگان را رها می کنند تا خوراک پرندگان شوند . »

از زمان هخامنشیان گورهای زیادی از سراسر امپراتوری به دست آمده که همه گواه دفن مردگان است . در بخش های زیادی از شاهنشاهی ایران معمول بود که مردگان را کف خانه ها دفن کنند . این رسم در بین النهرین ، در سوریه و در فلسطین هم جاری بود . کف گلین این خانه های را د حاشیه ی دیوارها می کندند و مرده را در آن قرار می دادند . در خانه های اشرافی تر و محکم تر به جای کف حیاط ، کف اتاق را می شکافتند . شیوه ی ساده ی تدفین ، پیچیدن مرده در کفن و خاک کردن آن بود . نوع تجملی تر این بود که مرده را در کندوی گلی ذخیره ی آذوقه جای می دادند و سپس در گودالی می گذاردند . ظاهرار برای این کار از کندوهای لب پریده و گاهی شکسته هم استفاده می کردند . برای کودکان خردسال از تشت و لگن و خمره های گلی استفاده می شد.

معمول تر ها می توانستند از تابوت شخصی که خود سفارش می دادن داستفاده کنند. این تابوت ها معمولا از گل بود و سر پوشی از تخته داشت . معمولا شکل تابوت های تجملی ایرانی ها در قسمت پا مثلثی و در قسمت سر به صورت دایره بود . تابوت های مسین بسیار گران قیمتی نیز به همان شکل تابوت های گلی ساخته می شد دو نمونه ی کاملا سالم از این گونه تابوت ها (تصویر195)در اور پیدا شده که از ابزار و آلات درون شان پیداست که از دوران هخامنشیان است .



تصویر ۱۹۵ تابوتی مفرغی، مزین به نوارهایی با تصویر قوچ و گل، به دست آمده از اور

در داخل یکی از این دو تابوت تابوت چوبی دیگری به همان شکل تابوت مسی جای داشت و سر پوش این یکی نیز از چوب بود بر روی تابوت دیگر قوسی از آجر زده شده بود . نوارهایی از دو که مانند کمربندی میان تابوت را گرفته از زیبایی خاصی برخوردار است. در این نوارها نقش قوچ وگل کنده شده است . تابوت مسینی که در زیویه به دست آمدهنیز شباهت زیادی به این تابوت دارد. تابوت مسی که در شوش پیدا شده بیشتر شبیه یک وان یعنی شکل است که لبه دارد و در قسمت پایین گرد نیست . در نزدیکی تخت جمشید گورستانی با ویژگی های خاص پیدا شده است . تابوت ها از سفال و قسمت پایین شان گرد است . البته قسمت پایین باریک تر از قسمت بالای تابوت است. سرپوش این تابوت ها هم از سفال و کمی محدب است . به عقیده ی باستان شناسان ازاین گورستان در زمان هخامنشیان متاخر و همچنین اشکانیان استفاده می شده است .

گورها چنان به وسیله ی حفاران غارت شده که در بیشتر تابوت ها چیزی بر جای نمانده است . به ندرت می توان به گور دست نخورده ای مانند گور مورد اشاره در شوش دست یافت . در گور شوش چند زن کنار هم دفن شده اند و زیور آلات زیادی نظیر گردن بند ، دست بند ، گردن بند مروارید و گوشواره کنار آن ها پیدا شده است . در گورهای ساده تر نیز حداقل سنجاق لباس ، انگشتر و یا مهر کنار جسد یافت می شده است . گور های شاهان هخامنشی پیش از





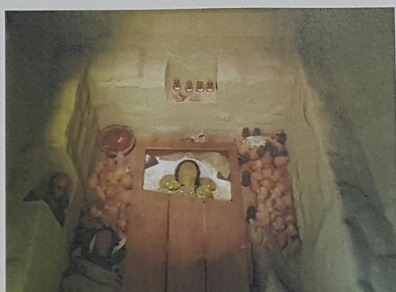
این تصاویر مربوط به سنگ قبرهای افرادی هستش که به زبان یا خط تصویری معروف بوده داده واشاره به شغل نعداد زن وخانواده تعداداملاک وثروت وکارهایی که در مدت حیاط انجام است. وغیره هستش ودر دوره بعد از اسلام این مورد وجود داشته



در تصویر زیر یک تابوت هنرکاری شده و طراحی شده زیبا را مشاهده می کنید:

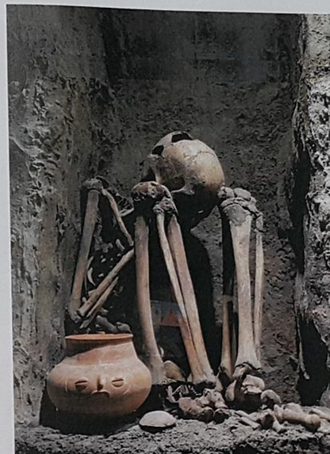


در تصاویر زیر انواع مقبره های پادشاهی , قبرهای صخره ای و سنگی , مزارهای اتاقی , مقبرهای باز و گشوده شده بسیار زیبا دیده می شود.لطفا توجه شود که تصاویر بلافاصله بعد از باز شدن قبرها گرفته و تهیه شده است



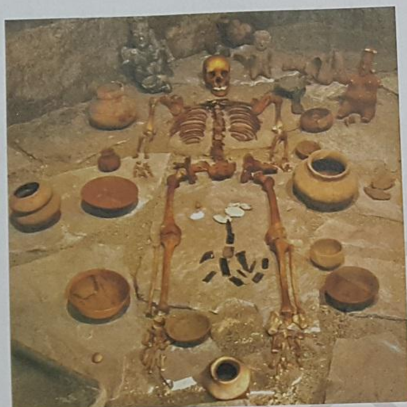


با عنایت به اینکه در زمان گشودن قبر ها برخی میکروبها در فضا منتشر میشود لذا ضروری است که مسائل ذیل مورد رعایت قرار گیرد. در قبرهایی که کوزه دارند آن را به محیط باز منتقل بدهید سپس سرکه ریخته و سپس با دستکش سر آن را بگشایید تا گازش خارج شود.

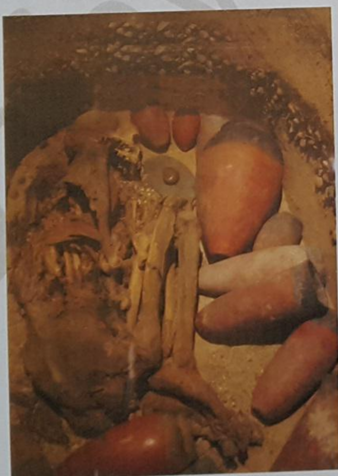




در زمان گشوده شدن قبر فورا از آنجا بدون اینکه نفس بکشید دور شوید.احساس خارش و تاول پوستی نشانه گاز گرفتگی است ,سریعا باید به درمانگاه منتقل شوید و تا آن موقع شیر و سکه بیاشامید چون حالت خنثی کنندگی دارند.



یک و یا دوساعت بگذارید تهویه قبر انجام گیرد.مواد خنثی کننده گاز قبر باید مدت ها در کنارتان باشد چون لازم می شود.



با آن دستی که قبر گشوده شده اصلا غذا را لمس نکنید. برای قبرهای شیمیایی حتما از لباس و ماسک شیمیایی استفاده کنید.



از وسایل شیشه ای شکستنی جدا پرهیز کنید که زود می شکنند.هر کجایی بویی مشکوک احساس کردید در آن مکان یا سرکه بپاشید یا اسفند دود کنید تا زودتر باکتری ها و میکروب های آن مکان خنثی شوند.



بارگاهها خطرناکتر از قبر هستند چون میکروبها در آنجا به شدت انتشار یافته اند بهتر است ۴ ساعت جهت تهویه آن مکان زمان صرف شود از آتش افروزی داخل آنجا پرهیز شود چون احتمال دارد داخل آنجا مواد کبریتی وجود داشته باشد و به محض اتش زدنن موجب انفجار مکان گردد



در زیر سمبل های قبرها را مشاهده می کنید:



حفره مزار کنده کاری شده



مزار عائله



سمبل و نشان مزار اتاقی



شده نشان و علامت مزار صخره ای و سنگی



یک سمبل مزار



مزار یک فرد متوفی مسیحی



صخره مزار (اتاقی)

تومولوس (تپه های دست ساز):

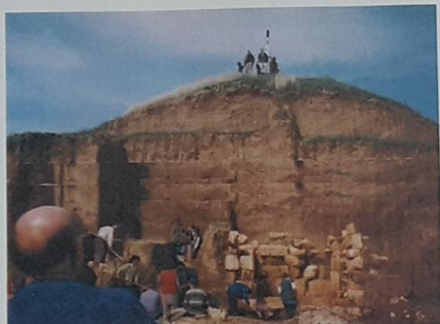
تومولوس نوعی از تپه های باستان هستند که در ایران و از زمان های بیزانسی و رومی و عثمانی رواج یافته است و در ایران بویژه از دوران اشکانی نوع تومولوس های مختلف که اکثرا برای پادشاهان و افراد درباری استفاده می شد ساخته و پایه رزیر شدند ک در انواع اشکال و فونداسیون های مختلف و دارای اتاقک و ترانشه و سازه های مختلف بودند و در ایران باستان جزو مناطق با اهمیت می باشند و باید در حفظ آنها بکوشیم.

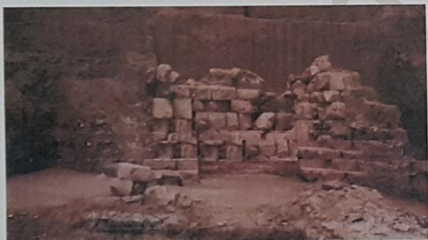
مزاری که برای پادشاه وخانواده پادشاه بوده و اتاقی است که اول بر روی زمین بنا شود و سپس با توده ای از خاک و یا تپه ای که از سنگ تشکیل شده , پوشیده می شود.این مزارها از طرف معماران روز ساخته می شد.نباید با نگاه به ظاهر بیرونی ان گول خورد, معماری عظیمی را درونشان حفاظت می کنند.پادشاه و یا افرادی که از خانواده پادشاه می مردند, با اشیایی که استفاده می کردند و هدیه هایی که دریافت می کردند. در اتاق سنگی و یا پوبی ساخته شده , به همراه جسد دفن می شدند.بلندی تومولوس و زیبایی معماری آن با توجه به ثروت و ارزش فرد مرده متغیر می باشد.آنها که ارتفاع بلندتری دارند برای پادشاهان پولدارتر می باشد. این بناها همیشه دارای ارتفاعاتی با ضرایب ۹ مثل ۹ , ۱۸ , ۲۷ , ۳۶ متر می باشد.

تومولوس ها تپه های ساختگی می باشند , علیرغم اینکه شبیه به تپه های کوچک دست ساز می باشند.ولی با توجه به ویژگی هایشان , از تپه های کوچک دست ساز متمایز می باشد. مشخصترین ویژگی آنها این است که به شکل قیف می باشند و درب آن تپه تنگ بوده و در زمین بنا , موزاییک , خشت , کوزه سفالی و خاکستر وجود دارد. اگر از دور و نزدیک به تومولوس دقت کنید , همیشه ساهتگی بودنش به چشم می زند و کاملا مشخص می باشد.

معماری درون و بیرون تومولوس , با توجه به ارزش فرد مرده و موقعیت جغرافیایی تغییر می کند. استاندارد مشخصی ندارد , در آنهایی که بیشتر از یک اتاق دارند , با سنگ های قلوه به اتاق مزار تونل هایی دارد که هیچ ویژگی معماری ندارد در بعضی از تومولوس ها هیچ قلوه سنگی وجود ندارد.

در ذیل نمونه تومولوس با زشده را مشاهده می کنید.

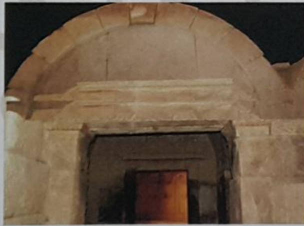








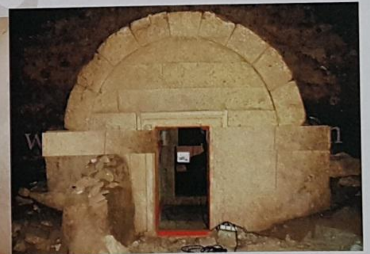






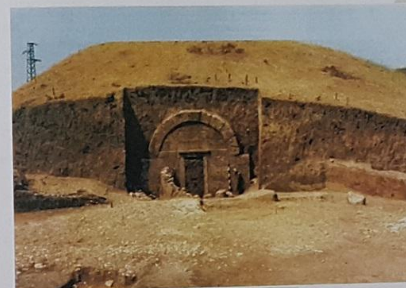






نمادها و تصاویری که در دیوارها و ورودی ها اتاق های تومولس کار شده است بیانگر اعتقادات مذهبی آن دوره و زمان رایج بوده است , بویژه در زمان مهر پرستی که اکثرا در غارها و اتاق های زیر زمینی مراسم ها ویژه مهر پرستی انجام می شد.





آرامگاه، که از برش سنگ tumuli، یک اتاق بزرگ و یک کوچک با یک ورودی طاقی شکل به طول دو گور در dramos که بیش از ۹ متر (سالن ورودی) تشکیل شده است از ساخته شده است.



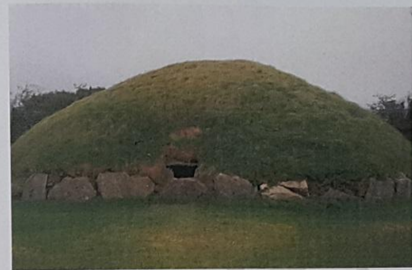






برای کسب اطلاعات بیشتر از تومولوس ها صحبت می کنیم . تومولوس: مزارهای مربوط به کشیش مدیری که در بین مردم زندگی کرده و مزار متعلق به خانواده های آنان می باشد.با توجه به اعتقادشان , به دلیل اینکه مرده ها به همراه اشیایشان دفن می شدند.

بی جلوگیری از دستبرد این بنا را ساخته اند.این مزارها که دسترنج ماهها تلاش صدها انسان می باشد.باری جلوگیری از دستبرد از لایه های زیادی تشکیل می شود.ساختارهای استانداردی ندارند.با توجه به ساختار منطقه متغیر می باشد. دارای یک و یا تعدادی اتاق مزار می باشد. در تومولوس هایی که بیشتر از یک عدد اتاق مزار دارند , تونل های ورودی وجود دارد.بعد از مرگ اعضای خانواده جسدش با استفاده از این تونل ها به مزار برده می شدند.ورودی این تونل ها در تپه های کوچک درون تومولوس بوده و برای جلوگیری از دستبرد تدبیرهایی در نظر گرفته شده است.



ورودی تونل های تومولوس های مربوط به مسیحیت در جهت غرب تومولوس ها می باشد. جهت شرق نیز مهم است.تومولوس ها اهرام های ایران هستند. مزارهای یادگاری و مقدس می باشند با حفاری های ناگهانی انها را نابود نکنیم , چون نسل های بعدی روی این خاک زندگی خواهند کرد. بافت تاریخی را نابود نکنیم !

در ذیل به معرفی تومولوس ها و تل های دست ساز خواهیم پرداخت:



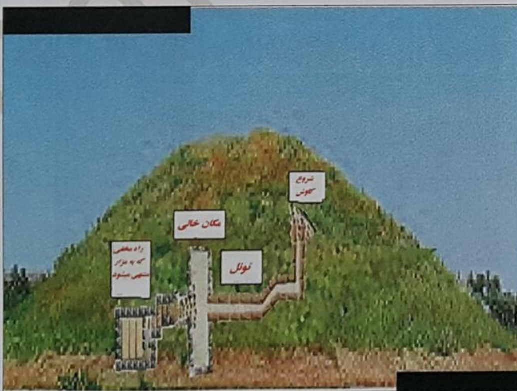
تصویر اول: در این تصویر همانطور که ملاحظه می کنیم ارتفاع این تومولوس ۸ متر است واین تومولوس یک راه ورودی دارد که بعد از گذر از یک دالان روبه بالا به گل ریز که بحالت خرپشته چیده شده میرسیم و بعد از طی این لایه به اتاق مقبره که بالای آن سنگ و الوار چوب برای حفاظت از آن بکار برده اند مواجه خواهیم شد

تومولوس با ارتفاع ۸ متر

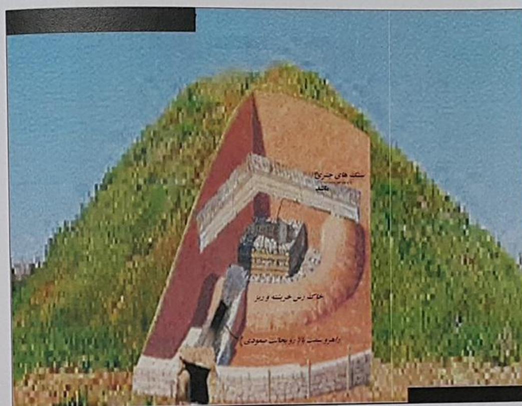


تصویر دوم یک تلی را مشاهده میفرمائین که راه اصلی مقبره را با سنگ چیدن کار کرده اند بعد از گذر از این لایه به اتاقک مزار می رسیم که جنس و بار نیز در کنار این مقبره یا جسد قرار دارد.

در این تصویر تومولوسی را می نگرید که دارای راهی اصلی به داخل است و به یک تونل می رسیم بعد از گذر وطی مسیر تونل به مکان خالی می رسیم که به حالت دراز کش قرار دارد واز آنجا نیز یک راه مخفی وجود خواهد داشت که با سنگ یا با ملات ساروج دهانه آن را کار کرده اند وبعد از رفع این مانع به هدف خود می رسیم.



همانطوری که ملاحظه می کنید این تومولوس مانند تومولوس تصویر اول می باشد با این تفاوت که بعد از گذر از راهرو صعود رو و خاک رس خرپشته و ریز به مقبره اصلی خواهیم رسید که بالای آن را با نوعی چیدمان بحالت چتری کار کرده اند که برای حفاظت بیشتر از مقبره بکار می رفت.



در این تومولوس اکثرا لایه ها با سنگ چیدمان شده اند با این تفاوت که در میان این سنگها یک تونل مخفی بوده که مستقیما به اتاقک مزار متصل است.باید بدقت بررسی کنید



در این نوع تل یا پشته مزار افرادی وجود خواهد داشت که مختص یک نفر نیست ۲ یا ۳ یا افراد بیشتری در این نوع مکانها بحالت دراز کش یا بحالت ایستاده دفن کرده اند و راه اصلی نیز با سنگ چیده شده است . توجه داشته باشید در این نوع قبور عمدتا جنسی وجود نخواهد داشت.

تل یا پشته مزار گذارده شده



در این تل یک تومولوس خاکی را مشاهده می کنین که در لایه اول خاک است در لایه دوم لایه ای از خاکستر وجود خواهد داشت که ضخامت آن نسبت به لایه اول بیشتر خواهد بود و از لایه یک لایه دیگری تا حود مقبره شروع می شود که جنس آن با دیگر لایه ها متفاوت تر خواهد بود. در لایه سوم سنگ چین را مشاهده می کنین که تقریبا ضخامت این لایه با ضخامت لایه اول یکسان است بعد از این لایه به لایه چهارم که لایه اصلی ما می باشد خواهیم رسید . در این لایه اتاقک مقبره وجود خواهد داشت و زیر مقبره اجناس مقبره وجود دارد . توجه کنید که مقبره درست در وسط تل و در عمیق ترین کف تل یا تومولوس قرار دارد.



در زیر مکانیسم تپه قلوه سنگی را مشاهده می کنید.

جوامع ارمنی و راهزنان به خاطر اطلاع از ضعف مسلمانان در خصوص قبر و مزار ها , پول ها و اموال خود را در این محل ها دفن کرده و بعدا برای باز پس گیری مراجعت می نمودند.به همین خاطر این قبرها را به شکل های مختلف درست می کردند. همچنین بخاطر وجود فرهنگ بد و آباد در فرهنگ مردمان ما ؛ نلم های افراد مقدس را بر روی مزارها نهاده به حفظ آنها کمک می کردند.در مورد این قبرها باید دقت کنید. امکان دارد قبر یک مسلمان به اشتباه تخریب گردد.بهترین کار این است که پس از تحقیقات لازم در خصوص قبر بودن یا نبودن آن و احتمال وجود خزانه در قبر قلابی اقدام نمایی.برای این کار محل باید مجوز داشته باشد. قبرهای قلابی معمولا دراز بوده یا قبله ها هماهنگ نیستند.صندوق های ساخته شده برای قبرها با توجه به عظمت فرد آرمیده دراز ساخته شده اند. نباید این قبهای دراز با قبرهای قلابی دراز در اراضی اشتباه گرفته شود

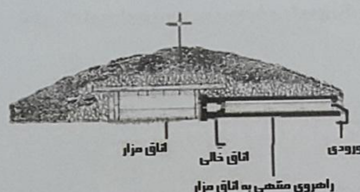
تپه قلوه سنگي و مكانيسم بار

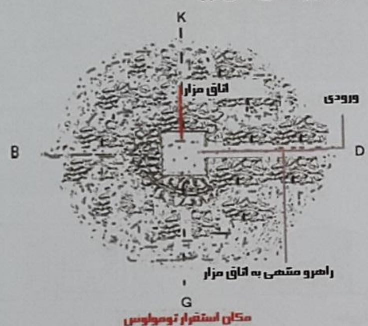


سازه زیر یکی از انواع تومولوس بوده که همانطور که میبینید از اتاق خالی (اتاق آیین) به اتاق مزار منتهی می شود و در بالای آن سمت ها و لایه های کاملا دست ساز به ترتیب مشاهده می شود.



در تصویر زیر نوع سازه ای که قرار است طرح اصلی تومولوس باشد را مشاهده می کنید:

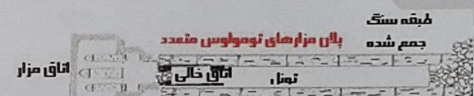






نمای یک تومولوس روی زمین مسطح یا روی یک تپه





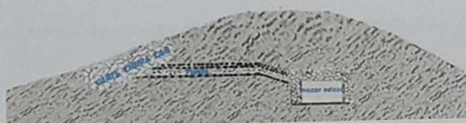

نمای اول


نمای دوم

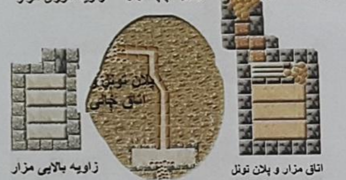

نماس سوم

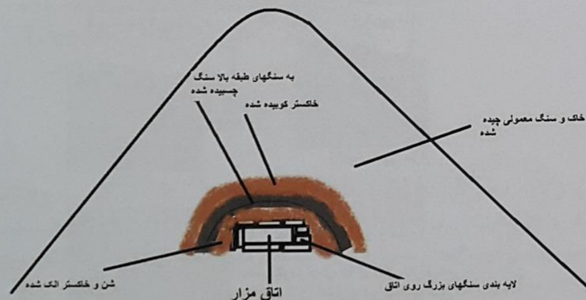













پلان مزار تومولوس با قسمت خاک پاک و تمیز شده

در ساخت تومولوس هیچ استانداردی همیشه وجود ندارد جهت جنوب غربی در بسیاری از منطق ها برای ورودی وجود دارد.


خاک و سنگ چیده شده داخل زمین تومولوس مزار مشاهده می شود


دیوار ضلع غربی


دیوار ضلع شرقی


لایه بندی ترکیبی مزار


قسمت شرقی مزار


زاویه غربی مزار


قسمت غربی مزار

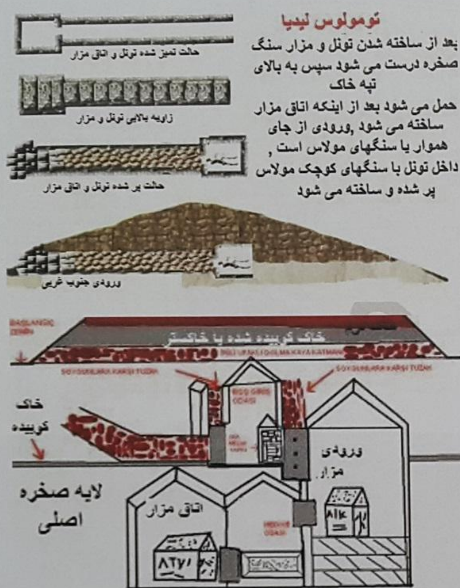

پلان سقف مزار و مقبره


ورودی

بعضی تومولوس ها 2 اتاق دارند که در یکی اتاق تدفین و در دیگری اتاق هدایای مرده قرار داده می شدند.ورودی منطقا از طرف جنوب غربی می باشد.

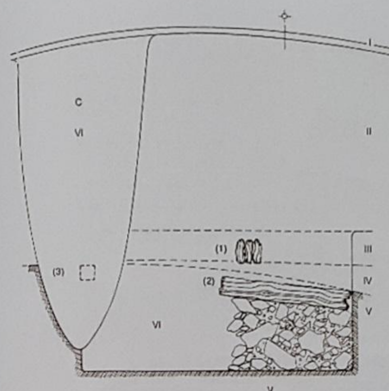
تومولوس لیدیا

بعد از ساخته شدن تونل و مزار سنگ صخره درست می شود سپس به بالای تپه خاک حمل می شود بعد از اینکه اتاق مزار ساخته می شود ,ورودی از جای هموار یا سنگهای مولاس است , داخل تونل با سنگهای کوچک مولاس پر شده و ساخته می شود

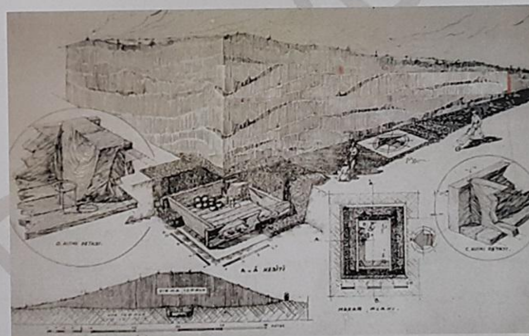


تومولوس های مزارهایی می باشد که برای خانواده پادشاه , پادشاه , آقایان منطقه و ثروتمندان ساخته شده است.تومولوس ها در نزدیکی مناطق مسکونی و روی تپه هایی که از مناطق مسکونی به راحتی قابل رویت باشد ساخته می شدند.اول در روی زمین اتاق قبر ساخته می شود , گاها نیز صخره زیر زمین کنده کاری شده و به شکل اتاق در می آید, جسد و اموالش را پس از اینه در این اتاق ها گذلشته شدند, با ابزار مخفی رویش را می پوشاندند.

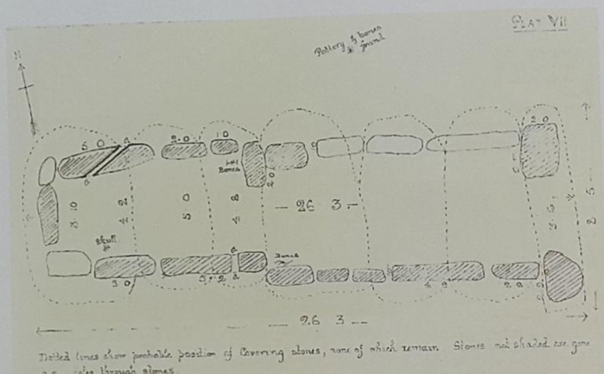
در تصویر و پلان زیر فونداسیون اصلی تومولوس را مشاهده می کنید:



طبقه نوک و قدرتی ریخته شده.1
2-4-5 لایه حفاظتی پایینی
3- لایه حفاظتی بالایی
C- لایه درست شده برای حفاظت سرقت
I - خاک موثر
II - طبقه شن
III- لایه خاک موثر
IV - لایه شن و ماسه مختلف
V لایه خاکستر مایل به سفید
VI شن برای محافظت از دستبرد و خاکستر ریخته شده سفیدفام (خطر تله)



ساختار تومولوس ها , رتبه فرد مرده در بین مردم , وضعیت زمین شناسی تپه ایی که تومولوس بر روی آن ساخته می شود و هدیه های مزار , از فاکتورهای نشان دهنده تفاوت موجود در ساختار می باشد. به همین دلیل , استانداردی برای ساختارهای تومولوس وجود ندارد.



نمونه پلان یکی از تومولوس ها

در تعداد زیادی از حفاری های باشتان شناسی مشاهده شده که تومولوس هایی وجود دارد که با ازبین رفتن مدنیت , مدنیت جدیدی به وجود آمده که آنها هم از آن تومولوس استفاده می کردند. نقاط مشترک در تومولوس ها به دو شکل مشاهده می شوند:

برش زیر را بررسی کنید:

-بالای تومولوس به شکل یک قیف بوده و کار ساخت تمام می شود.

اگر لایه های تومولوس را از بیرون به داخل ردیف کنیم:

۱-لایه متشکل از زمان ساخت تومولوس تا به امروز که عمق این لایه زیاد نیست.

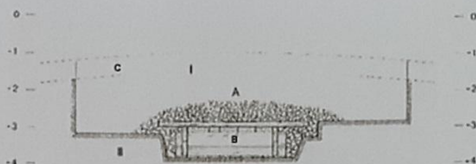
۲-لایه هدیه که از منطقه مسکونی مربوط به پادشاه خاک به عنوان هدیه آورده می شد.

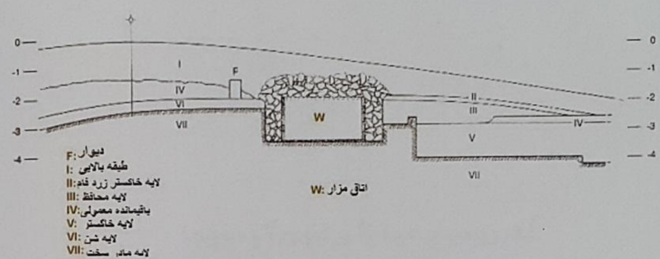
۳-لایه های خاک که از خاک منطقه به دست آمده (لایه بنا)

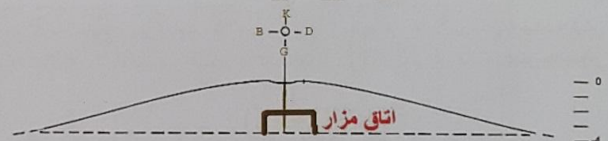
۴- لایه سنگ , لایه محافظ اصلی است.

۵-لایه خاک رس , که برای جلوگیری از نفوذ آب به مقبره مورد استفاده قرار گرفته است.

۶-اتاق مزار تشکیل می شود.







مزارهای با اتاق زیاد:ما به این ها تومولوس های خانوادگی می گوییم , ورودی داشته به اتاق های مزار توسط تونل های از قبل ساخته شده وارد می شدند و هرکدام از افراد خانواده که می مرند از این تونل ها وارد شده و مرده را در کنار جسدهای دیگر می گذاشتند.



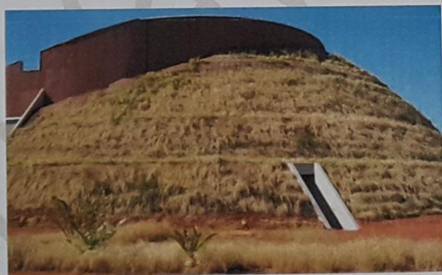
داخل یک تپه طبیعی یک صخره طبیعی ورودی مزار

ضلع دیواری اتاق تدفین

تونل منتهی مزار باز شده , سنگهای چیده شده دیده می شود

۲-تومولوس های تک اتاقه: در این گونه تومولوس ها , تونل و یا ورودی وجود ندارد ارتفاع تومولوس ها و لایه های آن به ما نشان می دهد که تومولوس ورودی دارد یا نه , در مورد ثروتمندی فرد به ما اطلاعات می دهد.

ورودی های تومولوس ها در جهت جنوب غربی و شمال شرقی بوده و اگر قرار است که این تومولوس ها با روش برش یک چهارم حفر شوند , اول باید برش اطراف جنوب غربی انتخاب شود.اگر نتیجه ندهد, برش جهت شمال شرقی باید انتخاب شود.



دربعضی تومولوس ها به جای اتاق قبر درزمین , صندوق های قبر تابوتی پیدا می شود, در بعضی از آنها سیستم تله و یا گمراه کننده هایی قابل مشاهده می باشد.گمراه کننده ها: بر روی قبر اصلی یک اتاق خالی درست می کنند و تونل هایی که به اتاق های تقلبی راه دارند و در بعضی از آنها نیز هدیه ها در اتاق دیگری می باشد.

همانطور که در گوردخمه ها وجود دارد, در بسیاری از مزارهای تومولوس ها نیز در زمان خودشان غارت هایی صورت گرفته است. از تومولوس ها , طلاهای درخشانی که دفینه یابان انتظارش را دارند پیدا نمی شود, از تومولوس ها اشیایی که شخص مرده در طول حیاتش از آنها استفاده می کرده پیدا می شود.

نقطه شروع

4.50 m.
3.50 m.
2.50 m.
1.50 m.
0.50 m.
0.00

ترانشه کامل خندق - 1,2,3,4
پایه اساسی - A,B,C
مکان پایه پر شده : - - -
مزار , محل برپایی اتاق تدفین X,Y

پلان کامل تومولوس

لایه خاک روکش داده شده - I
سنگ آهک پر شده - II
لایه سخت (خطرناک) -III
خاک کوبیده شده با دست -IV
مکانی برای دفن اسب شخص مرده -A

مکان برپایی تومولوس

مکان ورودی تونل = -A,B
حفره = B
لایه سخت (سنگ اصلی)= C
مکان مزار وقبر =D
مکان 1,2,3,4,5,6

سطح بیرونی غیر صاف و غیر یکنواخت : a-a
زمین :b-b
لایه صخره اصلی c_c
اتاق های مزار (قبر) :W

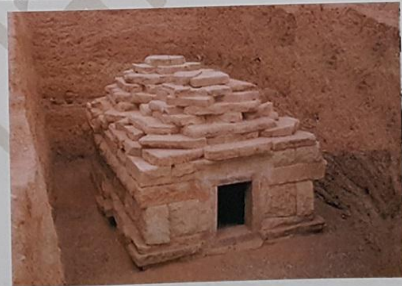
لایه شن و ماسه , سنگ ریخته شده : IA
لایه بالایی ریخته شده : IB
لایه طبیعی :II
لایه سنگهای کوچک ریخته شده :IV
خاکستر ریخته شده : V
لایه ساخته شده برای محافظت از دستبرد و سرقت : VI
گودال :A
گودال :B
تله :C
منطقه عمل :D

-لایه اصلی: فونداسیون, قربانگاه و اتاق مزار را دربرگرفته و لایه هایی برای حفاظت از دزدها وجود دارد.ما اینها را در بنای درونی توضیح داد.

acrshop

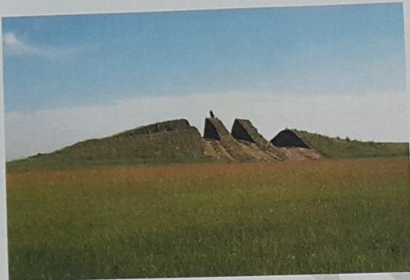


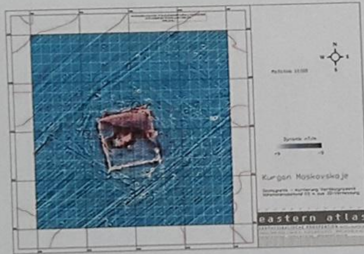




اتاق تدفین را طی کاوشهای باستانی بدست آمده است در تصویر بالا مشاهده می کنید.

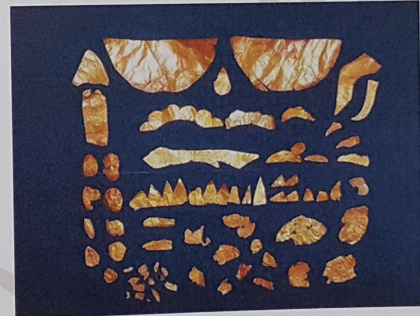
طرح باز کردن یک تومولوس باز شده:





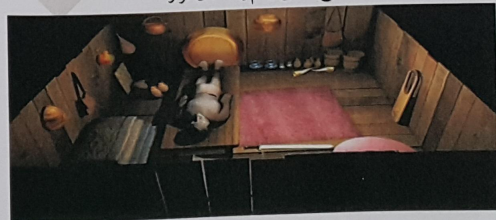




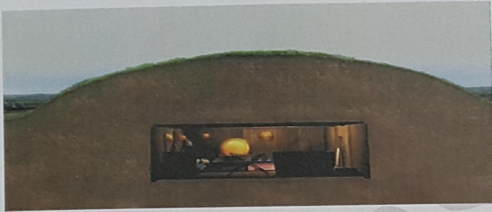


تومولوس ها چگونه ساخته می شود:

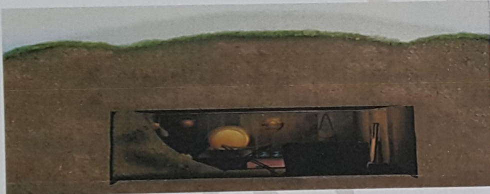
طرح تمثیلی رسم یک اتاق مزار

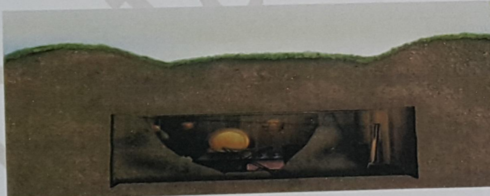


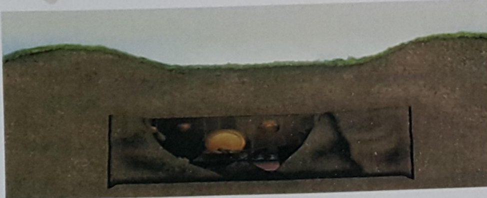
مثال گرافیکی یک زمین مزار اتاق تومولوس را مشاهده می کنید.باید بدانید که هر تومولوس یک ورودی یا یک تونل خواهد داشت و دربعضی تونل وجود ندارد.



اتاق مزار تومولوس را خاک از قسمتی فرا گرفته است.







با گذشت زمان اتاق مزار با خاک ها پر می شده است که قسمت بالای ان اندازه گرفته می شد.این نوع تومولوس ها در اراضی ما قابل مشاهده است .در مابین آنها فضاهای خالی بعضی دیده می شود.اینها هم می تواند یک اتاق یا یک تونل و یا هم یک زمان را نشان دهد.



گازهای موجود در تومولوس در تصویر نشان داده شده است .این گازآرکولوِژی باعث آسیب دیدن آثار و هم آثار مخرب روی آثار انسانی نیز دارد. .







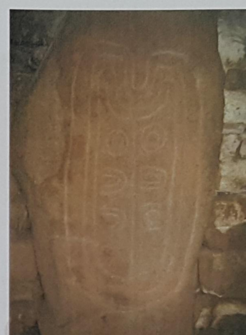


طراحی داخلی تومولوس ها را مشاهده کنید:







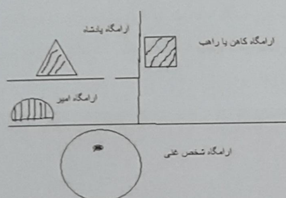


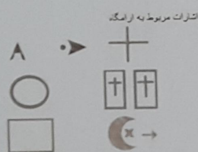


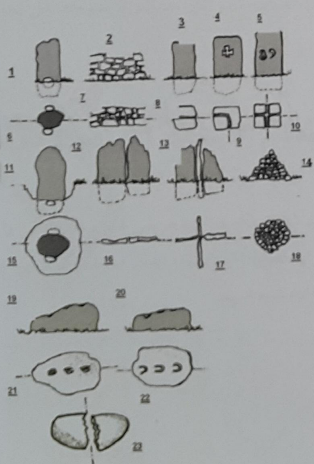
در مورد اتاقهای سنگی یک پارجه ویا اتاقهای کاملا ساروجی بگویم بعضی مواقع درون این اتاقها یک درب مخفی ویا تونل مخفی وجود داره که به هیچ عنوان قابل شناسایی نیست جون خود سنگ صاف وسیقلی هستش وساروجی هم که برای اتاقها بکار میبرن داخل انها معمولا صاف وصیقلیه, خوب در چنین مکانی واقعا چطور می شود راه ورودی رو تشخیص داد.

توی این اتاقها رو باید با دقت نگاه کرد ودید که کجای این اتاقها از همه جا صافتر وصیقلی تر هستش همونجا رو مد نظر بگیرید وبا یک برس سیمی شروع به تراشیدن کنید کم کم اون شیاری که مربوط به جهار جوب درب هستش مشخص میشه ومیتونید درب پلمپ شده رو ببینید

علامت و نشانه ها قبر:







علامتها ونشانه های قبر ها

بخش دائره المعارف باستان شناسی علائم و آثار:

دفینه چاه ها:

این سنگ نشان دهنده کروکی غار است.این سنگ متفاوت که قابل مشاهده است در ۲ متری آن در یک زمان معین از آن بالا می رفت و دهانه ورودی اتاق از آنجا بود.در یک زمان دیگر در چاه ۱۳۰ سانتی متر در دیواره های آن یک سنگ متفاوت بود و آن سنگ متفاوت نشان دهنده ورودی اتاق بود.



در ۸ متری این چاه قسمت پایین آن یک اقلیمی وجود داشت ،انسانهایی که این نوع چاه ه را ساخته بودند از آن استفاده می کردند و آب این چاه هیچ زمانی خشک نخواهد شدو اتاق خشک خواهد ماند ،این تجربه ای بود که خودم به عینه دیده بودم...

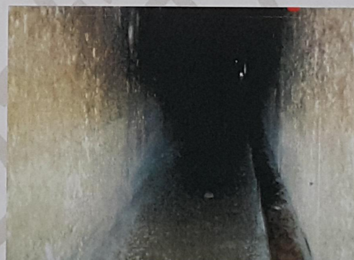
گورهای چاهی:

این گورها که بصورت چاهی عمیق بودند در ایران فقط در یک محل یعنی آکروپول و شهر شاهی در منطقه شوش شناسایی شده است..

در این شیوه ، چاهی عمیق به عمق ۱۰-۱۵ متر ایجاد شده استکه در انتها عریض شده و اتاق تدفین را تشکیل می دهد. این چاه ها بر ویرانه ها و بقایای به جای مانده از حصارها ایجاد شده اند.در نمونه دیگر از این تدفینها پس از کندن چاه در انتهای آن ، راهروی طویل و افقی ساخته شده است.



نکته مهم:در چاه ها گازهای سمی متان وجود دارد،به شما همراه داشتن نکات ایمنی و ماسک ایمنی را پیشنهاد می کنیم ، لطفا جدی بگیرید.



درب ورودی تونل ها و دهلیزها:

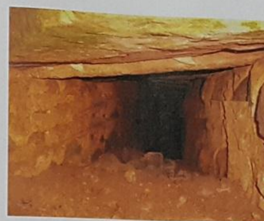


درب های ورودی تونل ها و دفینه ها را از سطح زمین تا دهانه چاه ورود معمولا ۲ الی ۴ متر سر چاه را با خاک پر می کردند و حتی بعضی از چاه ها داخلشان را هم با خاک دستی پر میکردند و دفینه ای که در این چاه ها مدفون است معمولا خزانه است و بار زیادی در آنجا نهفته است.. راجع به درب این چاها باید عرض کنیم درب ورود این چاه ها وقتی که به کف چاه رسیدیم باید شروع کنیم دور آن را خالی کنیم که سنگی گرد همانند سنگ آسیاب نمایان میشود که باید آن را کنار زده و داخل آن شد بیشتر این چاه ها سربار هم دارند که در وسط چاه یا به صورت سنگی غریب یا ساروج نمایان است.

این تونل ها و دهلیزها داردی راه طولانی و دالانی و مارپیچ مانند دارد...نشان دهنده مدنیت و ملازمه حیات انسان در روزگاران قدیم بوده...یکی از مکانهای حیات در قدیم این مکانها بوده است برای دفاع از دشمنان و حفاظت خانواده ها، که گویای حیات بوده است.زمین اینها را چون در داخل خود حفظ کرده است که عقل و دیدو ما در نگاه اول آنها را نمی بینید



این ها ۳الی ۳.۵ متر در صخره ها و سنگ ها عمق دارند.با یک سنگ بزرگ پلمپ شده هستند (که می تواند سنگ آسیاب ورودی آن باشد)در روی یا زیر این سنگ ها کروکی محل ترسیم می شده است (که رمز شغل دفینه گری است) نسبت به این کروکی باید حرکت شود.



در ورودی یا ته چاه این تونل یا تونل ها قرار دارد که طول آنها ۱۹-۲۱ مترتخمین می شود.عرض آن ۵۵-۸۰ سانتی متر یو کسگلیکی آن ۱۵۰ سانتی متر می باشد.باید به موارد زیر دقت کنید:

۱-در زمین تونل و دهلیز یک سنگ متفاوت وجود داشته باشد

۲-در دیواره تونل و یا دهلیز یک شیی متفاوت یا سنگهای فیگور شده باشد.





کلیسا:

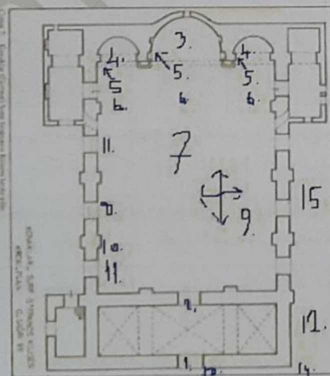


۱-بعد از وارد شدن در طرف سمت چپ ورودی یک سنگ علامتی وجود دارد آن را خیس کنید تا معلوم شود و مال آنجاست.

۲-درب ورودی سه عدد است , ورودی درب وسط را به طرف بالا و پایین آن را چک کنید .. و به زمین آنجا نگاه کنید در آنجا فلز وجود دارد اگر باشد دفینه انجاست.

۳-یک الی ۱.۵ متر از زمین و دیوار های محراب ها را کنترل کنید.

۴-به منبر و محراب ها بدقت نگاه کنید . اشیاء حک شده باید در یک جای خوب دیده شود .اگر دایره یا یک حک شده باشد دفینه آنجاست



۵- با دقت داخل چهار گوشه محراب یا دیوار های محراب را پاک و تمیز کنید. در زمین یا دیوار آن چهار عدد سنگ وجود دارد که بعنوان ورودی پلمپ شده است .دفینه انجاست.

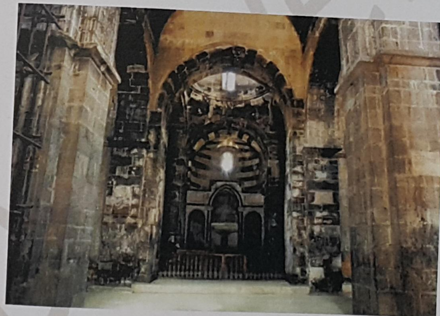
۶-چهار قدم بسمت عقب محراب ها قدم بردار در زمین سمت راست یک علامت وجود دارد آنجا یک جسد وجود دارد فریفته نشوید.در سمت چپ یک جسد وجود دارد .در آن را با دقت باز کنید و زیور آلات آن را جمع آوری کنید.

۷-به دیوار محراب نگاه کن حال به سمت چپ بالای دیوار محراب با دقت و ذره بین نگاه کنید زیرا که در آنجا نقشه محراب وجود دارد.

۸-صبح ها در ساعت ۸ صبح که خورشید طلوع می کند , اولین پرتوهای خود را در جنوب شرقی می زند، در آن ساعت آنجا باشید و نگاه کنید زیرا هرچه وجود دارد آنجاست.

۹-خارج از کلیساها از طول و عرض با دقت آنجا را دقت کنید هر چیزی که یکسان نباشد و متفاوت باشد آنجا را بررسی کنید.

۱۰-به محل دیوار یا زمین شرق کلیسا با دقت نگاه کنید، ببینید چه چیزی در آن وجود دارد، اشاره و علامتی است هر چه هست در آنجاست.



۱۱-پشت به دیوار داخلی بایست سپس به سمت راست انتهای شرقی صلیب داخل و خارج بصورت ضربدری نگاه کن به هر دو طرفش اما به بیرون برو آنجا به نهر دره نگاه کن ببیند که کدامین علامت وجود دارد و ببینید که آخرین محل آنجاست.

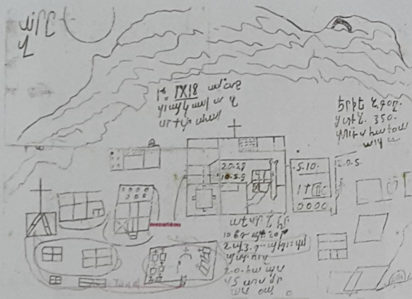
۱۲-شما ۳ .. ۴ عدد سنگ خواهید دید , سه عدد می باشد با دقت نگاه کن , سه عدد درخت خواهید دید به طرف وسطی برو یک عدد سنگ خواهی دید در زیر این سنگ یک مشت سنگ گران قیمت وجود خواهد داشت.

۱۳-محراب را بهتر مشاهده کنید برای بهترین در دیواره در خارج از درب نگاه کنید ۴..۵ عدد سنگ بعنوان زیارتی وجود دارد و در زیر آنها مال وجود دارد.

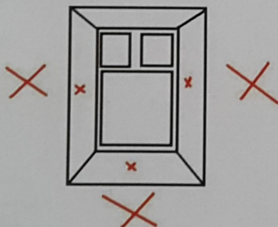
۱۴-در آنجا یک چشمه وجود دارد به سمت طلوع آفتاب نگاه کنید و به وسط و اطراف چشمه با دقت نیز نگاه کنید.

۱۵-تا ۲۵۰ متر دورتر از غرب کلیسا زمین هارمون و خرمنی وجود دارد. پیدا کردن وجود دارد ..

۱۶-اعداد و ارقام علامت و اشاره هستند، اما در ورودی سمت چپ و ورودی راست محراب در سمت راست ورودی کشیش وجود دارد اما بطور کلی قبر و مزار کشیش ها می باشد.



دفینه پنجره خانه ها:



تصویر این پنجره ای که مشاهده میکنید دارای دفینه بوده وبا ضربدر قرمزی مشخص شده است،ضربهای بزرگ اراضی دارای دفینه بزرگ رانشان می دهند

دفینه ها پل ها:



در ایران پل های بسیاری از نظر تاریخی وجود دارد و این هنر از دیر باز در ایران بوده است.مهم ترین دفینه در این قسمت بیان می شود که در کجا قرار داشت؟ باید عرض کنیم که این دفینه ها در پل ها و قوس های پایه های پل ذخیره می گردد.در بعضی قسمت ها باید تا ۱۰۰ متری پل بررسی گردد در پایه های پل یک سنگی یا آجری قرار می دادند که اگر آن را بیابید به گنج خوب رسیده اید البته این سنگ متمایز تر از دیگر سنگ ها بود که در پایین تصاویر ی از آ ن را مشاهده می کنید:



برای افراد دفن کننده گنج، پایه های پل ها نیز به اندازه مناطق اطراف آنها مناسب و مهم بودند. مخصوصا در مورد پل های سنگی علایم و نشانه هایی را می ابیبم که قسمت پایه آن را نشان می دهند. این علایم گاهی برای ما به منزله نشانه ها و خطوط تزئینی می باشند،لکن در اصل به مفهوم اشیای مخفی شده می باشند. هیچ موردی را نمی توان به همه تعمیم داد؛ ولی از انجا که ادعاهایمان در اکثر جاها تصدیق شده، بنابراین از مطرح کردن آن نیز عبایی نداریم . در پایه چنین پل هایی علایمی نظیر صلیب، گل، دایره و خورشید مشاهده می وشند. علایم کلی اینها هستند. البته استثنا نیز وجود دارد.

تمام پلهای ایران دارای دفینه نیستند و فقط پلهای مربوط به یک زمان خاص دارای دفینه هستند.



در زمان صفویه برای همه کاروان سرا ها و پلهای ساخته شده چند خمره سکه دفن می شد.



.البته در این جاها حفاری بسیار شده است و خیلی از آنها از بین رفته است ولی این را گفتم که در پلهای دیگر و کاروان سراهای دیگر دنبال دفینه نگردید



ساخت این پل در زمان شاه عباس بوده البته در زمان قدیم هم در ایران از پل استفاده میکردند و درختان را قطع میکردند و پل میساختند ولی در زمان شاه عباس اوج ساخت و ساز و ایجاد پل های فراوان در سراسر کشور بود و مردم در آن زمان دیگه متحمل این نبودن به خاطر رفتن به آن سوی رود خانه های طویل مسیری طولانی را بپیمایند.



چون در آن زمان دولتها آنقدر پیشرفت نداشتند که بتوانند اورگانی را مختص به راه سازی داشته باشند رو این حساب خرجی رو برای پل در نظر میگرفتند و آن را در پل جاساز میکردند تا در مواقع احتیاج آن را برای پل خرج کنند.



در پایه پل که معمولا در پایه اول جاساز میکردند به اندازه دو متر از سطح زمین به سمت بالا و نیم متر داخل پایه در طاق پل زیر یک آجر که اگر دقت کنید قرار می دادند.

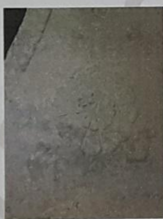


مطلبی که در این قسمت باید عنوان کنیم این است که باستان شناس باید دید باستانی و شمه ان را دارا باشد همانطور که در پل زیر می بینید تمامی سوراخ هایی که کار شده همه در یک امتداد بوده به غیر از یکی که دارای بی نظمی بوده و با فلش قرمز مشخص شده است که محل دفن خمره ان مکان بوده است.پس باید دارای شمه باستان شناسی نیز باشیم.



دفینه معابد:

در زمانهای قدیم و گذشته اماکنی بعنوان آتشکده یا معابد در دل صخره ها که از سنگ تراشیده شده بودند وجود داشتند که برای پرستش گاه و اجرای آئین های مذهبی می ساختند.سر در ورودی این مکانها از گل های ۸ , ۱۲ یا ۱۶ پر نیلوفر یا از تصاویر قهرمانان و پهلوانان استفاده می کردند یا از گلهای دیگر استفاده می شد.چون گل مظهر و نماد پاکی بوده است و مکان , مکانی مذهبی و پاکی بوده است بنابراین از سمبل و نماد گل استفاده می شده است.



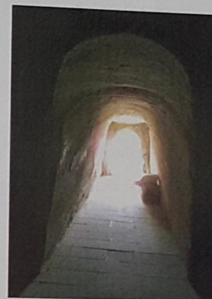
با گذشت زمانهای قدیم از این مکانها در دوران قبل از اسلام بعنوان آتشکده , در دوران اسلام بعنوان امام زاده و اماکن نذر و نیاز و در دوران صفوی که اوج شکوفایی معماری اسلامی بوده مورد استفاده مردم قرار می گرفته است.

یکی از پر رونق ترین معابد آناهیتای دوران اشکانی و ساسانی بوده است.آناهیتا فرشته آب و باروری بوده است و در زمان اشکانیان بسیار مورد توجه قرار گرفته است



احداث معبد را به دوره اشکانیان نسبت داده اند و در اطراف آن سفالهای این دوره و قبور اشکانی بر جای مانده است.گورها که عمدتا در قسمت شرقی دیوار معبد هستند به سه دسته تقسیم میشوند. دسته اول به قرن دوم پیش از میلادتا ابتدای میلاد مسیح

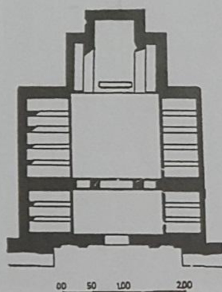
تعلق دارد و در بعضی از آنها سکه های اشک پنجم واشک سیزدهم به دست آمده است.دسته دوم متعلق به قرنهای نخستین میلاد مسیح است.در این دوره اجساد را درون تابوتهای سفالی قرار می دادند.دردسته سوم مردگان را درون کوزه قرار می دادند. از دوره ساسانی نیز علایمی بر روی سنگها دیده میشود.شاید در این دوره معبد را مرمت کرده باشند. در دوره های مختلف اسلامی نیز در این محل زندگی جریان داشته است

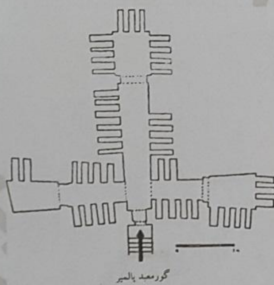


همانطور که در تصویر بالا مشاهده می کنید جنس سر در دیوارها ضخیم و کلفت و با طرح معماری بالایی کار شده است و از درب ورودی تا سالن اصلی تقریبا ۷ متر فاصله وجود داشت و معماری داخل سالن یا مکان اصلی بشکل گنبدی می باشد.خزانه و دفینه های موجود در این اماکن زیر این اماکن در حدود ۷ متری در زمانهای آتشکده مورد استفاده و ذخیره قرار می گرفت.

گور معبد:

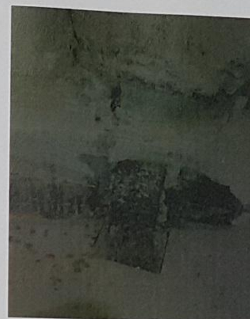
معمولا جلوی این آرامگاه ها نمونه هایی از تندیس های انسانی یا دیگر نقوش وجود دارند. از این نوع آرامگاه ها نمونه هایی در خارج از ایران از جمله نسا در ترکمنستان و پالیمر سوریه دیده می شوند.در داخل ایران تنها در جزیره خارک دو گور معبد شناسایی شده است. در این جزیره اقوام پالیمری از بناهای معروف به گور معبد برای قرار دادن اجساد استفاده کرده اند و این دو بنا ، گورستان یا مکانی برای آیین نیایش وامانت گذاشتن اجساد بوده است.تصور می شود این بناها برای هر دو منظور به کار می رفته ، یعنی علاوه بر نیایش و انجام مراسم های مذهبی ، اجساد را در تابوتهای چوبی قرار داده و در گور معبدها نگهداری می کرده اند.جایگاه تابوتها به صورت کشویی ساخته شده و وضع ظاهری انها موید این است که این تابوت ها ثابت نبوده و در موقع لزوم می توانستند به سادگی آن را از جایگاه خود خارج کنند و به مکان دیگری که شاید همان وطن اصلی پالیمریان بوده منتقل سازند.





گور معبد پالمیر

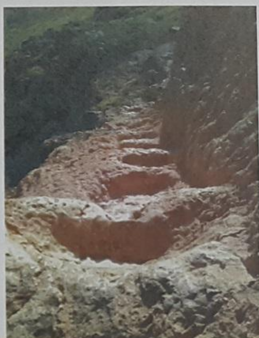
در این نوع مکان ها , در داخل مکان اصلی جایی کوچک برای قربانی کردن و آئین های مذهبی مورد استفاده قرار می گرفت که در زمان اسلام بعنوان محراب و در دوره قبل از اسلام بعنوان مکان قربانی و نذورات بوده است.



در زیر یک منطقه معبد زیر زمینی را زیر درخت مستقر شده است مشاهده می فرمایید:



بار موجود در پله ها:



پله ها بستگی دارد که به چه صورت وچند عدد ودر چه محیطی باشند مثلا در غار یا اتاقک ویادر سینه کوه و یادر دامنه کوه .این تصویربایید بصورت واضح مشخص بشود که دقیقا در چه قسمتی از کوه وچند عدد ونوع ساختن انها به صورتی است که آیا خود پله دارای دفینه یا نشان بعدی است یا اینکه شما را به خزانه ویا ارامگاه هدایت می کند و یا اینکه راهی برای رسیدن به قلعه یا عبادتگاه و یا غیره می باشد.معمولا راه پله هایی که در غار یا اتاقک هستند دربعضی ازموارد در زیر پله دوم یا دارای یک راهرو یا دارای دفینه میباشد وراه پله هایی هم که در صحرای باز وجود دارند باز هم در بعضی ازموارد در راه پله دوم یا دارای دفینه ویا دارای نشان بعدی برای رسیدن به هدف می باشند واینکه بفهمید که راه پله شما را چگونه به طرف ارامگاه و یا خزانه می برد دارای دیدگاه های جامعی است که توضیح داده ایم.



دیدگاه اول:شروع از پله ها به پایین به معنای گنج است. هر کدام از پله ها که کوچکتر یا متفاوت است ،نیاز به یک تحقیق و بررسی خوب دارد .



دیدگاه دوم:ورود به سیستم مهم است. شکل نمادی از تغییر است. با توجه به شیب و بلندی و یا فراز زندگی تعبیر می شود در ارتباط با رقم های عجیب در نشانه ای از پله ها دیده می شود. بازتاب برخی از باورهای اساطیری در اعداد پله انعکاس پیدا کرده است. شماره های فرخنده در نظر گرفته عبارتد از (۳-۵-۷-۹-۱۱-۴۰-۷۰) به طور کلی، در معابد شماره عجیب و غریب از ارقام دیده می شود. با پای راست برای شروع برای ورود به معبد استفاده می شده است.

هنگامی که تشخیص داده، نشان ورود به سیستم به یک عنوان , نماد پله ها به سمت بالا نشان دهنده الوهیت است. مربوط به فضای یک فرد متوفی است. اگر شما یک اشاره را به سمت زمین دانسته و یا اگر اینکار را نکنید، نشان دهنده منادی رویدادی از ناشناخته ها و نقطه های پیشرفته است که بدان معنی است که چیزی مخفی و مهم وجود دارد.در این حالت زیر سنگ های محل شروع پلکان که به نام "آستانه" معروفند از نظر جستجوی گنج از ارزش زیادی برخوردارند.

راه پله رو هدفی برای رسیدن به متعالی و والا ترین کثرت است. نشانه های راه باید بسیار با دقت مورد بررسی قرار گیرد. در عین حال، نشانه های کوچک قابل درک و هدایای کوچک قابل درک باشد و عکس این قضیه هم صدق می کند. آنها می توانند گمراه کننده باشند.موضوعی که غیر از موارد فوق ما را به تامل وا می دارد , علامت گذاری یکی از پله ها از سمت بغل به وسیله اسکنه می باشد.این علامات اغلب بر روی پله های با شماره فرد و از کناره ها گذاشته می شود مثل ۱-۳-۵-۷ و...



دارای اهمیت است و از علامت ها دارای اعتبار است و بر آن مساله قیاس منطبق نیست به طوری که از آن درجه یا دو یا سه درجاتی را می بینیم که بر روی زمین ظاهر می شود وبرایتان اینکه انها را تکمیل کنی مساوی نیست.

زمانی که یکی از درجات آنها را همراه سنگ کاسه یافتید پس بدانید که به مدخل صخره ای دلالت می کند که مقابل این سنگ کاسه به مسافتی که از ۲۰ متر تجاوز نمی کند می باشد.

سنگ مربع که کنار آن سنگ کاسه باشد پس به مدخل سردابی سپس اتاقی اشاره می کند.

توجه :این سخن بر درج های عادی که در جانب مناطق مسکونی منطبق نمی باشد و اینکه در آنها سنگ کاسه نباشد...
چیزی که در این مقام با ان مواجه می شویم آن است که : هر چه قدر هم که بر روی پله های سوم و پنجم علامت گذاری شده باشد , به همان اندازه فریبی است که برای انحراف از مقادیر زیادی گنج مخفی است.



سه مرحله از گنج دارای گفته شدن است. آستانه به اصطلاح از اولین رقم در نظر گرفته می شود.
در پله های ۱-۳-۵ نشانه ای از نشانه ها به دقت بررسی شود. این ممکن است برای گمراهی باشد. همچنین یک مکان خارج از پله ممکن است دفینه داشته باشد.
در این میان، لوازم جستجو در خانه و استفاده از فلزیاب ها مورد نیاز است.
این نماد سه پله یک نمادی است که به قبر ۳ فرد اشاره می کند

دیدگاه سوم:این پله ها در روی بستر سنگ و صخره های اصلی معمولا گورستان ها و محل معابد اصلی روی صخره ها دیده می شود. به ندرت، به قبرهایی که آن قبر در بالا بوده و غیر قابل دسترس بوده فرود می آید و تعداد آنها یا ۵ یا ۷ بود که بالای آرامگاه حک شده بود و یا باید به دنبال آن بوده باشید .با این حال، پله ها در همه زمان ها منتهی یا نشان دهنده مقبره نیست. هدف اصلی این است، به مقدار زیادی استفاده می شود.
دیدگاه چهارم:اگر یک راه پله روی سنگ حک شده باشد ,بسیار ارزشمند است. تعداد ارقام، معمولا فقط شماره مهم است.بعد از بالا رفتن از پله ها یک مکان مسطح خواهد بود که محل گورستان یا محل قربانی می باشد.بعد از بالا رفتن ممکن است سنگ مسطحی باشد که مقبره یا آنجاست یا از طریق خروجی سنگ بستر از طریق این ستون سنگی , آرامگاه دیده می شود.به ویژه آرامگاه یکی از سمت چپ ممکن است مهم باشد. عدد و رقم ۵ عددی مهم بوده و تعدادی از مکانهای باارزش باید این عدد را داشته باشند.

نماد پله یا بالا می رود یا پائین .برای مشخص کردن جهت بالا یا پائین در گوشه ای از نماد پله یک دایره کوچک یا شیار وجود دارد.نماد پله اشاره به دو نوع هدف یکی مقبره پادشاهی و دیگری خزانه دارد.

قبر:



حفره ای به عمق یک متر در زمین و سپس کندن یک محفظه ای کوچک به انداز بدن میت در داخل آن و سپس قرار دادن بدن در آن محفظه پوشاندن آن با اجر و خاک است.البته در هر تمدن و آینی عمق و نوع قرار گیری ساختار قبر متفاوت می باشد.

قبر اولین منزلگاه انسان بعد از مرگ است , جایی که از او سوال می شود و بعد از آن یا آتش سوزان و یا بهشت رضوان است.

قبور حرمت دارند نباید برروی آنها نشست ,حضرت رسول ما را به زیارت قبور فراخواند البته از تعظیم کردن در برابر قبرها منع کرد.

در ایران انواع آئین های تدفین در انواع دوره های اشکانی – هخامنشی- ساسانی و دوره های اسلامی با انواع و اشکال مختلف وجود دارد.

از جهت تاریخی قبرها در گذشته بر روی صخره ها کنده می شدند و و در برخی تمدنهای دیگر قبرها را بالای زمین و در یک ارتفاع مشخص می کنند , مصریان اعتقادداشتندروح میت بعد از مرگ به قبر سر می کشد از این رو آنها برای قبور مردگان خود اهرامهایی می ساختند.



برخی از این قبرها دارای وسایل شخصی میت هم می شد.

دانشمندان مطالب زیادی را از تاریخ گذشتگان در مورد این قبرها دانسته اند,یهودیان قبرهای خود ر را برروی صخره ها می کندند ولی بسیاری از قبرهای یونانیان ساده بود بجز قبر هایی که در ناحیه آسیای صغیر پیدا شده اند که مشهور ترین آنها مقبره موسولوس در هالیکرناس در کارنا است

همچنان گورهای رومیان در مسیر جاده های ایبان واضح و آشکار است ولی نصارا های قدیم قبرهای خود را در اتاقی در زیر زمین مدفون می ساختند و به آن اتاق سرداب میگویند.

سرداب و یا زیر زمین:

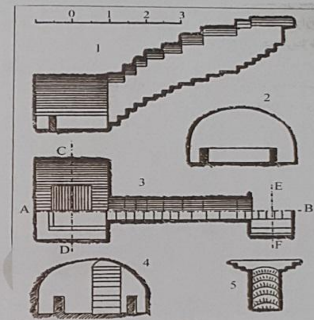


سرداب اتاقی کوچک در زیر زمین است و مسیحیان در گذشته ها مردگان خود را قربانی در گیری های داخلی کلیسا می شدند, در داخل آن اتاق دفن می کردند حتی برخی از آنها اعتقاد داشتند که محرابشان باید برروی اتاقی بنا گردد که روزی آن

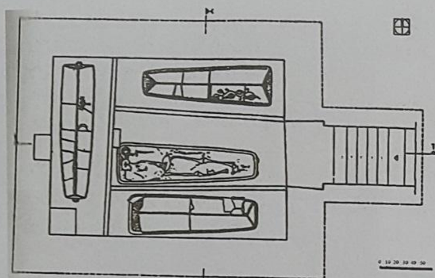
اتاق هدف او خواهد بود از معروفترین این سردابها میتوان به سرداب کنت در انگلستان و کلیسای جامع گلاسکو در اسکاتلند اشاره نمود.

آرامگاههای سردابه ای:

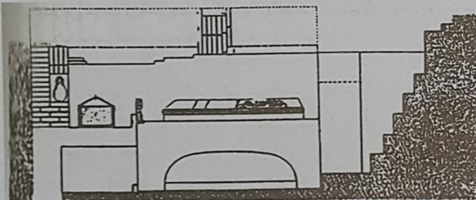
در این نوع تدفین ابتدا آرامگاهی ر در زمین ایجاد کرده و سپس با استفاده از تابوت اجساد را دفن می کردند. از این گروه تدفین در دو محل گلالک در شوشتر و شهر صنعتگران در شوش ، هفت نمونه به دست آمده است که پنج نمونه آن در گلالک قرار دارد. این آرامگاه ها با آرامگاه های یافت شده در ژالیمر سوریه قابل مقایسه اند و بهترین نمونه در پالیمر آرامگاهی است که در حفاریهای سال ۱۹۹۲ هیئت ژاپنی ان را شناسایی کرده اند.

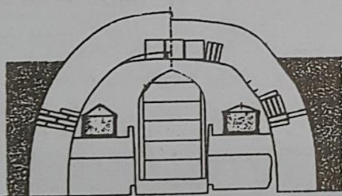


آرامگاه های سردابه ای شوشتر در قسمت ورودی پله و در اتاق اصلی اغلب سه سکو دارند که روی آنها تابوتهای سفالینی را قرار داده اند.این تابوتها از دو نوع لعابدار و منقوش و بی لعاب ساده اند. معمولا زیر سکوها خالیست و در داخل انها جسد را به حالت آزاد دفن کرده اند. در این نوع ، در داخل تابوتها اشیای متنوعی شامل سفال ، اشیا شیشه ای ، سکه و زینت آلات به دست آمده است. سکه های بدست امده به پادشاهان الیمایی مربوط است. نوع دیگری از این ارامگاه ها بدون سکو بوده و پله های کمتری در قسمت ورودی دارند.در این آرامگاه ها تابوتها را روی کف قرار می داده اند ، علاوه بر این زیر کف هم تدفین انجام می شده است. در خارج از این آرامگاه ها تدفینه ای دیگری نیز شناسایی شده اند که همراه آنها ظروف سفالی لعابدار و بی لعاب به دست امده اند ، در مجموع در آرامگاه های سردابه ای جهت خاصی برای تدفین رعایت نشده است. آرامگاه های سردابه ای شهر صنعتگران شوش با نمونه های شوشتر شباهت دارند.



برش عمودی و افقی آرامگاه سردابه‌ای دستوا





پلان یکی از سردابهای تدفینی گلالک

سنگ بنای تاریخی:



سنگ بناها توسط انسانهای ماقبل تاریخ از سنگهای بزرگ برای اهداف کندن قبر و تدفین و یا برای مقاصد مذهبی ساخته شده است.

وزن هر سنگ برای استفاده در این مبانی حدود ۲۳ . ۹۱ تن می باشد

مهمترین این سنگ بناها در اروپای غربی و در حدود ۴۰۰۰ تا ۱۵۰۰ ماقبل تاریخ بنا شده اند

بسیاری از سنگ بناها به عنوان مقبره استفاده می شده اند.

در میانه برخی از این سنگ بناها راههای ورودی وجود داشته اند که به اتاقهایی ختم میشده اند و از این دست مقابر در همه اروپا به تعداد زیادی کشف شده اند

تابوت:



تابوت برای دفن مرده احتمالا اولین بار توسط مصریان یا ایرانیان باستان ساخته شده بود، به منظور دفن پادشاه یا یکی از نخبگان اهرام برای حفظ قبور سنگی پادشاهان مصر باستان ساخته شد.

گونه شناسی تدفین های پیش از دوره اسلامی نشان می دهد که روش تدفین معمولاً به دو دسته کلی یعنی بدون تابوت و تابوت دار تقسیم می شود. دسته اول شامل جسدهایی می شوند که یا به پشت و طاقباز خوابانده شده اند و یا به حالت جمع شده و نه الزاماً به صورت جنبی مدفون شده اند. در باره دسته دوم هم باید گفت که تابوت ها سفالی و به شکل یک قایق بوده یا تابوت از چندین خمره سفالین به هم چسبیده تشکیل شده است.

اما مهمترین تابوت هایی که از دوران مختلف تاریخی پیش از اسلام به دست آمده، شامل تابوت برنزی ارجان، تابوت برنزی زیویه (لاوک) و تابوت برنزی هخامنشی می شوند.

متأسفانه از تابوت برنزی زیویه یا لاوک که متعلق به هزاره اول قبل از میلاد است اطلاعات چندانی در دست نیست، ولی بنابر مدارک موجود، این تابوت در نتیجه کشف گنجینه زیویه در سال ۱۹۴۷ در نزدیکی شهرستان سقز، در جنوب دریاچه ارومیه به دست آمد. یک فرضیه آثار متعلق به این گنجینه متعلق به قبری از یک شاه نیرومند سکایی است.



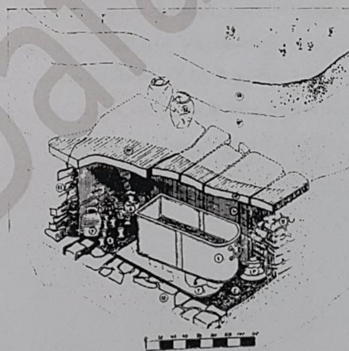
تابوت برنزی هخامنشی هم طی کاوش های هیأت فرانسوی در شوش به سال ۱۹۰۱ میلادی در قسمت جنوبی بنای آجری متعلق به شوتورک ناهونته، تابوت بزرگی از جنس برنز پیدا کردند که در جهت شمالی- جنوبی قرار گرفته بود. این تابوت را به لحاظ تاریخی به اواخر دوره هخامنشی نسبت داده اند، نکته قابل ذکر این که این تابوت از نظر شکل و فرم حدفاصل بین تابوت های ایلامی و تابوت های پارتی قرار می گیرد. همین امر نشان می دهد که تکامل تابوت در ایران، راه درازی پیموده است. بنابراین انتساب تابوت های وانی پارتی به منطقه غرب و بویژه بین النهرین صحیح به نظر می رسد، هر چند نمی توان منکر تأثیرپذیری هنر تابوت سازی پارتی از فلسطین، مصر و منطقه میان رودان بزرگ، شد.



برخی از این تابوتها بصورت بیضی و برخی دیگر مربعی و یا مستطیل شکل ساخته شده اند

در نوع تدفین های ایران تابوتی است. در هفت تپه ۲ نوع تابوت سفالی یافت شده است؛ در نوع اول جنازه را درون تابوت قرار .می‌دادند و در نوع دوم تابوت به صورت وارونه روی مرده قرار می گرفت.

در زمان اشکانیان دو نوع ایین تدفین استفاده از تابوت وجود دارد:۱- اشیای هدیه شده به جسد اکثراً خارج از تابوت قرار داده می شد. ۲-پارتیان اجساد را هم در درون تابوت و هم در درون خاک و هم در گور های سنگی دفن می کردند.



سپس برروی تابوت تصویری به شکل صورت کنده کاری می شد و یا کشیده می شد آنان اعتقاد داشتند این جنازه را از تعفن حفظ می کند.

بدن اموات تپه حصار , هم چون دوره های بعد , ابتدا با گل اخرا پوشانده می شوده و سپس با لباس و تمام زیور آلات درگور نهاده می شده است , پاهای مرده جمع است واکثر مردگان بدون تابوت , همراه با پارچه ای ساده که میت را در آن پیچانده اند , به خاک سپرده می شدند.استفاده از گل اخرا در مراسم تدفین , دو هزار سال پیش از استقرار انسان های حصار , در منطقه "تپه علی کش "ایلام واقع در منطقه موسیان مرسوم بوده است.



برخی از تدفین ها نیز به صورت تابوتی است و این تابوت ها سفالی (به شکل قایق یا وان حمام) بوده و یا تدفین در خمره های بزرگ سفالی صورت می گرفته که این سنت بیشتر در دوره پارت مرسوم بوده است. با بررسی تابوتهای سفالی پارت و پیشینه تابوتهای سفالی در ایران به این نکته می توان پی برد که تدفین تابوتی در دوران پارت(تابوتهای وانی) ادامه سنتهای پیشین و به خصوص دوره ایلام است.

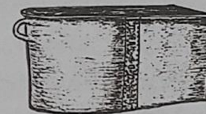


استفاده از تابوت برای قرار دادن مردگان در آن البته در میان ایرانیان و دیگر اقوام نیز رایج بوده است از مشهور ترین تابوتهای سنگی می توان تابوت ناپلئون بناپارت در پاریس و تابوت داک ونجلتون در لندن اشاره نمود تابوتهای پارتی اکثرا سفالی و بی لعاب ساخته شده اند و در مجموع تاکنون از شش محل محل آثار تدفین تابوتی به دست امده است.

این تابوتها از دو قسمت تشکیل شده و تقریباب وانی شکل اند.انحنای انتهایی این تابوتها بطور قابل ملحظع ای تنگ تر از قسمت فوقانی است و لبه آنها نیز اندکی به طرف داخل خمیده است.همه تابوتها با درپوشهایی پوشیده شده است و کناره های خالی مرکز تابوت معمولا با ورقه سنگهای منفرد یا چند قطعه سنگ کاملا بسته شده است.این گورستان یکی از منظم ترین گورستانها

از نظر وضعیت قرارگیری تابوت هاست، ولی از نظر وجود اشیاء فقیر است وازمیان اشیای جالب ، وجود اسباب بازی با شکل اسب از گل پخته قابل توجه است.دراین گورستان دو تابوت به صورت دو طبقه روی هم قرار گرفته اند. در گورستان سنگ شیر همدان نیز علاوه بر تابوتهای سفالین که بدون تزیین و با درپوش و بی درپوش اند دو تدفین یافت شده ،که با تابوتهایی متشکل از قطعات چهار خمره سفالی ترتیب یافته اند.در کف بعضی از تابوتهای سفالی سوراخهای کوچک کروی دیده می شوند که به منظور تسهیل نهویه و خروج اسان تر گازهای ناشی از تجزیه و تلاشی جسد ایجاد شده اند ، در این مکان دو تابوت مرکب از اجساد زن و مردی با هم یافت شده است . تابوتهای سفالی به دست آمده از بوالاحیا! بصورت آنتروپوئید یا اشکال انسانی را دارند.در سطح تابوت یک چهره برجسته نقش بسته که شکل زن را تداعی می کند که کلاه نوک تیز بر سر نهاده است. در دستوای شوشتر نیز تدفینهای تابوتی دوطبقه مشاهده شده است. در کف تابوتهای کنگاور نیز سوراخهایی برای خروج گاز دیده می شوند. تابوتهای گورستان حومه شوش نیز همانند بوالاحیا! به شکل آنتروپوئید و احتمالا متعلق به سده اول و دوم میلادی است.





در گور معبدها در ایران , اجساد را در تابوتهای چوبی قرار داده و در گور معبدها نگهداری می کرده اند.جایگاه تابوتها به صورت کشویی ساخته شده و وضع ظاهری انها موید این است که این تابوت ها ثابت نبوده و در موقع لزوم می توانستند به سادگی آن را از جایگاه خود خارج کنند و به مکان دیگری که شاید همان وطن اصلی بوده منتقل سازند.



تابوتهای سفالی و چوبی نیز استفاده میشدند. در سلوکیه گورهای خانوادگی استفاده میشد که اجساد درون تابوتهای وان مانند قرار میگرفتند.

بطور کلی دو نوع تابوت سفالی در این دوره در ایران دیده می شوند:۱)تابوتهای وانی شکل ۲)تابوتهای انتروپوئیدی که با تابوتهایی به شکل انسان که این نوع تابوتها خود به دو دسته تقسیم می شوند : گروه اول تابوتهایی هستند که در پوش انها به شکل انسان یا سایر نقشهای تزئینی اند ، گروه دوم را تابوتهایی که بدنه آنها به شکل بدن انسان هماهنگی و تناسب دارند تشکیل می شوند.

آتشکده:

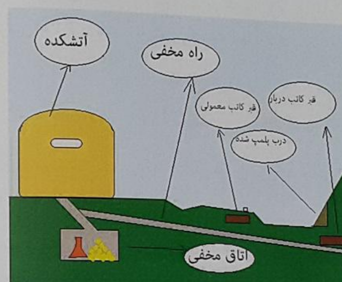
آتشکده به نوعی از پرستشگاههای زرتشتیان گفته می‌شود که آتش مقدس در مکان خاصی از آن قرار دارد و مهمترین نیایشهای دینی در آن و در برابر آتش انجام می گیرد .

تا پیش از رواج آیین زرتشت در ایران ، آیین ایرانیان را مجوس می گفتند که مبتنی بر پرستش عناصر و قوای طبیعت و اجرام آسمانی بود . با وجود اینکه زمان آغاز برپاداشتن آتشکده معلوم نیست اما ظاهراً زرتشتیان از سده ۴ قبل از میلاد به بعد به تقلید از مردم بین‌النهرین به ساختن معبد پرداخته‌اند . پیش از آن مراسم دینی آنان در فضای آزاد و به ویژه بر بلندیها انجام می گرفت . اطلاعات بجا مانده از آتشکده‌ها بیشتر از دورهٔ ساسانی و اسلامی است . آتشکده‌های آن دوران معمولاً بنای مکعب گنبداری بوده که چهار طاقی نامیده می‌شده است .



معمولا شکل و بنای آتشکده‌ها در همه جا یکسان بوده است . اما با گذر زمان و به تدریج در دین زرتشت مقرر می‌شود که آفتاب بر آتش نتابد . بنابراین آتش را در فضای باز نگهداری نکرده و اتاقی در وسط بنا ساختند که آتشدان در آن قرار داشت . مقدس‌ترین قسمت هر آتشکده ، جایی است که آتش در آن نگاهداری می‌شود ، اتاق کوچک مکعب یا مکعب مستطیل شکلی است به نام گنبد (در اصطلاح زردشتیان ایران) ، یا آتشگاه (در اصطلاح زردشتیان هندوستان) . اصطلاح گنبد در این مورد در زبان پهلوی نیز رایج بوده است . در آتشکده‌های زردشتیان هند (پارسیان) دیوار این اتاق مشبک است تا عبادت‌کنندگان بتوانند آتش را از دور ببینند . این گونه آتشکده‌ها دارای دری است که موبدان برای خدمت به آتش از آن در وارد اتاق آتش می‌شوند.در قدیم ملت ایران باستان و بویژه میترایی ها که به آتش خیلی احترام می گذاشتند در آتشکده ها آتش هایی برپا می کردند , در آتشدان های مخصوص آنها را حمل می کردند که دخل و خرج و اموال امانتی را نیز از مردم می گرفتند و مغ یا

کاهن زرتشت که روحانیون آن زمان بودند از احترام خاص و ویژه ای برخوردار بودند , برای همین دفینه و یا خرج اموال را بدین صورت پنهان می کردند.



طبقه روحانیون هم شاید اموالی خودشان داشتند ولی اکثر اموالی که داشتند مربوط میشود به هدایای مردم یا اموالی که مردم به رسم امانت پیش آنها میگذاشتند , خوب این روحانیون هم اموال را در کنار معبد یا اتشکده ها یا در خود معابد دفن میکردند , پس اگر جایی اتشکده و معبد باشه میشه اموال زیادی را از اطرافش به دست اورد , ضمن اینکه وقتی که روحانیون و اشراف هم می مردند مقبره هایی بزرگ و دارای هدایای بسیاری رو برای انها تعبیه میکردند . خوب در مورد علائم برای اشراف و روحانیون نمیشود علائم خاصی در نظر گرفت و اونها بیشتر اموالشان را در کنار چشمه ها و درختان و رودخانه ها و معابد و... دفن می کردند , علائمی که سالیان سال از بین نمی رفتند پس برای این اموال نمی شود علائم خاصی در نظر گرفت .

قلعه ها:

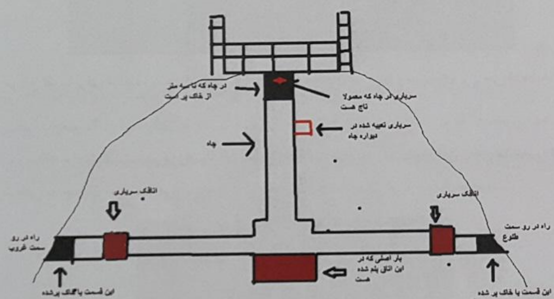


قلعه ها چون در بالای بلندی تپه ها بودن یک چاه در وسط تپه تا رسیدن به کف تپه به صورت حفر شده وجود دارد که در صورت رسیدن به کف به دومسیر تقسیم می شد خوب این دو مسیر از دو طرف سینه پایین تپه که قلعه روی ان قرار دارد به بیرون هدایت می شد که یک در معمولا در سمت افتاب طلوع و یک در معمولا در افتاب غروب می باشد .

درب ورودی یک اتاق در دامنه کوه

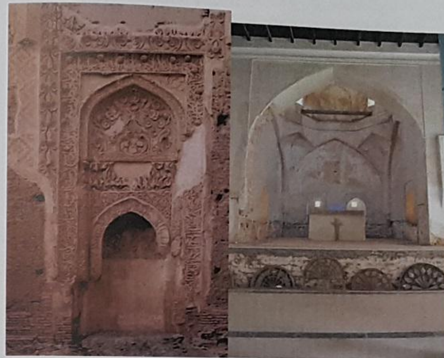


اتاقک های ساروجی و مقبره پادشاهان و بزرگان که اکثرا دارای دالان و در ورودی هست و اندکی پیدا میشود که به صورت کامل پلمپ باشند.و اکثرا در دالان موردنظر دارای تله می باشند.



وقتی قلعه ای قرار بود مورد حمله قرار بگیرد اول از همه روی چاه یا در بدنه چاه وسط قلعه سرباری پنهان می کردند در کف چاه که رسیدن تا رسیدن به راههای در رو سه اتاق یا یک اتاق قرار داشته , اتاقی که در وسط تپه دقیقا کنار چاه که بار اصلی در ان بوده جوری تعبیه شده که طرف از کنارش رد بشود و به وجود ان پی نبرد دو اتاق دیگر هر کدام در مسیر راه در رو قرار دارند که حکم سرباری رادارند که در این مسیرها و دالانها احتمال وجود تله زیاد هست پس از دو اتاق کناری رو با خاک پر میکردند و اون هم بستگی به زمان باقیمانده انهاو سلیقه ای بوده جلوی در یک متر خاک بریزند دو متر خاک بریزند معمولا جلوی درهای ورودی سنگی بزرگ میگذاشتند برای نشانه یا به شکل فرورفتگی ان رو درست می کردند حالات دیگری برای راه در رو هم میشه در نظر گرفت ولی این مورد شایع ترین هست.

محراب:



یک محلی مرتفع تقریبا برای استفاده به عنوان محل عبادت دینی در میان یهودیان و مسیحیان و برخی ادیان شرقی بکار برده می شد.

سنگ محراب ، منطقه عبادت است ، در دوران باستان بخاطر اعتقادات اساطیری ، انسانها در روزهای مشخصی از سال بخاطر شانس و خوشبختی به خدایان خود دعا می کردند ، محل عبادتی برای تقدیم قربان به خدایان بوده است.



به دفینه و قبرهای دوران باستان هیچ گونه ارتباطی ندارد/محرابها می توانند در فضای ازاد و یا در خانه و یا در ساختمانهایی که برای عبادت عموم قرار داه شده اند قرار داشته باشند.

یونانیان و رومیان و یهودیان از محراب برای بخور و قربانی کردن در برابر خداوندگارانشان استفاده میکردند.



نصارای برای اولین بار محراب را در قرن دوم میلادی ساختند ولی بعدها محراب به منطقه پشت دیوار در کلیسا منتقل گردید کشیش در کنار محراب و پشت به عبادت کننده گان قرار می گرفت که بعد ها کلیسای کاتولیک دستور داد دیوار برداشته شود تا کشیش بتوان عبادت کنندگان را ببیند.

بعضی وقت ها بعضی دفینه هایی که کنار درختان قدیمی دیده میشه به این صورته که چند قدم در اطراف درخت پیر و کهنسال یک قبر وجود خواهد داشت که دو عدد جسد داخل آن وجود خواهد داشت و در کنار آنها سنگ محراب یافت خواهد شد در این حاالت باید زیر سر و پاها و کلا زیر اجساد رو بررسی کنیم و سنگ محراب را نیز بررسی کنیم.



در بعضی نسخه ها از سنگ محراب نیز سخن به میان میاید به این صورت که در بعضی شهرهای قدیمی باستان مکان محراب وجود داشت و یک چشمه که اسمش نیز معروف بود و یک سنگ سفید رنگ که داخل این مکان محراب بود در اینصورت دفنیه ما که سکه های خمره دوره اسلامی خواهد بود زیر سنگ سفید رنگ خواهد بود این ها تجربیاتی بود که عرض کردیم.

در دوران اسلامی از محراب ها در مساجد برای عبادت بعنوان قبله مسلمین نیز استفاده می شده است.

البته در کلیسای ارتودوکس بجای دیوار از پرده استفاده می کنند

چشمه ها , قنات ها و آبها:

آب ماده ای بدون مزه و بدون بو است که برای تمام شکل های حیات لازم است .آب برای زندگی انسانها از اهمیت بالایی برخوردار است . به همین خصوص جایی که آب هست زندگی و جایی که زندگی هست فرهنگ و مدنیت هم خواهد بود . فرهنگ ها ومدنیت هایی که با بودن آب تشکیل می شوند از خود آثارهایی بجا خواهند گذاشت .همین آثارهای بجا مانده به ما درباره چگونگی زندگی انسانها در آن دوران اطلاعات خواهد داد.

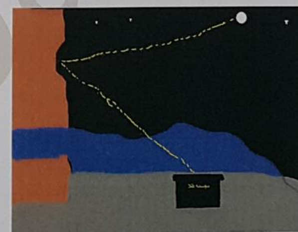
مصالحی که برای ساخت یک بنا استفاده می شود حدود ۲ – ۳ برابر مصالح برای ساخت آن بنا از آب استفاده می شود. در دوران باستان امکان حمل خاک ، سنگ ، خشت و سایر مصالح به دوردست ها ممکن بود ولی حمل آب به این راحتی ها نبود به همین دلیل شهرک سازی ، سازه های مختلف ، کشاورزی و دامداری در مجاورت منابع آب قرار می گرفت.

دفینه – گنج و یا بررسی های باستانشناسی سطح بر اساس منابع آب ساخته شده باشد . چون آب وجود دارد ، جایی که آب هست زندگی و جایی که زندگی هست فرهنگ و مدنیت هم خواهد بود . جایی که مدنیت هست از آنها آثارهایی بجا خواهد ماند و از آثارها میتوانیم اطلاعات در مورد انسانها و رفتارهای اجتماعی و اقتصادی مردم بدست بیاوریم.

مسئله مهم که مربوط به دفینه یابی می شود ، اشیاء مختلف استفاده شده و بجا مانده از آن دوران است.

اگر آب نباشد ممکن نیست اولین استفاده شان آب بوده و یا آثاری بجا مانده از منبع آب باید باشد ، در غیر این صورت آدرس اشتباه است و در جای اشتباهی توقف کرده ایم!

مورد اول موردی است که در گلینه چشمه بار نیست ..پس از کجا بفهمیم در این موارد تابش نور ماه مکان هدف را نشان میدهد دقیقا در نیمه ی شب چهاردهم ماه که قرص ماه کامله نوری به طاقچه اینه ای درون کوه میتابد و به درون اب جلوی چشمه انعکاس داده میشود که مکان این انعکاس مکان بار می باشد که در محفظه ای سنگی با درپوش جاسازی شده فقط ماه شب چهاردهم مکان رو به ما نشون میده وگرنه نمیشه فهمید تنها راه در آوردنش این است که باید به مسیری دیکر هدایت کنیم.

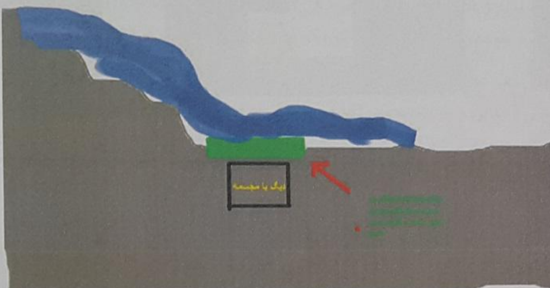


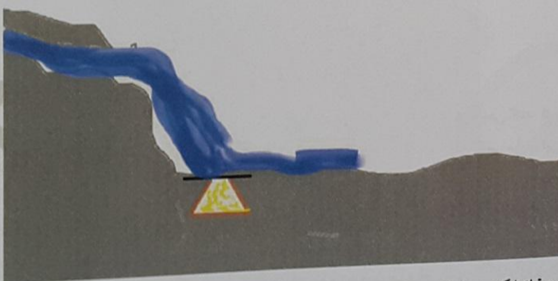
این دو مورد هم دقیقا در زیر شر شر اب چشمه قرار دارند یکی که بیشتر در مجاورت قلعه ها هست موردی است که سنگ یشمی دقیقا در زیر شرشر اب تعبیه شده به طوری که نصفش داخل زمین و نصفش بیرون زمین است و از بالای جشمه قابل

رویت است و در زیر سنگ یشم هم که سرباری محسوب می شود محفظه ای هست که درون مجسمه یا دیگ سکه است و بعدی دیگ پر از سکه که کمی در زیر خاک قرار دارد و سنگی رویش هست.

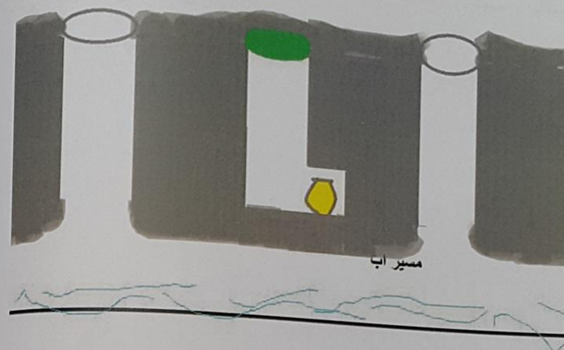
نکته دوستان هیچ وقت خمره ی بار یا علامت کوزه در داخل خاک رو رو در زیر اب تعبیه نمی کردند .

این مورد بیشتر در کنار قلعه ها میباشد





بک مورد در مورد قناتها که رویت کردم دقیقا در مسیر چاه های حفر شده برای قنات که فاصله معینی دارند یا در کنار قنات طوری که کسی شک نکنه این چاه جز قنات نیست چاهی حفر میکردن که ته چاه به سقف قنات نمیرسید طاقچه ای رو در ته چاه کنار بدنه تعبیه میکردن و خمره ای درش قرار میدادن البته روی خود در چاه هم سنگی میذاشتن که ممکن هست این سنگ هم قیمتی باشه توجه بفرمایید



چشمه ای که از آن در شب نور آبی بیرون می آید:

در شب نور آبی بیرون می آید علامت گوهر شب چراغ است و چون خیلی سنگین و صاف و لیز است فوری در زمین فرو
رود که باید با یک پتوی سربازی باید بادقت خیلی مهم عمل کرد و خاک چشمه را در روی پتو ریخت در این حالت فرو
رود.

سفید خانه:

در گذشته به علت نداشتن بانک , وزیران دربار به این فکر افتادن که اموال دولتی را در جایی مخفی کنند که در موقع جنگ
بین دو کشور این اموال در امان بماند تا در مواقع احتیاج از آن به نحو احسن استفاده کنند که مخفی سازی این اموال به این
صورت بود که مکانی را به صورت مربع و مستطیل حفر کرده و اتاقی رو در ابعاد های مختلف با ساروج درست میکردند و
اموال را درون آن اتاق ها گذاشته و مسیری را برای ورود به این اتاق به صورت مارپیچ و با کار گذاشتن تله طراحی میکردند
معمولا ارتفاع این راهرو ها از نیم متر شروع شده تا ۲.۵ متر و درب خروجی این اتاقهارو در امتداد رودخانه یا چشمه ها قرار
میدادند و سر این راهروهارو با خاک پر میکردند و راهرو در زیر زمین به صورت مخفی باقی میماند و روی اتاق اصلی که
ساروج آن را به صورت اتاق پلمپ شده درست کرده بودند به صورت لایه چین با سنگ و زغال و .... چیدمان می کردند به
طوری که از بالا کار کردن برای شخصی که یک موقع جارو شناسایی کرد غیر ممکن باشد و در آخر برای تکمیل کار و
یا دو نفر از حفاران را که سربازان خودشان بودند را به قتل میرساند چون بر این عقیده بودند که روح آنها از بار مواظبت
کند و هم برای نشان دادن مسیر راه از طریق این جنازه ها به این صورت که سر را از بدن جدا میکردند و سر , مسیر اصلی را

نشان داده و تن جهت تله را و کل راهروی درست شده را با ماسه و خاک سرند پر میکردند و در آخر درب را با سنگی بزرگ
پلمپ کرده و روی آن را خاک می ریختند که قابل دید دزدان و ... نباشه و در بیرون کار, سنگی را با ساروج درست کرده و
طوری طراحی میکردند که در همان روز از فلان فصل سال در موقع فلان ساعت روز یا شب سایه سنگ به آن قسمت اثابت
کند که درب را مشخص کند .

البته سفید خانه در ابعاد های مختلف وجود دارد که کوچکترین آنها نیم متر در نیم متر است که در این موارد قضیه فرق می کند
و این نوع سفید خانه ها متراژ بالایی ندارند و معمولا در ۱ الی ۳ متری هستند و از آثاری که برای این سفید خانه استفاده می شد
گوساله نشسته - قاطر - کله قندی کوچک - تل های کوچک - درخت موزی یا همان بلوط

البته یک سری از این سفید خانه مربوط به راهزنان و یا دشمنانی بود که به ایران حمله می کردند واموال مردم روستا یا
کاروانهارو به یغما می بردند بود و چون حمله های آنها به روستاهای اطراف زیاد بود وقتی حجم این اموال زیاد می شد مجبور
می شدند آنهارو در قسمتی مدفون کنند تا بتوانند به شهر بعدی حمله کنند.

غارها:

از آنجایی که یکی از مشکلات گنج یابان اشتباه در نظر گرفتن غارهای دست ساز با غارهای طبیعی است.لطفا این مقاله را مطالعه
کنید تا دیدتان نسبت به غارهای و دفینه های آنها وسیع تر شود.



عوامل مختلفی باعث پیدایش و شکل گیری غارها می شوند. این عوامل می توانند فرایندهای شیمیایی، فرسایش آب، نیروهای زمین ساختی (تکتونیکی)، میکروارگانیسمها، فشار، تاثیرات اتمسفری، حفاریهای انسان و ... باشند. غارها را می توان از جنبه های گوناگونی دسته بندی کرد، که در ذیل به اجمال به آنها می پردازیم:

۱- از نظر جنس سنگهای محیطی:

- غارهای آهکی (سنگ آهک، دولومیت، ماربل)
- غارهای گچی
- غارهای گدازه ای (ماگمایی)

acrshop

۲- از نظر ریخت شناسی (مورفولوژی) و ساختار هندسی:

- غارهای افقی که شامل تونلهای افقی نزدیک به هم هستند.
- غارهای شکافی که شامل تنها یک شکاف در سنگ یا صخره هستند.
- غارهای عمودی که شامل چاه یا چاههایی هستند که با هم مرتبط هستند و فاصله نزدیکی به هم دارند.
- سیستمهای غاری که بخاطر بزرگی ویژگیهای مختلفی را با هم دارا هستند.

تفکیک غارهای افقی و عمودی صرفا برای غارهای کوچک است که در آنها یک تونل و یا یک چاه وجود دارد در اکثر غارها، بخاطر فضای بزرگ و تعدد تونلها و چاهها، سیستم غاری وجود دارد.

۳- از نظر زمان پیدایش:

- غارهای اولیه که در فضای بین سنگها و صخره ها (در زمان شکل گیری آنها) بوجود می آیند مانند تونلهای گدازه ای یا غارهای توفا (Tufa)

توفا : سنگهای رسوبی هستند که از رسوب لایه های نازک کربنات کلسیم یا به مقدار کمتر سیلیس در اطراف چشمه های آب شور و یا به صورت پوششی در اطراف استالاکتیت ها یا استالاگمیت ها تشکیل می شوند.

- غارهای ثانویه که بعد از پیدایش سنگها و صخره ها و در اثر عوامل غارزا بوجود می آیند، اکثر غارهای جهان جزو غارهای ثانویه محسوب می شوند.
- غارهای رده سوم که بر اثر متلاشی شدن غارهای دیگر بوجود می آیند.

۴- از نظر عمر سنگ:

این سته بندی برای غارهای آهکی بکار می رود، آهک، سنگی رسوبی است و یکی از مشخصه های اصلی آن، زمان پیدایش می باشد.

- آهکهای جدید (اخیر) یا توفا که در سراسر جهان یافت می شوند.
- آهکهای ژوراسیک
- آهکهای دونین (Devonian)

ژوراسیک یکی از دوره ها در دوران دوم زمین شناسی است، طول دوره ژوراسیک ۶۰ میلیون سال است.
دونین یکی از دوره ها در دوران اول زمین شناسی است، دوره دونین از ۴۰۸ تا ۳۶۰ میلیون سال پیش به طول انجامیده است

- از نظر روش شکل گیری:

که در بخش غارهای طبیعی به آن پرداخته شده است.

در اکثر منابع و مراجع داخلی، دسته بندی خاصی صورت گرفته است، که در این قسمت به آن می پردازیم، در این دسته بندی غارها به دو گروه زیر تقسیم می شوند:

۱- غارهای طبیعی

۲- غارهای دستکنده (دست کن، مصنوعی)

البته شاید بتوان گروه سومی هم در نظر گرفت و آن گروه غارهای طبیعی-دستکنده (مانند غار کرفتو) می باشد. این نوع غارها معمولا منشاء طبیعی دارند که بعدها توسط بشر و برای مقاصد گوناگون حفاری و حجاری شده اند، ولی با توجه به اینکه می توان این

نوع غارها را از زاویه غارهای طبیعی و دست کنده به تفکیک بررسی کرد از ذکر

۱- غارهای طبیعی:

۱-۱- غارهای انحلالی:

این نوع غارها در مناطقی که جنس آنها قابل حل شدن است، زایش می یابند. جنس این مناطق می تواند سنگ آهک، سنگ گچ، دولومیت، نمک، ماربل و ... باشد. نحوه پیدایش این نوع از غارهای طبیعی را می توان به مراحل زیر تفکیک کرد:

- ترکیب آبهای سطحی و باران با موادی در سطح یا درون زمین (کانیها یا گازها)
- پدید آمدن ترکیبات حلال (معمولا اسیدهای ضعیف)
- رسوخ و نفوذ ترکیبات حلال به درون زمین
- تهی شدن فضاهای خاصی در داخل زمین (معمولا فضاهای خالی قبلی یا مناطق مستعد انحلال)
- رسوب گذاری ترکیبات حلال و زایش غار سنگها و اشکال مختلف

مناطق آهکی از مستعدترین مناطق برای پیدایش غارهای آهکی هستند، از اینرو در این نوع مناطق، غارهای زیادی دیده می شوند یا امکان اکتشاف آنها وجود دارد. ترکیب آبهای سطحی یا باران با دی اکسید کربن موجود در هوا یا لایه های بالاتر سطح زمین این مناطق تشکیل اسید کربنیک (H_2CO_3) ضعیفی را می دهد که همان ترکیب حلال تشکیل دهنده غارهای انحلالی می باشد. البته ترکیبات اسیدی دیگری نیز معمولا در این مناطق در تشکیل غارها نقش دارند. در مناطق گچی بخاطر قابلیت حل بالای گچ، دی اکسید کربن نقش عمده ای ندارد.

پدیده انحلال در سازندهای آهکی، باعث بوجود آمدن مناطقی می شود که به آن مناطق کارستی می گوییم. یکی از ویژگیهای این مناطق وجود سفره های آب زیر زمینی می باشد.

از ویژگیهای خاص غارهای انحلالی در مناطق آهکی، وجود چکنده ها، چکیده ها، ستونهای سنگی و ... در آنهاست که بر اثر رسوبات ترکیبات حلال بوجود می آیند.

وجود املاح و کانیهای مختلف در منطقه باعث ایجاد رنگ های متنوعی در غارسنگها می شود: سیاه رنگ (آهنی)، سبز رنگ (مسی)، قرمز رنگ (هماتیت)، سیاه رنگ (زغال سنگ) و یا نارنجی متمایل به قرمز رنگ (جیوه)

درصد زیادی از غارهای جهان و ایران در زمره غارهای انحلالی بشمار می روند، که می توان به غارهای علی سرد (علی صدر)، سراب، ترنگ، ... اشاره کرد.



روال پیدایش غارهای انحلالی معمولا یکسان است و عموما در مناطق آهکی و با ترکیبات اسید کربنیک بوجود می آیند ولی موارد استثنایی نیز در جهان وجود دارند. از شاخص ترین این غارها، غار Lechuguilla در ایالت New Mexico امریکا و غار Carlsbad در نزدیکی آن، از جمله موارد غارهای انحلالی هستند که زایش آنها تفاوتهایی با دیگر غارهایی از این دست دارند. گاز سولفید هیدروژن (H_2S) که از منابع نفتی اعماق زمین متصاعد می شود در ترکیب با آب، اسید سولفوریک (H_2SO_4) تولید می کند، اسید سولفوریک بعنوان ترکیب حلال از پایین، سنگهای آهکی را حل می کند و باعث پیدایش این غارها شده است. این دو غار از زیباترین غارهای جهان بشمار می روند.

غار Lechuguilla :

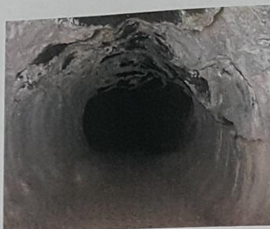


۱-۲- غارهای صخره ای:

این نوع غار معمولا در شکافهای صخره ای که حاصل شکست گسلها و یا فرو افتادن قطعات سنگی بزرگ است بوجود می آید که معمولا بخودی خود وسعت بزرگی ندارند. غارهای صخره ای را می توان جزء غارهای اولیه دانست زیرا در بسیاری از موارد این شکافهای صخره ای مبدا پیدایش انواع دیگر غار مانند غارهای فرسایشی و یا حتی انحلالی می باشند.

۱-۳- غارهای آتشفشانی (ماگمایی، گدازه ای):

این نوع غارهای طبیعی براساس فعالیتهای آتشفشانی بوجود می آیند، وقتی گدازه های آتشفشانی در یک سراشیبی حرکت می کنند، سطح گدازه ها سرد و سخت می شود، بخش داغ گدازه ها به حرکت خود در زیر پوسته سخت ادامه میدهد، اگر بیشتر گدازه های مایع از زیر پوسته خارج شوند، یک تونل بوجود می آید که این فضای توخالی غار را شکل میدهد.



غارهای آتشفشانی را نیز می توان جزء غارهای اولیه دانست. غارهای آتشفشانی خود به انواع مختلفی تقسیم می شوند که می توان به غارهای Volcanic rift، Inflationary، Lava mold و ... اشاره کرد.

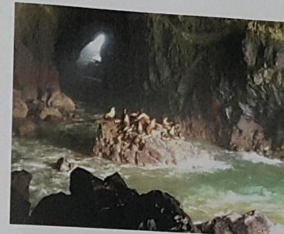


۱-۴- غارهای دریایی:

غارهای دریایی معمولا در سواحل بوجود می آیند و علت اصلی پیدایش آنها، فرسایش امواج آب در نقاط سست ساحل می باشد،



البته در برخی موارد، غارها منشاء زایش متفاوتی دارند ولی عامل فرسایش در شکل گیری غار در طول زمان تاثیر داشته است.



۱-۵- غارهای فرسایشی:

عامل فرسایش نقش مهمی در شکل گیری و ایجاد این نوع از غارها دارد، عامل فرساینده می تواند جریان آب یا باد باشد. غارهایی که عامل باد در فرسایش آنها تاثیر داشته است به غارهای بادی معروف هستند.
معمولا نقاط سست و ضعیف بیشتر فرسایش می یابند.

۱-۶- غارهای یخی و یخچالی:

ذوب شدن یخ، جریان آب و حرکت تدریجی توده های یخی در مناطق یخچالی باعث بوجود آمدن فضاهایی خالی در میان یخچال می شود که به آنها غارهای یخچالی گفته می شود، یکی از ویژگیهای این نوع غار، تغییر تدریجی شکل غار و ابعاد آنها است.



غارهای یخی: هر فضای غار شکل که توده های یخ دائمی داشته باشد، غار یخی نامیده می شود، از اینرو، غارهای یخچالی را نیز می توان غار یخی دانست.
غار یخ در منطقه دنا را می توان بعنوان نمونه ای از غارهای یخچالی در ایران نام برد.



۲- غارهای دستکنده (دست کن، مصنوعی):

این دسته از غارها، بوسیله حجاری بشر بوجود آمده اند که معمولا بخاطر ساخت محل سکونت، پناهگاه، دژ نظامی و دفاعی، نیایشگاه، معدن و ... ساخته شده اند، غارهای دستکنده یا در محل غارهای طبیعی و با تغییراتی جهت رسیدن به اهداف مورد نظر یا بطور کلی در زیر سطح زمین و یا در صخره ها و کوه ها بوجود آمده اند. در ایران، غارهای دستکنده متعددی وجود دارد که از آن میان می توان به غارهای نیاسر، قلعه جوق، اصله، چله خانه و ... اشاره کرد.

غارهای مصنوعی:

غارهایی هستند که توسط انسان بصورت حفره هایی در دل صخره ها بوجود آمده اند و معمولا

هدف اصلی از ساخت آنها عبارت است از:

۱- زندگی انسانها

۲-استفاده نظامی

۳-عبادتگاه

۴-معادن

نکته ای که لازم است به آن اشاره کنیم، آنستکه لزوما یک غار فقط با یک فرآیند بوجود نمی آید و گاه عوامل متعددی در پیدایش و شکل گیری غار موثرند.

رنگ رسوبات آهکی

در صورتی که آب اسید دار هنگام عبور از لایه های آهکی با رگه هایی از فلزات و مواد معدنی

دیگر برخورد کند مقداری از آن مواد را حل کرده و به همراه خود می برد و در هنگام رسوب گذاری

بسته به جنس مواد و املاح حل شده به رنگهای جدیدی دیده می شود .مانند :

رسوب آهک : سفید شیری

رسوب گوگرد: زرد

رسوب آهن: سیاه

رسوب مس :سبز زنگاری

رسوب گل رس: قرمز

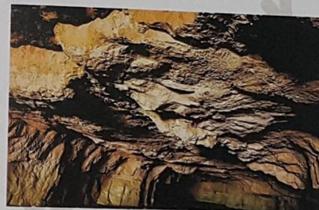
رسوب زغال سنگ: سیاه

رسوب جیوه: نارنجی مایل به قرم

فراموش نکنیم که هنگام ورود و بازدید از غار مواظب غار سنگها باشیم"

مکانهای وجود دفینه در غارها:

پیشنهاد میکنیم غارها را بدون نسخه کار نکنید چون بیش از ۸۰ درصد غارها در قدیم الایام باستام محل حیات و زندگی بودند و تعداد معدوی برای خرج دفینه ها استفاده می شد و دارای تله ها و طلسمات متعدد و سختی خواهد بود پس بدون نسخه کار کردن کار عاقلانه ای نیست.



بعضی ها دم در ورودی غار ستونی را کار می گذاشتند و از ستون دو قدم به سمت داخل غار میرفتند و دفینه را در عمق حدودا ۲.۵ متری (دو گز) جاسازی می کردند .

و عده ای دیگر در خود غار تلی را درست می کردند و داخل تل دفینه را در عمق ۳ متری جاسازی میکردند.

و سری دیگر به صورت چاهی در غار حفر می کردند و از کف چاه تونل می زدند به یک سمت دیگه و با گذاشتن یک تله فیزیکی آن را پنهان می کردند .

نکته: توجه داشته باشید که هر کجا که در مسیر راه و حفاری به تونل خصوصا دست ساز برخوردید، ۱۰۰ در ۱۰۰ باید انتظار تله را هم داشته باشید (خصوصا دفینه های دوره اسلامی و گنجینه های متعلق به دزدان و راهزنان، که نوع و تعداد دومی به مراتب سخت تر و بیشتر می باشد)

عده ای دیگر در دیواره غار اتاقی مخفی درست میکردند و دفینه را در آن مدفون و در اتاق را پلمپ میکردند و گاهی نیز حتی در خود اون اتاق هم چیزی نمی گذاشتند و در دیواره و سه کنج دیواره به اصطلاح امروزی ، یک گاوصندوق مخفی تعبیه می کردند.

عده ای یک قبر در وسط غار و یک قبر هم در روبروی در ورودی غار دفن میکردند که دفینه را داخل قبری که تو غار بود مدفون میکردند البته یک سری اشیائ ساده را در داخل قبر میگذاشتند و دفینه اصلی را در یک متر زیر قبر در زیر اشیایی فرعی زیر سنگی بزرگ پنهان میکردند .

البته در مواردی که غاری پیدا نمودید که دهنه آن بسته شده بود و ارتفاع دهانه بین ۸۰ تا ۱۲۰ سانت بود و شیبی هم به سمت داخل داشت و شما بباشد عد از چند متر توانستید کاملا بایستید اگر هنوز راه ادامه داشت و حداقل ۳۰ متر طول آن بود، شما ابتدای ورودی یک مقبره مهم و بسیار کهن را یافته اید و اگر در انتهای راه به بن بست خوردید ، اگر در سمت راست دیوار غار چند تاقچه که جای گذاردن پی سوز و یا مشعل می باشد برخوردید، بنده با قدرت به شما می گویم که در داخل یکی از آنها یک کوزه سکه که خرج نگهبانان و یا مخارج دیگه بوده مخفی شده است. و سپس به انتهای غار دقت بکنید و با یک پتک پلاستیکی نیز می توانید دیواره رو چک نمایید تا محلی که پشت آن صدای کمی پوکی میدهد را بیابید . البته ساروج آن زیاد ضخیم نیست و به راحتی باز می شود ولی این تازه اول کاره !! چراکه پشت آن خاکی نرم و دون دون، یهو به بیرون میریزد و شما تازه باید خک خالی کنید تا راهی به سمت چپ بصورت راهرویی پر از خاک را بیابید و در داخل مسیر اجساد سربازانی را با تجهیزات هم خواهید دید و ...

غارها خوب در غارها اموال را در ته غار یا سقف غار یا کف غار یا بدنه غار پنهان میک ردند ولی قسمتی از غار که دهانه غار هست رو خالی می گذاشتند که هرکس به داخل غار امد بگه اینجا چیزی نیست , معمولا یک سرباری جلوی در غارها دفن میکردند که هرکس اون رو در اورد قید بار اصلی رو بزنه یا بکه اینجا دیگه چیزی نیست و معمولا غارهای طولانی تله های مهلکی دارند که از دم در غار تا نزدیکی دفینه هم وجود دارد.

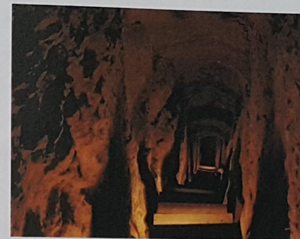
اما اگر دهانه غار تنگ و به همین صورت که در بالا اشاره کردیم بود، با این تفاوت که غار بعد از چند متر مثل یک اتاقک تمام شد، شما باید به سقف و دیواره روبرو و کناری به دقت نگاه بیاندازید تا علائمی همچون نعل اسب یا ماه و ستاره و حتی عقرب و جوغان بیابید که تازه این اول کار است و دفینه آن بسیار سخت بدست می آید و متعلق به دوران اسلامی است که شک نکنید که حداقل ۲۰۰۰ سکه آنهم در سه خمره دارای سر باری می باشد و سر باری آن در نزدیکی یک سنگی که در اطرف دره (حدود ۱۸۰ تا ۲۰۰ متر فاصله دارد) قزار دارد. آن سنگ معمولا به اندازه یک پراید است که انگار روی صندوق عقب ایستاده و به دهانه غار نگاه می کند. در ضمن قبری تکی در آن محل نیز وجود دارد که معمولا فردی بلند مرتبه می باشد ولی در داخل قبر چیزی نیست.

نکه مهم: اگر غار کشف شده دهانه ای گشاد و طول آن کمتر از ۳۰ متر بودولی کف آن خاکی نرم مانند آرد دون دون شده بود و تاقچه و ... داشت ، ابتدا از غار خارج شده و بالای دهانه ورودی را بدقت بررسی کنید تا در میان سخره ها یک دهانه کوچک بیابید که داخل آن به اندازه یک اتاقک کوچک جا داشته باشد. کف آنجا چاهی قرار دارد که پر خاک بسیار نرم است و نباید لابلای خاک استخوان یا کوزه شکسته و ... بیابید و حدود ۵/۱ متر پایین تر باید یک کوزه سکه بیابید.و احتمالا از زیر آن توسط حفره ای بسیار باریک را دارد که هواکش محسوب می گشته است.

مهم: اگر در غار فلش به سمت بالای غار بود دفینه در طاق غار به صورت پلمپ شده مخفی است .

مهم : در غارهایی که به صورت دو راهی هستند شما فقط هر چی جلوتر هم رفتید و باز تعداد راه ها زایادتر شد فقط به سمت راست برید اینجور غارها دارای دفینه ای بزرگ و در ورودی این غارها تنگ است که حتی باعث میشود در اول راه شما به صورت سینه خیز یا نشسته و بعد از ۱۰ متر کم کم به صورت ایستاده بتوانید بروید و دروسط راه این غار ها به یک جای گنبدی شکل هم برمیخورید که باید راه خود را ادامه بدید که بعد از آن به شیب تندی میخورید که باید پایین بروید و.......

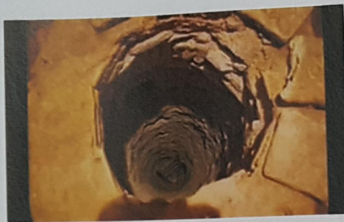
دخمه:



شبکه از گذر گاهها یا اتاقهای زیرزمینی برای مکان دفن مردگان مورد استفاده قرار می گرفت. معروف تریناین دخمه ها در حومه رم واقع شده است. دخمه یا دخنه دگرگون واژه دخ خنه (دژ خانه) می باشد که به مرور زمان بدین وجه درامده و به معنای سرای پلیدی است و امروزه به مکان های ترسناک و نامناسب اطلاق می گردد . در زبان فارسی به دخمه استدان و دخمه‌دان هم می گویند.

مسیحیان اولیه این دخمه ها را از سنگهای توفه و توخالی درست می کردند, شبکه ای بین راهروهای موجود در میان دخمه ها به وسعت ۲۴۰ هکتار وجود داشت .

این گورها برروی دیوار های اجری و سقف دفن می شدند و از سنگ مرمر بری حفاظت آنها استفاده می گردید و گاهی مواقع اتاقهای اضافی در زیر قبرها قرار داده می شد و ساخته می گردید دخمه یا برج خاموشان مکانیست بی در و پیکر که زرتشتیان نسا یا مردار آدمیان را که بنا بر عقاید آنها نجس و پاریار است در آن می گذاردند تا گوشت مردار توسط درندگان و پرندگان خورده شود آنگاه باقیمانده استخوان ها را درون چاه میانه دخمه انبار می کردند. بنا بر عقاید زرتشتیان دفن مردار موجب آلودگی عنصر مقدس خاک می گردید و لازم به ذکر است که در دین زرتشتیان بیتابی از برای مرگ عزیزان شدیداً منع شده است.



مسیحیان از این دخمه ها برای دفن مرده و جاودانه کردن یاد آنها استفاده میکردند.

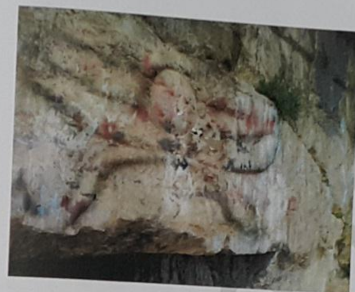
برخی لوحها برروی دیواره های این دخمه ها نشان از هنر بالای مسیحیان اولیه دارد تصاویری از کاهن یهودی سوار بر شیر و یا تصویر موسی در حالی که سنگ را میزد دخمه ها خواه ساخته ساخته شده بدست انسان خواه برآمده از عوارض طبیعی بگونه ای آرایش میافتند تا دسترسی گوشتخواران به مردار را ساده میسر نمایند بدین منظور اکثر آنها فاقد سقف یا میان فضا و در خارج سکونتگاه شهری و روستایی و معمولاً بر فراز بلندی‌ها ساخته می‌شده‌اند. با گذر زمان و تغییرات دین زرتشت عملکرد دخمه ها پیچیده تر شد و وظیفه متلاشی کردن گوشت و نسج مردارها از درندگان به پرندگان (با تدابیری مانند مرتفع کردن دخمه و یا محدود کردن دسترسی درندگان) مانند دخمه داریوش کبیر در نقش رستم شیراز و از پرندگان به نور عوامل طبیعی (مانند گنبد کاووس در استان گلستان) تغییر یافت.



این تصاویر همچنین نشان مسخره ای دارد از تصویر مرده گانی که در بهشت در حال نمازند و شمشیر هایشان در کنارشان قرار دارد نسا یا مردار توسط فرد یا افرادی موسوم به نِساکش از خانه به محل دخمه انتقال می‌یافت و در آنجا تحویل مسئول دخمه که جاکش نامیده می‌شد، می گردید و در آنجا باقی می‌ماند تا متلاشی می‌شد و سپس فردی که تمام عمر محکوم به خارج نشدن از دخمه بود و کوسکش (Kous-kesh) نامیده می‌شد بقایای استخوان و لوس باقی‌مانده را درون چاه وسط دخمه می‌ریخت.
در ایران هنوز دخمه‌هایی یافت می‌شود اما زرتشتیان دیگر از آن استفاده نمی‌کنند. از معروف‌ترین دخمه‌های ایران دخمه بندر سیراف است که بعد از اسلام به قبرستان مسلمانان تبدیل شد و نیز مقبره کوروش که تنها دخمه ساخته شده به شکل خانه است.

دخمه‌ها و آرامگاه‌های تاریخی مربوط به پیش از نفوذ اسلام در ایران که نوعی معماری صخره‌ای محسوب می‌شوند را گوردخمه می‌نامند.

محل و معماری دخمه‌ها:



زرتشتیان در گذشته، دور از آبادی، شهر و مکان مسکونی انسان‌ها بر روی کوه‌های نه چندان مرتفع فضایی را جسته و با رعایت آداب و رسوم مخصوص دینی، شالوده آن را ریخته و حصاری به دور آن بالا می‌بردند. این حصار، دیوار مدور ضخیمی به شکل برج است که از مصالحی نسبتا محکم و با دوام ساخته می‌شده و پلکانی زمین هموار را به درب دخمه‌ها متصل می‌کرد، است.در ورودی بعضی دخمه ها تصویر خورشید بالدار و یا سربازان و پادشاه هخامنشی و اهورامزدا ممکن است دیده شود.

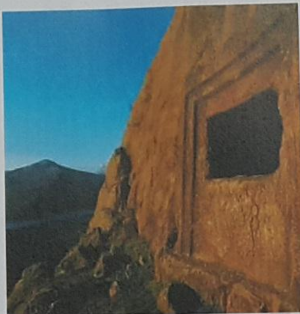
سطح داخلی دخمه به صورت پهنه گردی است که تمام آن با تخته سنگ‌های بزرگ مفروش شده و به قسمت‌های زیر تقسیم‌بندی می‌شود:

نوار دایره‌ی انتهایی متصل به دیوار پیرامون دخمه که مخصوص مردهاست.

نوار دایره‌ی میانی بعد از قسمت مردها که مخصوص زنهاست.

نوار دایری داخلی بعد از زن‌ها که مخصوص کودکان است.

نهایتا در مرکز دایره چاه "استودان" یعنی "استخوان‌دان" است که که سنگ متحرکی به نام "ارویس" در ته آن چاه وجود دارد استودان یا وهنده عبارت است از چاهی در میان دخمه که با سنگ مفروش است و وقتی اجساد به وسیله‌ی مرغان لاشخور از گوشت و پوست تهی شده و تحت تاثیر آفتاب کاملا خشک می شدند، استخوان‌ها را در آن چاه می‌ریختند تا تبدیل به خاک شوند و این‌جا بود که توانگر و درویش به گاه مرگ در ته این چاه یکسان می‌شدند.



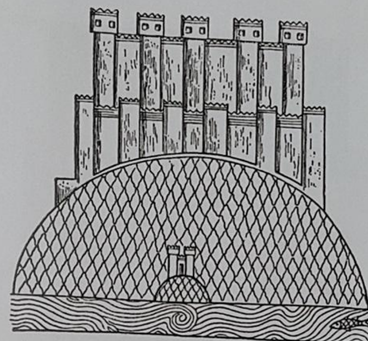
دخمه‌ها را کلا یکسان می‌ساختند، در و دیوار و سطح دخمه مشخصات و اندازه‌های معینی نداشتند بلکه بر حسب نیاز و جمعیت شهرها و روستاهای زرتشتی‌نشین بنا می‌شدند.

اصول ساختن دخمه‌ها :

دخمه‌ها را از خشت خام و گچ بنا می کردند تا مواد آلوده به زمین نرسد. در ساختن دخمه اصولی همچون کوبیدن ۴ میخ بزرگ، ۳۶ میخ متوسط و ۲۶۰ میخ کوچک بر زمین رعایت می‌شد. صد نخ پنبه را یک ریسمان می کردند و سه بار آن ریسمان را دور تا دور دخمه به گرد این میخها می‌پیچاندند و اول سروش باج تا ویدوا مروتی می‌خواندند و هنگام کوبیدن هر میخ یک "یتا اهو" زمزمه می کردند. سپس در میان دخمه می‌نشستند و ۱۰۰ "اشم وهو" و ۲۰۰ "یتا اهو" می‌خواندند و ۳۰۰ سنگ کوچک به میان دخمه می‌انداختند، سپس دخمه را بر روی این مکان بنا می کردند.

دلیل برگزاری چنین مراسمی قبل از بنای دخمه مشخص نیست.

معماری ماد:



یک دژ مادی بر اساس لوحها و کتیبه ها

مادها با شیوه معماری شهرسازی عظیم آشنا بودند.در این دوره ستون نقش مهمی در معماری داشت . ازآنجا که بنای مادی سالمی شناسایی نشده برای بررسی هنر معماری مادی به بررسی گور دخمه های آنان میپردازیم که بسیار فراوان است. این گور دخمه ها ایوان دار هستند و با ستون تزیین شده اند. تراشهایی که بر روی ستونها و داخل دخمه ها داده شده، روش تزیین بر روی دیوار و ستونهای چوبی را به ما بازگو میکند. هرودوت تاریخ نگار یونانی در مورد معماری شهر مادی هگمتانه نوشته است :در هگمتانه پایتخت ماد اصول شهر سازی رعایت شده است.در این شهر کاخ شاهی به وضعی عجیب و مستحکم به صورت هفت قلعه ساخته شده است که هرقلعه درون قلعه دیگر قرار گرفته است و کنگره های هفت گانه از بیرون به درون به رنگهای سفید، سیاه ،ارغوانی ،آبی ،سرخ ،نارنجی ،سیمین ، زرین و......میباشد.کاخی بلند و مستحکم برای شاه و خزانه در مرکز قرار دارد.

انواع گورها:

با عنایت به تحقیقات انجام شده گورهای پیدا شده در ایران به انواع ذیل تقسیم می شوند:

۱-مقبره در سنگ حک شده است:



این نوع گور البته بیشتر از دیگر گورها شیوع دارد و بیشتر مربوط به دوره جنگها می باشد.

این قبرها از یک اتاق که در هر دو قسمت آن گورهایی کنده شده و و این گورها چنان کوچک هستند که برای بدن میت تنگ می باشند.

ولی در فرقه اصلی زرتشتی یعنی این میترایی ، دفن مرده مرسوم بوده است . به این نما از قبرستان اشکانی بنگرید . نماد چلیپا (صلیب) روی هر تابوت مشاهده می شود.



۲-مقبره بنا شده:

تعداد این گورها اندک می باشد و نسبت به قسمت قبلی از قدمت چندای برخوردار نیستند

۳-برجها

برجهایی بر سر برخی قبرها می ساختند.



البته در عهد جدید دونوع وصف برای قبرها امده قبرها میضه که همان قبرهایی هستند که بواسطه برخی چربها چربی گشته واز درخشندگی برخوردارند و برخی قبرهای دیگر که به قبرهای مخفی مشهورند این قبرها البته متعلق به فقیران بوده و معلوم نیست که اصلا قبری در آن منطقه وجود دارد یا به علت عدم تمایز مکان قبر با سایر مکانها

آثار دفن شده:

اعتقاد به بازگشت روح و زندگی دوباره و انتقال روح از این دنیا به دنیای دیگر باعث گردید که گذشتگان در هنگام دفن کردن مردگان خویش وسایل آن مردگان را نیز دفن کنند باشد که در آن دنیا به کارشان آید این وسایل گاها وسایل شخصی و یا برخی داراییها و در برخ مواقع ابریشم و شمشیر نیز بود . این مقبره دها اگرچه میتواند جای برای تحقیق توسط باستان شناسان باشد همچنین جایگاهی مناسب برای تحقیق در مورد فرهنگ و تمدنها و سایر علوم نیز هست که به علت ضیق وقت به آن اشاره نمی کنیم و به موضوع خود می پردازیم.

آیین خاکسپار به دو صورت رایج بوده است آیین خاکسپاری ساده و یا آتش زدن بدن میت که البته این نوع دوم شیوع اندکی داشته است اگر چه در اوایل عصر برنزی و نیز عصر آهن و در هزاره سوم در سرمین آناتول این نوع این شیوع داشته است البته در آن سرزمینها بعد نگهداشتن خاکستر میت سوزانده شده نیز شیوع پیدا کرد

اما در خاکسپاری ساده در داخل قبر بر دو طرف آن سنگی قرار میدهند این نوع خاکسپاری در همه انواع قبور چوبی و نواویس و سنگی و معدنی و ...رایج می باشد.

مقبره ها و قبرهای عمیق در داخل زمین(دیامیس):



یک اتاق ساده و یا قبه ای که به آن اتاق می رسد از طریق یک دخمه و یا سرداب که در کل زیر زمین قرار دارد این گونه مقابردر داخل کوه میتوانند بنا شوند ورودهایشان سنگی است و البته از این نوع قبور میتوانید در تمدنها ی یونان در عصر آهن و برنز پیدا کنید

اما در مصر نیز از این نوع مقابر وجود دارد ولی نوع شامل آن وجود وجه بارزی از این مقابر و آن وجود هرم در آنهاست

البته در میان یونانیان قبری به شکل دایره مانند که داخل آن یک و یا چند قبر قرار داده شده است که یک سنک دایره مانند نیز می تواند ما را به ان برساند از این نوع قبور در ایای میانه نیز یافت میشود.

قبرها میتوانند فرد و یا جمعی باشند قبور جمعی در یک منطقه در خارج از دیوارهای شهر به آن اختصاص میدهند قرار میگیرند

در میان یونانیان دفن کردن در خارج از شهر اگر چه رایج بوده ولی گاها برخی قبور مشاهده شده که در مناطق مسکونی دفن گردیده اند خصوصا زمانی که میت متعلق به فرزندان صاحب آن منطقه و مسکن بوده است

بالای قبر یا نوشته و یا تصویری از میت و یا تصویر او با یک حیوان که در فرهنگ یونان سگ بوده نصب میگردد



بر روی دیواره ارامگاهها تصاویری راز آلود کشیده میشود تصاویری از زندگی روز مره انسانی از خورد ن و نوشیدن

در هر حال جای توضیح این مسئله در اینجاست با عنایت به اعتقاد همگان در آن زمان به اینکه زندگی پس از مرگ و انتقال روحانی وجود دارد از این رو افرادی که مردگان خود را دفن می کردند بهمراه آنان وسایل شخصی و حتی جواهرات و ادوات جنگی را هم دفن می نمودند.

این دفن شده ها همان چیزهایی بودند که بعدا تبدیل به دفینه و فرصتی مناسب برای علاقمندان به این موضوع گردید.

قبرستان استخوانی

این قبرستانها در واقع مقبره هایی برای نگهداری استخوانهای مردگانی است که سوزانده شده باشند و یا خاکستر آنها در این مکان نگهداری می شود.

نواویس:

استفاده از قوطی برای حفاظت از مردگان یک پدیده عمومی در میان مردم مردم باستان نیست

در میان بدویان البته مرده گان را در در سطح زمین و گاها در پوسته حیوانات قرار میدادند



قانون اساسی در مورد میراث فرهنگی:

ماده ۵۵۸- هرکس به‌تمام‌یا قسمتی ازابنیه، اماکن، محوطه‌هاومجموعه‌های فرهنگی-تاریخی یا مذهبی که‌درفهرست آثارملی ایران به‌ثبت رسیده است، یا تزیینات، ملحقات، تاسیسات، اشیاءولوازمو خطوط نقوش منصوب یا موجود در اماکن مذکور، که مستقلاً نیز واجد حیثیت فرهنگی-تاریخی یا مذهبی باشد،خرابی‌واردآوردعلاوه‌بر جبران خسارات وارده‌به حبس‌ازیک‌الی‌ده سال محکوم‌می‌شود.

ماده ۵۵۹- هرکس اشیا و لوازم و همچنین مصالح و قطعات آثار فرهنگی-تاریخی را از موزه ها ونمایشگاهها، اماکن تاریخی ومذهبی و سایراماکن که‌تحت حفاظت یا نظارت دولت است سرقت کند یا با علم به‌مسروقه‌بودن اشیای مذکوررا بخرد یا پنهان داردر صورتی که‌مشمول مجازات حد سرقت نگرددعلاوه‌براستردادآن به حبس‌ازیک‌تا پنج‌سال محکوم‌می‌شود.

ماده ۵۶۰- هرکس‌بدون اجازه از سازمان میراث‌فرهنگی کشور، یا با تخلف‌ازضوابط‌مصوب واعلام شده‌از سوی‌سازمان مذکوردر حریم آثارفرهنگی-تاریخی‌مذکوردراین‌ماده‌مبادرت‌به‌عملیاتی‌نماید که سبب‌تزلزل بنیان آنها شود، یادرنتیجه‌آن عملیات به‌آثاروبناهای مذکور خرابی یا لطمه‌واردآید،علاوه بررفع آثارتخلف‌وپرداخت‌خسارات وارده‌به حبس‌ازیک‌تا سه سال محکوم‌می‌شود.

ماده ۵۶۱- هرگونه اقدام به خارج کردن اموال تاریخی-فرهنگی از کشور هرچند به خارج کردن آن‌نیانجامد قاچاق‌محسوب ومرتکب‌علاوه‌براستردادااموال به حبس‌ازیک‌تا سه سال پرداخت‌جریمه‌معادل دوبرابرقیمت‌اموال موضوع قاچاق‌محکوم‌می‌گردد.

تبصره: تشخیص‌ماهیت‌تاریخی-فرهنگی‌به‌عهده سازمان میراث‌فرهنگی کشورمی‌باشد.

ماده ۵۶۲- هرگونه حفاری و کاوش به‌قصد به‌دست آوردن اموال تاریخی-فرهنگی‌ممنوع بوده ومرتکب‌به حبس‌از شش‌ماه تا سه سال وضبط‌اشیای‌مکشوفه‌به‌نفع سازمان میراث فرهنگی کشوروآلات وادوات‌حفاری‌به‌نفع دولت محکوم‌می‌شود.چنانچه حفاری دراماکن‌ومحوطه‌های‌تاریخی که‌درفهرست آثارملی‌به‌ثبت رسیده است، یادربقاع متبرکه‌واماکن‌مذهبی‌صورت گیرد،علاوه‌برضبط‌اشیای‌مکشوفه‌وآلات ادوات‌حفاری‌مرتکب‌به حداکثرمجازات‌مقررمحکوم‌می‌شود.

تبصره ۱:هرکس اموال تاریخی-فرهنگی موضوع این ماده را حسب تصادف به‌دست آوردو طبق مقررات سازمان میراث‌فرهنگی کشورنسبت‌به‌تحویل آن اقدام‌ننماید به‌ضبط‌اموال مکشوفه‌محکوم‌می گردد.

تبصره ۲: خرید و فروش اموال تاریخی-فرهنگی حاصله از حفاری غیر مجاز ممنوع است و خریدار وفروشنده‌علاوه برضبط‌اموال فرهنگی‌مذکوربه حبس‌از شش‌ماه تا سه سال محکوم‌می‌شوند هرگاه فروش اموال مذکورتحت هرعنوان ازعناوین به‌طورمستقیم یاغیرمستقیم به‌اتباع خارجی‌صورت گیرد،مرتکب به‌حداکثرمجازات‌مقررمحکوم‌می‌شود.

ماده ۵۶۳- هرکس به اراضی و تپه ها و اماکن تاریخی و مذهبی که به ثبت آثار ملی رسیده و مالک‌خصوصی نداشته باشد، تجاوز کند به شش ماه تا دو سال حبس محکوم می شود مشروط بر آنکه سازمان‌میراث‌فرهنگی کشورقبلاً حدودمشخصات این‌قبیل‌اماکن‌ومناطق رادرمحل‌تعیین‌وعلامت گذاری کرده‌باشد.

ماده ۵۶۴- هرکس بدون اجازه سازمان میراث فرهنگی و برخلاف ضوابط مصوب اعلام شده از سوی‌سازمان مذکوربه‌مرمت یا تعمیر، تغییر، تجدید وتوسعه‌ابنیه‌یا تزیینات اماکن‌فرهنگی- تاریخی‌ثبت شده درفهرست‌آثارملی‌مبادرت‌نماید، به حبس‌از شش‌ماه‌تادو سال وپرداخت‌خسارت وارده‌محکوم‌می گردد.

ماده ۵۶۵- هرکس برخلاف ترتیب مقرر درقانون حفظ آثار ملی اموال فرهنگی-تاریخی غیرمنقول ثبت شده درفهرست‌آثارملی‌را باعلم واطلاع ازثبت‌آن به‌نحوی‌به‌دیگران انتقال دهد به حبس‌از سه‌ماه‌تا یک‌سال محکوم‌می‌شود.

ماده ۵۶۶- هرکس‌نسبت به‌تغییرنحوه استفاده ازابنیه، اماکن‌ومحوطه‌های‌مذهبی-فرهنگی‌وتاریخی که‌درفهرست آثارملی‌ثبت شده اند، برخلاف شئونات اثروبدون مجوز از سوی‌سازمان میراث‌فرهنگی کشور،اقدام‌نماید علاوه‌بررفع آثارتخلف‌و جبران خسارت وارده‌به حبس‌از سه‌ماه‌تا یک‌سال محکوم‌می‌شود.

ماده ۵۶۷-در کلیه جرایم مذکوردراین فصل، سازمان میراث فرهنگی یا سایردوایردولتی برحسب مورد شاکی‌یامدعی‌خصوصی‌محسوب‌می‌شود.

ماده ۵۶۸-درمورد جرایم مذکور دراین فصل که‌به‌وسیله‌اشخاص حقوقی‌انجام شودهریک‌ازمدیران ومسئولان که‌دستوردهنده‌باشد، بر حسب‌موردبه‌مجازات‌های‌مقررمحکوم‌می‌شوند.

تبصره:اموال فرهنگی-تاریخی‌حاصله‌از جرایم مذکوردراین‌فصل‌تحت‌نظر سازمان میراث‌فرهنگی کشورتوقیف‌ودر کلیه‌مواردی که حکم به‌ضبط‌واستردادااموال،وسایل، تجهیزات و خسارات داده‌می‌شودبه‌نفع‌سازمان میراث‌فرهنگی کشورمورد حکم قرار خواهد گرفت.

ماده ۵۶۹-در کلیه‌مواردین فصل در صورتی که‌ملک‌موردتخریب، ملک‌شخصی بوده ومالک‌ازثبت‌آن به‌عنوان آثارملی‌بی‌اطلاع باشد ازمجازات‌های‌مقرردرموادفوق‌معاف‌خواهد شد.

نحوه کشف سکه های تاریخی تقلبی:



در دنیای سکه ها و مجسمه ها مشکلی جدیدا پیدا شده و آن مشکل تقلبی بودن این آثار است.

توجه:

بازار مملو از آثار باستانی تقلبی است شما باید در این بازه خیلی دقت داشته باشید ,ولی شخصی که مبتدی است می بایست برخی از امور را مورد توجه قرار دهد تا گرفتار سکه های و پولهای تقلبی نگردد

در سکه های معدنی در زیر ذره بین دقت کنید , ببینید آثار مبرد (سرد کننده) قابل مشاهده است یانه این علامت تقلبی بودن است.



در زیر ذره بین ببین دقت کنید ببینید,آثار خوردگی و تاکل قابل مشاهده است یا نه؟؟ این علامت اصلی بودن است.

اگر به شما تعداد زیادی سکه دادند و دیدید که همه شان باهم و یکسان هستند, در این صورت مطمئن باشید که آنها تقلبی هستند,زیرا حتما سکه های قدیمی با هم تفاوت باید داشته باشند.

از جهت وزن دقت کنید, خصوصا آنهایی که با نقره است چون در بیشتر سکه های تقلبی نقره بکار نمی برند تا هزینه زیاد نشود یا بکار می برند با اختلاف وزن بسیاری که با سکه ضرب اول خواهد داشت.

دایره ای بودن و تناسق دلیل بر تقلبی بودن است.

سکه های تقلبی دارای لبه های تیزی هستند و هر از گاهی بصورت حفره های ریز ریز دیده میشود.انواع سکه های نقره و مفرغی در انواع قبرهای ساسانی و اشکانی دیده می شود که اگر قبر گبری نیز باشد سکه نیز در کنار آن پیدا می شود.در کنار سکه های نقره چندین سکه مفرغی نیز پیدا می شود.



پاتین یا سیاهی سکه های تقلبی , با خراشیدگی به راحتی از بین می رود در حالیکه در مورد سکه های اصلی این موضوع صدق نمی کند وبسختی پاک می شود.



این البته در مورد افرادی که مبتدی هستند و می خواهند تشخیص دهند سکه های تقلبی را از سکه های اصلی این یک راه ساده است , اما برای پژوهشگران و کارشناسان که در برابر تقلبهای ماهرانه ای قرار می گیرند, می بایست مهارت و خبرگی و حس ششم و غیره را در گرفتن نمونه ها و وزن دقیق و مقایسه با نسخه اصلی را در نظر بگیرند تا به تشخیص صحیح برسند.

مجسمه های طلای اصل نباید لخت و برهنه باشد , اگر لخت و برهنه باشد تقلبی و ساختگی است , قریب به ۹۹ ٪ نام و اسم مجسمه باید به پشتش حک شده باشد البته با هر زبانی و خطی که در آن نوع خط رایج آن زمان ساخته شده است , مجسمه های اصلی را باید نگاه کنید که مقداری به رنگ کدر می مانند و مثل اینکه دوده دارد و کاملا یکنواخت می باشد . در هنگام ملاحظه مجسمه به اعضایی که برایتان می آوریم به دقت نگاه کرده و آن ها را چک کنید آن اعضا عبارتند از :لای پاها و لای دستان و پشت زانو را خوب نگاه کنید و اگر جای کوچکترین نقطه حاصل از جوش دیدید مجسمه بدل می باشد , آن زمان دستگاه جوش برقی نبوده که پریسه بندازه, اگر کف پاها سنگ فرز خورده بوده باشد بی شک بدل است و در آخر این را بدانید

۹۹ درصد مجسمه های اصل و واقعی توخالی هستند پس اگر توپر باشد بدانید که مجسمه جعلی و تقلبی می باشد. اگر مجس ها دارای روکش بوده و به چشم بزند باید بدانید که آن مجسمه نیز تقلبی می باشد.



اگر مجسمه را تک آوردند و گفتند که فقط همین است , باید بدانید که این کار تقلبی می باشد , اجناس اصلی کنار خود جنس های دیگری هم ۱۰۰ درصد دارد . تاریخ قدمت گذاری مجسمه از روی قیافه و شکل ظاهری آن و از روی خط موجود بر آن فهمیده می شود و تست کربن نیز در این موارد نیز می تواند مفید باشد.



آخرین روش برای تشخیص اصلی از تقلبی استفاده از تیزاب سلطانی است و می توانید آن را از طلا فروشی ها تهیه کنید.این ماده تمامی فلز ها را در خود حل می کند بجز طلا را.اگر یک قطعه از آن را روی مجسمه ریختید و رنگ آن سبز شد باید بدانید که مجسمه شما تقلبی و جعلی می باشد.

در زیر نمونه ای از مهرهای سنگی را برایتان قرار می دهیم .



این نوع مهرها در قدیم به جای مهرهای امروزی مورد استفاده قرار می گرفت و در اکثرا قبور گبری نیز قابل یافت است.این برای مصارف فردی یا خانوادگی استفاده می شده و در درباریان از نوع طلایی و اشرفی ان مورد استفاده قرار می گرفت.



نوعی از اشیایی که از قبور گبری بدست می آید ,می توانید این نوع مهرها را در خمیر بازی کودکان بغلتانید تا اگر مکانی دیگر را نشان دهد در روی همان خمیر نشان شما داده شود.

اکثرا از نوع اجناس مفرغی یا هفت جوشی یا سه جوشی می باشد که در زیر نوعی از این اشیاء را مشاهده می کنید ,



مجسمه هایی که سمبل آئین مغ ها بودند و آئین میترا را یادآوری می کند ،روحانیون مغ ها با کلاه معروف آن که در این مجسمه ها قابل رویت است.



مهرهای سنگی نیز همانطور که قبلا توضیح دادیم قابل ملاحظه است.

اشیاء سه جوش که ترکیبی از چند فلز هستند در قدیم الایام بیشتر استفاده می شده است یا از طلا یا از نقره برای طلا یا نقره شوری نیز استفاده می کردند. از این آلیاژ در هنر ریتون سازی نیز استفاده می شده است.



همانور که میدانید از اشکال شیر در درباریان هخامنشی , نقش قوچ یا کله میش و آهو بیشترین نقوشی هستند که درهنر ریتون سازی مورد استفاده بودند. از ریتو نها در مجالس و بزم های محافل خانوادگی یا درباری برای نوشیدن مایعات یا شراب استفاده می شده است.



بعضی از مجسمه های قدیمی که امروزه نیز اکثر متقلبین از آن استفاده می کنند را مشاهده می کنید.



این وسایل در یک حفاری بدست آمده متعلق به یک صندوقچه مانند به طول تقریبا ۱۲ سانت و عرض ۸ سانت که دارای سرپوش است

اضافه بر آنچه که گفته شد در نظر گرفتن این مسائل هم ضروری است:

۱–سعی کنید تعداد زیادی از سکه ها و پولهای تقلبی جمع آوری کنید و نیز نمونه اصلی آن نیز پیش تو باشد و با مقایسه آنها به نوعی خبرگی می رسید.

۲–در مورد سفالها دقت کنید ببین بو می دهند اگر بو دادند مطمئن باشید تقلبی است.



۳-در مورد سفال ,آب را برروی آن بپاشید اگر دیدید زود خشک شد مطمئن باش اصلی است چون سفال قدیمی تشنه آب است.اگر بوی آن شبیه به بوی آبی که تازه به زمین پاشیده شده باشد بدهد آن سفال دارای اصالت درست می باشد.



۴-در مورد مجسمه های سنگی ,در زیر ذره بین دقت کنید ببینید آثار استفاده از ابزار جدید همچون مکانهای جوش و پرس سنگی و رنگ بکار برده شده قابل مشاهده است یا نه



به مجسمه زیر دقت کنید.در قسمت های علامت گذاری شده جوش ها و خطوط نابجا کاملا مشخص است و نشان از جعل بودن این مجسمه دارد.این مجسمه ها دارای یک نمونه اصل هستن و از روی اصل آن کپی برداری میگردد.جالب اینجاست که از طلای عیار پایین در ساخت استفاده شده است.

دوستان از آنجایی که مجسمه های تقلبی در بازار ایران بسیار زیاد شده اند و این امر به نوبه خود کلاهبرداری مردمی که پول خود را باهزارارن قرض و قوله و مصیبت جمع می کنند شده و هموطنان عزیز ایرانی را به کام سقوط مالی می کشاند بر آن شدیم تا دراین قسمت گوشه ای از کلاهبرداری مجسمه های تقلبی ر ابگوییم.



مجسمه های تقلبی که اکثرا در قسمت جنوبی کشور بویژه ازنا -الیگودرز و ... ساخته می شود یا از سلیمانیه عراق درست شده و وارد می شوند بقدری ماهرانه و زیبا از روی جنس اصلی تقلبی می سازند که کارشناسان نیز دچار تحیر و سرگرانی می شود.روش کار آنها این است که مجسمه های برنجی یا مخصوصی که از چند آلیاژ ترکیب شده است را حاضر کرده و آنها را فرز کاری کرده و طراحی کرده و باتجبر و مهارت بالایی می سازند و سپس روی ان را با روکشی از طلای ۱۸ عیار یآ عیار پایین می پوشانند و بعد به مدت معینی داخل خاک رس که بعضی عناصر شیمیایی نیز به انها افزوده می شود می خوابانند که باعث ایجاد لایه نازک سیاه رنگ که اصطلاحا به آن پاتین می گوییم میشه که البته معلومه که مصنوعیه بوجود میاره.



از راه کشف کلاهبرداری آنها دقت کردن جای فرز و جوش های دستگاهی است که با آن ساخته اند اگر بسیار با مهارت ساخته شده باشد آخرین و نهایی ترین راه استفاده از مته و سوراخ کردن مجسمه می باشد.



یکی از این شیادها که سکه جدید علی ولی الله به سبک جدید ضرب میکرد.مواد این سکه ها قبلا از چین به ایران میومد اما با دستان توانمند هموطنان الیگودرزی این فلز در ایران ساخته میشود.حتی تیزآب ۱۸ هم به این نوع فلز کارساز نیست. شناسایی این نوع سکه های اینطوره که:.۱.تیزاب ۲۴.شما یک قطره تیزاب۲۴ روی آن بریزید رنگ آب که ریختید سبز میشود که نشان از بدل بودن آن است.۲.ذره های قالب روی آن ریخته . با چکش ضربه خورده تا محو شود اما دقت کنید کاملا مشخص است.۳.خواصیت چکش خوری آن برعکس طلا بسیار ضعیف است .

سکه حالت چرم به خود میگیرد که باید دقت کنید.رنگ این فلز کاملا شبیه طلاست و طلاسازان هم به سختی تشخیص میدهند.توصیه میکنم دنبال خرید و فروش بار نروید.چون غیر از دروغ و کلاهبرداری چیزی در معامله برای دیگران وجود ندارد.

۵–سعی کنید با یک چیز نیرومندی در آن خدشه وارد کنید اگر دیدی مقاومت می کند و نمی ریزد بدان اصلی است.

۶- در مورد مهر ها ,دقت کنید ببینید کنده های آنها از ارتفاع برخوردارند و یا نه , در صورت ارتفاع داشتن اصلی هستند ونیز اگر هماهنگی حفر وجود نداشته باشد هم علامت اصلی است.

البته تقلب اشکال گوناگونی دارد و چه بسیار کارشناسانی که مبتلا به تقلبهایی شده اند.

اما بین تقلب و تقلید تفاوتی وجود دارد

تقلید ساختن پول و یا سکه از روی اصل آن

تقلب شبیه سازی سکه به سکه اصلی است

اکسیرها:



اکسیر هم به معنای کمیاب است و در زمانهای قدیم به داروهائی می گفتند که هر کدام کار خاصی انجام میدادند. مانند: اکسیر مو ، اکسیر دندان ، اکسیر چشم ، اکسیر شمس و نایاب ترین اکسیر که به آن اکسیر اعظم می گفتند.اکسیر را دانشمندان یونانی و دانشمندان ایرانی ساختند و نوعی دارو محسوب می شد که البته در دسترس کلیه مردم وجود نداشت.اکسیر بیشتر از گیاهان و گاهی اوقات چیزهائی از حیوانات هم به آن اضافه می شده است. اکسیر به صورت دو قلو هست یعنی نر و ماده دارد و هر کدام به تنهائی به هیچ دردی نمی خورند و باید با فرمول دقیق با هم مخلوط شوند تا کارایی داشته باشند.اکسیر اکثرا در شیشه هست و درب آن با ساروج پلمپ گردیده است و اگر کسی آگاهی نداشته باشد و درب آن را باز کند ظرف چند دقیقه فاسد می شود. معمولا در کفش کن بقعه ها و یا در سفید خانه ها یافت میشود .



در بعضی از قبرها چند شیشه های مختلف اشک دان و سفال هاو خمره ها پیدا می شود.

اکسیر چند رنگ خاص دارد که نمونه آن مثل آب است و بعضی هم آبی یا سبز فسفری هستند که در شیشه ای نازک مثل پوست پیاز قرار گرفته اند و همیشه باید در کنار اکسیر یک پوست هم باشد که طریقه مصرف آن را در ان یاد داده است.

معیار ارزش گذاری آثار و اشیاء قدیم و جدید:

۱ نوع و جنس و مقدار مواد اولیه (به طور مثال یک شی زرین یا نقره ای یا ابریشمی دارای ارزشی بیشتر از شی مشابه و با موادی مانند آهن ، مفرغ یا پشم می باشد)

۲ زمان ساخت یا وقتی که از شروع تا اتمام یک اثر صرف می شود در ارزش آن مد نظر خواهد بود

acrshop

۳ تجربه ، مهارت و استادی سازنده

۴ نایابی و کم یابی تکنیک و فنون بکار رفته در ساخت اثر

۵ فرم و هندسه فضایی اثر

۶ نقوش ، طرح ها و تزئینات بکار رفته که خود شامل سه بخش می شود.

الف: نوع طرح ونقش واصالت فرهنگی و تاریخی آن
ب: تکنیک و مهارت استفاده از نقوش وتزئینات
ج: میزان هماهنگی و ارتباط نقش و فرم

۷ داشتن امضاء یا خط اثر و آن به این معنی است که از روی ویژگی خاص یک اثر و شخصیت آن شی بتوان به نام سازنده اش پی برد . مثال بهتر این است دو میناتور کاملا مشابه یکی توسط فردی ناشناس ترسیم شد ه و دومی به طور مثال توسط رضا عباسی و یا بهزاد

۸ داشتن ویژگی های بارز فرهنگی هنری بومی یا منطقه ای و ملی

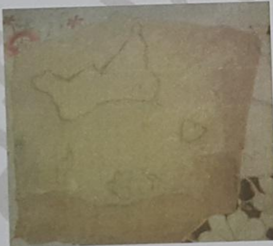
۹ در نهایت دو یا چند عملکردی بودن (Multi-Function) که می تواند بر نحوه و میزان ارزش گذاری شی دستی اثر بگذارد . به طور مثال یک قالی یا گلیم زیبا علاوه بر عملکرد زیر انداز دارای عملکرد زیبایی نیز هست و در عین حال دارای ارزش اقتصادی فعال و غیر ثابت نیز می باشد و ...

به هر صورت از دیدگاه باستان شناسی و مبادی علمی ، یک کاوشگر و کارشناس کاوش ، دست به مطالعه و بررسی اسناد و مدارک مختلف تاریخی و فرهنگی می زند تا قادر به شناسایی و تعیین محل دقیق دفن آثار ،اشیاء و ابنیه گردد. این عمل ، تنها با تسلط به تاریخ جغرافیای قومی وتاریخی ، ویژگی های اجتماعی و فرهنگی اقوام وهمینطور شناسایی آثار موجود ومعاصر برای پیگیری و ره یابی سابقه و پیشینه تاریخی آن است که محقق را قاد ر به اکتشاف و مطالعه علمی خواهد نمود .اما علاوه بر آن برای تعیین دقیق قدمت و تاریخچه آثار بعد از اکتشاف باید به دنبال کشف حقایق و مجهولات فرهنگی نیز بود.

چگونه تشخیص دهیم که تصریحات و یا نقشه ها ونسخه ها درست و اصل هستند و به کجا اشاره می کنند



در برابر استقبال گسترده ای که در مورد تحلیل نشانه ها و رموز بجای مانده از گذشتگان مشاهده می شود چون این امور تا اندازه ای مرتبط با تاریخ روحانی و مذهبی گذشتگان است از این رو برخی موسسات و شخصیات مذهبی تاریک اندیش هر گونه تفکر و تحلیل در مورد فرهنگ و دین و عادات گذشتگان ممنوع و حرام اعلام می کنند ,چیزی که البته به درک نادرستی از گذشتگان و مجهول ماندن بسیاری از مسائل فرهنگهای گذشته می انجامد, آنان مرتکین این کار را مرتد و مهدور الدم می دانند , ولی ما در اینجا می خواهیم در مورد توصیه ها و نقشه ها و تصریحات بجای مانده از گذشته تحقیق مستقلی انجام دهیم .



در مورد تصریحات بجای مانده از گذشته باید به این مسائل دقت کنیم:

این تصریح چیست؟

چگونه ان را بشناسیم؟؟

به کدام زمان بر میگردد؟

انواع آن چیست؟

چگونه اصل و بدل بودنش را تشخیص دهیم؟

راههای درست استفاده از آن چیست؟

تقیید چیست و چگونه آن را بشناسیم؟

تقییددر واقع از جهت لغوی از کلمه قید و متفاوت از وصیت است که معمولا شفاهی است, تقیید شامل نقشه ونسخه دفینه و گاها شامل رمزهای حرفی و طبیعی و حجی می باشد ,یک ورقه است که از نسلی به نسلی دیگر توارثی منتقل میگردد ,گاهی متن است و گاهی شعر همچون قصیده ,صوله و یا ابن حاج و یا حاتمی و یا تصویر

مراحل تقیید

دیباچه:

با بسمله و سلام و صلوات شروع می شود ,گاهی از مصدر به مقصد ذکر می شود مثلا از فلانی به فلانی از مازندران به خوزستان ... از این شیخ به آن شیخ ..... گفته میشود این تقییده یا این این وصیت و یا این برکت و یا اینکه مستقیما وارد موضوع میشود مثلا میگوید به همدان برو به فلان شهر به کوهی در فلان شهر و در آن کوه سه سنگ می یابی که همچون انسان ایستاده اند .....

معین کردن مکان:

برخی تقییدات مکان معین می کنند و بدون زحمت می توان به مکان دفینه رفت و آن را برداشته البته بیشتر این دفینه ها برداشت شده اند برخی دیگر اجمالا به موضوع اشاره میکنند و نام قدیمی محل و یا دو محل را ذکر میکنند و برخی دیگر از تقییدات, در واقع بصورت رمز حروف ابجد مکان را تعین می کنند و یا بواسطه حروف طبیعی که انواع مختلفی دارند و ما آنها را ذکر خواهیم کرد

توصیف مکان:

تقییدات توصیفهای مفصلی از مکان دارند و تاکید ویژه ای بر این توصیف دارند مثلا درختان و سنگها و خاک و رنگهای بناها , چشمه های قدیمی , جهت ها و مانند این سخن که سنگی زرد که از بقیه سنگها متفاوت است ...

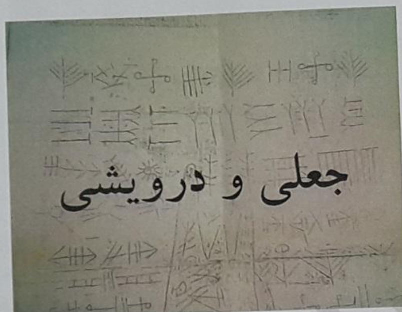
ارائه راهکار:

برخی تقییدات ارائه راهکار میدهند مثلا می گویند که اندازه قامت دو انسان زمین را بکند به جایی میرسد و یا می نویسد اندازه دو قدم زمین را بکن خاک زردی می بینی ....

شرایط روحی و مذهبی:

برای همه تقییدات البته در آنها برخی شرایط روحانی ذکر شده است که از این شرایط میتوان به بخور و قربانی اشاره نمود البته در برخی تقییدات , حتی موضوع قربانی کردن انسان نیز مطرح است و من هیچ تقییده ای ندیدم مگر اینکه شرط قربانی کردن در آن وجود نداشته باشد

زمان وارد عمل شدن:



شنبه اخر ماه عربی و یا شبهای چهاردهم و پانزدهم و شانزدهم ماه عربی و زمان نورانی بودن ماه در هفته اول و گاها زمانهای فلکی همچون زمانی که قمر در برج دلو باشد و روز های که خالی از نحوست باشد و در برخی مواقع به ایام و روز ها کاملا تصریح شده است مانند شنبه و یا جمعه و یا دوشنبه

درست بودن و بدلی بودن اشارات در تقییدات:

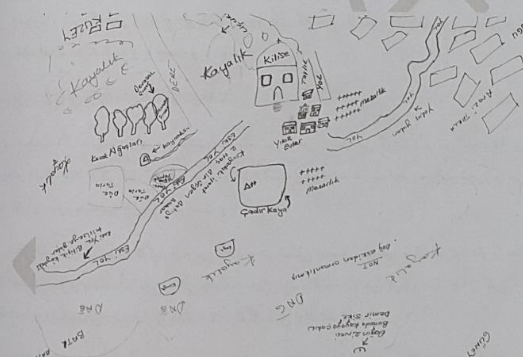
بسیاری معتقدند اگر تقییده دارای مهر باشد معتبر است و برخی دیگر می گویند اگر در تقییده تناسبی بین ازمنه وجود داشته باشد معتبر است: مثلا ذکر کند که روز عزیمت شنبه است و در ادامه در شرایط روحانی بخور را نیز ذکر نماید باید توجه داشت که آیا بخور متناسب با روز شنبه است و یا نه

برخی شکل مهرها را نیز مورد تاکید قرار می دهند و هر شکلی همچون شمشیر و شمشیر لبه دار و ستاره و ستاره ای که از جهت اضلاع مساوی باشد ..... حتی برخی معتقدند مهر جن, نشان اعتبار هر تقییده است و هر کس آن را داشته باشد حتی میتواند ادعای مالکیت بر دفینه را نیز بکند و در دادگاه قابل ارائه است.

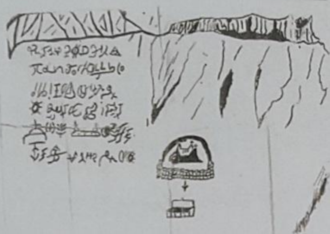
ا(۱) ب (۲) ج(۳) د(۴) ه(۵) و(۶) ز (۷) ح(۸) ط(۹) ی(۱۰)ک (۲۰) ل(۳۰) م(۴۰) ن(۵۰) س(۶۰) ع (۷۰) ف(۸۰) ص(۹۰) ق(۱۰۰) ر(۲۰۰) ش(۳۰۰) ت(۴۰۰) ث (۵۰۰) خ (۶۰۰) ذ(۷۰۰) ض(۸۰۰) ظ(۹۰۰) غ (۱۰۰۰)



"اول ما بایدمحدوده و منطقه تحت پوشش این نقشه را پیدا کنیم با تحقیق و پیدا کردن که در آن شهرها، کارخانه های تولید و کلیساها بر روی نقشه نشان داده شده است، بروید و ببیند آیا وجود دارد و چند روز جستجو برای این زمینه در نقشه انجام بدهید. نکته مهم یافتن این منطقه است. هنگامی که ما منطقه را پیدا کردیم دیگر پیدا کردن گنج آسان خواهد بود." .



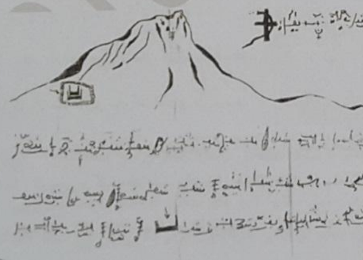
"نشانه هایی بر روی سنگ، ۲ شمشیر و دو چهار راه و یک مثلث وجود دارد، نگاه به غرب کنید" "جاده قدیم می رود به کلیسا در روستای همسایه." "قله کوه.سکه زیر سنگ میخ است " توجه: کوه برای استفاده جنگل می باشد



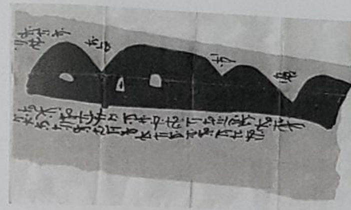
نقشه ناشناس و ناشناخته



منطقه نزدیک روستای ....



نسخه یا سند ناشناخته



سند مربوط به روستای....

برخی از سندها به زبان های محلی یا مناطق ارامنه نشین با مردم نشین که قدمت بالایی دارد مربوط باشد که مربوط به دوره ای بوده است که زیاد بصورت تاریخی ثبت نشده و زبان و فرهنگ آن ملت یا قوم رواج نبوده و زبانشان رایج نبوده است ,این سبب گمنامی و ناشناخته بودن برخی سندها یا نسخه هاست.

اطلاعات مربوط به نقشه های گنج واقعی:

یکی از بزرگترین آسیب پذیری های محققین , مشکلات در مورد جهل مردم به گنج است که می خواهند به نفع خودشان باشد.این شکارچیان گنج فروش نقشه های جعلی را، در حرفه گنج یابی به یک مشکل بزرگ تبدیل کرده اند. این واقعیت که نقشه های جعلی متمایز می شود. شما نیاز به خرید نقشه های جعلی از این نوع با منشا نامشخص دارید که باید جعلی را از حقیقی تشخیص بدهید، شهرت نباید باشد. فقط باید اطلاعات زیر را قبل از خرید چک کنید.

۱- یک نقشه مقیاس خاص در نقشه ها وجود ندارد

۲-کیفیت کاغذ است که این ایام از کاغذهای با کیفیت استفاده می شود.

۳-این روزها استفاده از قلم های مختلف و آیتم های ضخیم تر استفاده می شود.

۴-هنگامی که شما در پیدا کردن سازگاری های منطقه ای می رسید.

یک نقشه واقعی در دست شما است، شما ۱۰۰٪ مطمئن باشید که آن بیش از حد سخت است که باید حل زبان نقشه را انجام بدهید. نقشه، زبان، دانش تاریخی و کلیه اطلاعات برای حل مسائل بسیار مهم است..

این نکات را همیشه رعایت کنید تا در کارهایتان همیشه موفق باشید.

با نسخه کپی کار نکنید.اگر برای شما کپی شده بدانید برای دویست نفر دیگه هم کپی شده و ارزش خود را از دست داده.

*با نسخه ای که به خط فارسی امروزی نوشته شده کار نکنید.صد در صد جعل است.

*با نسخه درویشی اصلا کار نکنید.این نسخه ها حاصل توهم و نیز نشعه جات است.در انتهای نسخه هم طلسم هم گنجانده شده که خنده دار است.

*به فونت نسخه ها خوب نگاه کنید.جدیدا فونت های کامپیوتری هم دیده شده.

*خوب پوست نسخه را برانداز کنید که پوست دایره و تنپک یا دف که در موسیقی کاربرد دارد نباشد.

*نسخه را بو کنید.بعضی شیادان برای قدیمی نشان دادن نسخه آنرا در چاه دستشویی نگه میدارند که بوی گندی هم به خود میگیرد.

*نسخه هایی که به چندین خط و درهم هستند جعل هستند و درویشی هستند.

*برای خواندن نسخه پیش درویش و رمالها نروید.باید بگوییم که اینها درویش نیستند و آبروی درویش را برده اند.حیف نام درویش که سنبل مردانگی است ولی یکسری کم سواد شیاد این نام را برای خود گذارده اند.

هر کجا خط میخی روی پوست دیدید شک کنید چون در دوره هخامنشی اغلب کتیبه ها بصورت سنگی و گلی تهیه می شدند.



این نقشه در دست خود را متعلق به نقشه منطقه می تواند ساده تر را حل کند.

در حین علائم حفاری رو روی بعضی مکانها کتیبه های سنگی که اغلب با خط تصویری ترسیم شده اند برای ما آشکار خواهند شد که در اغلب موارد باید رمزگشایی شود و برای رمزگشایی این نوع نسخه های سنگی باید نزد یک کارشناس نسخ بروید.

گنج نامه کتابهایی بوده است که حاوی مکانهایی است که در آنجا گنجی دفن میباشدتمام کسانی که صاحب گنج نامه بوده اند همه دارای علوم غریبه و علوم قدیمی میباشند. دو نوع گنج نامه شاهی و وزیری داریم که شاهی بی ارزش است چون اکثر وزیرها به پادشاهانشان خیانت می کردند و نسخه های بیهوده ای می نوشتند(استثناء هم داریم مثلا نسخه

های تیمور لنگ بی نظیره چون از آن می ترسیدند کسی جرات خیانت کردن را نداشت جالبه که هیچکدام از نسخه هایش طلسم ندارد و از آن جالب تر اینکه در زمان حیات تیمور از ده گنج نامه پادشاهی اش فقط سه تای آن بیرون خاک بود و بقیه تو خزانه ها و قبرهای پادشاهی پنهان کرده بود و جواهرات دوران تیمور بسیار معروف بود و بیشتر دفن هایش خیلی گرانبها هستند ...)ولی نسخه های وزیری باارزش هستند البته نه همه آنها(مثلا نسخه های نصرالله وزیر اکثرش خالی هستند چون آن رو اینقدر شکنجه کردند و مجبورش کردند گنجنامه اصلی را به دست فاتحان بدهد و البته بسیاری از پادشاهان و وزیران بعد از آن نسخه های آن را به اسم خودشان بازسازی کردند...و نکته مهم اینکه نسخه های وزیری چند صفحه اولش خیلی مهمه چون تو این چند صفحه وزیر توضیح میده که چطوری از کجا این مالها را جمع کرده و کجاها به چه شکلی دفن کرده و همین طور در مورد بعضی از شکلها و حروف که در نسخه های کتاب وجود دارد توضیح میدهد که هر کدام نشانه چیه مثلا بعضی از شکلها نشانه طلسم و بعضی نشانه تله و بعضی هم نشانه متراژ و جابجایی مالها و همچنین در این چند صفحه اول توضیح می دهد که چطوری تله ها و طلسم های این گنجنامه رو باید از بین برد و ... و همچنین تعداد مهرهایی که در این چند صفحه اول وجود داره نشان می دهد که چند تا وزیر بعد از این وزیر نسخه های این گنجنامه را تایید می کنند و گنج ها را خالی نکردند و خیلی اطلاعات مهم دیگه تو اول این کتابهای گنجنامه توضیح داده می شود....

همچنین موبدان قبل از اسلام همگی دارای گنج نامه بوده اند. چون همگی آنها در زمان خودشان امانت دار بوده اند و از اموال مردم حفاظت میکردند. موبدان خود به دو قسمت تقسیم میشوند. اول موبد که اموال مردم نزد آنها به امانت گذاشته میشده است و موبد موبدان که از اموال درباریان و پادشاهان حفاظت میکردند و نقش امین و کاتب شاهان را نیز بر عهده داشتند گنج نامه ها به دوصورت وجود داشتند شاهی و وزیری

گنج نامه ها چه آنهایی که توسط اشخاص نوشته شده است و چه آنهایی که موبدان آنها را نوشته اند همگی به رمز است و طلسمات سنگینی نیز دارند و چون افرادی که این گنج نامه ها را نوشته اند به علوم غریبه آشنا بوده اند رموز سنگینی برای گنج نامه ها گذاشته اند و ترجمه آنها کار استادانی است که به خط شناسی و طلسمات آگاهی کامل داشته باشند



گنج نامه ها اکثرا روی سنگ است و بعد از آن به ترتیب روی پوست آهو و پوست گاو و گنج نامه های مهم که درباری بوده است بعد از سنگ بیشتر روی پوست کرگدن میباشد. ولی اکثر گنج نامه ها روی سنگ یشم حکاکی می شده است.قلم و

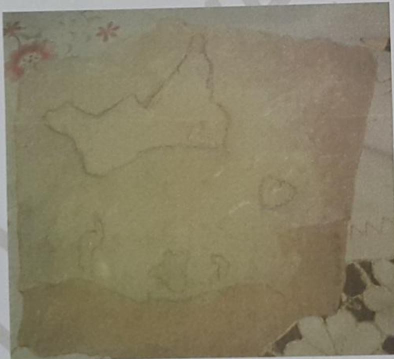
الفبایی که برای این نوع سندها بکار می بردند خط شجر می بود.خط شجر ایستاده در دوران ساسانی عمومیت داشت و عموما شجر ایستاده بود و بعد از زبان شجری , زبان عبری بود که در گنج نامه ها استفاده می شد و از دوره هخامنشی تا دوره صفوی از این نوع شجر استفاده می شد. در دوران صفوی از شجر خوابیده استفاده می کردند و سندهایی که به خط شجر خوابیده هستند بار و دفینه یا ندارند یا دفینه آنها رفته است

بیشتر نوشته های روی پوست را داغ میکردند و جوهر های مخصوصی بود که قابل شستشو بود و آب آنها را از بین نمی برد که اکثر نوشته های روی پوست با این جوهر نوشته میشده است.

بعضی اوقات نوشته هائی رو میبینم روی پوست که با خون نوشته شده است

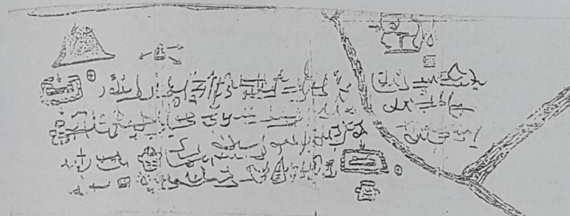
اکثر نوشته های روی پوست با خون گنج نامه یا نسخه نیست و بیشتر آنها دعا هست و جزو طلسمات محسوب میشود و اکثرا با خون کفتر نوشته میشده است.

پوستها در زمان خود دباغی میشدند و مواد مخصوصی مانند رزین و روغن به آنها میخورده است که عمر پوست رو بالا میبرده و مقاومت آن را بسیار زیاد میکرده. این پوستها اگر در جای مناسب نگهداری شوند تا پنج هزار سال عمر میکنند



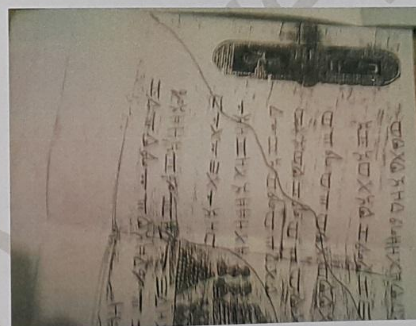
پوستها را اکثرا در جای خشک یا داخل نی نگهداری میکردند و دو سر آن را می بستند و هر چه به پوست هوای کمتری برخورد کند سالم تر میماند و عمر آن طولانی تر میشود.اکثر نسخه ها که توسط دروایش و شیادان طراحی شده است با طرح ابجد می باشد که کاملا تقلبی می باشد

در مورد کتاب های گنج یابی ابعاد این کتاب ها در مقیاس کوچک است و اندازه آنها در حد یک دفترچه کوچک میباشد که دارای ۵ الی ۱۰ صفحه میباشد که جنس پوست میباشند و روی آنها با سوزاندن خطاطی شده



نسخه های وزیری نسبت به نسخه های شاهی سنخیت بیشتری دارند چون خزانه شاه توسط وزیر خالی می شد و محل آن در نسخه های وزیری منعکس می شد. و اما نسخه های احمد وزیر البته ۴ مهرش هم خوبه حداقل ۶۰ الی ۷۰ درصدش هنوز بار دارن ....نسخه های نصرالله وزیر ۳۰ الی ۴۰ درصد بارش موند

نمونه ای از مهر وزیری را در زیر می توانید مشاهده کنید

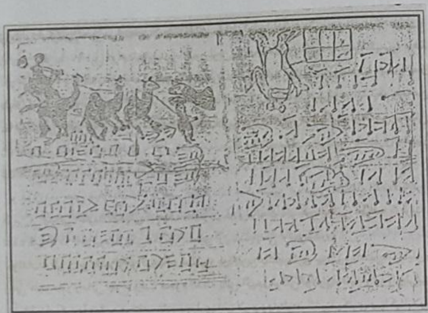


به همین دلیل است که قبر موبد موبدان همیشه بارهای نفیسی در خود دارد و جزو قبرهای بسیار با ارزش است.

....چشمه نباید فصلی باشه و یه نکته مهم دیگه اینه که چشمه ها در طول زمان از جاشون حرکت میکنن و به همین دلیل بجز چشمه هایی که از صخره بیرون میومدن برای بقیه چشمه ها از چند تا نشونی استفاده میکردن مثلا میگفتن نزدیک چشمه ای بنام فلان درخت فلان یا سنگ فلان وجود داره و از این سنگ ۶۰ گز به سمت آفتاب درآمد سه تا قبر داره......

کتیبه ها اغلب حکومتی بودند و دستور حاکمان و شاهان آن زمان بوده و در عصر جدید هم شاهان قاجار و صفوی هر جای صاف و صیقلی که پیدا می کردند اقدام به نوشتن دعا و شعر میکردند.در کل عرض کنم کتیبه های طویل نماد دفینه نیستند و جزء آثار تاریخی محسوب می شود.

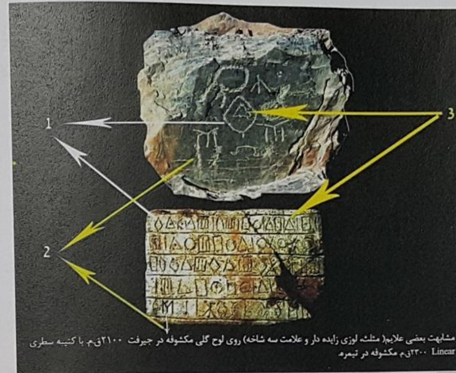
بسیاری از تپه های مشهور که در سندها و نسخه ها صد در صد دارای دفینه بودند عبارتند از :اوقلان قلعه (قلعه پسر) –قیز قلعه (قلعه دختر) – کافر قلعه- شیطان قلعه – دیو قلعه همانطور که میدانید از اسامی استفاده می شده است که فکر هیچ کس را متوجه خودش نکند.سنگ ناف و سنگ قبله هم جزو آثار نسخه ها هستند



در فن نسخه خواندن باید شیوه ادبیات و رموز صاحب نسخه را خوب شناخت .مثلا نسخه های میرداماد....میرداماد کسی بود که خودش گنجی دفن نکرد ولی نسخه های دیگر وزرا را دستکاری کرد و پیاده کردن نسخه هایش خیلی سخته و به هوش و ذکاوت زیادی احتیاج داره ولی نسخه هاش بی نظیره



در تصاویر لوح های سنگی را مشاهده می کنید که قدمت آنها به دوران اولیه زندگی انسان می رسد و رمزگشایی این نوع سنگهای تصویری به مهارت و تخصص زیادی ملزم می باشد و کار هرکسی نیست و ما دقیقا نمیدانیم که قصد و هدف نیاکان و اجداد ما از این تصاویر چه بوده است بلکه می دانیم با اعتقادات آیینی و مذهبی و هنر در هم آمیخته و عجین گردیده است .



مشابهت بعضی علایم(مثلث لوزی زایده دار و علامت سه شاخه) روی لوح گلی مکشوفه در جیرفت ۲۱۰۰ق.م با کتیبه سطری Linear ۲۳۰۰ق.م مکشوفه در تیمره

حل مسایل نقشه بسیار مهم است و باید اطلاعات زیر را دارا باشید:

۱- دانش تاریخی شما بالا باید باشد.

۲-نقشه در جهت مناسب به حفظ زمین های دولتی باشد و به مناطقت محافظت شده لطمه نزند

۳-استفاده از اعداد، متن و زبان های دیگر.

۴-آهنگ نشانه ها را از علامت ها دانستن.

۵-درک این موضوع که نقشه برای کدام دوره است.

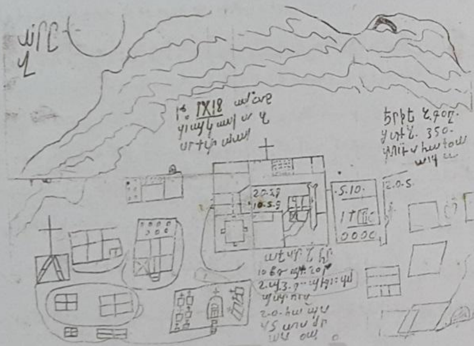
اول، اجازه دهید ما آن را بیان کنیم. هنر نقشه خواندن به خودی خود مهم است. اگر می خواهید یادگیری برای حل نقشه را آموزش ببینید ،باید بدانید که کار نقشه کار بسیار دشوار بوده و به اندازه کافی به درگیری و مهارت و استعداد نیاز دارد.

نام محل بر روی نقشه ها و منطقه ضروری است. تغییر نام هر ناحیه و منطقه از فرهنگ های متفاوت را بررسی کنید. همانطور که می دانیم، بسیاری از دوره ها , بسیاری از حکومت و سلسله ها ، نام روستا را که در آن نام جدید تغییر کرده است بسیاری حتی در نام منطقه شده است. این نوع از وضعیت ملاقات و یا مکتوبات تاریخی یا از افراد مسن منطقه باید استفاده شود و از انها باید کمک بگیرید.

نشانه ها در اثر دوره تغییرات یا نزاع ها و جنگ ها یا تغییر و تحولات فرهنگی و مذهبی، بسیاری از ساخت جاده، شهرنشینی، ممکن است نابود شده اند , باید سریع بررسی شود. دومین مسئله مهم، تخریب بلایای طبیعی است. در این رابطه، جغرافیای منطقه باید به خوبی تحت نظارت باشد.

داده ها را جمع آوری کرده داده ها را گرد هم آورده و دوباره ارزیابی کنید. نقشه باستان، برای خواندن به علت تخریب بسیار دشوار است. صبر، دانش، مهارت ها، و وظیفه است که نیاز به تحقیق است.

گنجینه، علائم گنج و معانی، شکار گنج، محل گنج , تپه دفن،سنگ مقبره ، تابوت، آشکارساز، گنج، زبان های باستانی، سکه های باستانی، سکه، لاتین، ارمنی، گنجینه های ارمنی، علائم گنج و معانی , تاریخ و دانش و ادبیات تاریخ باستان , نشانه ارمنی را باید بخوبی بلد باشید.



توجه داشته باشید که معنای نقشه از هزاران نشانه تشکیل شده است. آنچه مهم است در اینجا یکپارچگی و تمامیت مطرح است. آن را بیابید.

نشانه بوده است. شما به یک نقطه مشترک توسط سیگنال های دیگر آمده است

شما می توانید تمام نشانه را بگویید. باید به عنوان یک کل که مورد مهمی است , یکپارچگی و تمامیت در نظر گرفته شود. هر رویداد و علامتی قابل درک و تجزیه نیست ، از جمله به عنوان یک حق برای رفتن به نقطه هدف خاص را در نظر بگیرید. ۸۰٪ از نشانه ها در حل و فصل علائم ها اهمیت پیدا می کند , شما نقاط نشانه ها را پیدا کنید. به خاطر داشته باشید، گاهی اوقات نقشه ممکن است آن را اشتباه به علائم مورد استفاده شده باشد یا طور کلی صدق نمی کند..

تمام آثار و علائم یک به یک مهم بوده، که به معنی آن است که توضیح و تفسیر آن غیر ممکن است. توضیحات کوتاه، ساده و روشن ساخته خواهد شد.

چیز دیگری که اشتباه بوده است و یا دنباله و نشانه گذاری برای دوره که در آن است که فرهنگ شناخته شده است. نشانه های ارمنی و عرب، ایرانی , عثمانی، یونانی یا قفقازی معانی کاملا متفاوت هستند.

علائمهای مورد نیاز برای تفسیر و حل:

الف.با ساختار فرهنگی جامعه باید آشنا باشید.

ب. مدت زمان آن را بدانید (دوره).

ج. افراد به خاک سپرده گنج چه کسانی بودند و هدف آنها چه بوده؟؟

د. از داده ها لازم است دقیقا بدانید که در مورد چه مذهب و دینی است.

بعد ازطی رده چهار نقطه می تواند حل شود و یا معانی نزدیک معانی از نشانه ها ممکن است رخ دهد.

درک و فهم کامل:

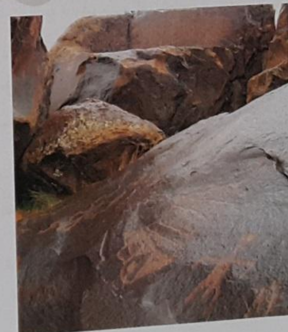
به منظور درک جهت یک نقشه کامل و بدون نقشه، بدون درک آنچه که شما به دنبال نشانه های بر روی نقشه باشید باید به درک جهت حل نقشه کامل قرار داده است , درک کامل نسخه کامل را بدانید، نشانه گروه بندی باید انجام شود به منظور بررسی اینکه آیا نشانه است یا نه؟

برای درک جزئیات نقشه کامل , همه ی جزئیات باید مورد بررسی قرار گیرد.

شاید مهم ترین درک نقشه حکومتی است. ضروری است بدانید که شما به دنبال چه چیزی هستید. از این نقطه کار را به شکل نقشه ادامه بدهید..

بدانید که یک نقشه کامل, یک کار آسان نیست. شما در حال حاضر هر کاری می کنید آسان نیست!

در بعضی از مناطق ایران که دارای تاریخ و تمدنی دیرینه و قدمتی بالا داشتند ما به سنگ نگاره های تصویری در دل کوه ها و صخره ها بر می خوریم که آدم رو به تعجب و شگفتی وامیدارد و رمزگشایی آنها دقیقا معلوم نمی باشد.



هر کسب و کار دارای برخی از مشکلات است , چالش ها و مشکلات دفینه یابی عبارتند از: کار، پول، زمان، و غیره است. آشنایی با چالش های یک گروه وبررسی آن بسیار مهم است. داده های در دسترس را بررسی کنید

شما می توانید با کمک دوستان و کارشناسان مجرب مشکلات نسخه و سندهای خود را حل کنید!

چقدر تجربه لازم است که نقشه شما را حل کند، نقشه ها، آن را مانند یک کتاب باعنوان خوانده شده. لازم به ذکر است که نقشه محل گنج را نشان می دهد ، یا اشتباه شده است.

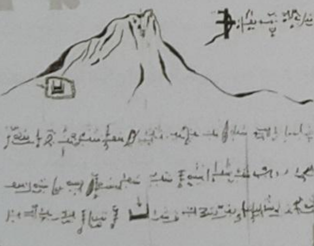
تازه ترین کار غارتگر حفاری. یکی در این تحقیق مشغول اند می گویند گنج خوب است. اگر نقشه نقطه به نقطه انجام شود به یک موضوع خاص از نقطه شروع می رسید وگرنه از نقطه نمی توانید نتیجه بگیرید, آن را دوباره امتحان کنید. آیا بدون یک نقطه دلخواه حفر معین نیاز نیست. کار، پول، زمان، و در آرزوی موفقیت بیهوده خطر نیست؟؟

آیا به جعلی بودن یک نقشه مطمئن هستید یا نقشه درست است , اگر شما مطمئن شوید باید نکات و مورد ایمنی را حل کنید که بسیار سریع نیست , امتحان کنید. نقشه های ۴-۵، راهنمایی های غلط و گمراه کننده است. در اسرع وقت حل و عنوان محل گنج شناخته شده است.

نقشه ها، به استثنای کارشناسان می تواند فورا حل شود.

راه حل واقعی مشکل تر است و نقشه گنج محل دقیق آن روشن نیست. بر اساس دنباله و نشانه های موجود هنوز هم پیدا کردن گنج وجود دارد.

نکاتی برای نسخه های گنج:



شکارچیان گنج می دانیم , مهم ترین چیز برای قرار دادن جهت مطالعه شناخت طبیعت (محیط زیست) یا منطقه می باشد که منجر به افزایش شناخت می شود.

نشانه های اصلی نقشه های موجود (کوه، تپه، رودخانه، سنگ ها، غارها، و غیره را درنظر بگیرید, شما را در تعیین جهت از نقشه کمک خواهد کرد. شما باید به درستی مسیر نقشه را پیدا کنید و نباید در اشتباه باشید.

یکی از مسائل عمده نقشه ها , از تولد خورشید از جهت شرق و غرب است،. این موضوع را می توان در سراسر نقشه ها یافت. علامت گذاری به عنوان یک یا چند نشانه و نماد, آن را نمی توان درک کرد. رویداد چیزی شبیه به یک نگاه سه بعدی به تصویر است.

نقشه ها، خورشید، باد و جهت جریان آب بسیار مهم است. حذف زاویه به جهت از نقشه باید متذکر شد که همه کار تلف خواهد شد.

پس از قرار دادن جهت از جزئیات نقشه، دقیقا در جهت دنباله و نشانه گذاری که شده باید مطمن شوید که آیا آنها باید در نقشه مورد آزمایش قرار گیرد یا نه؟

آن را سعی نکنید , گاهی اوقات نقشه را قبل از شما تخلیه کرده اند یا محل حفاری شما اشتباه خواهد بود.

ارزیابی جهت نقشه به عنوان یک عنصر مهم می باشد آن را ارزیابی کنید .رودخانه ها در نقشه. از دنباله کوه و انتهای شرق - جهت غرب و ارزیابی باید با هم پردازش شود.

جریان کار و تپه در منطقه اجازه خواهد داد که شما را به محدوده و فضای محدودی در این زمینه برسید. فضای بیشتر جهت باید توجه داشت که قرارداد با جهت جریان است.

در نقشه جریان فعلی چشمه های آب از اهمیت زیادی برخوردار است. یکی دیگر از مواردی که شما باید به یاد داشته باشید که شیب چشمه ها و تپه ها است که در اینصورت غارتگران گنج به دنبال آن بوده یا هستند یا حتی موفق شده اند.

بهار در دوران باستان، یک منبع داده های اساسی، مانند لبه از آب در نظر گرفته می شده است. آیا توجه به مکان هایی مانند این در حفاری شما مفید است؟

تامین آب، چشمه، و غیره آیا خشک شده و یا ممکن است جایگزین شود. بررسی این موضوع در جزئیات مفید است.

پایین و پایین تر رودخانه های کوه بر روی نقشه، و یا با درآمد بالا. رسیده است، بسیاری از علائم نشان دهنده منطقه رودخانه وجود دارد. این به ما در ایجاد مکان و زمین نقشه گنج سرنخ های مهمی می دهد.

نکته دیگری که قابل توجه است منبع آب و چشمه آن است .مطمئنا شما باید یک منبع آب فوری در منطقه داشته باشید.

غار موجود، سنگ، سنگ قبر مثل این است که در مکان های خاصی قرار داده شده برای تست جهت نقشه مهم است.

گریوز یا گورستان دین , یادگیری دیدگاه تغییرات در جهت است که در آن دین , می توانید در طبیعت از نگاه کردن به نقشه جایگزین کرد.

نقشه آبشارها، چشمه ها، رودخانه ها، غارها، مقبره ها می توانند معانی واقعی داشته باشد. ارزیابی یکپارچگی در این موضوع را در اهمیت قرار بدهید.

سفال ها :

سفالگری یکی از اولین و مهم ترین اختراع‌های ساخته شده توسط انسان است

ساخت سفال در ایران دارای سابقه ای طولانی و درخشان است. با توجه به موقعیت جغرافیایی خاص کشور ایران، که در محل تقاطع تمدن‌های باستانی و در مسیرهای کاروان‌های مهم واقع است، تقریبا در هر بخشی از ایران، در زمان‌های مختلف درگیر ساخت سفال بوده‌اند. با این حال، حفاری‌های اخیر و تحقیقات باستان شناسی نشان داد که چهار منطقه عمده در تولید سفال در فلات ایران وجود دارد: بخش نخست شامل غرب کوه‌های زاگرس و نواحی لرستان است. بخش دوم شامل نواحی جنوب دریای خزر است که استان‌های گیلان و مازندران را در بر می گیرد. این دو منطقه نخستین نواحی در فلات ایران بوده‌اند که سفالگری را آغاز نموده‌اند. بخش سوم شامل شمال غرب کشور و نواحی آذربایجان را شامل می‌شود. بخش چهارم در جنوب شرقی است و استان‌های کرمان و سیستان و بلوچستان را شامل می‌شود. افزون بر این ۴ منطقه نواحی کویری ایران را نیز می‌توان به آن اضافه کرد که قدمت ساخت سفال در آن به ۸ هزار سال پیش از میلاد بر می گردد.

سفالهای ایران به چند دوره تقسیم می شوند:

۱. سفالهای پیش از تاریخ :همانند سفالهای جیرفت و تپه سیلک و گنج دره کرمانشاه و......

۲. سفالهای دوران عصر آهن :که نسبت به سفالهای پیش از تاریخ ساده تر و بی نقش تر بودن(بدلیل کشف فلزات و رونق بیشتر فلزات)

۳.سفالهای ماد و هخامنشیان تا اسلام

۴.سفالهای بعد از اسلام

البته چون مبحث سفال شناسی در ادوار و سلسله و مناطق ایران مختلف ما با ذکر چند نمونه به این مقاله بسنده خواهیم کرد

سفالهای عصر آهن:



در عصر آهن بدلیل رونق فلزات سفالها بیشتر بدون نقش و ساده بودند

سفال های خاکستری رنگ سفالهای شاخص این دوره می باشند

اگر چه در دوران عصر آهن کشیدن نقش همانند سفالهای سیلک و باکون منسوخ شده بود

اما در برخی طبقه های خاص اجتماعی شان سفالهای به شکل انسان و حیوان مشاهده می شود.



دوستان عزیزم شما وقتی به جای میرید که دارای آثار هست مثلا سفــــال شکسته می تونید با جمع آوری اونها و جمع بندی به دوره های ساکن در اونجا تا حدودی پی ببرید.



روش کشف عطارد سرخ _(جیوه قرمز):



بسیاری از افرادی که در وادی کشف گنج و دفینه ها قدم گذاشته اند, معتقدند که کمیات زیادی از جواهرات در زیر زمین دفن و توسط اجنه محافظت می شوند و فک و باز کردن این سحرها ممکن نیست مگر بواسطه برخی افراد جادو گر و دجال . این عقیده البته به وجود چیری به نام عطارد سرخ(جیوه سرخ) نیز متصل شده است. عده ای قدرت عطارد (جیوه) سرخ را در تسخیر اجنه و سرقت اموال از بانکها را نقل می کنند .ما در اینجا در مورد جیوه سرخ و واقعیتهای آن و اسرار ان سخن خواهیم گفت و داستانهایی از کسی که قبل در این قضیه بوده است را ذکر خواهیم کرد.

حقیقت عطارد سرخ (جیوه قرمز):

گوین روبرتس محقق بریتانیایی معتقد است که عطارد سرخ برای اولین بار در سال ۱۹۶۸ در مرکز دوبنا که یک مرکز تحقیقاتی اتمی است تولید شده است ,به همپوستگی این ماده در حدود ۲۳ گرم در هر سانتیمتر مکعب است .از این رو میتوان ادعا کرد که این ماده یک ماده گرانبها و پر اهمیت و حیاتی است از این ماده در تولید و ساخت بمبهای اتمی نیز استفاده می شود و گاهی برخی از افراد این ماده را به بیرون مراکز اتمی قاچاق میکنند و می فروشند تا در کارهای دیگر استفاده شود, اسم این ماده البته به برخی اصطلاحات همچون جن و شیاطین و ... نیز وصل رشده است ارزش ان به میلیونها دلار می رسد و ماده ای کمیاب است.

در اغازه های دهه چهارم قرن گذشته یک شیشه که متعلق به یکی از فرماندهان ارتش در زمان حکومت خانواده ۲۷ آمون تف نخت که داخل تابوتش به علت برخی شرایط زمان حنوط شده بود یافته شد.

یک باستان شناس مصری زکی سعد در پایین مومیایی یک ماده سیال متمایل به رنگ سرخ که در این شیشه قرار گرفته بود را یافت و همچنان این شیشه بهمراه آن ماده سیال بواسطه مهر و شعار حکومت مصر نگه داری می شود. این شیشه همان چیزی است که موجب بروز همه این شایعات شده است ,این مقبره از قبل بحالت خود بوده و هر گز باز نشده بود زمانی که تابوت باز شد در کنار این ماده سیال وسایل مربوط به حنوط هم پیدا شد در نتیجه بسته بودن تابوت و همسانی و تخلیط وسایل حنوط و جسد این ماده سیال داخل شیشه ایجاد شده است با تحلیل آن دریافت گردید که آن ماده ۹۰ درصد سلولهای آدمی را داراست و ۷ درصد املاح معدنی و ۱۲ صدم درصد محلول صابونی یک صدم درصد اسید امونیاک و یک و ممیز ۶۵ درصد مواد تحنیط را دارا می باشد



این ماجرا باعث بروز برخی شایعات شد, حتی عده ای معتقد بودند که یکی از مقامهای برجسته مصری این شیشه را به قیمت ۲۷ میلیون دلار فروخته است در تازه ترین رویداد ها در مورد عطارد سرخ دستگیری دونفر جوان در مصر به اتهام دارا بودن عطارد بوده که در اختیار آنها دفینه هایی هم کشف شده بود و اعتقاد براین بود که بواسطه این ماده توانسته اند این دفینه را کشف کنند.

یکی از افرادی که قبلا در کار شعبده و سحر بوده حامد آدم می باشد او می گوید عطارد سرخ حقیقت دارد اجنه این عطارد را از انسان می گیرند و بجای آن مال و منال و پول و ثروت به انسان می دهند او میگوید عطارد برای اجنه این نفع را دارد که عمر آنها را طولانی و آنها را جوان میکند, ولی تاثیر این عطارد برای اجنه در صورتی است که آن از طریق انسان بدست جن برسد . در ازای این خدمتی که انسان به جن انجام میدهد جن میتواند مالی را به او بدهد . البته این مال همان جایی است که شعبده و سحر در آنجا ورود پیدا میکند و مسئله ای بنام تنزیل بوجود می آید ,مثلا عطارد سرخ به جن داده میشود ولی جن در برابر آن برگها را تبدیل به پول میکند برای مدتی و یا زمانی طولانی و زمانی که جنی می پرسم که این همه مال را از کجا اورده ای میگوید ازچاپخانه فلان بانک در کانادا. در حالی این واقعیت ندارد و برگها هستند که به شکل پول در نظر فرد مجسم شده اند.

راه های شناخت تقلبی از اصیل بودن:

البته این موضوع ربطی به دین ندارد و من این موضوع را از یک مهندس در منطقه مرزی چاد و نیجریه اموخته ام.

در مورد عطارد (جیوه))برخی معتقد هستند که آن شیر گنجشک است و .... در حالی که صحیح نیست در مورد عطارد چند روش تحقیق وجود دارد:

حرفی از طلا می نویسی و به تاری متصل می کنی دستت را بلند میکنی, حرف طلایی را که در هواست به جیوه نزدیک می کنید و آن به آن جذب می شود.

آن را در چهار ضلع درست میکنید می بینید که جیوه اصلی به شکل مربع نمود پیدا نمی کند .

از طریق لیمو و شیشه سفیدش که البه کاربردی ندارد و غیر فعال است

در ظرفی قرار داده می شود و زیرش آتش روشن می شود در صورت رسیدن درجه حرارت به یک نقطه معین جیوه جهش پیدا می کند.

راه دوم:

ولی نوعی از جیوه ای به رنگ قرمز می باشد که دارای مصارف ویژه ای می باشد .اکثرا در مصارف جنگی یا نظامی و در ساخت بمب ها و موشک ها کاربرد دارد.نوع کشت یافته به مقدار ویژه و مخصوص این ماده کیمیا قادر است سرعت مکانیسم

متابولیسم سوخت و ساز سلولهای بدن را کاهش دهد و باعث جوان ماندن و باطراوت ماندن سلول های بدن و در نتیجه باعث پیر شدن خیلی دیر انسان می شود چه بسا که فرد ۸۰ سال سن داشته باشد ولی مثل جوان ۴۰ ساله به نظر می رسد.۱ گرم این ماده کیمیاگر در حد میلیاردها می باشد.

شیادان و کلاهبرداران بسیاری با پی بردن به خصلت این ماده کیمیا گر ؛ شروع به ساخت ماده جعلی و تقلبی شبیه به این ماده شدند.

نوع خصلت این ماده با تجاربی که کسب شده است جیوه قرمز خاصیت الکترومغناطیسی دارد و اگر وسایل الکتریکی مانند موبایل در کنار این ماده کیمیاگر قرار بگیرد دیگر آنتن و خط نمی دهد.

راه تشخیص این ماده پس خاصیت مغناطیسی آن بوده و دومین راه برای تشخیص اصلی بودن آن , قرار دادن یک کاسه شیر در مجاورت این ماده به مدت ۱۰ دقیقه تا یک ساعت می باشد, بطوریکه اگر جیوه قرمز اصل باشد باید در طول این مدت مجاورت شیر دچار هیچ نوع تغییر رنگ و بو نشود و اگر رنگ شیر تغییر کند از این جا پی می بریم که جیوه قرمز ما کاملا تقلبی است.شاید به فکر شما اصلا نمی رسید ولی باید باور کنیم که این ماده کوچک خاصیت اعجاب انگیزی دارد.راهی که اکثر افراد مطلع نیستند و ما راز این ماده کیمیاگر را برایتان برملا کردیم باشد که در دام این کلاهبرداران میلیاردی نیفتید.

قیمتهای عطارد در وزن گرم(جهت اطلاع):

عطارد سرخ ۲ میلیون دلار

سفید ۱ میلیون دلار

سبز یک میلیون دلار

سیاه یک میلیون دلار

عطارد کاربردهایی در زمینه دریافت مال از طریق شیوخ و اسلحه و غیره دارد ولی توصیه ما این است که به جد از این ماده پرهیز شود چون از جهت بین المللی ممنوع است و نوعی اسلحه شکافنده است.

راه های شناخت طلا:

عوامل شناخت طلا عبارت است از: سنگ محک و تیزآب (اسید)، که هر کدام را به طور جداگانه بررسی می نماییم.



سنگ محک:

سنگی است سیاه رنگ از جنس سیلیسیوم و کوارتز و در شکلهای مختلف در بازار وجود دارد و در هنگام استفاده باید دمای آن حدوداً

پایان



به اندازه دمای بدن باشد، یعنی ۳۷ درجهٔ.س باشد.

تیزآب:

در بعضی از کتابها تیزآب سلطانی همان اسید نیتریک خالص می باشد که توسط محمد زکریای رازی کشف شده است. این اسید را در اصطلاح عامیانه بنام جوهر شوره می شناسند و فرمول آن (۳HNO) می باشد.

اگر در مقدار (CC۳۰) این اسید مقدار (CC۰،۵) اسیدکلریدریک (HCL) و اسم عامیانه جوهر نمک اضافه میگردد، عیار تیزآب بالاتر خواهد رفت بطوریکه تیز آب سلطانی برای اعیار=۱۷/(۷۵۰) استفاده می شود.

تیزآب سلطانی +cc (HCL۰،۵) برای عیار =۱۸(۷۵۰) استفاده می شود.

نحوه عمل (شناخت طلا):

ابتدا فلز مشکوک به طلا را روی سنگ محک (۲۰ بار) میکشیم سپس مقداری تیزآب عیار شده را روی آن میکشیم (به اندازهٔ یک قطره).

واکنش یکی از موارد زیر است:

۱- هیچ واکنشی دیده نمی شود: نتیجه آنکه فلز مربوطه طلایی با همان عیار تیزآب می باشد.

۲- رنگ اثر کشیده شده روی سنگ کم رنگتر می شود: در این حالت عیار فلز مربوطه پایین تر از عیار تیزآب می باشد.

۳- اثر روی سنگ محک بکلّی محو میگردد: که حاکی از این است که فلز مربوطه یا اصولاً طلا نیست و یا دارای مقدار کمی طلا می باشد که می بایست با آزمایشات دیگری (ری گیری) مقدار آن مشخص شود.

روش دیگر شناخت طلا:

روی قسمتی از فلز مشکوک به طلا را کمی سوهان میکشیم تا چنانچه فلز آبکاری شده است، لایه آبکاری شده از بین برود. سپس در محل سوهان زده شده یک قطره تیز آب عیار شده می زنیم:

- هیچ اثری برروی آن ندارد و این نشان می دهد که فلز طلا بوده و هم عیار و یا بالاتر از تیزآب می باشد (توجه: فلزی روی و کرم در برابر تیزآب واکنش نمی دهد که بر اساس رنگ و خصوصیت فیزیکی و شیمیایی قابل شناخت هستند.)

- محل مربوطه به روی فلز بر اثر آب سیاه می شود که هر چه سیاهی بیشتر باشد نشان دهندهٔ آن است که فلز طلا با عیار پایینتر عیار تیزآب می باشد.

- براثر ریختن تیز آب محل به رنگ سبز به جوش می آید و بعد از پاک کردن تیز آب با یک دستمال محل براق می شود. در این حالت فلز مربوطه طلا نبوده و مقطع براق شده رنگ اصلی فلز را نشان می دهد.

توجه: ضرورت دارد طلاهایی که از قبل عیار آنها مشخص باشد، داشته باشیم (عیارهای مختلف) و هنگامی که یک طلا مشخص شد در کنار آن طلایی را که قبلاً مشخص دارد روی سنگ محک میکشیم و سپس با مقایسهٔ رنگ آنها می توان عیار طلا را مشخص نمود.

طریقه پاک کردن سنگ محک:

« هر زمان سنگ محک پر شد و جای خالی برروی آن برای محک زدن دوباره نبود می توانید روی سنگ را تیز آب ریخته و سپس روی آن نمک پاشیده و بعد آنرا با آب بشویید.»

تذکر: طلای سبز از طلای زرد در مقابل تیز آب سلطانی واکنش آرامتری نشان می دهد زیرا دارای نقرهٔ بیشتری است.